



نشریه مرکز مطالعات راهبردی هیأت و مجالس مذهبی  
صاحب امتیاز: محمد رضا زائری  
مدیر مسئول: مرتضی وافی  
زیر نظر شورای سردبیری  
مدیر هنری: سید مهدی حسینی  
طراحی نامواره: استاد حمید عجمی  
چاپ: رسالت  
شمارگان: ۲۰۰۰۰

همکاران این شماره: مهدی رحمانی، میثم غضنفری، الهام حسینی، محمد مرتضوی، محمد رضا حبیبی، امیرجوهری، یدالله جباری، محسن محقق، امیر حسامی نژاد، حسین کزازلو محمد هادی فقیه



- مطالب ارسالی را با خط خوانا و بر روی یک طرف کاغذ بنویسید.
- «خیمه» در ویرایش و پیرایش آثار رسیده آزاد است.
- برای درج آگهی، با دفتر نشریه تماس حاصل فرمایید.
- نشانی: قم/خیابان انقلاب (چهارمردان) ابتدای ۴۵ متری عمار یاسر
- جنب کوچه دوم / دفتر ماهنامه خیمه
- نشانی پستی: قم ص.پ ۳۷۱۸۵/۴۴۹
- تلفن و دورنگار: ۴-۷۷۵۱۴۲۲-۰۲۵۱
- WWW.Kheimeh.org

### آیا تا به حال نشریه خیمه را خوانده اید ؟ اشاره:

محرم سال ۸۱ نشریه ای در میان نشریات دیگر، روی باجه های مطبوعاتی و روزنامه فروشی های سراسر کشور قرار گرفت و نگاه های پرسش گر اهالی مطبوعات را به خود جلب نمود. نشریه ای که نام خیمه با خط معلی بر روی آن نقش بسته بود ...  
از آن زمان تا امروز هفده شماره این نشریه چاپ شده و اتفاقاً در همین مدت خوانندگان پر و پا قرصی هم برای خود یافته است .  
اگر تا به حال خیمه را نخوانده یا آنرا ندیده اید، بدانید که خیمه، عنوان نشریه ای است که به عنوان اولین هیئت مکتوب حسینی ویژه مجالس حسینی و محافل مذهبی منتشر می شود و اگر شما جزو خوانندگان ۱۶ شماره ی پیشین باشید، حتما متوجه شده اید که در کنار هر یک از مطالبی که در صفحات نشریه آمده ، لوگو یا نشانی خاص نقش بسته، مثلا در صفحه ای که به معرفی یکی از پیشکسوتان مجالس مذهبی اختصاص یافته نشان پیر غلام وجود دارد ...  
برای آن که شما نیز مثل برخی از خوانندگان عزیز نشریه درباره مفهوم بعضی از این لوگو ها و نشان ها دچار ابهام نشوید، متن کنار هر لوگو را بخوانید تا با یک یک صفحات نشریه و عنوان های آن آشنا شوید و بیشتر و بهتر بتوانید با مطالب آن ارتباط پیدا کنید ...



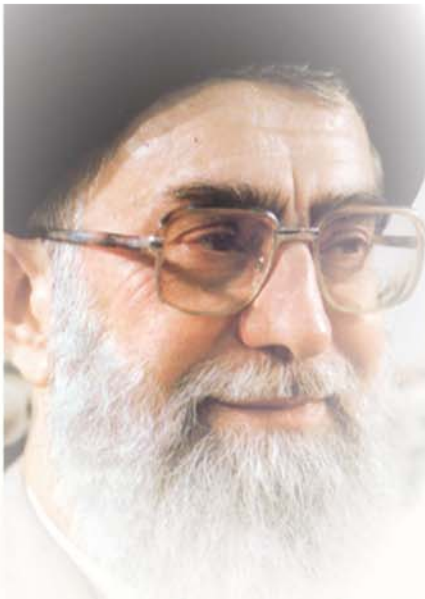
معاونت پژوهشی و آموزشی  
سازمان تبلیغات اسلامی

17-18 KHEIMEH



صفحه صلوات :

هرکاری را با توسل به اهل بیت شروع می کنیم و با صلوات بر آنان متبرک می نماییم مجالس و محافل مذهبی نیز با صلوات آغاز می شود خیمه را هم برای تبرک و تیمن با صفحه ی صلوات شروع می کنیم در این صفحه روایات نورانی اهل بیت کلمات ارزشمند و سخنان گهربار بزرگان علما و اندیشمندان را خواهید خواند.

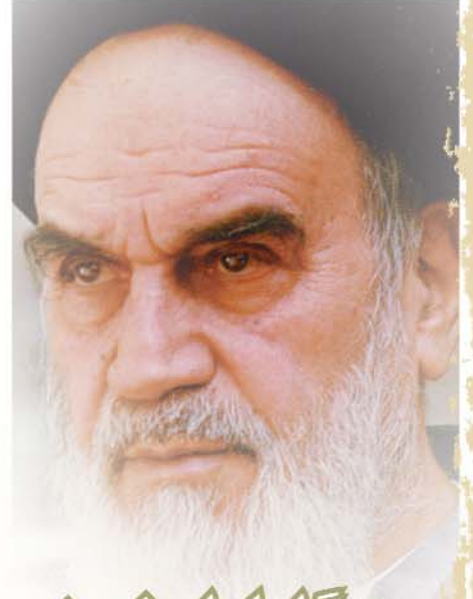


## فاطمه زهرا سلام الله علیها از نگاه رهبر معظم انقلاب

اگر شخصیت فاطمه زهرا (س) برای ذهنهای ساده و چشمهای نزدیک بین ما آشکار می شد ما هم تصدیق می کردیم که فاطمه زهرا (س) سرور همه زنان عالم است. بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه ای برسد که برابر مرتبه انبیا و اولیاست.

فاطمه زهرا فجر درخشانی است که از گریبان او خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است. آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن ستاره های فروزان ولایت قرار گرفته است. همه ائمه (ع) برای مادر بزرگوار خود تکریم و تجلیل قائل بودند که برای کمتر کسی این همه احترام و تجلیل را از آن بزرگواران می شود دید. زنان مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی خود باید زهرا (س) را از جهت خردمندی، فرزاندگی و عقل و معرفت، الگو و سرمشق خود قرار دهند و از بُعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه، تصمیم گیریهای عظیم اجتماعی، خانه داری، همسر داری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر (س) پیروی کنند.

اسلام فاطمه (س) را، آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی را، به عنوان نمونه و اسوه زنان معرفی می کند. آن زندگی ظاهری او، جهاد او، مبارزه او، دانش او، سخنوری او، فداکاری او، شهرداری او، مادری او، همسری او، مهاجرت او و حضور او در همه میدانهای سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه جانبه او که مردهای بزرگ را در مقابل او به خضوع وادار می کرد. اصولاً درک نادرست از شخصیت زن، که میراث نامبارک فرهنگ های غیر اسلامی دخیل در اندیشه مسلمانان است، باعث شده است که آن حضرت تنها از زاویه دختری برای پیامبر (ص) و مادری برای ائمه (ع) مطرح شود و آن شایستگی ها و گزینش الهی که در شکل گیری زندگی و شخصیت آن حضرت نقش برجسته داشته و زندگی و صفات فاطمه زهرا (س) را به عنوان اسوه ای برای همه زنان و همه انسان ها، به ویژه زنان، مطرح می سازد، مجهول بماند. حضرت زهرا (س) برتر از همه زنان برگزیده و سرور زنان از آغاز تاریخ بشر تا پایان است.



## دیدگاه امام خمینی در مورد فاطمه زهرا سلام الله علیها

من راجع به حضرت صدیقه سلام الله علیها خودم را قاصر می دانم ذکر می بکنم، فقط اکتفا می کنم به یک روایت که در کافی شریفه است و با سند معتبر نقل شده است و آن روایت این است که حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «فاطمه سلام الله علیها بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند، و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می کرد.»

ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز مراد او ای بوده است یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه اول از انبیا عظام درباره کسی این طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل رفت و آمد داشته است ... مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست، خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید. امکان دارد بیاید، یک تناسب لازم است بین روح آن کس که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است ...

حتی درباره ائمه هم ندیده ایم که وارد شده باشد این طور که جبرئیل بر آنها نازل شده باشد، فقط این است که برای حضرت زهرا سلام الله علیها است آن که من دیده ام جبرئیل به وفور در آن ۷۵ روز وارد می شده و مسائل آتیه ای که بر ذریه ی او می گذشته است، این مسائل را می گفته است و حضرت امیر علیه السلام هم ثبت می کرده است. در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضائلی که برای حضرت زهرا سلام الله علیها ذکر کرده اند ... بالاتر می دانم. ۲

۲- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷۸.

خیمه افتادند، مطمئناً دلی سرشار از شور حسینی داشتند.

● آئمه خاتون مهرانی - قائم شهر  
خیمه یعنی پرش به سوی رسیدن به معارف حسین(ع). خیمه یعنی نگرشی تازه به افق زندگی امام حسین(ع).

● رقیه سادات حسینی - قم

قطعه ای آسمان در زمین.

خیمه یعنی: تسکینی بر دردهای پیدا و پنهان،

بزم صمیمانه من و تو

خلوتگده ای زیبا و آشنا برای درد دل

با لبهای خشک و چشم های تر

السلام علی الحسین

● زهره سادات موسوی - سمنان

خیمه یعنی پل اتصال قلبی با اهل بیت. خیمه یعنی

تاریخی در زمان، خیمه یعنی شور یعنی یک دنیا

سوز و گداز، یک دنیا عشق، آنان که به فکر برپایی

## خیمه یعنی ...

خیمه یادآور خیمه های کریلاست که سلطان عشق را به همراه ۷۲ عاشق فدایی در خود جای داده است.

● مرتضی جمال زاده - اصفهان

خیمه یعنی: تندیس آرامش،

سفرکردن به ژرفنای آرزوهای خدایی

انتهای بی نهایت.

خیمه یعنی: آبی ترین قسمت زمین،





# شکوه‌ها از شتمکاری امت

السلام عليك يا رسول الله عنى، و عن ابنتك النازلة فى جوارك و السريعة للحاق بك! قل يا رسول الله، عن صفيتك صبرى، و ورق عنها تجلدى، الا ان فى التأسى لى بعظيم فرقتك، و فادح مصيبتك، موضع تعزى، فلقد وسدتك فى ملحودة قبرك، و فاضت بين نحرى و صدرى نفسك. «فانا لله وانا اليه راجعون»  
فلقد استرجعت الوديعه، و اخذت الرهينه، اما حزنى فسرمد، و اما ليلى فمسهد، الى أن يختار الله لى دارك التى انت بها مقيم، و ستنبئك ابنتك بتضافر امتك على هضمها، فاحفها السؤال، و استخبرها الحال؛ هذا ولم يطل العهد، ولم يخل منك الذكر، و السلام عليكما سلام مودع، لا قال ولا سئم، فان انصرف فلاعن ملالة، و ان أقم فلاعن سوء ظن بما وعد الله الصابرين.

سلام بر تو ای رسول خدا (ص)! سلامی از طرف من و دخترت که هم اکنون در جوارت فرود آمده شتابان به شما رسیده است! ای پیامبر خدا! صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه (ع) کم شده است و توان خویشتن داری ندارم، اما برای من که سختی جدایی تو را دیده، سنگینی مصیبت تو را کشیده ام، شکیبایی ممکن است. این من بودم که با دست خود تو را در میان قبر نهادم، و هنگام رحلت، جان گرامی تو، میان سینه و گردنم پرواز کرد. «پس همه ما از خداییم و به خدا باز می گردیم».

پس امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد، و به صاحبش رسید، از این پس اندوه من جاودانه و شب هایم، شب زنده داری است، تا آن روز که خدا، خانه زندگی تو را برای من برگزیند.

به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امت تو چگونه در ستم کاری بر او اجتماع کردند. از فاطمه (س) بپرس، و احوال اندوهناک ما را از او خبر گیر، که هنوز روزگاری سپری نشده، و یاد تو فراموش نگشته است. سلام من به هر دوی شما، سلام وداع کننده ای که از روی خشنودی یا خسته دلی سلام نمی کند. اگر از خدمت تو بازمی گردم از روی خستگی نیست، و اگر در کنار قبرت می نشینم از بدگمانی به آنچه خدا صابران را وعده داده نمی باشد. ۱.

## پی نوشت:

۱- خطبه ۲۰۲ نهج البلاغه.

۱/ شناسنامه

۲/ فهرست/ کلامی از مولا

۳/ صلوات

۴/ خطبه/ هیأت های حزبی و احزاب هیأتی

۵/ علم و کتل

۸/ همایش برترین های تبلیغ

۱۰/ منبر/ اصلاح جامعه در گرو ترویج معارف دین است

۱۱/ پیر غلام/ اینجا فقط حسین

(برگهایی از زندگی شیخ حسین کبیر)

۱۲/ مهدیه/ بینش آخرالزمانی اهل کتاب

۱۵/ زمینه/ آسیب شناسی سوگواری عاشورایی

۱۶/ تاگر بلا/ طواف شمس عشق

(به یاد شهید مرتضی آوینی)

۱۸/ حنجره ای فقط برای خدا(به یاد مرحوم مودن زاده)/

مثنوی عشق و دلدادگی(به یاد مرحوم آغاسی)

۱۹/ بحر طویل/ طناب

۲۰/ منبر/ گم شده ام را پیدا کردم

۲۲/ از پنجره نگاه شما/

توصیه های خانم بزرگ به مداحان و همسرانشان

۲۲/ آداب/ امر به معروف و نهی از منکر

۲۶/ زمزمه/ بازخوانی نقش اخلاص در سلوک ستایشگری/

نگاهی به مجموعه شعر های شاعر اهل بیت محمد جواد شفق

۳۰/ روی نوار مداحی

۳۲/ مقتل/ مصیبت نامه در چند پرده

۳۳/ حسین بن علی راز خداست/ جستاری از آنه ماری شیمیل

۳۶/ کوچه/ مصاحبه با عبدالرضا هلالی

۳۸/ مسجد آرگ، عطر دلهای سوخته

۳۹/ کوچه/ مصاحبه با حاج منصور ارضی

۴۰/ میداندار/ دریای علم و معرفت - سید علامه بحرالعلوم

۴۲/ آیین های عزاداری

۴۴/ زمینه/ جلوه های رفتاری امام حسین در عرصه مدیریت

۴۵/ خیمه هنرمندان/ محرم زایش موسیقی در ایران/ گریه بر غربت ماه

(نگاهی به دو اثر موسیقایی)/ اخبار هنری

۴۹/ روضه/ منع گریه

۵۰/ زمزمه/ شعر فاطمی

۵۲/ شرح خطبه حضرت زهرا(س)

۵۴/ فاطمیه، غفلت ها و حساسیت ها

۵۶/ زهره ملکوت

۵۷/ بحر طویل/ مثل هر شب

۵۸/ فاطمیات/ فرهنگ مکتوب فاطمی

۶۰/ بیرق /

۶۱/ نامه های رسیده

حاج آقا دعا بفرمایید

۶۳/ فرم اشتراک



# اخبار مذهب

## صفحه علم وکتل :

هیات عزاداری که از سر کوچه می آید همه ابتدا علم وکتل آن را می بینند! علم وکتل خبر از آمدن هیات می دهد. صفحه علم وکتل در نشریه خیمه هم از محافل و هیئات مذهبی خبر می دهد. در این صفحه خبرها و گزارش های ویژه ی محافل مذهبی را که در رسانه ها درج شده، می خوانید.



تحقیق بر روی این کتاب را آغاز کردم. جلد اول این کتاب درباره شعرای عرب است که درباره نهضت ابا عبدالله شعر گفته اند و اشعار این شاعران را گردآوری کرده ام، شعرهای عربی اعراب گذاری و ترجمه شده اند و در کنار اشعار، خلاصه ای از زندگی شاعر، احوالات، سبک کاری و ویژگی های شعری او را نیز بررسی کرده ام».

«اولین شاعر عرب که درباره این حادثه شعر گفت، حضرت زهرا (س) بوده که شعری با عنوان «کریلا یا کریلا» دارد و زمانی که گهواره امام حسین (ع) را تکان می داده این شعر را سروده است، بعد حضرت علی (ع) زمانی که از جنگ صفین برمی گشت شعری درباره این واقعه گفت. پس از آن، خود ابا عبدالله الحسین (ع)، حضرت زینب (س)، لقمان، دختر امام حسین (ع)، ریاب همسر امام حسین (ع)، ام البنین، اشعاری راجع به این حادثه یا شهدای کریلا گفته اند».

## دومین همایش بین المللی تمدن اسلامی برگزار شد

دومین همایش بین المللی تمدن اسلامی در منطقه ولگا اورال اول تا پنجم تیرماه، در کازان پایتخت جمهوری تاتارستان به صورت مشترک از سوی مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی شهرداری کازان و آکادمی علوم تاتارستان، موسسه تاریخ کازان، تاتارستان، برگزار شد.

دومین همایش بین المللی تمدن اسلامی از مجموعه همایشهایی است که مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی از اواسط دهه ۱۹۸۰ با تمرکز بر تاریخ تمدن اسلامی در مناطق گوناگون دنیا برگزار کرده است. اولین همایش بین المللی تمدن اسلامی در منطقه ولگا اورال در ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ در کازان برگزار شد؛ که موسسات آکادمیک سراسر روسیه و تاتارستان و ۶۰ دانشمند و محقق از سراسر قاره آسیا حضور یافتند.

همایش امسال، اهداف اولیه همایش بین المللی تمدن اسلامی را تقویت کرده و آن را گسترش می دهد، همچنین بر فرآیندهای معرفی و گسترش تمدن اسلامی در منطقه ولگا اورال تأکید می کند.

تاریخ همزیستی فرهنگها و ادیان، روابط میان اسلام و دیگر ادیان در بافت روشنفکرانه، میراث اسلامی و چند فرهنگی منطقه در زمینه های علمی و تجلی معاصر این میراث تاریخی، از مواردی بود که در این همایش بدان پرداخته شد.

این همایش به زبانهای تاتار، روسی و انگلیسی برگزار شد.

یک مسئول اداره اوقاف و مساجد «احسا» گفت: زمینی که این حسینیه بر روی آن ساخته شده، به همراه هزینه ساخت آن، به مبلغ شش میلیون ریال سعودی، را یک تاجر شیعه پرداخت کرده است. این تاجر از خانواده شیعه معروف به «بوخمسین» است.

## دو روحانی اهل سنت کتاب زندگینامه امام حسین (ع) را به چاپ رساندند

کتاب زندگینامه امام حسین (ع) به نام «امام عاشقان» به مناسبت سالگرد شهادت سرور و سالار شهیدان، توسط دو روحانی اهل سنت به چاپ رسید.

این کتاب توسط ماموستا «ملا عبدالله علایی نیا» و ماموستا «فاروق سفی زاده» چاپ و منتشر شده است.

این کتاب در ۹۷ صفحه و در تیراژ پنج هزار نسخه وارد بازار شده است.

نویسندگان در مقدمه این کتاب به ارادت و ایمان قلبی خود به خاندان امام حسین (ع) اشاره کرده و آورده اند: «امام حسین (ع) به علت ترویج امر به معروف و نهی از منکر و به دلیل ترویج دین حضرت محمد (ص) دست به قیام عاشورا زده است».

همچنین در مقدمه این کتاب آمده است: «امام حسین با خون خود تفسیرگر قرآن بود». این کتاب با مشارکت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان و معاونت روابط عمومی و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج کشور چاپ و منتشر شده است.

## دانشنامه «شعر عاشورایی» مکتوب شد

کتاب دانشنامه شعر عاشورایی در دو مجلد و با مقدمه «بهاءالدین خرمشاهی» در بیش از هزار صفحه، توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد.

در این دانشنامه اشعار عاشورایی بیش از ۲۰۰ شاعر عرب و نزدیک به ۵۰۰ شاعر پارسی گوی گردآوری شده است. این کتاب که در مدت زمانی بیش از پنج سال تدوین و نگارش شده است، بیش از ۴۵۲ مدخل دارد و در هر کدام از این مداخل به اشعاری که درباره حادثه کریلا سروده شده و همچنین سوگنامه-هایی درباره شهیدان این حادثه و حضرت ابا عبدالله الحسین، ذکر شده است.

مرضیه محمد زاده، محقق و نویسنده دانشنامه شعر عاشورایی، در باره این کتاب گفته است: «من از سال ۱۳۷۵

## نهضت حسینیه سازی در مناطق شیعه نشین عربستان

با افزایش تلاش های شیعیان عربستان و موافقت حکومت سعودی، نهضت حسینیه سازی در مناطق شرقی این کشور، وارد مرحله تازه ای شده است.

شبکه «الراصد» وابسته به شیعیان عربستان، از ساخت یک حسینیه در شهر «احساء» خبر داد و اعلام کرد که این حسینیه در راستای ده ها حسینیه ی ساخته شده در مناطق شرق عربستان، بنا شده است.

بخش اعظم جمعیت دو میلیونی شیعیان عربستان، علاوه بر مدینه، در قسمت های شرقی عربستان و مناطق «احساء»، «قطیف» و «دمام» سکونت دارند که به رغم تحمل فشارها، طی سال های گذشته، با سیاست های جدید امیر عبدالله، آزادی های بیشتری یافته اند.

بنا بر گزارش «الراصد»، بزرگ ترین حسینیه در شهر «الہفوف» در «احسا» و نزدیک مرکز شهر «التسویقی» و در چند متری بازار تاریخی «القیصریه» و در نزدیکی یکی از مساجد اهل سنت ساخته می شود. این مکان در نزد شیعه به «دار العباده» معروف است و ساخت آن در راستای ساخت ده ها حسینیه که در «احسا» و «القطیف» و «الدمام» و بیشتر شهرهای منطقه شرقی ساخته شده است، انجام می شود. هزینه ساخت این حسینیه، بالغ بر هفت میلیون ریال عربستان می باشد و بزرگترین حسینیه ای است که به این شکل ساخته می شود.

در این حسینیه، بخشی به زنان و بخش دیگری به مردان اختصاص دارد. همچنین کلاس های درس مذهبی شیعه برای کودکان و بزرگسالان و کتابخانه های ویژه دیداری و شنیداری برای امامان جماعت شیعه و مسئولان حسینیه ساخته شده است.

ساخت این حسینیه همچون حسینیه های نجف و کریلا و بارگاه حضرت زینب در دمشق می باشد. مهندس مسئول ساخت این حسینیه گفته است: این حسینیه دارای گنبدی بزرگ و طلایی با ارتفاع ۱۲ متر و قطر ۲۴ متر است و مناره های بلند آن به ۴۵ متر از سطح زمین و قاعده آن به طول شش متر و به رنگ طلایی است.

بنای این حسینیه مانند مسجد ایرانی که در دمشق، کنار مسجد اموی برای شیعیان بنا شده، با سنگ سفید اردنی پوشیده شده است. همچنین این حسینیه دارای بالابر برقی برای مردان و زنان است، زیرا برخی به خاطر کهولت سن، بالا رفتن از پله ها برایشان مشکل است.





# هیأت‌های حزبی از حزب‌های هیأتی و موج دوم

صفحه خطبه:

خیمه اولین هیئت  
مکتوب حسینی است و  
خطبه همان سرمقاله  
ای است که مدیر  
مسئول نشریه آن را  
می‌نویسد و درحقیقت  
باشما که در این هیأت  
مکتوب قدم گذاشته‌اید  
سخن می‌گویید.

بود، روحیه هیئتی و مردمی ایشان بود. شاید بعضی تشکیل نمایشگاه هرساله عطر سیب و نمایشگاه فاطمیه و حمایت مادی و معنوی از نه هزار هیئت حسینی در تهران و هیئات بسیاری از شهرها، حمایت از فعالیت‌های فرهنگی مذهبی، پرداختن به مسئله مهدویت و سوق دادن سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به سمت حرکت‌های اصیل دینی با حفظ نوگرایی و نواندیشی را کاری زیادی و برنامه‌ای از پیش تعیین شده برای جلب آرای مردمی بدانند و این گونه حرکت‌ها را مقطعی و یک نوع سیاست بازی تلقی نمایند اما حقیقت آن است که ایشان با تمام وجود به این مجموعه و نهاد عظیم فرهنگی دینی یعنی هیئات و تشکل‌های مردمی عشق می‌ورزند و بارها در عمل نیز این عشق و ارادت را نشان داده‌اند.

ایشان و دیگران باید بدانند و می‌دانند این پیروزی که در حقیقت پیروزی مردم و نظام است با پشتوانه مردمی بدست آمد که در بزرگترین پایگاه اجتماعی کشور یعنی هیئات به عنوان قویترین مجموعه در میان احزاب و گروه‌ها، اقتدار عضویت و خدمتگزاری دارند.

در این پیروزی سهمی خاص از آن هیئتی‌ها و حتی احزاب هیئتی‌ها است. آنها که به دنبال دولت اسلامی و جامعه دینی با حفظ حریم و شأن مردم و مملکت هستند. آنها که به اسلام، به عنوان تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت انسان نگاه می‌کنند. آنها که تفکر اهل بیته را همراه با عدالت و مهرورزی و رفق و مدارا می‌دانند. و مثل هیئتی‌ها، جامعه را مجلس امام حسینی می‌دانند که در آن همه افراد با هر سلیقه و قیافه و مقامی «چون هیئتی‌هاست»، محترم است و مورد توجه آنها که می‌ترسند مملکت و دولت، هیئت‌گذاری شود نه هیئت را شناخته‌اند و نه دستگاه پر مهر و محبت امام حسین را و البته اگر یک بار دیده باشند که چگونه جلوی مسجد و حسینیه کفششان جفت می‌شود و دم در چند نفر تحویلشان می‌گیرند و خوش آمد می‌گویند، تا می‌نشینند چای قند پهلو جلوبیشان می‌گذارند، منبری با دلسوزی و محبت برایشان حرف می‌زند و از خوبی‌ها می‌گوید و آخر سر هم روضه و اشک، آن هم اشکی که بعد از آن هیچ‌گاه باز نشده‌ای نمی‌ماند و خدا وعده کرده است که هیچ‌گاه ای باز نشده نباشد و هیچ گرفتاری‌ای حل نشده نماند و هیچ حاجتی برآورده نشده رد نشود، و بعد هم سر سفره غذای امام حسینی می‌نشینند و ظرف غذای تبرکی با احترام دستشان داده می‌شود آن وقت حرفشان از پس می‌گیرند و دعا می‌کنند که خدا کند نه تنها دولت و مجلس هیئتی باشند که مملکت و همه مسئولان هیئتی و امام حسینی باشند و آداب هیئت‌داری را بدانند تا در موج سوم باز گرفتار نشوند و در سرگردانی و حیرت، انگشت به ندان نمانند.

حماسه‌ای دیگر بیافریند. موج دوم از راه رسید و خیلی‌ها را مبهوت کرد تا در همین تحیر بنشینند و در ماهیت و حقیقت این موج دوم تأمل کنند شاید بتوانند خود را با سمت و سوی این موج همراه سازند و خدای ناکرده از قافله جا نمانند. واقعیت این است که در میان کاندیداها، اندیشه‌های حزبی و مجموعه‌های فعال، آنچه آرای مردمی را به سمت خود جلب کرد توجه به مبانی اصیل فرهنگی و مسایل اجتماعی و گره خوردن با توده مردم و تبیین اصول دین مانند عدالت و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض در متن برنامه‌ها و توجه صادقانه به وضع معیشتی مردم بود. شاید بگویید و حق هم دارید که برنامه تمام کاندیداها و تفکرات حزبی و گروهی آنها ناظر بر چنین حرف‌ها و شعارهایی بود، پس چرا؟ ...

راز این مطلب را باید در سابقه فکری و رفتاری کاندیداها، شعارها و تفکرات حاکم بر مجموعه‌های آنها دانست. مردم خوب می‌دانند و می‌فهمند که شعارها و حرف‌ها چقدر با جان و روحیه فکری افراد گره خورده است و افراد و گروه‌ها هم می‌دانند که به شعارها و برنامه‌هایشان چقدر معتقدند و احتمالاً الآن خوب فهمیده‌اند از چه چیزهایی کم گذاشته‌اند و از چه مسائلی غافل مانده‌اند و چه باید می‌کردند و چه نمی‌کردند. بگذریم... اگر نگاه دوباره‌ای به حرف‌ها، تحلیل‌ها، گزارش‌ها و اخبار روزهای آخر و خصوصاً دور دوم انتخابات شود، «بر اساس آمار مرکز رسانه‌ای خیمه»، بیش از صد مورد در رسانه‌ها و اخبار، بحث تشکل‌های دینی و هیئت‌های مذهبی بوده است و به نقش تأثیرگذار آنها در این دوره از انتخابات توجه شده است. شاید در هیچ دوره‌ای این قدر حرف از هیئات و تشکل‌های دینی نبوده است و البته این هم جای خوشحالی دارد و هم جای دقت و تأمل و گاه احساس خطر و هشدار. در هیچ دوره‌ای از انتخابات، این‌گونه هیئات به صورت متمرکز و سازمانی در بحث انتخابات وارد نشده بودند و مسئولان هیئات و مباحثان و واعظان و منبری‌ها، هیچ‌گاه این مقدار خود را درگیر در متن سیاست و مسایل اجتماعی و حضور در صحنه انتخاب نکرده بودند. به این اخبار توجه کنید:

برگزاری همایش بزرگ مردمی استان قم با سخنرانی کاندیدای محترم ... برگزار کننده: هیئت ...  
برگزاری همایش بزرگ مردمی استان تهران در ورزشگاه شهیدشیرودی با سخنرانی کاندیدای محترم ... و مداحی مباحثان اهل بیت آقایان ... به مناسبت ولادت حضرت زینب (س)  
تجمع وعظ و منبری‌ها و مسئولان هیئات مذهبی با حضور ... ستاد انتخاباتی آقای ...  
حمایت هیئت‌های مذهبی دانشگاه‌های ... از کاندیداتوری آقای ...

اگر محکوم به سیاست زدگی و طرف‌داری از فرد خاص نشویم و دیگران حرف خیمه را حامل بر حمایت از یک جناح و تفکر نکنند باید این واقعیت را انعام کرد که آنچه رئیس‌جمهور برگزیده راز دیگران ممتاز ساخته

زمانی این چند سطر را می‌نویسم که نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده، و ملت در حرکتی شجاعانه و پرشور، با مشارکت بالای خویش، رئیس‌جمهور دولت آینده را برگزیده‌اند.

جای هیچ شک و تردیدی نیست که در این دوره همگان در بوته امتحان و آزمایش الهی قرار گرفتند و تجربه تازه‌ای از موج دوم حرکت مردمی در طول ۲۵ سال دوران شکوهمند انقلاب اسلامی را آزمودند. گرچه در حاشیه این رویداد مهم، حرف و سخن بسیار است اما تعصب صنفی و نوع رویکرد نشریه حکم می‌کند تا از زاویه‌ای خاص این حرکت تأثیرگذار مردمی مورد دقت قرار گیرد.

چند سال پیش که ماهنامه خیمه با نگاه به هیئات به عنوان بزرگترین پایگاه و نهاد اجتماعی کشور روی دکه‌ها آمد، خیلی‌ها از ظرفیت و استعداد این مجموعه کارآمد غافل بودند و سال‌ها بود که مجالس حسینی و هیئات از نگاه متولیان فرهنگی و نخبگان کشور دور مانده بود. عده‌ای با یک نگاه سنتی و قشری این محافل را فقط جای عزاداری، دسته‌های سینه زنی، علم و کتل، سر و صدا می‌دانستند و غیرت پرچم، نام هیئت، طول صف‌های زنجیرزنی‌شان، رنگ شام و تعداد سفره‌ها، نام و نشان سخنران و مداح، همه هم و غمشان شده بود. بعضی دیگر فقط هیئت‌رایک سخنرانی می‌دانستند که همه آرام و باطمینان نشسته‌اند و فقط مستمع‌اند و منبری در پایان اظهار فضلش، گریزی می‌زند و از باب خالی نبودن عریضه جمله‌ای از مقتل را اشاره می‌کند، آن هم ناتمام می‌گوید:

«رفت بالای ... و لا حول ولا قوه الا بالله» و تا مستمع بخواهد درک مصیبت کند و قطره اشکی از گونه‌اش سرازیر گردد چراغها را روشن می‌بیند و مبهوت و ناراحت از اینکه چرا جرات نکرده در آن مجلس روحانی و باوقار حتی زرمزه یا حسین سردهد و عقده دل خود را خالی کند.

و برخی هیئت‌ها را فقط جای شور و احساسات می‌دانند و سبک شعر و نوحه، تعداد ضرب سینه زنی، نوع خم و راست شدن‌ها، تعداد تکرار اگو، جنس دستگاه و مدل میکروفون آنها را مشغول کرده است، می‌نشینند تا منبری حرف‌هایش تمام شود، آن وقت از روی سر و کول ملت بالا می‌روند تا جلوی مداح بنشینند و فیض کامل ببرند! و البته دوستان مداح ما هم گاهی وقتها از این اظهار ارادت‌ها و هیاهوها، خیلی بدشان نمی‌آید!

و در این مدت هرچه خیمه و خیمه‌نشینان داد زدند که هیئات! به داد هم برسید. مسئولان! علما! دلسوزان! مجالس حسینی را دریا بید. متولیان فرهنگی! و رسانه‌های ملی! قدرت و نفوذ این مجموعه جریان‌ساز را درک کنید، حرف‌ها ماند و گذشت و گذشتند...

روزی که همه پیام‌دوم خرداد را درک کردند و یا مجبور شدند بفهمند، کسی گمان نمی‌کرد موج دیگری در راه است تا باز هم معادلات سیاسی و گمانه‌زنی‌های نخبگان و نظرسنجی‌های گاه ساختگی را برهم‌زند و

والسلام

• مرتضی وافی

## نیویورک تایمز: رشد خیره کننده مذهب در سراسر جهان

روزنامه «نیویورک تایمز» از پیشرفت خیره کننده مذهب در سراسر جهان خبر داد.

این روزنامه، در مقاله ای نوشت: در حال حاضر، تقریباً به استثنای اروپای غربی، به هر نقطه از جهان که نگاه می اندازیم، مذهب به طور آشکار و خیره کننده ای یک نیروی رو به پیشرفت به شمار می رود.

کشورهای کمونیستی پیشین، تحت احاطه مسجدسازان و مبلغان مذهبی، آزاد از هرگونه عقیده دینی درآمده اند. در چین، کلیساهای خانگی زیرزمینی، به سرعت در حال ازدیاد می باشند، به گونه ای که نه مسئولان و نه رهبران مسیحی، هیچ کدام نمی توانند آمار دقیق و معتبری از آنها در اختیار داشته باشند. در بیشتر بخش های آمریکای جنوبی و مرکزی، کلیساهای فراوان فرقه بنیادگرایی مسیحی با نام pentecostal که در آن عبادت کنندگان «روح القدس» را فرا می خوانند و با زبان محاوره ای سخن می گویند، در حال گسترش بوده و با سنت کاتولیک رم درستی‌زند. در ایالات متحده نیز محافظه کاران مذهبی که نقش پیروزمندانه ای را در انتخاب دوباره بوش کسب کرده اند، به طور روزافزونی درصد گسترش قدرت خود در حیطه سیاست، رسانه و فرهنگ هستند.

همچنین حادثه «سونامی» در آسیا در تحریک تجدید حیات مذهبی بی تأثیر نبوده است؛ چرا که قربانیان و شاهدان این واقعه طبیعی به سوی مساجد، معابد و کلیساهای روی آوردند تا در درک این مصیبت و فاجعه، از مقامات مذهبی یاری جویند و بتوانند در کنار آن، حمایت های انسان دوستانه ای را در این باره فراهم آورند.

نویسنده این مقاله سپس با اظهار خشم از این واقعیت، ادعا کرد: ارزیابی این مسئله که هرچه جهان مذهبی تری داشته باشیم، به معنای جهانی سرکش تر است آسان است، چرا که در جهان کنونی، کشمکش های سخت و شدید از سوی جنبش های بنیادگرایی افراطی، تغذیه و تشدید شده اند.

با آنکه کارشناسان می گویند، کاملاً مشخص است که جریان مذهب گرایی در حال شدت و اوج گرفتن است، اما هنوز موضوع بنیادگرایی روشن نیست و ممکن است، خیزش و مقابله رو به رشدی در مقابل بنیادگرایی از هر نوع عقیده و مذهب در حال شکل گیری باشد.

سریع ترین مذهب در حال رشد دنیا، شامل هیچ نوع از بنیادگرایی نمی شود. پس از انتخابات ریاست جمهوری

امریکا در ماه نوامبر، برخی نظریه پردازان آزادیخواه، به ملت راجع به قدرت یافتن بنیادگرایان مسیحی در کشور هشدارهایی داده اند.

## مراسم تشییع پیکر آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی (ره) در قم برگزار شد

پیکر آن عالم ربانی پس از تشییع، از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) و پس از اقامه نماز، توسط آیت الله بهجت، با قرائت متن پیام مقام معظم رهبری در مسجد بالاسر حرم کریمه اهل بیت، در



کنار مزار آیت الله احمدی میانجی به خاک سپرده شد. متن پیام مقام معظم رهبری به شرح ذیل است: «درگذشت مرحوم مغفور آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی رحمه الله علیه، فرزند مرحوم آیت الله العظمی اراکی قدس سره را که خود از علمای محترم و عضو جامعه مدرسین بودند به فضیلتی حوزة مقدس قم و به خانواده و فرزندان معزز و مکرم و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت می گویم و از خداوند متعال برای آن عالم بزرگوار رحمت و مغفرت طلب می نمایم»

## پای صحبت های مداح ۵ ساله اهل بیت

محمد جواد سلطانی نونهال و مداح پنج ساله هرسینی، از خودش می گوید.

وی از سه سالگی مداح اهل بیت بوده و با وجود سن کم در کنار کار مداحی به امر فراگیری قرآن کریم و ورزش نیز اشتغال دارد. او هم اکنون چند جزء از قرآن کریم را به صورت شعر حفظ می باشد.

محمد جواد به ورزش کونگ فوتوآ می پردازد و به همه همسالان خود توصیه می کند حتماً در کنار درس و ورزش، برای مسائل دینی اهمیت فوق العاده ای قائل شوند و در

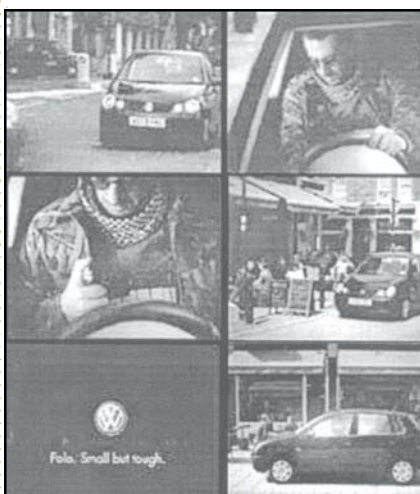
مجالس مذهبی حضور بیابند.

به گفته محمد جواد، وی نزد هیچ استادی تعلیم مداحی ندیده و فقط از طریق CD و نوار کاست به تمرین مداحی می پردازد. او، خانواده اش را مشوقان اصلی در ادامه راهش معرفی می کند.

## تبلیغ محصول جدید فولکس واگن توسط عملیات استشهادی یک فلسطینی!

تبلیغ محصول جدید فولکس واگن اعتراض های بسیاری را به همراه داشته است.

در این تبلیغ که به صورت فیلم کوتاه ساخته شده است، یک فلسطینی پس از تهیه یک فولکس واگن با بستن تعداد زیادی مواد منفجره به کنار یک رستوران اسرائیلی می رود. در این زمان وی ضامن مواد منفجره را می کشد اما تنها خودش کشته شده و اتومبیل سالم می ماند و هیچ فردی در این عملیات انتحاری آسیب نمی بیند.



به دنبال اعتراض مسلمانان به این فیلم تبلیغاتی، مقامات شرکت فولکس واگن ضمن عذرخواهی از سوء تفاهم پیش آمده اعلام کردند که پخش تبلیغات این ماشین جدید ادامه خواهد داشت!!



# کتابخانه

## فرهنگ دین های جهان در پایگاه اینترنتی قرار گرفت

دانشنامه فرهنگ دین های جهان، به زبان فارسی در پایگاه اینترنتی قرار گرفت.

این فرهنگ شامل اصطلاحات، برخی از واژگان این مفاهیم آیین بودا، آیین جین، آیین زردشت، آیین سیک، تنجیم، جادو و رازوری، جانشین های دنیاورز دین، جنبش های دینی نو در جوامع غربی و جنبش های دینی نو در جوامع نخستین هستند.



جنبش های دینی نو در ژاپن، دین آمریکای لاتین، دین ایرانی غیر زردشتی، دین پیشا تاریخ، دین تبتی، دین یونانی، دین های اروپای باستان، دین های آفریقایی، دین های آفریقایی کاراییبی، دین های اقوام شمالگان، دین های اقیانوس آرام، دین های آمریکایی، دین های آمریکای میانه و دین های چینی برخی دیگر از واژگان موجود در پایگاه اینترنتی ادیان است.

علاقمندان از طریق آدرس اینترنتی

[www.religions.ir](http://www.religions.ir)

می توانند به منابع موجود در آن دسترسی داشته باشند.

## ماکت حرم مطهر امام حسین (ع) در دارالقرآن آستان قدس رضوی ساخته شد.

ضریح ساخته شده امام حسین (ع) به همراه ۷۲ پروانه و طرحی اسلیمی، به نام بته جقه، که روی آن پرچمی قرار داده است، مهیای نصب گردید. زهرا رضاپور یکی از سازندگان این ماکت در مورد آن گفت: «ساخت این ماکت را از عید غدیر آغاز کردیم و روز دوم

محرم به اتمام رساندیم».

وی گفت: هر یک از اجزای این ماکت دارای نماد و نشانه ای هستند و هر کدام پیامی را دربر گرفته اند.



وی اظهار داشت: «دو رحل قرآن که در داخل ضریح قرار دارد اشاره به ۲ مرقد امام حسین (ع) و حضرت علی اکبر (ع) داشته و ۷۲ پروانه دور ضریح اشاره به ۷۲ یار امام حسین (ع) در صحرائی کریلا دارد».

وی تصریح کرد: «ما به طریقی این ماکت را ساخته ایم که هم اشاره به زمان حال دارد و هم اشاره به زمان امام حسین (ع)».

رضاپور عنوان کرد: «این ماکت از آکاسیو، پارچه و مقدار کمی چوب درست شده است». لازم به ذکر است، این ماکت توسط گروه معرق، خوشنویسی و طراحی، غرفه های هنرهای قرآنی دارالقرآن آستان قدس رضوی ساخته شده است.

## آیت الله مرعشی: فعالیت شرکت های گلدکوئیست و ای بی ال، شرعی نیست.

آیت الله حاج سید جواد مرعشی فعالیت شرکت های هرمی، مانند گلدکوئیست و ای بی ال و مانند آنها را غیر شرعی اعلام کرد و گفت: چون در انجام این قبیل امور به طور معمول خدعه و نیرنگ وجود دارد لذا انجام کارهای این چنینی از نظر شارع مقدس، جایز نیست.

مدرس حوزه علمیه در ادامه افزود: اگر در نیت صاحبان این شرکت ها، خدعه و نیرنگ و قصد کلاهبرداری موجود باشد، درآمدشان کاملاً حرام بوده و تصرف در آن جایز نیست.

ایشان در پایان از افراد جامعه خواست که از سرمایه گذاری در چنین شرکت هایی که در پی جذب سرمایه های سرگردان هستند و تولیدی انجام نمی دهند خودداری کنند تا راه کلاهبرداری از این طریق بسته شود.

## چهلمین روز درگذشت شهید حاج سهراب نظیری

مراسم چهلمین روز درگذشت شهید حاج سهراب نظیری با حضور نماینده ولی فقیه و امام جمعه شیراز، آیت الله حائری در آرامگاه نور شیراز برگزار شد.

در این مراسم پیام تسلیتی را که از طرف دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و نمایندگان مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی به خانواده شهید فرستاده شده بود، توسط یکی از مداحان اهل بیت قرائت شد. در قسمتی از این پیام آمده است:



«شهادت مظلومانه بسیجی فداکار و خادم آستان مقدس حضرت سید الشهداء، مرحوم حاج سهراب نظیری را به مردم وفادار استان فارس و هیئات مذهبی و خانواده بزرگوار شهید، صمیمانه تبریک و تسلیت عرض می نمایم. این مرد بزرگ عمری را در راه خدا و خدمت به مردم سپری کرد و در دفاع مقدس همواره پشتیبان رزمندگان اسلام بود و دو فرزند خود را در راه خدا، ابراهیم وار به قربانگاه فرستاد، امید است که خدای متعال برای عموم بازماندگان صبر و اجر و توفیق، کرم فرماید.»

در پایان، شرکت کنندگان در مراسم با توجه سرایی و سینه زنی، یاد این اسوه مقاومت و شجاعت و سخاوت و بردباری را گرامی داشتند.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.



در فعالیت های صدا و سیما داشته باشیم. چرا! خیلی از کارها را متأسفانه دیر شروع می کنیم و لطمه اش را هم می بینیم. **خیلیا:** طراح این کار چه کسی بود؟ چه شد که به این فکر افتادید؟

اوایل اسفند سال ۸۲ که به عنوان معاونت تبلیغ دفتر تبلیغات اسلامی وارد کار شدم، باید برنامه سال ۸۳ را تنظیم می کردم. با توجه به اینکه مبنای من بر این بود که در عرصه های مختلف تبلیغ وارد شویم، چه در عرصه های فرهنگی تبلیغی و چه در عرصه های برنامه ریزی تبلیغی، چه در عرصه نوآوریهای تبلیغی، چه در گستره روشهای تبلیغی، موضوعات مختلفی مد نظر بود. یک عده ای از دوستان عزیز که سالهای سال در واحد تبلیغ تبحر و تجربه داشتند، دورهم جمع شدند و ایده هایی مطرح شده که نوع آن ایده ها در مجموعه سیستم دفتر و هیأت امنای دفتر در سیستم برنامه ریزی دفتر به تصویب رسید. و زمینه ای اجرای آن فراهم شد. یکی از آن ها همایش برترین- های تبلیغ بود.

**خیلیا:** چه سازمان ها و نهادهایی در برگزاری همایش برترین های تبلیغ با شما همکاری کردند؟

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، حجت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای خاموشی، ریاست محترم صدا و سیما جناب آقای ضرغامی، که ایشان نماینده مشخص کردند که همکاری این آقایان منجر به تشکیل کمیته ای متشکل از چهار دستگاه شد. ما معتقدیم سایر دستگاهها می توانند در ارتباط با عرصه تبلیغ با ما همکاری شوند که به مرور زمان با موضوعات مختلفی که در نظر گرفته ایم با آنها تماس خواهیم گرفت و امید داریم که یک حرکت کلان و هماهنگ در نظام جمهوری اسلامی اتفاق بیفتد.

**خیلیا:** به نظر شما، صدا و سیما در انعکاس این همایش ضعیف عمل نکرد؟ حضور نماینده شان خوب و فعال بود، اما ما بیش از این انتظار داشتیم. انعکاس و انتقال این حرکت در سطح ملی حداقل انتظار ما بود. در عرصه به این مهمی که در عرصه منبر و بخشی در رابطه با خود صدا و سیما بود. البته من تشکر می کنم از مسئولان شبکه چهار و شبکه قرآن که به صورت زنده پخش کردند ولی برنامه شبکه قرآن بینندگان خاص خودش را دارد. ما انتظار داشتیم در شبکه های ۱ و ۲ به صورت زنده یا پخش غیر مستقیم پخش شود. الان هم دیر نشده است. ما از جناب آقای ضرغامی و متولیان

صدا و سیما و مدیران شبکه ها می خواهیم که در شبکه های ۱ و ۲ پخش کنند. در این همایش، نکوداشت از پیشکسوت ها را مقدم داشتیم که بعضی از آنها بالای ۱۰۰ سال الی ۱۰۳ سال از عمر خود را در راه تبلیغ سپری کرده اند و تقریباً ۵۰ سال میانگین زمان تبلیغ آنها بود، یعنی نیم قرن در راه تبلیغ اسلام زحمت کشیدند. تجلیل از چنین مبلغینی باید بسیار وسیع تر از این باشد. اینها باید معرفی شوند و صدا و سیما باید بیش از این سرمایه گذاری کند.

**خیلیا:** چرا تبلیغات خود شما کم رنگ بود؟

به دلیل اینکه تعداد میهمانان قریب به ۳۰۰ نفر از خطبای شهرستانها بودند که نوعاً به جهت کهنلت سن، همراهانی داشتند. البته قریب دو سوم مدعوین قطعی بود که می آیند برخی هم عذرهایی داشتند که مثلاً خطبای استان کرمان به دلیل تقارن با حضور مقام معظم رهبری در کرمان نتوانستند در همایش حضور داشته باشند یا به خاطر کهنلت سن و بیماری نمی- توانستند به قم سفر کنند. لذا تعداد همراهان و مدعوین قابل پیش بینی نبود و نگران بودیم که اگر کار تبلیغاتی بکنیم و ازدحام جمعیت باشد برای آقایانی که ما دعوت کردیم جا نباشد، لذا تصمیم گرفتیم که کارت دعوت تهیه و ارسال کنیم تا جمعیت تحت کنترل باشد و ظرفیت و فضای مناسب و کافی برای جمعیت مشتاق در اختیار نداشتیم.

**خیلیا:** ملاک شما برای تقدیر از عزیزان مبلغ در بخش رسانه ای چه بود؟

ما به نوعی از همه ۳۰۰ نفر در این جلسه تقدیر کردیم. به همه سروران لوح تقدیر و هدایایی از طرف نهادهای برگزار کننده اهدا شد.

از هشت نفر در بخش رسانه تقدیر ویژه شد. مقصود ما روحانیونی بودند که در تولید برنامه های صدا و سیما فعال بودند. برنامه ساز بودند نه مثلاً یک روحانی سخنرانیش ضبط شده و پخش شود، این در برنامه ما تعریف نشده بود. کسانی که برای صدا و سیما مثل آقای قرائتی برنامه تولید می کنند اینها ملاک ما بودند. البته از روحانیونی که ارتباط مستمر با صدا و سیما داشتند حدود ۶۰ نفر را تجلیل کردیم. این هشت نفر را هم یک کمیته داور متشکل از صاحب نظرانی که سالیان سال با صدا و سیما ارتباط داشتند و بعضاً مسئولین این کار در عرصه رسانه بودند انتخاب کردند. داور به صورت فنی و با توجه به نیاز رسانه به آنها انجام شد و نسبتاً انتخاب خوب و قابل قبولی داشتند.





# بررسی‌های تبلیغ



عمومی یک خطیب صحبت کند، ابتدای صحبتش توسل به اهل بیت است، وسط صحبت هم بعضی اوقات به اهل بیت متوسل می شود و هم چنین در پایان منبر و این توسلات موجب انس بیشتر مستمعین با اهل بیت می شود.

**حکایت ۱:** این همایش چه اهدافی را دنبال می کرد؟

امیدواریم با لطف الهی بحث نکوداشت برترین های تبلیغ در منبر و خطابه را که شروع کردیم دنبال کنیم. همچنین در عرصه رسانه، از اهدافی که دنبال می کنیم استعداد سنجی است، ببینیم چه داریم؟ ظرفیت سنجی کنیم چه داریم و چه خلاءهایی وجود دارد که الحمد لله این اتفاق افتاد. در این نکوداشت ما تا حدودی سرمایه - هایی را که در این عرصه داریم شناسایی کردیم. تنها غرض ما برگزاری یک نکوداشت و اهداء تقدیرنامه و تجلیل نبود بلکه این مقدمه ای بود برای کار اساسی تر و بلندمدت و عرض می کنم که مقدمات آن فراهم شده است. الان خطبای کشور شناسایی شده اند. با کمک همین سروران، اطلاعات را داریم تکمیل تر می کنیم که دقیقاً کل خطبای کشور توانمندیهایشان شناسایی شود. چه کسانی هستند؟ چه توانمندیهای علمی و تبلیغی دارند؟ چه مقدار فرصت دارند و در حال جمع کردن تجارشان هستیم، تا احیاناً در قالب آموزش به طلاب جوان منتقل کنیم، واگرخواهیم برنامه هایی را سیاستگزاری کنیم، ویا هماهنگ اجرا کنیم، باز این امکان ارتباطی هست.

ما ۱۴ عرصه تبلیغی را در نظر داریم که بخشی از آنها در این نکوداشت مورد توجه قرار گرفت.

**حکایت ۲:** به عنوان معاونت تبلیغ دفتر تبلیغات اسلامی فکر می کنید چند سال آینده به کجا می رسیم و چه برنامه هایی دارید؟

گمانم این است که چهار پنج سال آینده یک تحول چشم گیر در عرصه منبر و خطابه و حتی در عرصه رسانه را شاهد خواهیم بود. منبر و خطابه در اختیار ما هست ولی عرصه رسانه، متولیان بیرون از سازمان روحانیت که صدا و سیما هست دارد. امیدوارم آن آقایان هم بزرگواری کنند کمک کنند زمینه هایی را برای تعاملات تهیه و فراهم کنند، بیایند و از بستر حوزه، کارشناسی خودشان را تعریف کنند نه خارج از حوزه که متأسفانه صدا و سیما ارتباط تنگاتنگ با بدنه حوزه ندارد.

البته اقدامات خوبی انجام شده، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، رادیو معارف. اما انتظار ما فراتر از این است، ما معتقدیم بیشتر از این می توانیم تأثیر محتوایی دینی

همایش برترین های تبلیغ از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه در تاریخ ۸۴/۲/۱۵ در محل سالن اجتماعات مدرسه علمیه دارالشفای برگزار گردید. به همین منظور با معاونت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم حجت الاسلام اسکندری گفتگویی ترتیب داده شد که می خوانیم:

**حکایت ۳:** آیا همایش برترین های تبلیغ سابقه داشت؟

تحت عنوان برترین های تبلیغ کارهایی در حوزه انجام شده، مثلاً قبلاً همایش برترین های تبلیغ در عرصه کتب مربوط به مهدویت برگزار شد، منتهی اختصاص به روحانیت نداشت بلکه از همه صاحب نظران اعم از حوزوی و دانشگاهی و غیره که در این عرصه زحمت کشیده بودند تقدیر به عمل آمد.

همایش تجلیل از برترین های مهدویت در مطبوعات طی ۲۵ سال گذشته برگزار شد ولی خصوصیت و ویژگی همایش برترین های تبلیغ این بود که مختص روحانیونی بود که در عرصه های مختلف تبلیغی فعال بودند.

**حکایت ۴:** منبر و خطابه چه نقشی در دنیای امروز و عصر رسانه ها و ارتباطات دارد؟

مهمترین مسئله که در همایش مورد نظر بود، بحث توجه به منبر و خطابه بود که مورد غفلت واقع شده است. بعد از انقلاب توجه ویژه ای به این موضوع نشد و برخی گمان می کردند که عصر منبر و خطابه دیگر گذشته است. در حالی که این عرصه، عرصه زنده و پویا و به روز هست. عرصه تبلیغ چهره به چهره است، عرصه تبلیغ گرم است، عرصه تبلیغ رو در روست، عرصه تبلیغ دوسویه است.

خطیب توانا کسی است که در منبر و خطابه، حالات و روحیات مخاطبین را کاملاً در نظر داشته باشد تا کلام او در مخاطب مؤثر باشد. به خلاف صدا و سیما که عرصه ارتباط یک سویه است و به اقتضای حال مخاطب نیست بر خلاف عرصه تبلیغی منبر و خطابه. علاوه بر این که از جهت روحی و روانی عرصه تبلیغ و خطابه چهره به چهره آثار بسیار عجیبی در روح انسان دارد و بالاخره، منبر و خطابه در نگاه فرهنگ اسلامی ما آمیخته با توسل به اهل بیت است و خطیب موفق باید سخنرانش را با توسل به اهل بیت عجین کند و شاید این ویژگی منحصر به فرد برای خطبای شیعه است. خطیب مفاهیم دینی را برای مخاطب بیان می کند. مردم با معارف دین آشنا می شوند. این معارف را شاید از یک نوشته هم بتوان بدست آورد، یا از طریق تلویزیون با این معارف آشنا شد، اما اگر در یک جلسه خطابه در یک مسجد، در یک حسینیه، در یک محل





صفحه پیرغلام:

شما هیاتی های جوان، همیشه در گوشه و کنار مجلس عزاداری، پیران و پیش کسوتانی را می بینید که جوانی خود را صرف عاشقی در محضر اهل بیت نموده اند و موی سپیدشان، به رو سپیدی شان در پیش آقا امام حسین علیه السلام شهادت می دهد. صفحه ی پیرغلام ویژه ی معرفی این چهره های قدیمی و ماندگار هیئات مذهبی است؛ آنانی که سالیان سال در محافل حسینی خدمت کرده اند و تجربیات آنان می تواند برای هیاتی های جوان و مشتاق، راه گشا باشد. صفحه پیرغلام در حقیقت آلبومی از تجربیات، نظرات و نیز خاطرات ماندگار این چهره های ارزشمند است.



برگهایی از دفتر زندگی پیرغلام امام حسین

ابوالشهادت حاج تسبیح حسین کبیرتهرانی

# اینجا فقط! حسینی

پيامبر خواند و بعد هم ذکر مصیبت مادر سادات حضرت زهرا (س)، و بعد رفت، تا ایام شهادت حضرت زهرا یعنی ۷۵ روز بعد پیدا نشد.

ایام شهادت حضرت زهرا در منزل آقای حاج شیخ محمود امجد آمد و روی منبر نشست و روضه خواند. مجلس که تمام شد، دیدم خیلی منقلب است. پرسیدم: چیزی شده؟ گفت: آن روز که روضه مادر سادات را خواندم، زمین خوردم و دستم شکست، شبها از درد دست خواب نداشتم، گاهی ساعتها ناله می زدم، دردش عادی نبود، تا چند شب پیش که بی تاب از درد خوابم برد، دیدم مادر سادات حضرت زهرا (س) نگاهی کردند و فرمودند: روضه ی من را می خوانی، تازه کمی فهمیدی من شبها و روزها بعد از پدر چه کشیدم؟

## من کنار نعش پسرم نبودم!

وقتی غلامرضایش شهید شد، بعضی به ظاهر دوستان سرزنشش می کردند، خیلی آزرده شد، مدتی رفت و آمد را قطع کرد، و دیگر خیلی ها را تحویل نمی گرفت، هر جوری بود درب خانه اش رفتم، در زدم و وارد شدم، دیدم نشسته و اشک می ریزد. خیال کردم ناراحت غلامرضایش است. می دانستم خیلی دوستش داشت. تنها پسرش بود. رشید و با ادب و خوش چهره، گفتم: خدا صبرت بدهد. اشکهایش ریخت و گفت: دیشب خدمت مولایم حسین رسیدم! فرمود: حاج شیخ حسین، یک عمر روضه من و علی اکبرم را خواندی نفهمیدی من چه کشیدم، اما تازه کمی حس کردی داغ جوان یعنی چه؟

بعد می گفت: گاهی آنقدر بدنم داغ و پر حرارت می شود، هرچه آب خنک می خورم، باز تشنه ام و می گفت گاهی می روم زیر دوش آب سرد می ایستم تا کمی خنک شوم، مادر شهید می گوید: حاج حسین سرما می خوری. می گویم: چه کنم بدنم داغ است، دارم می سوزم. و او می گوید: حاج حسین، این حرارت، حرارت معمولی نیست، داغ جگر است، داغ فرزند است، با آب که خنک نمی شود.

از آن به بعد روضه های علی اکبرش حال و هوای دیگری داشت. می گفت مردم، من می فهمم داغ فرزند یعنی چه. داغ جگرگوشه یعنی چه. تازه من کنار نعش پسرم نبودم و این گونه بی چاره شدم، اما حسین، فدای آن آقای که بالای سر جوانش علی اکبر آمد. دست و پا زدن علی اکبر و ناله آخرش را شنیدم، که فریاد زد یا ابتاه علیک منی السلام. حسین چه کشید! داغ پسر با جگرش چه کرد؟ بی جهت نبود صورت به صورت جوانش گذاشت و بعد سر بلند کرد و صدا زد: علی دنیا بعدک العفا؟

مرحوم حاج شیخ حسین کبیر تهرانی، متولد دیماه سال ۱۳۰۸ هجری شمسی بود. خیلی ها او را در ابتدای حضور و سکونتش در قم با پالتوی بلند و گاه کلاهی بر سر، دیده بودند. هیکل قوی و نیرومند و عضلات درم پیچیده بازوانش او را از بقیه متمایز ساخته بود. خیلی ها از سابقه و سرگذشتش چیزی نمی دانستند، اما در اولین برخورد با نگاه نافذ و تبسم روی لبهایش، و با مزاح و بذله گویی هایش آنچنان با او انس می گرفتند که به راحتی حاضر به ترک مجلسش نمی شدند.

او در مکتب امام صادق (ع)، دروس حوزوی را آموخت و در دوران اختناق و ستم شاهی با تمام وجود به دفاع از مکتب و حوزه و طلاب پرداخت.

و در انقلاب و جنگ تحمیلی تنها پسر و جگرگوشه اش را، به نام غلامرضا، در دوازدهم آبانماه هزار و سیصد و پنجاه و نه تقدیم اسلام کرد. آنچه یاد و نام حاج شیخ حسین کبیر تهرانی را جاودانه ساخته است، اخلاق و روحیاتی است که در یاد و ذهن دوستان و آشنایانش مانده است و در میان همه ی روحیاتش، عشق و محبت او به سیدالشهدا و یارانش وصف ناشدنی بود. او شیفته اهل بیت بود و دلباخته اولاد علی و زهرا و این را می شد از مجالس روضه و ذکر مصیبت خواندنش از اشک و سوز و اخلاصش فهمید.

از این شماره بنا داریم تا با نقل حکایات و خاطرات و داستان زندگی پرفراز و نشیبش، کمی از دین خود را به پیر غلامان سیدالشهدا ادا کنیم.

• انشاء الله

## مثل برق حرکت کرد و از ما دور شد.

صبح روز بعد از دفن بدن حاج شیخ حسین، یکی از دوستان را دیدم، سراسیمه و ناراحت پرسید: برای حاج حسین اتفاقی افتاده؟ گفتم: مگر خبر نداری؟ گفت: نه. گفتم: دیروز از دنیا رفت. گوشه ای نشست، بغض کرد و زد زیر گریه. آرام که شد گفت: دیشب در عالم رویا دیدم صحرائی تیره و تاریک، خیلی ها بودند، با لباس پاره و سر و روی گرد و غبار آلوده، این طرف و آن طرف می دویدیم و فریاد می زدیم. ناگهان حاج شیخ حسین سوار بر اسب سفیدی آمد خوشحال و سرحال، جلویم که رسید گفتم: چه خبر؟ گفت: اینجا فقط حسین. یک اشاره شون به سر و مثل برق حرکت کرد و از ما دور شد.

## تازه کمی فهمیدی من شبها و روزها چه کشیدم!

۲۸ ماه صفر آن سال که ایام رحلت حضرت رسول بود، در مجلسی بودیم. حاج شیخ حسین کبیر آمد و روضه





### صفحه منبر:

نشریه خیمه ویژه هیات مذهبی و تمام هیاتی‌ها تهیه و ارائه می‌شود. هیات جایی است که همه ی افراد در تمام سطوح فکری و علاقه‌ها و انگیزه‌های مختلف در آن حضوری یابند. خیمه نیز مثل تمامی هیات‌ها به تمام مخاطبان خود میزبان علاقه و انگیزه ی آنان توجه دارد. و صفحاتی تخصصی را ویژه ی آنان فراهم می‌آورد. صفحه منبر یکی از این صفحات است که به نکات و مطالب آموزشی ویژه خطابه و منبر درج خطرات تبلیغی معرفی و نقد شیوه‌های فن بیان اختصاص یافته است. فضلا و طلاب گرامی و مبلغان عزیز می‌توانند با مطالعه ی این صفحه پیرامون حوزه ی تخصص خویش با نشریه ی خیمه ارتباط داشته باشند.



آیت الله جوادی آملی :  
اصلاح جامعه  
در گرو ترویج  
معارف دینی است

### حجت الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی:

اهل بیت (ع) همتای قرآن کریم هستند. قرآن کریم دشمنان زیادی دارند و خداوند هم خود حفاظت از کتاب آسمانی را بر عهده گرفتند. اما خداوند چنین وعده ای را در مورد تورات، انجیل و اهل بیت (ع) نداد. اگر خدای ناکرده اینها هم نظیر تورات و انجیل تحریف بشوند ما چه کار کنیم؟ این عزاداری‌ها، سینه زدن‌ها و مراسم‌ها بهترین ذخیره‌های دنیا و آخرت ماست و نه تنها انقلاب ما را حفظ کرده است بلکه برزخ و قیامت ما را حفظ خواهد کرد.

ما یقین داریم که دشمنان نمی‌توانند دست به قرآن بزنند چون خدا وعده حفظ داده، اما چنین وعده ای را در مورد کربلا نداده است، نکته‌ای که حادثه کربلا را از دروغ و خواب و خیال و جعل و تحریف حفظ می‌کند. باید بدانیم که شرف ما در منبر رفتن است. دلمان می‌خواهد مردم اصلاح شوند و منبر نیرویم، ولی این شدنی نیست. شما که فضل و تقوی دارید و حرفتان مقبول است، مردم مقبولات می‌خواهند. مقبولات مال حوزه و دانشگاه است، مردم هم دین خود را از ماه رمضان و محرم دارند.

باید برای مردم حرف صحیح گفت. اگر شما طلاب نرفتید خدای نکرده دیگری این جای خالی را پر می‌کند. در پاکستان حرف اول را ناکرین می‌زنند و علما معزولند. اگر خدای نکرده حرف به دست دیگران بیافتد یکی خواب می‌بیند دیگری خیال می‌کند و ... به این سمت حرکت می‌کنند. اگر عاطفه باشد و عقل نباشد، اشک با سند و برهان و استدلال نباشد، مشکل جدی به دنبال دارد. حسین بن علی (ع) بسیاری از کشورها را اداره می‌کند. حادثه کربلا یک بحث عمیق خارج می‌خواهد تا دلایل قیام و حرکت و مأموریت‌ها و سخنرانی‌ها تبیین شود.

نگذارید این فرهنگ به دست هر کسی بیافتد. از صاحبان مجالس می‌خواهم. شما علما را دعوت کنید. اشک هم کنار آن باشد اما بعد از یک ساعت سخنرانی عالمانه یک محقق حوزوی باشد. خواهشیم از عزاداران این است که اول علم، علم، علم و بعد اشک و گرنه اینجا هم مثل کشورهای دیگر خواهد شد.

### نگاه حاشیه ای به منبر، آسیب مهم تبلیغ است.

پیامبر گرامی اسلام تأکید زیادی بر امر تبلیغ داشتند و قرآن هم به ایشان می‌فرماید با مردم به طور بلیغ و به گونه ای صحبت کنید که مطالب را درک کنند. پس در درجه نخست رسول مکرم اسلام و اهل بیت ایشان پرچم تبلیغ را بر دوش داشتند و تأثیرات زیادی بر مردم داشتند. نکته بعد اینکه انسان‌ها در تمام مراحل زندگی نیاز به شنیدن و موعظه دارند، چرا که در شنیدن تأثیری است که در خواندن وجود

ندارد. در تاریخ مشاهده می‌کنیم که گاهی حضرت ختمی مرتبت (ص) به عبدالله بن مسعود می‌فرمایند برای ایشان قرآن تلاوت کند، با اینکه حضرت حافظ و عامل به قرآن بودند، یا اینکه به جبرئیل می‌گوید: «مرا موعظه کن» و یا گاهی اوقات حضرت امیرالمومنین (ع) به کسانی که شأنیت آنها بسیار پایین تر از حضرت بود، می‌فرمودند که ایشان را موعظه کنند. تمام اینها به این دلیل است که:

هست اندر صورت هر قصه ای

خرده بینان را ز معنا حصه ای

از امام سجاده (ع) پرسیدند که سکوت بهتر است یا سخن؟ حضرت فرمودند: سخن بهتر است، چرا که فضایل سکوت با سخن بیان می‌شوند.

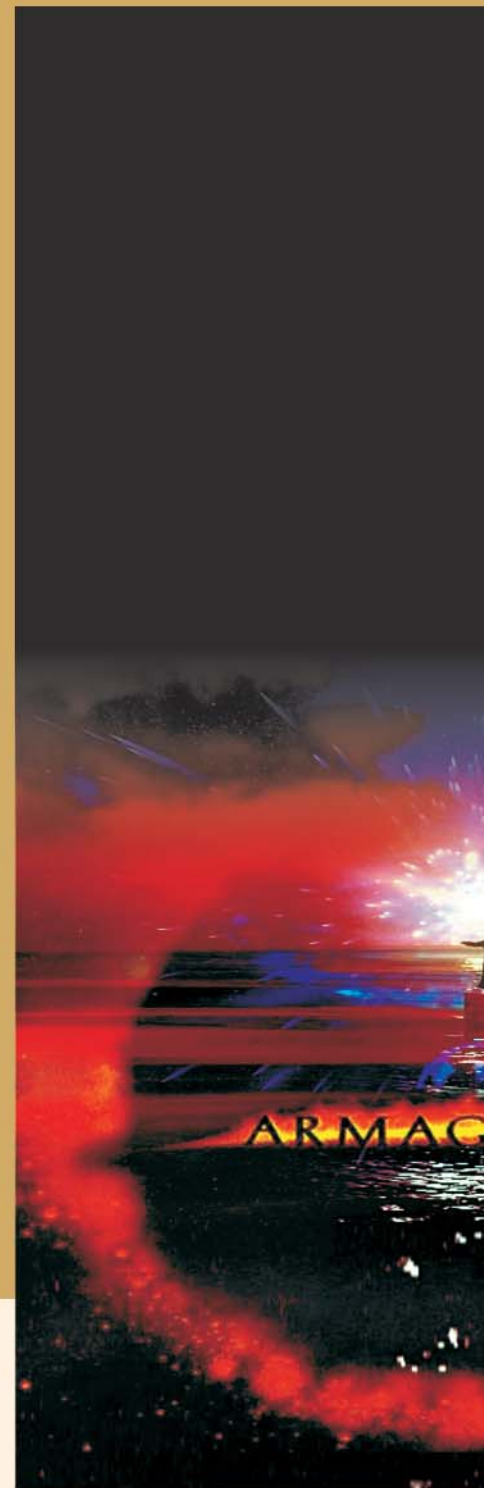
به هر حال یکی از دلایل انسجام، شور، شعور و حضور شیعه در صحنه‌های فعالیت، برخوردار بودن از متابر و عطف و سخنرانی است. لذا در ضرورت آن هیچ تردیدی نیست و توصیه‌های فراوانی درباره آن شده است، همان طور که قرآن نیز می‌فرماید «الذین بیغلون رسالات الله و لا یخشون احدا الا الله».

آفت مهم در میان مخاطبان منبر و تبلیغ و گاه خواص و اهل فن، حاشیه نگری و نگاه منفی به اهل منبر است. گاهی بعضی از مطالب مبلغ را به واسطه غیر پژوهشی و منبری بودن آن رد می‌کنند یا می‌گویند فلان شخص منبری است در مقابل مجتهد و محقق و مفسر. این آسیب مهمی است که موجب شده حوزه‌های ما به طور جدی به امر پرورش مبلغ و منبری اهتمام نداشته باشند. از این رو می‌بینید که فضای منبری با فضای سایر طلاب متفاوت است، در حالی که برخی از بزرگان و مراجع ما از منبری‌های موفق و پر قدرت بودند.

آسیب اهل منبر نیز این است که منبر را جدی نگیرند. اگر یک طلبه می‌خواهد تبلیغ برود، حداقل باید سطح را تمام کرده باشد، یک دوره درایه الحدیث و تفسیر را مطالعه و مباحثه کرده باشد و آشنا به منابع و مصادر باشد.

اگر این دو آسیب حل شود و نگاه مخاطبین و اهل منبر تصحیح شود، منبر تبدیل به عرصه پژوهش می‌شود و ماهیت علمی پیدا می‌کند. البته هنر منبری در این است که مطالب علمی و پژوهشی به زبان عرف بیان کند.

آنچه در تبلیغ تأثیر گذار است داعی الی الله بودن است، یعنی برای خدا سخن گفتن، قرآن کریم هم می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سديدا». نکته دیگر اینکه مبلغ باید عامل به علم و سخن خود باشد. همچنین منبری باید رعایت شخصیت مخاطب را بکند، گناه کار و خطاکار را ناامید و مأیوس نکند و فضا را، فضای رشد قرار دهد. این چنین است که منبر بسیار تأثیر گذار می‌شود.



قرار داشت.

کلاید می گوید: «برخی از تاریخ نویسان اعتقاد دارند، که در اینجا بیش از هر جای دیگر جهان، جنگ روی داده است. فاتحان کهن همیشه می گفتند، هر فرماندهی که مجدو را داشته باشد، در برابر همه مهاجمان پایداری می کند.»

«شما در صحیفه یوشع بن نون (باب ۱۲، آیه ۲۱) می خوانید که چگونه یوشع و اسرائیلیان، در اینجا کنعانیان را شکست دادند. و در «کتاب داوران» باب چهارم و پنجم می خوانید که دو قرن پس از آن نیروهای اسرائیلی در زیر فرماندهی دبور و باراق، در نبردی بر سیسرا سردار کنعانیان چیره شدند.» «و بعد چنانکه می دانیم، شاه سلیمان این شهر را مستحکم ساخت و به مرکزی برای اسبها و ارابه هایش بدل کرد.

حتی در طی سالهای عمر من هم در اینجا نبردهای مهمی داشته ایم. نزدیک به پایان نخستین جنگ جهانی، در سال ۱۹۱۸، ژنرال انگلیسی آلن بی، درست در همین جا در مجدو، به پیروزی قاطعی بر ترکها دست یافت.»

کلاید با صدای هیجان زده ای می گوید: «و سرانجام، حالا دارم میدان آخرین نبرد بزرگ را تماشا می کنم!» می پرسم: اما آخر شما از کجا می دانید که نبرد نهایی در اینجا روی خواهد داد؟

«شما همین اسم - یعنی مجدو - را بگیری، کلمه عبری هار ، یعنی کوه را به آن اضافه کنید. این دو کلمه به شما هارمجدو را می دهد، که ما هارمجدون ترجمه می کنیم» در حالی که او صحبت می کند، من می کوشم استدلال او را، با جستجوی هار یا کوه دنبال کنم؛ اما کوهی پیدا نمی کنم. با وجود این، چون دره روبروی خودمان را می توانیم ببینم، پس نقطه مناسبی که روی آن ایستاده ایم، می تواند هار (کوه) تلقی بشود. اما با همه اینها، آیا هارمجدو - که کلمه کلمه به معنی کوه مجدو است - به یک محل دلالت می کند یا یک رویداد؟ کلاید، کمی با بی حوصلگی پاسخ می دهد: «نه، نه، این میدان نبردی است که همه ملتها در آن درگیر می شوند. این آخرین نبرد میان نیروهای نیکی و نیکوکاری به رهبری مسیح و نیروهای شیطانی به رهبری دجال خواهد بود.»

من، مانند میلیونها مردم دیگر، سخن کلاید را باور می کنم. من همیشه چیزهایی درباره هارمجدون شنیده بودم، اما با همه شنیدن های این واژه اشتقاق آن را نمی دانستم. پرسیدم که آیا درباره این واژه هارمجدون مطالب زیادی خوانده اید؟ - «می دانید، واژه هارمجدون تنها یک بار در انجیل آمده است؛ یعنی درست همان که در کتاب مکاشفه یوحنا باب شانزدهم، آیه ۱۶ آمده است؛ و سپس این آیه مختصر را نقل می کند: «و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی هارمجدون می خوانند، فراهم آوردند.»

کلاید می گوید: «یوحنا ی پیش گو کتاب مکاشفه را نوشته است؛ و چنانکه می دانیم ما از همین اثر یوحنا است که بیشترین اطلاعات خودمان را از آخرین روزهایی که داریم می گذرانیم، به دست می آوریم. او تصور کاملی از آخرین نبردی که باید درست در همین محل صورت بگیرد، به دست داده است. به یاد دارید که او در پیشگویی خود از این نبرد بزرگ، می نویسد: «و بلدان امتهای خراب شد... و هر جزیره گریخت و کوهها نایاب گشت.»

و ادامه می دهد: «یک ارتش ۲۰۰ میلیونی شرقی در طی یک سال به سمت غرب به حرکت درمی آید. این ارتش به حرکت درمی آید و در تغییر مکان خود پرجمعیت ترین ناحیه های جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات، ویران خواهد ساخت.»

«باب ۱۶ مکاشفه به ما می گوید که رودخانه فرات خشک خواهد شد، و این به پادشاهان مشرق زمین، مشرقیان، اجازه خواهد داد که سرزمین اسرائیل را درنوردند.»

- تکرار کردم: پادشاه مشرق زمین؟ و ذهن من به سوی سرزمینهای جهان که در مشرق رود فرات قرار دارند، به پرواز در می آید. هیچ پادشاهی که امروز در آن ناحیه حکمروایی داشته باشد به ذهنم خطور نمی کند. در زمان ما، شاه ایران آخرین پادشاه مشرق رود فرات بود. امروز دیگر هیچ شاهی در آنجا نیست، اما در زمان یوحنا چنین شاهانی وجود داشتند پس گفتم آیا این نمایانگر آن نیست که یوحنا این سخنان را درباره زمان خودش گفته است، و نه زمان ما؟

کلاید گفت: «نه، نه، شما می توانید پادشاهان را به معنی رهبران یا سران دولتها بگیرید.»

کلاید که در همه جا طرفدار جدی تعبیر کلمه به کلمه کتاب مقدس است، در این مورد، خود کلمه کتاب مقدس را قبول ندارد.

حرف او را قطع نمی کنم و او به نقل خود ادامه می دهد: «این پادشاهان - یا رهبران - تمامی ربع مسکون، بزرگترین ارتش تاریخ جهان را درست به اینجا، به مجدو می آورند.» با چشمان فراخ شده می گوید و چهره اش وقتی از فرشته ای حرف می زند که پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه ارتش بزرگ پادشاهانی که از مشرق آفتاب می آیند از بستر آن باز بشود، برق و درخشندگی ناشی از پیش بینی به خود می گیرد.

اما وقتی سازمان دادن یک ارتش خوب، ارتشی بسیار کوچکتر از همه ارتش های مشرق زمین، تا این اندازه دشوار باشد، چگونه یک رهبر، یا گروهی از رهبران می توانند موفق به بسیج کردن یک ارتش ۲۰۰ میلیون نفری بشوند؟

کلاید می گوید: «خوب، روشن است، این رهبران هدف های ژئوپلیتیک دارند، و ارواح شیطانی آنان را به پیش می رانند.» پرسیدم: ارواح شیطانی؟

- «در این مورد، اینها همان ارواح شیطانی فرشتگان به خاک افتاده ای هستند، که از شیطان در عصیانش در برابر خداوند، پشتیبانی کردند. پس از اینکه این ارواح شیطانی بر ذهن رهبران جهان مسلط شدند، این رهبران و ارتش های جهان، نادانسته به پیادگان آنها تبدیل می شوند.»

به نظرم همه چیز دارد بخوبی جفت و جور می شود. برای اینکه مطمئن شوم که همه چیز را به درستی فهمیده ام، گفتم: آیا این دجال است که این ارواح شیطانی را در ذهن رهبران جهان جای می دهد؟ و کلاید تصدیق کرد.

کلاید علاوه بر ارواح شیطانی، از «وحش» مکاشفه یوحنا هم صحبت کرد و توضیح داد که: «وحش، یعنی اینکه اتحاد نیرومندی از ملت های اروپایی و گروهی از ملت ها که در آخرین روزها به پا خواهند خاست، به وجود خواهد آمد. حالا ما می دانیم که داریم در عهد آخرالزمان زندگی می کنیم. زیرا پیدایش اتحاد نیرومند ملت های اروپایی را دیده ایم و این همان چیزی است که ما جامعه اقتصادی اروپا یا بازار مشترک می نامیم. با مطالعه این پیش گوئی، ما می توانیم به چشم ببینیم که خداوند همه این رویدادها را از پیش خبر داده است. «همه آنچه که روی دادنش را در جهان امروز می خوانیم، به روشنی نشانگر این است که این پیشگویی به زودی روی خواهد داد.»

و در این نبرد آخرالزمان که با مطالعه زکریای نبی و همین مکاشفه از آن آگاه می شویم نیروهای ملل سرتاسر زمین در زیر فرمان دجال، برضد خداوند ما عیسی مسیح و قدیسان پرافتخارش حمله خواهند برد و دجال را به قتل خواهد رسید.»





## پیش‌نمایش آخرالزمانی اهل کتاب

چکیده کتاب  
تدارک جنگ بزرگی

گریس هال سل  
ترجمه خسرو اسدی

«این نبی خشمگین عهد قدیم، حزقیال است که بهتر از هر کسی، قتل عامی که عصر ما را به ویرانی خواهد کشید را پیشگویی کرده است» و سپس با خشم تندی درباره کمونیست شدن لیبی سخن می‌گوید و اظهار عقیده میکند که «این علامت آن است که فرا رسیدن آرماگدون، دور نیست». ریگان همچنین در یک مصاحبه گفته است اعتقاد دارد که تجدید حیات پیدا کرده است. دادن لقب «امپراتوری شیطانی» به روسیه توسط وی که بعدها در زبان سیاستمداران آمریکایی مصطلح شد، از همین بینش سرچشمه می‌گیرد. ت

اصول آموزش هواخواهان «مشیت الهی» این است که قبل از استقرار پادشاهی جهانی مسیح مطابق پیشگویی‌های کتاب مقدس، ابتدای بایست یهودیان به اسرائیل بازگردند، سپس دولت یهود تاسیس شود و کلام خدا برای همه امت‌ها تبلیغ شود. آنها معتقدند یک روز یک یهودی افراطی، قدس را منفجر خواهد کرد تا در جای آن معبد سلیمان بازسازی شود. مراسم قربانی یهود از نو آغاز شود و سپس نوبت به آرماگدون خواهد رسید. حفاری‌هایی که در زیر قدس انجام می‌شود به منظور کشف آثار معبد سلیمان است تا ثابت شود معبد سلیمان در همین مکان فعلی قدس بوده است. در نتیجه با این توجیه به خراب کردن قدس و تاسیس معبد سلیمان در جای آن بپردازند. در حالی که مسلمانان بیم دارند هدف از این حفاری‌ها فرو ریختن خودبه‌خودی مسجدالاقصی باشد.

من یکی از ۶۳۰ نفر مسیحی ای بودم، که از نیویورک به تل آویو پرواز کردیم. در آنجا ما را به گروه‌های حدود ۵۰ نفری تقسیم کردند. به هر یک از گروه‌ها یک اتوبوس و یک راهنمای اسرائیلی اختصاص داده شده بود. ما پس از یک استراحت شبانه با اتوبوس هایمان به راه افتادیم.

حالا در این سفر کوتاه، شما هم با من همراه شوید: برای اینکه به دره مجدو برویم، از تل آویو حدود ۵۵ مایل به طرف شمال سفر می‌کنیم. به محلی می‌رسیم که در ۲۰ مایلی جنوب جنوب شرقی حیفا - قرار دارد و فاصله آن از دریای مدیترانه، حدود ۱۵ مایل است. پس از پیاده شدن از اتوبوس، با کلابد، یک مدیر اجرایی بازرگانی بازنشسته از مینیاپولیس، که سالهای آخر دهه ۶۰ سالگی خود را می‌گذراند، همگام می‌شویم.

کلابد توضیح می‌دهد: «زمانی در اینجا یک شهر قدیمی کنعانی قرار داشته است» و اضافه می‌کند که ما در لبه جنوبی فضای بزرگ گسترده و هموار دشت اسدرالون قرار داریم، که در کتاب مقدس «دره جزرال» هم گفته شده است. در زمانهای قدیم مجدو شهر بسیار مهمی بود. این شهر در محل تقاطع دو جاده مهم استراتژیک نظامی و کاروان رو

نویسنده کتاب، گریس هال سل، در کودکی در ناحیه‌ای در تگزاس آمریکا با افکار بنیادگرایانه مسیحی پرورش یافته است. «بنیادگرایی مسیحی» در گذشته بر سلوک اخلاقی صحیح تکیه داشت، ولی در دهه‌های گذشته صرفاً سیاسی شده است. به «بنیادگرایان»، لقب «تجدیدحیات‌یافته» نیز داده می‌شود. این مسئله شامل یک نوع تجربه بیداری معنوی و یا صرفاً گرایش به افکار سیاسی خاص می‌باشد. آنها معتقدند تاریخ بشر در طی نبردی در آخرالزمان به نام «آرماگدون» به پایان می‌رسد و نقطه اوج آن ظهور دوباره مسیح است: پس از آن داوری نهایی برای همه مردگان و زندگان انجام می‌شود. این مکتب می‌گوید خداوند مقرر کرده است که بشر هفت مرحله یا هفت مشیت الهی را از سر بگذراند که یکی از آنها «نبرد هسته‌ای آرماگدون» است. این نظام «مشیت الهی‌گرایی» نامیده می‌شود. با آغاز این جنگ وحشتناک، رستگارشندگان به آسمان‌ها عروج خواهند کرد و از مصیبت جنگ در امان خواهند بود.

برنامه‌های عامه‌پسند تلویزیونی کشیشان پروتستان در آمریکا که حدود ۶۰ میلیون بیننده دارند، پیوسته می‌کوشند مردم را متقاعد سازند که به جای «صلح» باید در پی «جنگ» باشند. آنها با نقل آیات انجیل سعی می‌کنند ثابت کنند که ما در دوره آخرالزمان هستیم. اینان چون اعتقاد دارند اسرائیل باید «مقر فرود آمدن» دومین ظهور مسیح باشد، سعی دارند پرستش سرزمین اسرائیل را به یک آیین مذهبی بدل سازند.

کشیشان بنیادگرا زمانی کمونیست شدن روسیه را نشانه آخرالزمان دانستند. به تبع این نگرش، آنها اعتقاد قلبی به قراردادهای صلح خاورمیانه ندارند و آنها را پایدار نمی‌دانند.

لانگ، مدیر تحقیقات انستیتو کریستیک در ۱۹۸۵ افشا کرد که «رونالد ریگان»، رئیس جمهور آمریکا، معتقد به ایدئولوژی آرماگدون بوده است. رونالد ریگان در طی همه سال‌های زندگی خود تحت تاثیر آموزش مادرش «نل ریگان» بود که گفته می‌شود زنی بسیار معتقد به کتاب مقدس بوده است. خود وی گفته است که ایمانش را مدیون مادرش است. «الینگ وود» که خود یکی از معتقدان پر و پا قرص پرستش اسرائیل و از جمله نبرد آخرالزمان است، گفته است که او و فرماندار ریگان اغلب با هم می‌نشینند و درباره پیشگویی‌های کتاب مقدس به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. ریگان در یک مجلس شام می‌گوید:



# سنگ‌های عالت‌تراپی

بخش دوم ● ابوالفضل هادی منش



## ● سیری در پیشینه آسیب‌ها

پایبندی به فرهنگ اصیل عاشورا یکی از بهترین راهکارهای رسیدن به تعالی فرهنگی در جامعه است، باید برخورد جدی تری با موضوع سوگواری داشت. در بخش نخست این مقاله، عاطفه و احساسات را که از مهمترین عناصر شخصیت آدمی است به عنوان خواستگاه آسیب‌شناسی بررسی شد.

نخستین نگاه آسیب از تحریف و آسیبی که همواره آیین عزاداری عاشورا را تهدید می‌کند، دگرگون شدن صورت معنوی و جنبه آسمانی رخدادهای تاریخی و تبدیل آن به عناصر طبیعی و مادی است. در این حالت، نگاه به رویدادها، نگاهی کاملاً زمینی خواهد بود. در میان تحلیل‌گران و تاریخ‌نویسان، «ابن خلدون» نخستین کسی است که از چنین زاویه‌ای به رویداد کربلا نگریسته است. او با نقد تاریخی خود، چهره‌ی معنوی و صورت قدسی جریان را زیر سؤال می‌برد و می‌کوشد به نوعی از حوادث، تحلیل طبیعی ارائه دهد. چون او در شمار «اشاعره» است، غیب را انکار نمی‌کند، ولی به غیبی باور دارد که با چشم پوشی از آن، سنت‌ها را می‌توان شناخت. او این رویداد بزرگ را در این جمله، فشرده می‌کند که تنها «هدف عصبیت، غلبه و تسلط برای رسیدن به حکومت بوده است» این خلدون می‌گوید این جریان، ساخته و پرداخته عصبیت عرب بوده و مقتضای عصبیت اعراب، حاکمیت قریش و خلافت یزید است. معاویه نیز با آگاهی از این امر، یزید را به جانشینی خود برگزیده؛ زیرا می‌دانست که حاکمیت جز با یزید راست نمی‌آید. پس مصلحت آن بود که یزید را جانشین خود سازد. ابن خلدون بر این باور است که امام حسین (ع) برای امر به معروف و نهی از منکر، ولی به دلیل ناآگاهی از این قاعده، در کار خود اشتباه کرد. وی می‌گوید: «در آن زمان، حاکمیت سیاسی به طور طبیعی بر اساس عصبیت عرب شکل می‌گرفت که در بنی‌امیه متمرکز بود، از این رو، همه مردم بر ولایت عهدی یزید متفق گشتند». او این کار را به سود جهان اسلام می‌دانست؛ زیرا به گفته وی، بنی‌امیه خدایان قدرت در جزیره العرب به شمار می‌رفتند. به همین دلیل، معاویه، پسر خود را شایسته خلافت دانست و از دیگر کسانی که شایستگی این مقام را داشتند، چشم پوشید. هر چند این تحلیل در باره اصل جنبش امام حسین (ع) است و به طور مستقیم به مراسم عزاداری مربوط نیست، ولی گسترش این دیدگاه در میان عزاداران امام حسین (ع) بسیار خطرناک است. این نگاه مادی، عاشورا را تا حادثه‌ای زمینی و شکست خورده پایین می‌آورد که پی‌آمد نامیمون آن، خشکاندن باطن و سرچشمه تکوینی فرهنگ عاشورا خواهد بود. این تحلیل هیچ‌گاه در میان مسلمانان رونق نگرفت و جایگاهی نیافت. با توجه به همه این مسائلی هر چند این نگاه، پیوند این جریان را با جنبه آسمانی مسأله، از هم نمی‌گسلد، ولی آسیبی زبان‌بار برای مراسم عزاداری به شمار می‌رود. دومین موج آسیب زایی این گونه تحلیل‌ها با هجوم به فرهنگ عاشورا، به انکار اسرار و حقایق مقدس این واقعه می‌انجامد. پیشینه این تحلیل‌ها به دوره‌ی رنسانس در غرب بر می‌گردد. این دگرگونی شگرف به جامعه‌های اسلامی گسترش یافت و با اثر گذاردن بر فرهنگ دینی ملت‌های مسلمان، آن را به حرکت در موازات دگرگونی‌های ضد دینی در غرب، وادار ساخت. این روند در دوران مشروطه، به اوج خود رسید و شیوه‌ی تاریخ‌نویسی غربی، بر تاریخ اسلامی ما سایه افکند. دلیل آن نیز اقتدار یافتن نیروهای روشن فکری بود که از آموزه‌های ضد دینی غرب،

تأثیر پذیرفته بودند. آنان با پشتیبانی فکری و مادی غرب، بر فرهنگ اسلامی این مرز و بوم هجوم آوردند و کوشیدند مبانی آیین عزاداری را در فرهنگ عاشورایی سست سازند. این پدیده با ظهور رضاخان، با شتاب بیش‌تری گسترش یافت. فرهنگ پر شور عزاداری در ایران، بزرگ‌ترین مانع بر سر راه ماندگار شدن فرهنگ منحط غرب به شمار می‌رفت. از این رو، آنان در نخستین گام، با خشن‌ترین رفتار، به رویارویی با این فرهنگ پرداختند. نخستین پی‌آمد این اقدام، از بین بردن «تکیه دولت» و پیش‌گیری از برپایی مجلس‌های عزاداری بود. با وجود فشارهای فراوان رضاخان، مجلس‌های عزاداری به صورت حرکت‌های مردمی و به دور از حضور به اصطلاح، روشنفکرانه نیروهای یاد شده به کار خود ادامه داد. آنان، عاشورا را جریان سیالی از پندارهای پوچ می‌دانستند که بر برخی واقعیت‌ها سایه انداخته است. هر چند این اندیشه به صورت یک شیوه‌ی انحرافی بر جا ماند، ولی قدرت اجتماعی مذهب و فرهنگ ریشه‌دار اسلامی در عاشورای سال ۱۳۲۲ شمسی، شور حسینی را به عنوان یک واقعیت اجتماعی و نیروی پرتوان سیاسی به نمایش گذارد. با این حال، این اندیشه انحرافی از تلاش باز نایستاد. از آن پس، بی‌توجهی روشنفکران به این واقعیت اجتماعی به پایان رسید، ولی با توجه به بخش‌هایی از این واقعیت، در قالب روشنفکری دینی، هم چنان به کار خود ادامه داد. دهه پنجاه به بعد، سالیان آغاز سیطره‌ی این اندیشه بر جامعه است. آسیب‌های ناشی از روشنفکری دینی با پیدایش روشن فکری دینی، فصل نوینی برای پدید آمدن برخی آسیب‌ها گشوده شد. در این دوره، روشنفکران برخورد فیزیکی و رویارویی آشکار با فرهنگ عاشورا را کنار گذاشتند، ولی با تحقیر و تمسخر کوشیدند آن را پوچ جلوه دهند. آنان، فرهنگ عاشورایی را فرهنگی بدون اندیشه معرفی کردند و همواره در کمین بودند تا هر گاه فضای سیاسی و قدرت اجتماعی لازم را یافتند، ضربه سهمگینی بر پیکر این فرهنگ وارد سازند. به همین دلیل، برای از دست ندادن جایگاه اجتماعی خود، تنها به تفسیرهای روشن فکرانه و مقایسه جنبه‌های معنوی دین با علوم طبیعی و مادی پرداختند. این گروه با تفسیر دگرگونه جنبه‌های فرا مفهومی دین، ارزش آن را تا حد قوانین فیزیکی پایین آوردند. هم چنین با القای این اندیشه که دین و عقل بشری باید به همدیگر قابل عرضه باشند، شاخص‌های مثبت اسلام را در فرآیند زندگی اجتماعی، انکار کردند و یا با نادیده انگاشتن آن‌ها، مسأله را مسکوت گذاشتند. این بار، روشنفکران با حربه سنجش خردمندانه همه چیز، کوشیدند فرهنگ عاشورا را خنثی، ناکارآمد و خیالی جلوه دهند. ظاهر فریبنده این اندیشه، می‌توانست با نفوذ در لایه‌های اجتماع، غنای فرهنگ عاشورایی را از پای‌بست، ویران سازد. بنابراین، اندیشمندان شیعی با بهره‌گیری از همان شیوه سنتی بر آن شدند تا جنبه‌های اساطیری این واقعه را از بین برده یا پالایش کنند. در این میان نقش حضرت امام خمینی (ره) بسیار حایز اهمیت است. ایشان با ساماندهی حرکتی سیاسی - دینی توانستند توطئه روشنفکران یاد شده را برای نابودی فرهنگ عاشورا خنثی سازند. با روشنگری امام خمینی (ره) و اندیشمندان دینی، نیروهای مذهبی به تکاپو پرداختند تا از آیین عزاداری در برابر همه‌همه‌های دشمنان، پاسداری کنند. برای نمونه، شهید مرتضی مطهری (ره) با سخنرانی‌های روشن‌گرانه خود از هدر رفتن نیروهای مذهبی پیش‌گیری کرد و به پالایش مراسم مذهبی از انحراف‌هایی پرداخت که روشنفکران بدان دامن می‌زدند.



# ARMAGEDDON



ARMAGEDDON

## هرمجدون

باشد، که یک رشته از عقوبت ها را نازل گرداند تا بیشتر مردمان جهان را بکشد و بخش اعظم تمدن ما را نابود کند؟

کلاید گفت: «خداوند، این کار را بیشتر به خاطر

امت قدیمی اش، یهودیان می کند، خداوند دوران هفت ساله آزمایش سخت را مقرر کرده است، تا یهودیان تصفیه شوند، تا واردشان سازد، روشنائی را ببینند و مسیح را به عنوان نجات دهنده خود بشناسند.»

اعتراف می کنم که تعبیرهای او، مرا سخت گرفتار شبهه کرده است. چرا خداوند باید یهودیان را، یعنی برگزیده ترین در میان همه امتهای برگزیده باشد، تنها برای اینکه... بنا بر واژه همراه با حسن تعبیر کلاید... «آنان را تصفیه» کند؟

«آیا نمی بینید که خداوند می خواهد آنان در برابر تنها پسرش، خداوندگار ما عیسی مسیح به سجده در آیند؟»

سپس کلاید توضیح می دهد که خداوند پس از نابود کردن دوسوم این امت، سرزمین اسرائیل را نجات خواهد داد. در ذهن من این نکته شروع به جا افتادن می کند که کلاید اسرائیل را دوست دارد، اما علاقه ای به یهودیان ندارد. به نظر من که هیچ احساس تاسفی برای آن یهودیان یا دیگرانی که می گوید کشته می شوند، در او نیست.

«هفت ماه طول خواهد کشید تا یهودیان زنده اسرائیل بتوانند همه سربازان کشته شده را دفن کنند» و به عنوان دلیل، آیه دوازدهم باب سی و نهم کتاب حزقیال نبی را نقل می کند: «و خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین از وجودشان پاک گردد.»

کلاید با لحنی مرموز با این سخنان، حرف خود را به پایان برد: «هنگامی که مسیح دوباره به زمین بازگردد، از آسمانها به ارض اورشلیم نزول خواهد کرد. ملاحظه کنید، همه تاریخ مربوط و متمرکز است بر امت اسرائیل که تخم چشم و برگزیده خداوند است و دوباره زمام تاریخ بشر را به دست خود می گیرد.»

مسیح، ضربه نخست را وارد کند. او، سلاح نوینی را برای نخستین بار، به کار خواهد برد. و این سلاح، همان اثرهایی را خواهد داشت، که بر اثر یک بمب نوترونی ایجاد می شود. شما می توانید این مطلب را در آیه دوازدهم باب چهاردهم کتاب زکریای نبی بخوانید، که می گوید:

«گوشت ایشان در حالتی که بر پاهای خود ایستاده اند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید، و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهند گشت.»

می پرسم، منظور حرف کلاید این است که آیا خود مسیح ضربه نخست را خواهد زد؟ کلاید پیش از دادن پاسخ همه قد شش پای خودش را روی پای راستش جمع می کند و با صدای قوی و سخت صمیمی خود میگوید:

«بله، عیسی مسیح به این زمین باز می گردد، تا حکومت الهی را در آن برقرار سازد؛ و این کار را از ستاد خود در اورشلیم، خواهد کرد.»

و بر سر یهودیانی که در اسرائیل زندگی می کنند، چه خواهد آمد؟

کلاید گفت: «دو سوم یهودیانی که در اینجا زندگی می کنند، کشته خواهند شد. این مطلب را می توانید در آیه های هشتم و نهم باب سیزدهم کتاب زکریای نبی بخوانید. امروز در حدود ۱۲ میلیون و نیم یهودی در جهان هستند. به این ترتیب، خداوند به ما می گوید که ۹ میلیون یهودی در این نبرد، کشته خواهند شد، یعنی بیش از همه یهودیانی که توسط نازی ها کشته شدند. آن قدر خون جاری خواهد شد که خداوند آن را به شراب گیری، که خون آنان را می گیرد، تشبیه می کند. تا مسافت ۲۰۰ مایل، خون تا به دهانه اسبها، بالا خواهد آمد.»

پرسیدم، چرا کلاید تصور می کند که خداوند خواستار آن

آیه هشتم از باب دوم تسالونیکیان (کتاب عهد جدید):

«آن گاه آن بی دین که [کلاید اضافه می کند، منظور از بی دین همان دجال است] ظاهر

خواهد شد، که عیسی خداوند، او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت.» به کلاید گفتم که اینجا، برای این چنین جنگ عظیمی، بیش از اندازه کوچک به نظر می رسد.

خیلی جدی گفت: «نه، تانکهای خیلی زیادی را می توان در اینجا جای داد.»

تکرار کردم، تانکها، و همه ارتشهای روی زمین؟ پرسیدم: «و یک جنگ هسته ای همین جا، در مجدو شروع خواهد شد و همه دنیا را ویران خواهد کرد؟»

پاسخ داد: «بله، شما این را در باب سی و هشتم و سی و نهم صحیفه حزقیال نبی می خوانید. در این دو باب یک جنگ هسته ای توصیف شده است. سپس می گوید: «باران های سیل آسا و تگرگ سخت، آتش و گوگرد، تکان های سختی در زمین پدید خواهند آورد، کوه ها سرنگون خواهد شد و صخره ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید، رویارو (در برابر هر گونه وحشت). امکان ندارد که حزقیال نبی، به چیز دیگری جز مبادله سلاح های تاکتیکی هسته ای، اشاره کرده باشد.»

اطمینان و یقین کلاید، احساس واقع بینی مرا متزلزل می سازد. با این حال می دانم، او چیزی را می گوید، که میلیونها ها آمریکایی، دقیقاً به آن باور دارند.

پرسیدم: «آیا تصور کلاید از مسیح، شبیه یک ژنرال پنج ستاره ای است که ارتشها را رهبری می کند؟ و آیا کلام کتاب مقدس را چنان تعبیر می کند که مسیح به عنوان سرفرمانده آن، نیروهایی را که بر ضد او متحد شده اند، با به کار بردن سلاح های هسته ای، نابود خواهد کرد؟»

پاسخ داد: «بله، در واقع می توانیم انتظار داشته باشیم که

آه از شفق... و سرخی شفق، آن گاه که روز به شب می رسد و خورشید حق، در افق خونین عاشورا غروب می کند و ... شب آغاز می شود!

اما دل به تقدیر بسپار،

شب غشوه ای است که اختران امامت را ظاهر کند.

این سر الاسرار خلقت است و گویی تقدیر، این چنین رفته است که اسرار فاش شود، اگرچه به بهای سر باختن حسین علیه السلام.

بگذار فاش گفته شود که آن که مسجود ملائکه است حسین است و آدم را ملائک از آن حیث که واسطه خلقت حسین است، سجده کردند؛

و این سجده ای ازلی است؛ میزان حق،

که ابلیس را از صف ملائکه طرد می کند.

یعنی که فطرت عالم بر حب حسین و ولایت او شهادت می دهد،

و آن پیمان ازلی الست بریکم قالوا بلی عهدی است،

که خلقت از بنی آدم بر حب حسین و یاری او ستانده است.

«خون» یا حسین، پیمان «ریختن» بسته است، «سر» یا حسین، پیمان «باختن».

دل تو عرصه ازلی خلقت است.

گوش کن که چه خوش ترنمی دارد در تپیدن: حسین، حسین، حسین، حسین،

نمی تپد، بل حسین حسین می کند.

کجاست آن که زنجیر جاذبه خاک را از پای اراده اش بگشاید و هجرت کند،

از خود و بستگی هایش،

تا از زمان و مکان فراتر رود و خود را به قافله سال شصت و یکم هجری برساند و در رکاب امام عشق، به شهادت رسد؟ و از آن پس دیگر، این باد نیست که بر تو می وزد،

این تویی که بر باد می وزی،

و از آن پس دیگر، آن تویی که بر زمان می گذری،

و آن تویی که مکان را تشریف حضور می بخشی.

یعنی نه این چنین است که کربلا شهری در میان شهرها باشد، و عاشورا روزی در میان روزها؛

زمین سراسر پهنه دشت کربلاست و کربلا ما را به خود فرا می خواند.

کربلا ما را به خود فرا می خواند.

آری، پیروزی با ماست، چرا با ماست؟

کربلا ما را به خود فرا می خواند و آن سوی تر، «قدس» است در اسارت «شیطان»...

و راه از کربلا می گذرد.

این همه را در متن تاریخ بنگر، مبدا غافل شوی و بیانگاری که زمان بر تو وفا خواهد کرد و نخواهی مرد؛ نه، زمان بر هیچ

کس وفا نمی کند، اما با این همه، زمان بر عاشورا مانده است و تو چه امروز و چه دیروز و چه هزار سال دیگر، یا باید

که در قبیله شیطان داخل شوی و به لشکر یزید بپیوندی، و اگر نه، مرد باشی و در خیل اصحاب حسین علیه السلام،

پنجه در پنجه ظلم درافکنی و تا پای خون و جان بایستی.

کربلا ما را به خود فرا می خواند و دل های مشتاق، همچون کبوتران جلد حرم، در هوای کربلا پرمی کشند. گوش کن! به

ندای دلت گوش کن که حسین حسین می کند و اگر تو کربلایی هستی و سینه ات فراخنای آسمان کربلاست و تنت، قفس

تنگ نام و ننگ و خور و خواب را نمی پذیری، به قبله گاه جبهه رو کن و اگر نه، بمان و ننگ ماندن را بپذیر؛ و بدان که آب مانده را مرداب می خوانند.

اما اینان، کیوتران جلد حرم عشقند و حرم عشق، کربلاست. چگونه در بند خاک بماند آن که پرواز آموخته است و راه کربلا

را می شناسد؟ و چگونه از جان نگذرد، آن کس که می داند جان، بهای دیدار است؟

ای جوانمرد بگو که از کدام قبیله ای؟

اینجا نور راه کربلا می پوید و آن سوی تر، دجله و فرات است، که هنوز آبشخور گرگان گرسنه ای است که آب را بر کربلاییان

بسته اند و در افق دور، قدس است در اسارت شیطان. ای جوانمرد، بگو که از کدامین قبیله ای!

و راستی که راه قدس از کربلا می گذرد. «راه قدس از کربلا می گذرد» یعنی آماده باش تا پای خون و جان. جمجمه ات

را به خدا بسپار و دندان صبر بر جگر بگذار و مردانه، در صف مردان کربلایی بایست تا گرگان گرسنه یزیدی، پیکر

حق را مُتله نکنند. و یزید، مظهر ظلم و ناجوانمردی و نام و ننگ و خشم و شهوت در تمامی طول تاریخ است، همان گونه

که همواره، در تاریخ، صلاهی «هل من ناصر» امام عشق از جانب کربلا به گوش می رسد. و تو ای جوانمرد، بگو که از

کدامین قبیله ای!

این جا قافله نور راه کربلا می پوید و آن سوی تر، دجله و فرات است، که هنوز آبشخور گرگان گرسنه ای است که آب

را بر کربلاییان بسته اند و ... در افق دور، قدس است در اسارت شیطان. و تو ای جوانمرد، بگو که از کدامین قبیله ای!

بسیار زنده



بعد از هزار و سیصد و چه و چند سال، هیچ از خود پرسیده ای که چرا ایان خود را «راهیان کربلا» نامیده اند، یا این همه شیدایی و اشتیاق، که هنوز قافله سال شصت و یکم هجری قمری به بیابان کربلا نرسیده است.

مگر آنان سر مبارک امام عشق را بر فراز نیزه ندیده اند؟ مگر شفق را ندیده اند، که چه سان در خون نشسته است؟ مگر بوی خون را نشنیده اند؟... و بر علم هایشان ننوشته اند: کُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا وَ كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا!

مگر کربلا از سیطره زمان و مکان خارج است که همه جا کربلا باشد و همه روزها عاشورا؟

مرا ببین که در پیشگاه ولایت سخن از زمان و مکان می گویم! زمان و مکان نسبت است و برای آن که از جوار مطلق، از بلندای اعراف بر عالم وجود می نگرند، این جا در پیشگاه ولایت، سخن از زمان و مکان گفتن نشان بی خردی است.

کربلا قلب زمین است و عاشورا قلب زمان. یعنی اصلاً کربلا مطلق زمین است و عاشورا مطلق زمان، و راه های آسمان از این جا آغاز می شود؛ از این جا دروازه ای به عالم مطلق گشوده اند.

می پرسی که از متناهی چگونه می توان راهی به سوی نامتناهی جست؟ این سر الاسرار خلقت است و گویی تقدیر، این چنین رفته است که اسرار، اگرچه، به بهای سر باختن حسین علیه السلام، فاش شود.

طرفه خراب آبادی است این سیاره زمین، که از آن دروازه هایی به سوی نامتناهی گشوده اند: بیت الله، کلام الله و ... ثار الله. اقدار منظومه شمس ایمان را ببین! آن جا، در طواف بیت الله

که حصن ولایت است و حرم امن لا اله الا الله.

آن جا سایه بیت المعمور است و زمین و آسمان در این ناکجا آباد به هم می پیوندند؛ یعنی از آن جا، فراتر از نسبت ها، دروازه ای به عالم اطلاق گشوده است ولی مطلق باید از این باب پای به عالم خاک گذارد؛ یعنی علی علیه السلام باید در خاک کعبه متولد شود.

امام روح قبله و باطن بیت الله است، اما واسفا که ظاهرگرایان از کعبه نیز تنها سنگ های آن را می پرستند.

طرفه خراب آبادی است این سیاره زمین... که در طواف شمس به سفری آسمانی می رود، هیچ از خود پرسیده ای که بر گرد آن طواف می کند و شمس را نیز شمسی دیگر؛

و همه در طواف شمس عشق، مشکات نخستین، ولی مطلق. آه ... دریافتم؛ مقصد این سفر آسمانی تویی.

مقصد تویی و آنان تو را رها کرده اند و بر گرد دیوارهایی سنگی می چرخند!

ای هم سفر، این جا حیرتکده عقل است، بر گرده زمین، در سفری آسمانی با کهکشان ها، در سفری آسمانی که مقصدش با اوست؛

سفری از ظاهر به باطن،

از بیرون به درون.

جلوه ایمان در چشم آسمانیان نور است، و کفر تاریکی. یعنی که زمین در چشم آسمانیان، آسمانی دیگر است که سراج منیرش، انسان کامل است و تقدیر آسمان ها با همه آن عظمت

که شنیده ای در این سیاره خاک تعین می یابد. مگر نه این که خلیفه خدا این جاست؟

عجبا! روح خدا در خاک تعلق یافته است تا انسان خلق شود.

مگر چیست این خاک، که شایسته تعلق روح است؛ آن روح آسمانی، آینه دار طلعت یار؟

خاک تمثیل فقر است و عبودیت، و آن تعلق یعنی غنای مطلق در فقر است، و ولایت در عبودیت؛

و ما حَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ الْأَبْعَدُونَ.

پس چون پیشانی برخاک افتد، کار جهان به سرانجام می رسد و سفر آسمانی زمین به مقصد می انجامد و فُلْکِ خَلْقَتِ بر ساحل آرام ابدیت لنگر می اندازد ...

بر کرانه بی کران دار القرار،

عند مَلِکِ مُقْتَدِر.

اکنون سر بردار و بنشین و تشهد بخوان، که هنگام تأمل در مقام شهود است؛ ای همنشین شاهدان!

ذَلِكِ يَوْمِ الْخُلُودِ، در جنت بقای بعد از فنا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ ... آه دریافتم، پس غایت نماز نیز تویی! ای مقصد سفر آسمانی،

ای روح قبله، ای مجمع جمیع آن چه سزاوار حمد است،

پس غایت نماز تویی!

سر الاسرار خلقت این سخن است: فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ

اما طلعت شمس باید که از افق شب باشد،

و یوم الدین از افق لیلة القدر،

و نور از افق ظلمت، و عشق از افق هجران، یعنی که باید در عصری ظاهر شود که فرعون داعیه «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» سر داده باشد،

و محمد در عصری که ابوجهل کلیددار خانه خدا باشد،

و کعبه، خانه توحید، در تملیک بت ها،

#### صفحه تا کربلا:

هیچ گاه حماسه های کربلایی دلاور مردان مان درعرصه ی هشت سال دفاع مقدس را فراموش نمی کنیم آن ایثارگران حق بزرگی برهمنه ی ما دارند وای کاش می توانستیم در تمامی صفحات نشریه از آنان یادی داشته باشیم صفحه ی تا کربلا صفحه ای است که هم چون آینه جلوه های تابان عشق و حماسه ی ایثارگران به ویژه مداحان و واعظان شهیر را به نسل امروز نشان دهد. دراین صفحه از عنایات اهل بیت به رزمندگان و شیوه های عزاداری شهیدان سخن می گوئیم و چهره های ماندگاری را به شما معرفی می نماییم که در کنار رزم با دشمن عشیق به اهل بیت را درمیان همسنگران خویش با مداحی و سخنرانی و توسل عمق می بخشیدند.



# طواف شمس عشق



# طناب

## به نام خدا

داستان درباره ی کوهنوردی است که می خواست بلندترین قله را فتح کند. بالاخره پس از سال ها آماده سازی خود، ماجراجویی اش را آغاز کرد اما از آنجائی که آوازه ی فتح قله را فقط برای خود می خواست. تصمیم گرفت به تنهائی از قله بالا برود. او شروع به بالا رفتن از قله کرد اما دیرهنگام بود و به جای چادر زدن همچنان به بالا رفتن ادامه داد تا اینکه هوا تاریک شد. سیاهی شب بر کوهها سایه افکنده بود و کوهنورد قادر به دیدن چیزی نبود. همه جا تاریک بود ماه و ستاره ها پشت ابر کم شده بودند و او هیچ چیز نمی دید.

در حال بالا رفتن بود فقط چند قدمی با قله فاصله داشت که پایش لغزید و با شتاب تندی به پائین پرتاب شد در حال سقوط فقط نقطه های سیاهی می دید و به طرز وحشتناکی حس می کرد جاذبه زمین او را در خود فرو می برد همچنان در حال سقوط بود.

در آن لحظات پر از وحشت تمام وقایع خوب و بد زندگی اش به ذهن او هجوم می آوردند...

ناگهان درست در لحظه ای که مرگ را نزدیک خود دید، حس کرد طنابی که به دور کمرش بسته شده او را به شدت می کشد. میان آسمان و زمین آویزان بود... فقط طناب بود که او را نگه داشته بود و در آن سکوت هیچ راه دیگری نداشت جز اینکه فریاد بزند:

خدایا کمک کن ...

ناگهان صدائی از دل آسمان پاسخ داد: از من چه می خواهی؟

- خدایا نجاتم بده

- آیا یقین داری که من می توانم تو را نجات دهم؟

- بله باور دارم که می توانی

- پس طنابی که به کمرت بسته شده قطع کن ...

لحظه ای سکوت سپری شد و کوهنورد تصمیم گرفت با تمام قوایش طناب را بچسبند...

... فردای آنروز گروه نجات گزارش دادند که جسد یخ زده کوهنوردی پیدا شده ...

در حالیکه از طنابی آویزان بوده و دستهایش محکم به طناب چسبیده بودند... فقط چند قدم بالاتر از سطح زمین ...

و شما چطور؟ چقدر طنابتان را محکم چسبیده اید؟

آیا می توانید رهایش کنید؟

درباره تدبیر خدا هیچ گاه شک نکنید.

هیچ گاه نگوئید او مرا فراموش یا رها کرده.

هرگز فکر نکنید او نگهبان شما نیست.

و به یاد داشته باشید که او همیشه با دست راست خود شما را در آغوش دارد.

هر کس مرا بجوید خواهد یافت و هر که مرا بیابد مرا خواهد شناخت

و هر کس مرا بشناسد دوستم خواهد داشت و هر که دوستم بدارد عاشقم خواهد شد.

و هر که عاشقم شود عاشقش خواهم شد و هر که را عاشقش شوم خواهم کشت.

و هر که را بکشم خونبهایش برگردم است.

و هر که خونبهایش برگردم باشد من خود خونبهایش هستم.

محمدرضا آغاسی، شاعر معاصر و متعهد که آثار متعددی در حوزه ادبیات عاشورایی و اهل بیت (ع) سرود سرانجام دعوت حق را لبیک گفت.

او در ۲۴ فروردین سال ۱۳۳۸ در تهران و در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. وی که به علت اختلاف نظر با معلمان و مسئولان مرکز آموزشی خود نتوانست ادامه تحصیل بدهد به دنیای شعر و مداحی روی آورد.

او در تشریح فضای خانوادگی خود می گوید:

«... دوتا از برادرهای بزرگتر از من به نام های محمد حسن و محمد مهدی در مسائل شعر قبل از من کار می کردند و خواه ناخواه این مطلب در منزل ما بود، شاهنامه خوانی یا حافظ خوانی یا تذکره الاولیاء - خوانی برادرم محمد حسن و نیز چون مادرم هم مداح اهل بیت بود و عمدتاً دیوان جوهری را یا بعضی از اشعار صغیر اصفهانی و امثال اینها را در منزل می - خواند تا حفظ شود و تا در مجالسی که می رود بتواند به راحتی و با تسلط اداره کند. به همین دلیل صدای شعر همیشه در گوش ما زمزمه می شد و آشنایی من با حافظ شاید از سال ۵۰ به بعد یعنی در سن ۱۲ و ۱۳ سالگی بود، اما تقریباً سال ۵۱ و ۵۲ اولین کلمه ها رو من بهم می بافتم...»

او پس از انقلاب در محضر کسانی چون استاد مهرداد اوستا و یوسفعلی میرشکاک به تحصیل علم پرداخت. آغاسی با سرودن مثنوی ۷۰۰ بیتی شیعه در جامعه شناخته شد. مثنوی که از سال ۱۳۶۸ شروع شد و به گفته خود او «هیچ گاه پرانتز آن بسته نشد». با این حال هیچ گاه مجموعه شعری از وی چاپ نشد.

در مورد ارتباط شعرهایش با شعرای گذشته و همچنین ارتباط عاطفی خود با اشعارش می گوید:

«من شاعر اولم خواجه حافظ شیرازی رحمه الله علیه هست و این نفی دیگر شعرای گذشته نیست، بلکه به حافظ بیشتر گرایش دارم و به نوعی آرامش بیشتری به من می دهد. اما در کنار حافظ، حکیم ابوالقاسم فردوسی، نظامی

# مثنوی عشق و دلدادگی

کنجوی، صائب تبریزی، مولوی و امان سامانی. چون هر کدام به نوعی خصوصیت های خاص خود و لطافت های به خصوصی دارند و از معاصرین هم، من اکثر کارهایی که از شعرای معاصر هست مطالعه کردم و به همه رفقا هم که سوال می کنند، می گویم بخوانند، چه آنهایی که به عنوان شاعر انقلاب معرفی شدند و چه آنهایی که شاعر انقلاب نیستند در هر صورت باید تکنیک ها را فرا گرفت، تا بتوانیم با تاکتیک خودمان حرفمان را واضح تر و قشنگ تر به خواننده و شنونده منتقل کنیم.

هنر فرزند روح انسانی است، و یک هنرمند همه بچه هایش را دوست دارد. باز بستگی داره کدوم فرزند شما بیشتر به شما محبت کرده باشه. یقیناً گرایشات به آن مطلب بیشتر خواهد شد و خوب یقیناً هر جایی که ذکر علی (ع) و آل علی (ع)، ذکر آقا حضرت ولی عصر (عج)، ذکر حضرت زهرا (س)، ذکر آقا امام حسین (ع) باشه، یقیناً دل بیشتر آرامش می گیرد و دل و زبانش بیشتر به اون سمت گرایش پیدا می کنه. اما واقعاً مشکله که در بین مثلاً یکی دو هزار بیت من یک بیت را بخوانم بگم این از همه بهتره. مثلاً شما یک وقت به گل فروشی می روید سه رقم گل داره یک رقمش راحل تر می تونی انتخاب کنی اما یک موقع به گل فروشی میری پنج هزار نوع گل داره، انتخاب یک گل از این پنج هزار مدل گل خیلی مشکله. من همه گلها رو دوست دارم...»

روحش شاد

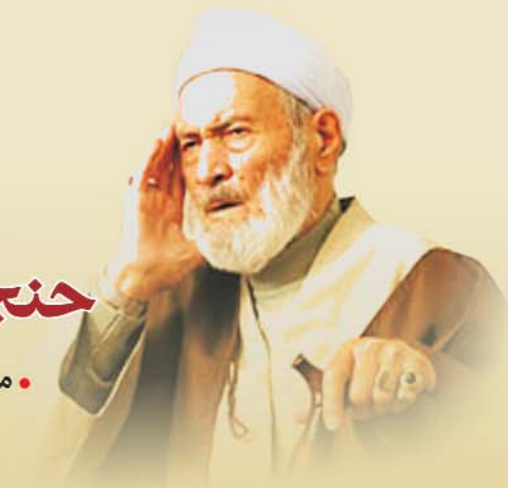
پی نوشت:

۱- مصاحبه موسسه شهید آوینی با مرحوم آغاسی.



# حنجره‌ای فقط برای خدا

• مرحوم رحیم مؤذن زاده



اذان‌گوی پرآوازه و مشهور آذری، رحیم مؤذن زاده، در آستانه هشتاد سالگی و بعد از بیست و چهار روز بستری بودن در بیمارستان مدائن به خاطر بیماری کلیوی و مثانه، دوباره به خاطر عود بیماری به بیمارستان منتقل شد ولی معالجات موثر واقع نشد و او درگذشت. رحیم مؤذن زاده اردبیلی که به خاطر اذان مشهور و تاریخی‌اش در حافظه جمعی ایرانیان و شاید بسیاری از مسلمین جای دارد، فرزند حاج شیخ عبدالکریم اردبیلی است و در خانواده‌ای متولد شده است که شاید بیش از یک قرن به فعالیت‌های مذهبی می‌پرداخته‌اند.

پدر رحیم مؤذن زاده اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان‌گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام اجرا می‌کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت‌های مذهبی و اذان‌گویی پرداخته‌اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم، که متولد ۱۳۰۴ شمسی است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش، به جای او قرائت اذان را ادامه داد. برادران رحیم، سلیم و داوود نیز اذان می‌گویند. رحیم برادر دیگری نیز داشته است به نام نعیم که اذان می‌گفته است ولی در سن ۲۵ سالگی از دنیا می‌رود. برادر دیگر رحیم، محمود مؤذن زاده، اما نظامی است. نام خانوادگی رحیم در شناسنامه، مؤذن است اما گویندگان رادیو همواره از نام مؤذن زاده برای معرفی او استفاده کرده‌اند.

## یادگار فرهنگ ایرانی و اسلام

اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه‌ی روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد

در استودیوی ۶ خوانده است.

به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده، می‌خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود تا این‌که مناسب‌ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. مؤذن زاده بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است". مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد.

## اخلاص و آشنایی با موسیقی: راز ماندگاری این اذان

مؤذن زاده در گفت‌وگویی که با ایسنا داشته است، راز تأثیرگذاری اذان‌اش را در اخلاص دانسته است که اذانی که از نیت صاف و دلی پاک گفته شود، هر آدمی را به مسجد می‌کشاند. در همان گفت‌وگو، مؤذن زاده موسیقی را جوهره‌ی روح آدمی می‌داند که روح را صیقل می‌دهد، خاصه موسیقی سنتی. یکی از گلایه‌هایی که مؤذن زاده دارد، این است که «بسیاری از مؤذنین در اکثر اجراهای خود از عرب‌ها تقلید می‌کنند در حالی که باید در خواندن اذان ابتکار و نوآوری داشته باشند، چون با تقلید، چیز ماندگاری را نمی‌توانند از خود به یادگار بگذارند». چنان‌که فرزند آقای مؤذن زاده می‌گوید، این خانواده از قدیم ایام با موسیقی و دستگاه‌های موسیقی آشنایی داشته‌اند و به طور موروثی این کار را ادامه می‌داده‌اند و همواره با موسیقی مأثوس بوده‌اند. مؤذن زاده‌ها در عین آشنایی با موسیقی در کلاس‌های برخی از استادان موسیقی نیز شرکت می‌جسته‌اند.



زن و مرد پای منبر من بودند که اینها اگر شاید چهل سال دیگر هم منبر می رفتن اینها می آمدند. حتی دهه دوم دهه ای بود که اکثر آقایان که آنجا آمدند و منبر رفتند برمی گشتند ایران، ولی ما دهه دوم تازه شروع کارمان بود و رفتن به خانه ایرانی ها.

**خانه ی ایرانی ها، یعنی در خانه هایشان هم روضه می خوانند؟! من شام غریبان اعلام کردم که من می خواهم دهه دوم بمانم و**

بسوزد نگفته بود. در اوج اینکه از مظلومیت اهل بیت می گوید در عین حال از هیبت و اقتدار و عظمت آنها دارید می- گوید یعنی از این طرف اشک می ریزیم از آن طرف می بالیم به داشتن چنین ائمه ای که این همه برای ما زجر کشیدند، ولی توأم با عزت و اقتدار و هیبت. و من فکر می کنم مهمترین سلاح ما برای مردم، چون منبری های بزرگ تر از ما، که هزار برابر بیانشان و موضوع مباحثشان عالی تر بود آن برخورد اجتماعی با این مردم تحویل گرفتشان، پای حرفشان نشستن، به درد دلایشان گوش دادن، خانه هایشان رفتن، وضعیتشان را تحمل کردن و در کنار این تحمل وضع، یک اندیشه نو دادن است.

**سید جان، از این انس و رفاقت و نشست و برخاست با آنها و آثارش بیشتر بگو!؟**

برای اینها خیلی عجیب بود، یعنی می گفتند ما اولین نفری هستیم که می توانیم راحت با او حرف هایمان را بنویسم، او تحمل می کند حرفهایمان را گوش می کند و همانقدر که می فهمد جواب ما را می دهد. عموماً آقایانی که می آمدند اینجا منبر و می رفتند، از منبری آمدند پایین می رفتند اتاقتشان، و شما ساعت ها توی حسینیه می نشینید. این نکته واقعاً شنیدنی است. خدا را گواه می گیرم شب عاشورا شاید بیش از هشتاد، نود نفر زن و مرد نرفتند خانه هایشان می گفتند دلمان نمی آید حسینیه را رها کنیم، شب تا صبح توی حسینیه خوابیدند و صبح عاشورا برنامه گرفتیم تا ظهر آن روز مداح ما نیامد من خودم دم دادم، شور گرفتیم، و اینها خیلی برای اینها عجیب بود. خیلی مواقع توی روضه، حاملان خیلی بد می شد، می آمدیم پایین منبر راه می رفتیم بین مردم روضه می خواندم. این حالات هم برای اینها خیلی عجیب و غریب بود که مثلاً یک روضه می تواند آدم را این قدر آزار بدهد و کسی که دارد روضه می خواند از روضه لذت ببرد.

### سینه زنی و نحوه خوانی هم داشتید؟

مثلاً ما شب ششم بود که اعلام کردیم که می آییم وسط و سینه می زنیم. من یادم هست که شبی که من رفته وسط، قریب به شاید ۲۰ جوان ایرانی که در سوئد بودند اینها حتی زیرپوش هایشان را از تن در آوردند و چه سینه ای زدند، از فردا شب هرچه جوان بود می آمد. مال رستوران بودند یا در حیاط قدم می زدند، می آمدند برای سینه زدن. با همه وجود سینه می زدند و می گفتند ما سالیان سال بود که این حال و هوا را نداشتیم. و می گفتند: حال و هوایی که برای ما آوردی، همان حال و هوایی است که ما در ایران داشتیم. این برای من خیلی مهم بود که می گفتند همان خاطرات را شما بالای منبر و پایین منبر برای ما یادآوری می کردید. و ما در همان فضا رفتیم همان حال و هوای ایران. مثلاً ما شام غریبان گفتیم شمع آوردیم دور مجلس گذاشتیم. برای اینها خیلی عجیب بود، شام غریبان را با شمع گرفتیم.

حتی شب ششم که به من گفتند یک آقا سید علی موسوی هست که درویش است که زنها و مردها در خانه ای او شب های شنبه تا سحر ذکر می گویند. گفتند ایشان آمده پای منبر شما. من بحث مظلومیت حضرت امیر را کردم. وقتی از منبر آمدم پایین، ایشان تعبیر عجیبی داشتند. گفتند من استخوانهایم خورد شد، من فکر می کردم که هرچه در مورد حضرت امیر هست من می دانم و باور نمی کردم که کسی بتواند اینقدر از شخصیت حضر امیر صحبت کند. شب هفتم هم باز از حضرت علی گفتیم و ایشان تا روز آخر همه منبرهای ما را حضور داشت و محبت خودش را از سر

منزل شما بیایم، حتی کار به جایی رسید که ما روزی چهار وعده می رفتیم خانه ایرانی ها، یعنی صبح خانه یکی، ظهر خانه یکی، عصر خانه یکی، شب خانه یکی، و خانه هر کدام هم رفتیم دوستان خودشان را جمع می کردند و ما روضه می خواندیم. نکته ای که خیلی برایم عجیب بود، این که اکثر سفره ها برای حضرت رقیه بود، بعد حضرت ابوالفضل. روضه حضرت رقیه بالاترین روضه ها را داشت، خانه خانمی روضه حضرت رقیه خواندم که می گفت من در طول عمرم تا حالا توی خانه ام روضه نگرفته بودم ولی شبی که شما روضه حضرت رقیه را خواندی این قدر به دل نشست که نذر کردم و سفره حضرت رقیه توی خانه ام گرفتم.

### فکر می کنی چرا در منبر و روضه ات موفق بودی!؟

عشق و محبت به امام حسین (ع) بود. اگر ما بتوانیم بهره برداری دقیقی از روضه و آن مکتب امام حسین بکنیم هنوز هم همه جوان ها و همه بشریت تشنه شنیدن این معارف هستند اما اگر بتوانیم با آن در مورد نیاز مخاطب صحبت بکنیم. شب ششم که به من گفتند یک آقا سید علی موسوی هست که درویش است که زنها و مردها در خانه ای او شب های شنبه تا سحر ذکر می گویند. گفتند ایشان آمده پای منبر شما. من بحث مظلومیت حضرت امیر را کردم.

وقتی از منبر آمدم پایین، ایشان تعبیر عجیبی داشتند. گفتند من استخوانهایم خورد شد، من فکر می کردم که هرچه در مورد حضرت امیر هست من می دانم و باور نمی کردم که کسی بتواند اینقدر از شخصیت حضر امیر صحبت کند.

شب هفتم هم باز از حضرت علی گفتیم و ایشان تا روز آخر همه منبرهای ما را حضور داشت و محبت خودش را از سر

ما می خواهیم این کار را بکنیم، این برنامه را نگیریم ایرانی ها نمی آیند، همه می روند. اینجا که می آیند سفره پهن می شود می آیند گریه می کنند، سینه می زنند، سنت است، کنار سنت ناله و گریه و سینه هم هست، که آن شب هم خیلی شلوغ بود.

**دسته عزاداری هم به راه انداختید؟ اصلاً اجازه می دهند، هیأت ها در خیابانها عزاداری کنند؟**

بله، ظهر تاسوعا با اعلامی که قبلاً شده بود قریب به سه هزار نفر ایرانی و عراقی و پاکستانی آمدند از یک منطقه



ای کنار مرکز استکهلم دسته راه افتاد تا خود مرکز میدانی است که معروف است و خیلی هم شلوغ است. و این جمعیت شاید هزار و خورده ای متر صف جمعیت بود که همه پنج تا پنج تایی ایستاده بودند. زن ها همه محجبه، مانتویی ها هم خیلی پوشیده، قریب به چهل تا کتل پارچه سبز و مشکی برپا بود که عراقی ها از عراق آورده بودند. در این مسیر خودم شاهد بودم شاید نزدیک به چهل پنجاه تا دختر و پسر سوئدی از ما عکس گرفتند. برایشان خیلی عجیب بود که در این شهر برای اولین بار در تاریخ اسلام در شمال اروپا، کشوری به نام سوئد عده ای جوان قریب به سه هزار نفر جمعیت دارند فریاد و ناله یاحسین می زنند و آنجا باور کردم که ظرف ده ها سال بعد همه اروپا و امریکا مال ماست. به این سرعت اسلام در مغز اروپا نفوذ کرده به قول معروف در کشور متمدولی مثل سوئد رخنه می کند و قطع داشتیم که سال های بعد این حرکت بیشتر خواهد شد چون تصور خود ما این بود که شاید از دویست تا چهارصد و پانصد نفر جمعیت شرکت کنند و اصلاً تصور نمی کردیم که این دسته با عظمت راه بیافتد.

ما ظهر تاسوعا مراسم را در مسجد امام علی گرفتیم. نماز و سخنرانی، بعد حدوداً دسته از ساعت ۳ شروع شد تا ۶ بعد از ظهر که در آن میدان اصلی هم یک مکانی را آماده کرده بودند برای همین گروه هایی که می آیند و تظاهرات می کنند تجمع کنند.

ادامه دارد...





# گمشده‌ام را پیدا کردم

از شماره گذشته ۱۶ از سید احمد دارستانی، این منبری جوان و با نشاط و خاطرات سفر تبلیغی اش به کشورهای اسکانندیناوی سوئد و نروژ و دانمارک نوشتیم. در این شماره ادامه گفتگو با ایشان را بخوانید. (چون مصاحبه مفضل و طولانی است در چند شماره تقدیم می‌کنیم).

## سید؛ از مباحثی که در دهه محرم برای مردم آنجا داشتی، بگو؟

در ایران به این رسیده بودم که الآن اکثر مشکلات مردم، مشکلات خانه است یعنی نظام خانه به هم ریخته که نظام جامعه به هم ریخته، مشکلاتی که ما در جامعه می‌بینیم، برگرفته از بهم ریختگی نظام خانه هاست، مخصوصاً بین زن و شوهر حریم‌ها از بین رفته. من یادم هست که شب هفتم، که من بحث رفاقت را مطرح می‌کردم، همه عزیزان که آمده بودند می‌گفتند که تمام مشکلات مادر اروپا همین حرف هاست. می‌گفتند اینجا همه چیز هست؛ جز رفاقت. این که دل‌ها برای هم بتپد. غصه‌ها و دردهایمان یکی بشود. مثلاً شبی که ما بحث پدر و مادر را کردیم. آنجا خیلی برای آنها نمود داشت که اصلاً این حرف‌ها را شما از کجا آوردی؟! این همه مباحث دقیق و زیبا در باب احترام به پدر و مادر!؟

## وضعیت فرهنگی آنجا را چگونه دیدی؟

فرهنگی که در آن جامعه هست، خب یک بحثی و روشی را پیاده کردند که هیچ کس به هیچ کس نیازی ندارد، یعنی همین که زن از شوهر جدا می‌شود صاحب یک زندگی مستقل، یک سوئیت مستقل و حقوق مستقل از دولت می‌شود! یعنی زن و شوهر همین امروز که جدا می‌شوند همین امروز خانم صاحب یک زندگی مستقل با همه امکانات هست، خب خانم که از آقا جدا بشود می‌داند که در زندگی اش اینقدر امکانات هست که اصلاً بیکاری ندارد که بخواهد دلش بگیرد تا بخواهد خسته بشود. سری به ماهواره و اینترنت می‌زند، ابزاری که در جامعه برای تفریح آدم‌ها گذاشتند باعث این می‌شود این وابستگی سرد شده؛ وابستگی بین زن و شوهر، نسبت به بچه‌ها؛ یعنی پدر و مادر با بچه‌ها به طور کلی

وابستگی ندارند یعنی هیچ پدر و مادری خودشان را نیازمند بچه نمی‌بینند و هیچ بچه‌ای هم خودش را نیازمند پدر و مادر نمی‌بیند. چون پیرمرد هفتاد هشتاد ساله به محض بیماری، کل سیستم پزشکی کشور در اختیارش است، می‌آیند با ماشین او را می‌برند، پرستارها در اختیارش هستند، کل خرجش را می‌دهند یعنی پدر نیازی نمی‌بیند که در پیری بچه‌اش عصای دستش باشد، دولت با همه امکاناتش جای عصا را پر می‌کند. از طرفی بچه هم همینطور از شش سالگی به بعد اختیار بچه دست پدر و مادر نیست. مثلاً از زمانی که زن باردار می‌شود خرج زن در اختیار دولت است. یعنی همه خرجش را دولت می‌دهد. وقتی هم که زن احساس می‌کند وقت به دنیا آوردن فرزندش است، می‌آیند می‌برندش و از لحظه‌ای هم که بچه به دنیا می‌آید ماهی ۹۵۰ کرون به حساب مادر می‌ریزند به عنوان پرستار، حدود یکصد و خورده‌ای هزار تومان. یعنی از لحظه‌ای که بچه به دنیا می‌آید یک مبلغی را به عنوان سرپرستی این مادر برای بچه به حساب مادر می‌ریزند که فردا روز، مادر ادعا نکند که من جانم را برای بچه ام گذاشتم! می‌گویند خب حقوقت را گرفتی به عنوان یک پرستار نه یک مادر. می‌گویند: خب بچه به دنیا آمده بچه مال دولت است، حالا کی بالای سر بچه بایستد از بچه پرستاری بکند؟ می‌بیند بهترین گزینه همین کسی است که بچه از دامن او به دنیا آمده، مهربانتر از این دیگر نیست. لذا ماهانه ۹۵۰ کرون به حساب مادر پول واریز می‌کنند تا بچه به شش سالگی برسد. از شش سالگی به بعد بچه اختیار مطلق دارد، یعنی پدر و مادر نمی‌توانند به او بگویند کجا می‌روی؟ کی می‌آیی؟ با کی می‌روی؟ حق داد زدن، حق تنبیه و توبیخ ندارند.

پس مسئله تربیت چه می‌شود و نقش پدر و مادر؟! در این سیستم چیزی به نام تربیت نیست. شاهد بودم در خانه یکی از دوستانمان در آنجا بابا سر پسر حدوداً هفت ساله اش شروین داد زد که چرا زود بیدار نشدی برای سرویس. این بچه چنان بابایش را نگاه کرد که من تعجب کردم که الآن بابا را می‌خورد. بعد گفتم: چرا به بچه چیزی نگفتی، گفت: اینجا اینجوری است، اگر من چیزی بگویم بار اول زنگ می‌زند به نیروی پلیس و نیروی انتظامی اخطار می‌دهند. بار دوم دادگاه و بار سوم اگر دادگاه بفهمد که دوباره ممکن است من بچه ام را تنبیه کنم سرپرستی بچه را از من می‌گیرد و باز بچه من صاحب یک سوئیت مستقل بایک پرستار مستقل با همه امکانات لازم و مورد نیاز برای زندگی می‌شود، از نظر پوشاک و بهداشت و حتی مفاسد، همه‌ی امکانات برای او فراهم می‌کنند. آمدند تمام ارتباطاتی که بین پدر و مادر با اولادشان و بین زن و شوهری هست قطع کردند، هیچ نیازی نیست. برای همین بسیاری زن و شوهرها در این کشور جدا شدند و جداگانه دارند زندگی می‌کنند. طلاق در این کشور مرسوم است.

## خب، سید جان برگردیم به دهه محرم و شب عاشورا، از حال و هوای مجلس بگو؟

ما می‌خواستیم برویم، حاج آقای میرباقری فرمودند که اگر به من بگویند شب دوازدهم، پانزده نفر پای منبر شما نشستند، من می‌گویم شما در اروپا گل کاشتی، چون آنجا هم مثل ایران ظهر عاشورا دیگه همه می‌روند با اینکه ایشان خودش دو سری قبل از من آنجا رفته بودند. من همین قدر بگویم که شب ۲۳ محرم که آخرین شبی بود که من آنجا منبر رفتم چیزی حدود ۲۵۰ نفر

# توصیه خانم بزرگ به مداحان اهل بیت (ع)

## توصیه خانم بزرگ به مداحان گرامی اهل بیت (ع)

آیا می دانید یکی از موارد اساسی موفقیت های شما همکاری و همیاری همسران محترم شماست تا شما با فکری آسوده و با آرامش به کار حساس و معنویتان بپردازید حتما شما خود این مطلب را می دانید اما خانم بزرگ وظیفه خود می داند هم به شما و هم به همسران توصیه هایی داشته باشد اگر مایل بودید این توصیه ها را بخوانید بسم الله!

- ۱- شما برای همسران یک الگو هستید پس رفتاری علی گونه با او داشته باشید.
- ۲- سعی کنید در انتخاب مجالس و شرکت در هیأت ها خصوصاً در شهرها و مناطق دیگر با او مشورت نمائید.
- ۳- قبل از ایام پرکار که فرصت رسیدگی به کارهای منزل را ندارید احتیاجات خانه را بر آورده نمائید (خرید مایحتاج خانه، تعمیر وسایل خراب خانه، سرزدن به اقوام و دوستانی که صله رحم آنها بر شما واجب است، انجام کارهای عقب افتاده مثل پرداخت فیش های برق و گاز و... کارهای اداری و ...)
- ۴- سعی کنید در ساعاتی به تمرین اشعار خود بپردازید که همسر شما نیاز به آرامش و استراحت نداشته و صدای شما او را اذیت نمی کند.
- ۵- سبک های جدیدتان را برای او بخوانید و از بیان نظراتش استقبال کنید.
- ۶- قدران زحمات و صبوری او باشید و برایش دعا کنید و به او بگوئید که قدر زحمات او را می دانید.
- ۷- گاهی برنامه های خود را به خاطر او در موارد خاص مثل (بیماری، فوت اقوام، فشار های کاری و روحی و ...) لغو کنید و در کنارش باشید.
- ۸- از او دعوت کنید همراه شما به مجلسی که شما در آن برنامه دارید بیاید.
- ۹- او را تشویق کنید تا معلومات دینی و مذهبی خود را بالا ببرد و از اطلاعات و نظرات او بهره مند شوید و به او بفهمانید که نظرات او برای شما مهم است.
- ۱۰- قبل از جلسات خانگی با دوستانتان او را از تعداد مهمان ها و روز مهمانی از قبل مطلع نمائید.
- ۱۱- اگر برای اجرای مراسم به شهر دیگری رفتید حتما با او تماس تلفنی داشته باشید.
- ۱۲- اگر از شما خواهش کرد در مجلسی به سفارش دوستان و اقوامش مداحی کنید حتما قبول کنید اگر نمی توانید با دلیل و منطق او را قانع کنید.
- ۱۳- اگر از شما خواهش کرد برایش زیارت عاشورا یا روضه ای بخوانید حتما این کار را بکنید.
- ۱۴- بدانید که همسران صبوری دارید، قدر آنها را بدانید، در دعاهای خود صادقانه از خداوند بخواهید خداوند این همسران و مادران آسمانی را توفیق دهد و در آخرت همنشین حضرت زهرا قرار دهد.

• یا علی خدا نگهدار



## صفحه از پنجره نگاه شما:

نشریه خیمه آئینه ی افکار همگان است و اختصاص به اندیشه و نظر خاصی ندارد. از پنجره ی نگاه شما عنوان صفحه ای است باز و دریچه ای گشوده به روی تمامی افکار و نظرات هیات های در هر رده و هر سطح فکری. از پنجره نگاه شما افقی است وسیع و زمینه ای گسترده برای البراز عقیده، بحث و گفت و گوی خوانندگان پیرامون ادبیات و هنر آئینی و آداب و رسوم هیات های عزاداری.

## آیا میدانید؟

- ۱- آیا میدانید نشانه های ریاکاران چیست؟  
- وقتی تنهاست با کسالت و بیحال است  
- وقتی با مردم است نشاط در عبادت و عمل پیدا می کند.  
- وقتی تعریفش کنند کار بیشتری می کند اگر بدگویی کنند کم کاری می کند.

## ۲- آیا میدانید ۴ چیز دیگر بازگشت نخواهد داشت؟

- اول: کلام گفته شده
- دوم: تیر رها شده
- سوم: زمان گذشته
- چهارم: تقدیر جاری شده

## ۳- آیا میدانید ۴ قسم مادر وجود دارد؟

پیامبر اکرم (ص) می فرماید مادر چهار قسم است. مادر داروها، مادر ادب ها، مادر عبادت ها و مادر آرزوها و اما مادر داروها: کم خوری  
مادر ادب ها: کم گویی  
مادر عبادت ها: کم گناهی  
و مادر آرزوها: صبر است.

## ۴- آیا میدانید برای معالجه گرفتگی صدا چه باید کرد؟

- جعفری را خرد کنید و در شیر گرم بریزید و صبح ناشتا میل فرمائید.

۳- دم کرده چند شاخه جعفری با یک فنجان آب جهت گرفتگی صدا مفید است.

- مصرف دم کرده شکوفه گیلاس برای سینه داروی مفید و خوبیست.

- نشاسته را در آب گرم ریخته و با یک قاشق چایخوری روغن مخلوط کنید برای گرفتگی صدا مفید است.

موید باشید  
خانم بزرگ



# همسرتان مداحان! بخوانند!



**صفحه زینبیه:** این صفحه ویژه ی بانوان است. یعنی خواهران هیاتی هم در این نشریه، جایی برای خود دارند و مجالی برای حرف زدن یافته اند. مطالبی چون گزارش، گفت و گو، آسیب-شناسی مجالس زنانه، معرفی مادران آسمانی و... تاکنون در این صفحه به چاپ رسیده است. شما خواهران هیاتی و عاشق امام حسین علیه السلام باخواندن مطالب صفحه ی زینبیه با بسیاری از آداب و رسوم ابراز ارادت به اهل بیت علیهم السلام که در محافل و مجالس زنانه رواج دارد، آشنا می شوید.

- ۱- اولین توصیه اینکه به همسرتان افتخار کنید و از صمیم قلب به او بگویید که به وجودش افتخار می کنید.
- ۲- او را تشویق کنید تا در پی کسب معارف اسلامی و بالابردن سطح معلومات مذهبی باشد.
- ۳- سعی کنید با مطالعه و گوش کردن به سخنان علماء و حکماء سطح معلومات خود را افزایش دهید و در مسائل مذهبی و زندگی ائمه اطلاعات کسب کنید و این معلومات را در اختیار او قرار دهید.
- ۴- دوستان و فامیل را از روش زندگی خود آگاه کنید تا در برنامه های مهمانی و دید و بازدیدها خصوصاً در ایام محرم و صفر مراعات حال شما را کرده و توقع شرکت در مراسم آن ها و یا بر هم زدن برنامه های شما را نداشته باشند.
- ۵- دوستان و فامیل را قانع کنید که او در مجلسی شرکت می کند که با برنامه ها و روحیاتش هماهنگ باشد و خواستار شرکت ایشان در مجالس سفارشی و ... نباشند. خود شما هم هیچ گاه همسر خود را تحت فشار قرار ندهید تا در مجالس اقوام و آشنایانی که شما را واسطه قرار داده اند تا ایشان را راضی کنید، شرکت کند.
- ۶- مسائل و مشکلات مالی را طوری بیان نکنید که خدای نکرده در دراز مدت در انتخاب مجلس و هیأت به پاکت آن توجه کند.
- ۷- در ایام پرکار مثل محرم و صفر خانه را برای استراحت او مهیا کنید تا با آرامش کامل به تجدید انرژی و تمرین بپردازد.
- ۸- اگر سبک جدیدی از مداحی ساخت یا شعر زیبایی سرود با شوق و علاقه از او بخواهید تا برای شما بخواند و با علاقه به آن گوش فرا دهید و صادقانه نظر خود را بگوئید.
- ۹- اگر برای اجرای مراسم مایل است برای مدتی دور از خانه باشد به او اطمینان دهید که علی رغم مشکلاتی که در غیاب او ممکن است پیش آید با رفتن او اصلاً مخالفتی ندارید.
- ۱۰- وقتی بعد از اجرای مراسم به خانه می آید مسائل و مشکلات زندگی را بلافاصله با او در میان نگذارید اجازه بدهید وضعیت روحی و خستگی او روبرو شود، بعد او را در جریان مسائل مورد نظرتان قرار دهید.
- ۱۱- مداحی و نحوه خوانی انرژی زیادی لازم دارد انسان وقتی مصیبتی را بیان می کند آن هم در مورد ائمه که ارادت خاص به آنها دارد و در آن حال و هوا قرار می گیرد فشار شدیدی را تحمل می کند با صدای بلند مداحی کردن، بیان مصیبت ها، مکان هایی که اغلب تهویه مناسب نداشته و گرمای زیاد، کم خوابی و حجم کار، مداح را خسته می کند، سعی کنید در ایام پرکار ماه های محرم و صفر برنامه غذایی و استراحت او را کنترل کنید غذاهای مقوی و شیر را حتماً در نظر داشته باشید و غذاهای چرب و سنگین و سرخ کرده را از برنامه غذای او حذف کنید و کمتر از او توقع صحبت کردن و گفتگوهای روزانه را داشته باشید.
- ۱۲- سعی کنید در مجالس او شرکت کنید و مستفیض شوید و اگر از شما در مورد نحوه برگزاری مراسم سوال نمود با روی خوش نظرتان را بگوئید. اگر نمی توانید در مراسم ها شرکت کنید نوار آن را حتی المقدور تهیه کرده گوش دهید و نظرتان را بگوئید.
- ۱۳- گاهی به دلایلی مانند اختلاف سلیقه ها، بدقولی ها، نامناسب بودن شرایط، درگیری های لفظی و تنش ها، او ناراحت و عصبی است در این جور موارد او را دلداری دهید و به ادامه کار امیدوارش کنید و هدف اصلی را مکرراً برایش یادآور شوید که او برای کسی کار نمی کند برای ائمه قدم برمی دارد و آنها همواره او را حمایت خواهند کرد.
- ۱۴- روی مبلغ پاکت او اصلاً حساب نکنید شاید او بخواهد مراسم هایی بدون دریافت مبلغ داشته باشد در این جور موارد با خوشحالی او را تأیید و تشویق نمایید.
- ۱۵- گاهی از او بخواهید برای شما دعایی یا زیارت عاشورا و یا روضه ای بخواند باور کنید تمام غصه و مشکلات را فراموش خواهید کرد و به آرامش خواهید رسید. نور معنویت همیشه لازمه طی کردن جاده زندگی است از آن استفاده کرده و لذت ببرید.
- ۱۶- شما در بین مردم دارای احترام خاصی هستید و چه بسا الگوی جوانان، سعی کنید به وضعیت ظاهری خود مطابق با شعائر اسلامی و برانده یک خانواده زینبی و حسینی اهمیت قائل شوید و در تربیت فرزندان متعهد نهایت تلاش خود را بنمائید. در ارتباطات اجتماعی صبور و منطقی و به معنای واقعی الگو باشید.
- ۱۷- لازمه همسر یک مداح و یک مبلغ بودن، صبر است شاید گاهی لازم باشد مدت ها دور از هم باشید و به تنهایی چرخه ی زندگی را بگردانید (نگهداری از فرزندان، بیماری کودک، مهمانی ها، خرید، مشکلات پیش بینی نشده، توجه زیاد اطرافیان به روش زندگی شما، پوشاک، خوراک، دلتنگی و تنهایی و یا حتی تحمل صدای تمرین های شوهر خود وقتی که واقعاً به آرامش و استراحت احتیاج دارید) اما بدانید که همه این ها لطف خداوند است و پاداش آن کمتر از خواندن مصیبت اهل بیت در مجالس روحانی و معنوی امام حسین نیست.

## آیا میدانید...

**سومین ویژگی موعظه حسنه:** شناخت روحیات طرف یا روانشناسی طرف است، برای کسی که غرق گناه است نباید آیات رحمت را خواند بلکه باید آیات جهنم را بخوانیم و از طرف دیگر کسیکه دائماً از ترس خدا اشک می ریزد و دعا می کند باید آیات رجاء را بخوانیم. حضرت زکریا پدر حضرت یحیی مقید بود در مجالسی که حضرت یحیی حضور داشتند آیات جهنم را نمی خواندند چون ایشان غش می کردند و از حال می رفتند. پس موعظه حسنه این است که طرف را بشناسیم. ای چه بسا بر اثر نشناختن به جای دارو به او سم بدهیم.

امام صادق (ع) به نزدیکانشان فرمودند: اهل شوخی هستید یا نه عرض کردند کم. فرمودند چرا کم. اهل مزاح باشید لیکن مزاحی که متین است.

حضرت علی (ع) می فرمایند (روایت از اصول کافی):

«آیا خبر ندهم به شما که دین شناس واقعی چه کسانی هستند، عرض کردند، بفرمایید. فرمودند: کسانی که مردم را از رحمت خدا مأیوس نکنند و طوری هم برخورد نکنند که اینها را از عذاب خدا درامان بدارند و زمینه گناه و معصیت برای آنها باز شود.»

**چهارمین ویژگی موعظه حسنه:** از افراط و تفریط در دین بپرهیزد. گاهی می خواهیم مردم را ترغیب به اهل بیت کنیم، آنچنان مطرح می کنیم که ولایت داشته باشند و بس، و گاهی بالعکس، می گوئیم عمل صالح داشته باش، محبت اهل بیت پیش کش، این افراط و تفریط است. امامان ما هم اصرار داشتند اعتدال در دین باشد، هم محبت عترت و هم عمل صالح.

مولا علی (ع) فرمودند:

**دوست پیغمبر کسی است که بنده خدا باشد اگر چه نسبتش با پیغمبر دور باشد، و دشمن پیغمبر کسی است که معصیت کار باشد اگر چه عموی پیغمبر باشد.** ائمه عنایت داشتند که در باب اهل بیت و طهارت علاقه و محبت داشته باشید. می فرمودند: از غلو بپرهیزید و ما را در حد خدایی بالا نبرید ما بنده خدا هستیم. این نکته را هم بگویم که دین را باید طوری تفسیر کرد که از آن هیولا ساخته نشود و طوری هم گفت که طرف سهل انگار نشود و به دنبال راه فرار از قوانین نباشد مثل مسئله ربا و گرفتن یک قوطی کبریت در برابر پول که امام آن را حرام و حقه بازی و حيله می دانستند. یکی از آقایان شورای استفتاء به امام عرض کرد شما این مسأله را احتیاط واجب، می دانید و در احتیاط واجب می شود به مرجع دیگر رجوع کرد. امام فرمودند: این مسأله را نمی شود، چون خود رجوع، حقه بازی و حيله است.

**پنجمین ویژگی موعظه حسنه:**

با الهام از روایات عترت سلام الله علیهم اجمعین باید حتی الامکان موعظه حسنه مخفیانه انجام شود.

امام حسن عسکری (ع) می فرمایند:

کسی که برادر دینی اش را مخفیانه نصیحت کند باعث زینت او شده است و کسی که آشکارا نصیحت کند باعث ننگ او شده است.

گر نصیحت کنی به خلوت کن

که جز این شیوه نصیحت نیست

هر نصیحت که برملا باشد

آن نصیحت بجز فضاحت نیست

مولا علی (ع) می فرماید: نصیحت علنی شخصیت را از بین می برد.

**ششمین ویژگی موعظه حسنه:** ایجاز و اختصار در موعظه

حضرت علی (ع) می فرماید: وقتی که موعظه می کنید سعی کنید که مختصر و موجز باشد.

**هفتمین ویژگی موعظه حسنه:** ذکر حکایت حکایت و داستان چیزی است که بزرگ و کوچک علاقه دارند و رغبت نشان می دهند که آخر داستان چه شد و چه بهتر، داستان و حکایتی انتخاب شود که به موضوع بستگی داشته و آموزنده باشد. در زمان طاغوت کتاب و مجلاتی منتشر می شد از جمله، آنهایی که جنایی بود یا آنهایی که به دام فحشاء و اعتیاد می افتادند. و خواننده ی آنها ناخود آگاه راه گناه را یاد می گرفت. امام صادق (ع) می فرمایند: کسی که پند می دهد و آنکه می شنود مثل آدم بیدار و خواب است کسی که خودش بیدار شده می تواند خوابیده را بیدار کند و گرنه آدم خواب نمی تواند خوابیده را بیدار کند

خواب نمی تواند خوابیده را بیدار کند

خشک ابری که بود ز آب تهی

ناید از وی صفت آب دهی

... ادامه دارد...

**پی نوشت ها:**

۱- (سوره سبأ آیه ۴۶)

۲- (آیه ۱۵۹ سوره آل عمران)





بحث پیرامون شیوه های عملی امر به معروف و نهی از منکر با الهام از قرآن و عترت است یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر موعظه و نصیحت است. پاره ای از مباحث پیرامون آن در قسمت اول گذشت

یک برداشتی در جامعه ما متأسفانه هست که مقام وعظ آن طور که باید جایگاه خودش را ندارد. (مثلا اگر کسی را بگویند استاد حوزه مقامش را بالاتر می بینیم تا بگویند یک واعظ.)

یکی از عواملش ممکن است این باشد که کسانی که وارد میدان وعظ شده اند شایستگی وعظ را نداشته اند. ولی واقعیت این است که مقام وعظ مقام بلندی است. مقام وعظ را گاهی، وعاظ دست کم می گیرند و گاهی هم شنوندگان ما. در حالیکه مقام وعظ در قرآن مقام خداوند، انبیاء و پاکان است

خدا پیغمبر را وعظ می داند:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَحْدِهِ ان تَقْوَمُ وَالله مَثْنَى و فرادی تَمَّ تَفَكَّرُوا ما بصاحبكُم من جنَّه ان هو أَلَا نَذِير لکم بین یدی عذاب شدید ۱.

خدا به شما امر می کند که امانت را البته به صاحبانش بازدهید و چون حاکم بین مردم شوید داورى به عدالت کنید همانا خدا شما را پند نیکو می دهد که خدا به هر چیز آگاه و بصیر است.

و همچنین در آیات ۵۸ و ۱۷ و ۹۰ از سوره های نساء، نور و نحل نیز که قرآن، خدا را وعظ می داند.

آیه ۶۳ سوره نساء پیغمبر را وعظ و آیه ۱۳ سوره لقمان، لقمان را وعظ می داند اگر نگوییم لقمان پیغمبر بوده چون شک است ولی از اولیاء الله بوده است. یک نکته ای که از این آیه می خواهیم بگویم لحن موعظه است. لحن موعظه با لحن تعلیم فرق دارد لحن موعظه باید لحن فوق العاده نرم و عاطفی باشد.

یا بنی ای (پسرکم) که در ترجمه فارسی می شود عزیزم، جانم،

باید گفت وعظ حقیقی کار خیلی سختی است یک عمر ریاضت لازم دارد تا این سخن از دل برآید و بر دل نشیند.

در احوال مرحوم شیخ جعفر شوشتری که عارف و عالم اخلاقی بزرگی بود داستانهایی فراوانی از منبر و وعظ ایشان نقل می کنند. یک بار در مدرسه عالی شهید مطهری

سپهسالار سابق منبر می رفت. در مسیر راهش در همین تهران چندین مورد فسق و فجور دید، بالای منبر آنها را

گفت و سپس لحظه ای مکث کرد و بعد گفت: «مردم، این جهان خدایی دارد»، این جمله طوفانی به پا کرد. یک بار

دیگر بالای منبر گفت: «موقع آمدن الاغ هایی را دیدم که بار حمل می کردند، یکی از آنها به من نگاهی کرد من حرف

او را فهمیدم گفت شیخ جعفر ما این بار سنگین را بالاخره به مقصد می رسانیم ولی تو چی؟ آیا می توانی بار خودت

را به مقصد برسانی.» پس اگر وعظ سخن از دل بگوید، می شود شیخ جعفر شوشتری. شما سخنان الهی امام

در طول ده سال باران رحمت ایشان را که حالا همان سخنان از حلقوم مقام معظم رهبری خارج می شود شنیده

اید. بعد از فاجعه هفت تیر یک (بسم الله الرحمن الرحيم)

و یک (انا لله و انا الیه راجعون) طوفانی بپا کرد. همین یک کلمه (انا لله) همه پرده ها را از پیش چشم انسان ها کنار زد.

موعظ بر دو قسم است سیئه و حسنه موعظ سیئه اثر ندارند و اثر آن مخرب است ولی موعظ حسنه سازندگی دارند.

در آیه ۱۲۵ سوره نحل سه شیوه برای دعوت مردم به حق مطرح شده است. ۱. حکمت ۲. موعظه حسنه ۳. جدال و

بحث احسن. در این قسمت به ویژگیهای موعظه حسنه می پردازیم.

موعظه حسنه ۷ ویژگی دارد:

**ویژگی اول موعظه حسنه:** موعظه ای است که همراه با خشونت نباشد ۲

اگر گفتار خشن داشته و اهل عاطفه نبودی مردم از اطرافت پراکنده می شوند.

**دومین ویژگی موعظه حسنه:** جنبه خیرخواهی داشته باشد نه خود ستایی. در بحث گذشته نصیحت امام راحل

را به آمرین به معروف و نا هیان از منکر گفتیم. پس در نصیحت باید خودستایی، دروغ و تهمت نباشد براساس

شایعات نباید کسی را نصیحت کنید، حتی اگر یک کلمه هم اشتباه باشد، اصل نصیحت را زیر سوال می برد و از

همه مهمتر اینکه نباید موعظه فتنه انگیز باشد مثل قیاس کردن بچه خود با بچه دیگران یا همسر خود با همسر

دیگری که این بدترین شیوه موعظه است و باعث کینه و تفرقه می شود چه دانسته یا ندانسته باشد، و این دیگر

موعظه حسنه نیست، بلکه موعظه سیئه است.



سید احمد خاتمی

بخش دوم

# امر به معروف و نهی از منکر





## سیدکمال میرهاشم زاده

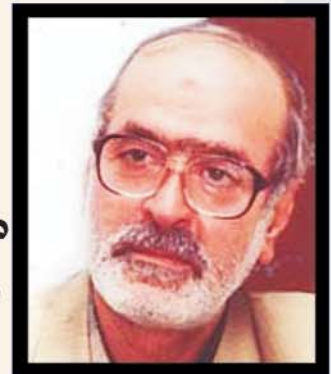
آنچه حوزه ی ادبیات عاشورایی را آسیب پذیر می کند، کم توجهی مداحان به شعر عاشورایی است. شعر عاشورایی این خاصیت را دارد که در روپوشدن با احساسات مخاطب حوزه ی ادراک او را درگیر مضامین شعر می کند. تاثیر گذاری بر احساسات مخاطب در جهت معرفت اهل بیت (ع) شاخصه ی مهم این شعر است.

جریان شعر عاشورایی امروز به سمت احساس گرایی تمایل دارد در حالی که گذشتگان ما بیشتر به بار فرهنگی که انتقال مفاهیم تاریخی در قالب شعر دارد، توجه داشتند. آثار شعر عاشورایی امروز در حوزه ی تاریخ نگاری و شرح حوادث کمتر وارد می شود و بیشتر به واکنش های احساسی و هیجانی مخاطب اهمیت می دهد.

آسیب شعر عاشورایی بیشتر از ناحیه ی مجالس مذهبی و آیینی است که به شعر اصیل توجهی ندارند و هیأت های مذهبی که مهمترین خروجی شعر عاشورایی هستند بیشترین لطمه را به این بخش از ادبیات دینی ما وارد می کنند؛ مداحان هیئات در اشعاری که برای مخاطب می خوانند به اقتدار ائمه ی اطهار توجه نمی کنند و فقط بر جنبه مظلومیت آنها (ائمه) تأکید می کنند.

باید در میان برنامه های هیئات به برنامه های شعر خوانی نیز توجه ویژه ای شود. سالها است که رسم پسندیده حضور شاعران در محافل مذهبی به فراموشی سپرده شده است. دیگر کمتر هیاتی را می توان پیدا کرد که در میان برنامه های خود از شاعران دعوت کنند تا عمق این حادثه را در قالب شعر به مخاطب منعکس کند.

متأسفانه نغمه های اصیل شعر عاشورایی مورد بی توجهی قرار می گیرد و مسأله ای که ما با آن روبرو هستیم، این است که دستگاه های مبتدل، جای دستگاه های اصیل موسیقی ایرانی و بومی را در آیین های عاشورایی گرفته است. مهم ترین مشکل ما این است که ترانه، جایگزین شعر در نغمه های عاشورایی شده است.



## محمدجواد محبت

شاعر و محقق ادبیات

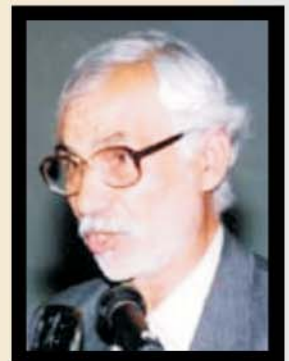
اخیرا در همایشی با عنوان «رسانه ی ملی و ذاکرین» بودم و یکی از مداحان و شاعران عاشورایی، در جلسه نمونه هایی در این زمینه بر شمرد که جای تأمل، شگفتی و حتی تأسف داشت.

اگر شاعر اهل بیت (ع)، برای دسترسی به وقایع عاشورا و کربلا، به متون مستدل و تاریخ مستندی که در این زمینه وجود دارد، رجوع کند می تواند در زمینه ی انتقال صحیح فرهنگ عاشورا و تحریف زدایی از این فرهنگ، کام بردارد و با شعر خود در این راستا ایفای نقش کند.

یک شاعر آئینی و عاشورایی، باید در آثار خود «خدا» را در درجه ی اول منظور نماید و امام حسین (ع) را به این دلیل بزرگ بدارد که خداوند را ستایش می کرده و بنده ی مطیع و فرمانبردار حق بوده است.

اگر شاعر و نویسنده ی آئینی و عاشورایی، امروز، از تاریخ غفلت کند، قطعاً سر از تکرار و در نهایت کفر و شرک در می آورد، من از شاعران جوان امروز، آثاری در ارتباط با عاشورا خوانده ام که جالب و تحسین برانگیز بوده است، هم به ساختار شعری امروز توجه داشته اند و هم احساسات و عواطف آئینی و دین باورانه را به نحوی مطلوب ارائه داده اند، البته گاه شعرهایی هم وجود دارد که فقط به بزرگنمایی زجر خاندان عاشورا می پردازند و ... که باید اصلاح شوند، زیرا همه ی یاران و مردان سپاه امام حسین (ع) به وقت مبارزه و شهادت، رجزهای مردانه خوانده اند و عاشقانه از امام دفاع کرده اند، اما در برخی آثار و اشعار به آنها توجه نمی شود، رجزهایی که به مانند آنها، در شاهنامه و هومر هم نیست

## عباس براتی پور



دیگری هم به پیکره ی ادبیات عاشورایی ضربه می زند، آن «غلو» در برخی صحنه های عاشورا و کربلاست. این که شاعری در شعر خود بگوید که در سوگ ابا عبدالله (ع)، «خدا» هم گریه می کرد، زبینه ی شعر عاشورایی ما نیست، چرا که حضرت امام حسین (ع) با تمام وجود شهادت را قبول کرد، امام با شهادت خود به ما پیام آزادی و نفی سلطه را می دهد، اما، ما به جای درک این پیام بیدارگرانه، فقط مظلومیت و سوگ را به مخاطبان شعر خود منتقل می کنیم، در حالی که مکتب عاشورا، مکتب اندوه و حسرت نیست.

جوانان شاعر امروز که می خواهند از عاشورا و مسائل مربوط به این واقعه ی تاریخی - اسلامی بگویند، باید سطح اطلاعات تاریخی و دینی خود را بالا ببرند و تلاش کنند که حرف خود را با زبان امروز بزنند، چرا که اگر بخواهند مانند گذشتگان شعر بگویند، به وادی تکرار و تقلید تنزل می کنند، به اعتقاد من هر چقدر مطالعه ی جوانان شاعر در زمینه ی عاشورا بیشتر باشد، میزان موفقیت آنها هم بالاتر خواهد بود. به جز تحریف، که زبینه ی فرهنگ عاشورا نیست، مسئله ی



**نویسنده در بخش اول این نوشتار به بازخوانی نقش اخلاص در مداحی پرداخت و ضمن بیان تعریفی از اخلاص، اهمیت نگاه داشت اخلاص را یادآور شد و سرانجام معیار عمل خالص را بیان نمود.**

### برتری نیت از عمل

از سخن امام صادق (ع) چنین به دست می‌آید که اعمال، در نقص و کمال خود، تابع نیات‌اند و جهت اصلی و اساسی آن را روشن می‌سازند. این مطلب در روایات بسیاری آمده است و در کتب عرفانی، بخشهای فراوانی به آن اختصاص داده شده است: پاک ساختن نیت از شرک و دورنگی و رو آوردن به بی‌آلایشی و یکرنگی خود مجاهده‌ی عظیمی است و به انسان می‌نمایاند که اصل، نیت است و فرع، عمل. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «تلخیص نیت از مطلق شرک کار بسیار بزرگی است که از هر کس نیاید، و کمال و نقص اعمال، تابع کمال و نقص نیت است؛ زیرا که نیت صورت فعلیه و جنبه ملکوتیه عمل است، چنانچه اشاره به آن نمودیم، و در حدیث شریف اشاره به همین مطالب می‌نماید: آنجا که می‌فرماید: *والنیه افضل من العمل*، و ان النیه هی العمل؛ نیت از عمل افضل است، بلکه نیت، تمام حقیقت عمل است و این مبتنی بر مبالغه نیست - چنانچه بعضی احتمال داده‌اند - بلکه مبنی بر حقیقت است؛ زیرا نیت، صورت کامله‌ی عمل و فصل محصل او است، و صحت و فساد و کمال و نقص اعمال، به آن است. چنانچه عمل واحد به واسطه‌ی نیت، گاهی تعظیم می‌گردد و گاهی توهین است؛ و گاهی ناقص است؛ و گاهی از نسخ ملکوت اعلی و صورت بهیبه‌ی جمیله دارد، گاهی از ملکوت انهل و صورت موحشه‌ی مدهشه دارد». سپس برای تشریح خود چنین مثال می‌زند: «ظاهر نماز علی بن ابیطالب (ع) و نماز فلان منافق در اجزاء و شرایط صورت ظاهری عمل هیچ تفاوتی ندارد، لیکن آن یک با آن عمل معراج الی الله کند و صورتش ملکوت اعلی است، و دیگری با آن عمل به جهنم سقوط کند و صورتش ملکوت اسفل است و از شدت ظلمت شبیه ندارد. به واسطه چند قرص نان جوین که خانواده‌ی عصمت (ع) در راه خدا می‌دهند، چندین آیه خدای تعالی در مدح آنها فرو می‌فرستد. جاهل گمان می‌کند دو سه روز گرسنگی و غذای خود را به فقرا دادن امر مهمی است. با اینکه صورت این قبیل اعمال از هر کس می‌شود صادر شود و چیز مهمی نیست، اهمیت آن به واسطه قصد خالص و نیت صادقانه است. روح عمل قوی و لطیف، از قلب سلیم صادر است که دارای این قدر اهمیت است. اخلاص و مداحی اهل بیت (ع) به آنچه درباره‌ی اخلاص در عبادت گفته شد، سخن امام صادق (ع) را ضمیمه کنید که فرمود: «حبنا اهل البیت افضل عبادة؛ دوست داشتن ما اهل بیت، برترین عبادت است.»

برترین عبادت، دوست داشتن اهل بیت (ع) است و مداحان، از متولیان علاقه‌مند ساختن مردم به خاندان پیامبر (ص) هستند. از این رو کوشش آنان در نگاهداشت اخلاص در برترین عبادت از اهمیت خاصی برخوردار است. پیش‌تر گفتیم که هویت ضعف مداح، همانا به اخلاص است. در این باره ذکر چند نکته ضروری است:

۱- در ستایشگری و مدیحه خوانی برای اهل بیت (ع) کیفیت بیش از کمیت اهمیت دارد؛ آنچه گفتیم به معنای بی اهمیت بودن کمیت نیست. اگر مداحی یک مجلس را با اخلاص کامل در پیش و هنگام و پس از آن اداره کند، بهتر از برگزاری چندین مجلس، با خدای نخواستگی بیماری‌های روحی از قبیل ریا و... است؛ آنچه در پیشگاه خداوند پذیرفته می‌شود عمل خالص است و گاه عمل با نیت خالص، موجب رستگاری فرد می‌شود. گاه فراوانی عمل و بسیاری خدمت در آستان بلند اهل بیت (ع) انسان را چنان غافل می‌سازد که تمام اعمال خود را پذیرفته شده می‌پندارد. بنابراین آن هنگام که به فراوانی خدمت در این آستان می‌اندیشیم، نباید چگونگی و برای خدا بودن را از نظر دور بداریم. آن هنگام است که به نقصان و قلت عمل خود پی می‌بریم. این مسئله در میان آنانی که بیشتر در دستگاه اهل بیت (ع) خدمت کرده‌اند به قول برخی محاسن سپید ساخته‌اند، اهمیت دو چندان دارد؛ چرا که شیطان بیشتر در کمین آنهاست تا اندوخته‌ی سالیان دراز آنها را با اندک غفلتی تباہ سازد. ستایشگران این بارگاه باید همواره دست خود را تهی ببینند و به کرامت ممدوحان خود چشم داشته باشند و همواره حالت خوف درجاء را پاس بدارند؛ چرا که مداح خاندان پیامبر (ع) بیش از هر چیز خود ما را تعالی می‌بخشد که گفته‌اند: «مداح خورشید، مداح خود است.»

۲- مداح نباید به اخلاص آبی بسنده کند؛ بلکه باید اخلاص را در تمام لحظات خود جاری بداند و در غیر مجالس روضه و مدح نیز خالصانه زیست کند؛ مداح همواره الگو و سرمشق اطرافیان خود است و در گذشته از احترام فراوانی برخوردار بوده است. پیش از این مداحان در شهرها و روستاهای گوناگون تالی تلو عالمان و روحانیان پنداشته می‌شدند و در نبود آنان، مرجع حل مشکلات علمی و عملی مردم بودند؛ مگر نه اینکه در گذشته هنگام عدم حضور امام جماعت، نماز را به امامت آنان اقامه می‌کردند؟ و مگر نه اینکه به عدالت و خلوص آنان در ابعاد گوناگون ایمان داشتند؟ اخلاص در قبول مجالس، برخورد با همصنفان، انتخاب شعر، انتخاب سبک نوحه و سرود، ساعت شروع و پایان مجالس، برخورد با مستمع، احترام به سالمندان و کودکان و... بخشی از گونه‌های اخلاص در مداحی است. او باید چنان باشد که مردم با دیدن او «عبادالله المخلصین» را فرا

یاد آورند؛ او باید چنان باشد که همگان رفتار ممدوحان او را در رفتار او جلوه گر بدانند. این همه باید دوام داشته باشد و اخلاص گاه گاهی دردی را دوا نمی‌کند مداح باید به روزمرگی‌ها، عادت‌های اجتماعی منفی و موج سواری دچار نباشد و رسالت خود را همواره در یاد داشته باشد تا اخلاص او تداوم یابد و در طول زمان، به خاموشی نگراید و اعمال گذشته را نیز تباہ نسازد.

۳- آنکه در این آستان بلند، جبین می‌ساید، همانند دیگر اصناف، باید اعمال خویش را در اخلاص بسنجد، و بهترین راه آن به فرموده امام صادق (ع) این است که به درون بنگرد که آیا جز ستایش خدا کاری انجام داده یا خیر. آیا ستایش و حمد دیگران نیز در این ستایش دخیل بوده است؟ گاهی نام بردن از بانی مجلس روضه، یا برخی از دست اندرکاران موجبات حمد غیر الهی را فراهم می‌آورد؛ گاهی اجرای برخی از حرکات ناشایسته یا گفتن برخی سخن‌های نابجا، موجبات حمد خود (که از اصناف حمد غیرالهی است) را فراهم می‌آورد. از این رو مراقبت از اعمال و سنجش همواره آن، انسان را از قید و بند ستایش‌های واهی می‌رهاند و به سر منزل حمد پروردگار می‌رساند.

۴- اعمال از سرچشمه‌ی نیت جاری می‌شود، و گل آلود بودن سرچشمه، آب را در گلوی تشنگان ناگوارا می‌دارد. ستایشگر و مداح اگر خدای نخواستگی، با نیت غیر خالص به پیشه‌ی خود بپردازد، تنها حیات خود را تباہ نخواهد ساخت؛ بلکه مستمعان خود را نیز دچار خسران عظیم می‌سازد. این ناخالصی در اخلاص چنانچه در رفتار و کردار مداح نیز نمایان شود، موجب طرد دیگران از حضور در مجالس و گاه انحراف آنان از مسیر اصلی خواهد شد. گاه کم اخلاصی فردی از مداحان، مردمانی را که آنان را تنور همواره داغ اخلاص می‌دانند و در طول سالیان دراز به الگوپذیری از آنان دل خوش می‌دارند، به تردید در اصل وجود اخلاص در جامعه و می‌دارد؛ چه اینکه آنان را پیش از این، وجه اتم اخلاص می‌دانسته‌اند. مع الاسف امروزه کم اخلاصی اندکی از پیکره‌ی عظیم ضعف فرهنگ ساز مداح، خسارت جبران ناپذیری را به دنبال داشته است. ریشه‌ی بسیاری از این مشکلات در نبود نیت خالصانه در میان آن عناصر محدود است که باید با هدایت مسئولان فرهنگی جامعه و بزرگان این حرفه‌ی تاثیر گذار، جبران شود. آری طی این راه بزرگ و پرفضیلت، تنها در گرو اخلاص است و افتادگی، چنانکه کلیم کاشانی می‌گوید: به راه عشق که افتادگی است رهبر آن پیاده می‌رود اما سوار می‌ماند!

### بخش پایانی



# پیاده می‌رود اما سواره می‌ماند

بازخوانی نقش اخلاص در سلوک ستایشگری

محمد جواد زمانی





روح حماسه را در خود جای داده است، بیان دل‌آوردها و رشادتها، بیان روایی لحظاتی از پیکار حضرت عباس(ع) و ... و اشاره به جوانمردی‌ها و بیان لحظات سرخ شهادت و ...

## مضمون:

اندیشه و جهان بینی شاعر، اندیشه و جهان بینی صدرصد شیعی است، شعر، خاندان اهل بیت را در مرکز می بیند و جز آن‌ها و راه آنها هیچ کس و هیچ راهی را بر نمی‌تابد (که به درستی هم این چنین است) و این نکته در شعر ایشان هم به وضوح نمود پیدا کرده است. چرا که «شعر در هر صورت وامدار جهان بینی و اندیشه‌ی شاعر است که خاستگاه اجتناب ناپذیر سروده‌های اوست، تصور این که شاعر شعری بسراید که خود او ولاجرم اندیشه‌ی ملتزم او در آن حضور نداشته باشد غیر ممکن است... شعر ملتزم شیعی التزام شاعر شیعی را به این مکتب فریاد می‌زند، شاعر شیعه ناخودآگاه، عاشق مکتب خود و وامدار آن است، او محبت اولیاء شیعه را با پوست و گوشت خود عجين دارد... و آن چه می‌گوید رنگ و بوی این شیفتگی را دارد، شاعر شیعه سرخ می‌اندیشد و سرخ می‌سراید... تشیع همان وجود شاعر شیعی است و هر شاعری سراینده‌ی خویش است بی آن که خود در آن لحظه‌ها می‌مبهم تولد شعر آگاه باشد. ۱ شاعر در شعرهایش تنها به دنبال مفاهیم ارزشی و ارائه‌ی هر چه بهتر آن هاست و تمام هم و غم‌اش را در این خصوص بکار گرفته است.

بعد از بیان کلی سه معیار اساسی در شعر آیینی (زبان، عاطفه، ادامه مفاهیم ارزشی) برای روشن شدن مطلب در خصوص چگونگی به کارگیری این سه معیار می‌پردازیم به بررسی نمونه‌هایی (که خود حکم معرفی دارند) از دو کتاب «از کعبه تا محراب» و «الا یا ایها الساقی...» در بررسی نمونه‌هایی از دو کتاب مذکور پایه و اساس دیدگاه نگارنده بر سه رکن زبان، عاطفه و ارائه مفاهیم ارزشی است.

## «از کعبه تا محراب»:

این کتاب همان طور که از نامش مشخص است در خصوص امیرالمومنین علی(ع) سروده شده است که شامل تعدادی رباعی و چند غزل می‌باشد.

«چگونه می‌توان از خورشید گفت بدون این که خود خورشید را درک کرده باشیم، خورشید خود دلیل خود است، از علی چگونه می‌توان گفت بدون این که علی را شناخت و چه کسی علی را شناخت غیر از خدای علی، پیامبر و زهرا، از علی نمی‌توان سخن گفت غیر از علی. علی را تنها با علی می‌توان شناخت و بس «به راستی سرودن از علی و ستودن علی، عرصه‌ای است که سیمرخ اندیشه در آن جا پر ریخته و اعتراف به عجز و ناتوانی با نارسایی کلام در هم آمیخته من نیز به همین چند سطر که خود گویای تمام مطلب است بسنده می‌کنم.»<sup>۲</sup>

در کتاب «از کعبه تا محراب» شاهد حضور تعدادی رباعی و چند غزل هستیم که بنا به موضوعات خاص سروده شده اند

و دسته بندی گردیده اند، در برخورد اولیه همان سلیسی زبان و سادگی بیان که قبلاً به آن‌ها اشاره شد خودنمایی می‌کنند، ارزش‌های متعالی انسانی هم در این جا محور سرایش اشعار هستند، نکته جالب توجه این است که شاعر برای بیان موضوعات مورد نظر از قالب رباعی بیخ‌تر (و حتی می‌توان گفت بطور کامل) سود جسته است، رباعی یکی از دشوارترین قالب‌های شعر کلاسیک است که جز شاعران اندکی، دیگر شاعران مجال و توان خودنمایی در این عرصه را پیدا نکرده اند، رباعی به دلیل فضای محدود و هم چنین به خاطر ایجاز بیش از حدش در ارائه‌ی مطلب اجازه‌ی ورود هر شاعری را به محدوده‌ی خویش نمی‌دهد (رباعی قالبی است از شعر کلاسیک در چهار مصراع که تمام حرف و مضمون اصلی در مصراع چهارم ارائه می‌شود و بیان می‌شود و سه مصراع قبل برای زمینه چینی به عنوان مقدمه‌ای هستند برای مصراع چهارم، در رباعی معمولاً ابتدا مصراع چهارم شکل می‌گیرد و سپس سه مصراع قبل با توجه به آن بوجود می‌آیند یعنی می‌توان گفت که معمولاً مصراع چهارم جوششی و مصراع‌های قبل از آن، کوششی هستند به عنوان بستری برای بیان مطلب اصلی و مورد نظر سراینده در مصراع چهارم) اما با این همه از دیر باز این قالب مورد توجه عرفا و اندیشمندان بوده است که می‌خواستند اندیشه‌های ناب خود را در قالب شعر بیان کنند، شاعر «از کعبه تا محراب» نیز برای طرح مفاهیم ارزشی که مد نظر داشته است قالب رباعی را برگزیده است که انصافاً هم خوب از عهده‌ی این کار برآمده است. با این تفاسیر نگاهی اجمالی داریم به چند رباعی که شاهد می‌باشند بر مدعایمان در این خصوص:

در رباعی «لیل‌المبیت» که در صفحه‌ی ۲۳ کتاب آمده: با توجه با کلام امام علی(ع) و تضمین کلام امیرالمومنین، روح ایثار و از خودگذشتگی ایشان را در راه حفظ جان پیامبر و در نتیجه پاسداری از حریم اسلام نو پای محمدی را ستوده است هر چند در این رباعی زبان و حس آمیزی فروغ چندانی ندارند و تنها مضمون است که باعث برجستگی رباعی شده است و هم چنین در رباعی «هجدهمین بهار» که در صفحه‌ی ۵۲ آمده است بار عاطفی بسیار شدیدی به خواننده و مخاطب القای می‌شود، بیان شرح حالی سنت از حضرت زهرا(س) که با حس آمیزی فوق العاده شاعر در اوج زیبایی شکوفا شده است اما نکته قابل توجه و قابل بحث در ارزشی است که در این رباعی نهفته است برای بهتر درک کردن این مطلب ارزنده کافی است از زاویه‌ی دیگر و کمی دورتر به رباعی نگاهی بیندازیم به خصوص به مصراع آخر که در رباعی به دلیل ضربه‌ی نهایی که در خود دارد از اهمیت فراوانی برخوردار است:

### در هجدهمین بهار عمرش این گل

می‌گفت: علی، حلال کن زهرا را

با توجه به این مصراع می‌توان به نکته و ارزش انسانی مهمی که در کلام حضرت زهرا(س) مستقر است پی برد و آن غیر از وجود رابطه‌ی عاطفی عمیق بین امام علی و حضرت زهرا وجود و بیان حق و حقوقی است که این دو شخصیت والا مرتبه به عنوان طرفین یک زوج در زندگی بر یکدیگر دارند

(البته این رباعی از معدود رباعی‌های شاعر است که بیان را به لایه‌های درونی خود رانده است و حتی شاید برای مخاطب عام به آسانی قابل تشخیص نباشد، زبان محملی شده است برای دربرگیری مضمون اصلی که ذکر آن رفت، این رباعی از نظر زبانی و عاطفی و مضمون در سطح بالایی قرار دارد، حق و حقوقی که بین طرفین در یک زوج وجود دارد و کوتاهی هر یک از طرفین در ادای آن باعث نگرانی می‌شود(البته این نکته مبرهن است که حضرت زهرا (س) و امام علی (ع) هیچ یک از حق و حقوق دیگری عدول نمی‌کردند و بیان این مطلب صرفاً به عنوان مثال بوده است.)

و اما غزل‌ها. غزل‌هایی که در کتاب «از کعبه تا محراب» آمده اند به ظاهر از سروده‌های گذشته‌ی دوری هستند هر چند تاریخ سرایش آن‌ها مشخص نیست اما با توجه به زبان متغیر آن‌ها می‌توان بر این نکته آگاه شد که فاصله‌ی زمانی بین غزل‌ها زیاد است، غزل‌ها به تعداد کمی هستند اما در عوض در تعداد ابیات زیاد و طویل هستند، نکته قابل توجه در غزل‌ها ردیف آن هاست که تقریباً نیمی از آن‌ها (غزل‌ها) دارای ردیف اسمی هستند (اسم خاص، بخصوص اسامی ائمه اطهار) که این به نظر از لطافت کار کاسته است، ردیف‌ها بیش‌تر منادا قرار گرفته اند یعنی حتی می‌توان با حذف آن‌ها نیز مطالب مورد نظر را درک کرد و به آنها دسترسی پیدا نمود و به جان کلام دست یافت، البته غزل زیبا هم در این کتاب کم نیست که حتی با وجود ردیف اسمی آنقدر دارای قدرت اثر گذاری هستند که بتوانند در ذهن و دل مخاطب جاودان بمانند از جمله غزل بسیار زیبایی «آن شب قدر» که در فصل «بیست و پنج سال صبر و سکوت» صفحه‌ی ۵۷ آمده است (این فصل کتاب رباعی‌های زیبایی را در خود جای داده است.)

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- از سکوت به حرف - حمیدرضا شکارسری - ص ۸- ۷
- ۲- از کعبه تا محراب - محمد جواد غفور زاده (شفق) ص ۹





### صفحه زمره :

از دیگر صفحات تخصصی نشریه ی خیمه صفحه زمره است در این صفحه مداحان عزیز ، واعظان ارجمند می توانند جدیدترین سروده های شاعران آئینی در قالب های مختلف را انتخاب کنند و متناسب با مجالس خود ارائه نمایند. در این صفحه در کنار شعر و نوحه و سرود ستون هایی درج می شود که جهت آشنایی علاقه مندان با ظرایف و نکات ادبی اشعار آماده شده است از جمله ی این ستون های محتوایی ستون کوتاه و گویا ست که خواندن آن به همه ی مشتاقان به ظرایف شعری پیشنهاد می شود.

# محمدجواد غفورزاده (شفق)

## نگاهی به مجموعه های شعر شاعر اهلبیت

### بخش پایانی

● امیر اکبر زاده

این نکته واقف است که مخاطب عام (و خاص) با بزرگان و پیشوایان دینی بیش تر از طریق مساجد و تکایا و محافل مذهبی آشنایی دارند و به قول عامه ی مردم «پای منبری» هستند، پس نکته هایی که آراسته به آیات و احادیث و روایات و بطور کلی مطالبی که با استدلال به این مطالب ارائه می شوند را پذیراترند. مطلب دیگر نشان گر آگاهی و پشتوانه ی عمیق و عظیم شاعر به «فرهنگ آئینی» است، که ریشه در مطالعات تحقیقات و بررسی های ایشان در این زمینه دارد. از طرفی با توجه به ویژگی های ذکر شده در خصوص زبان شعری نکته ای که کمی باعث تامل می شود یک لایه بودن زبان است، زبان در سطح حرکت می کند بدین معنا که در درون خود مضمون و پیامی را پنهان نکرده است که با دادن کلید این معانی به خواننده، بتواند آنها را کشف کند، البته با توجه به این که مخاطب عام است می شود این موضوع را توجیه کرد اما باید در نظر داشته باشیم که شعر بیان همان موضوعاتی است که همه می بینند و بعضا هم می دانند منتها به شکلی که در ذهن ماندگاری خود را حفظ کند.

### عاطفه:

در آثار آقای شفق عاطفه رکن اصلی است و احساسات حرف اول را می زند، احساسات و عواطف مجالی شده اند برای دربر گرفتن مفاهیم ارزشی، مفاهیم ارزشی که هدف اصلی هستند در لایه هایی از حس آمیزی با پتانسیل بالا احاطه شده اند که همین موضوع نیز از نکات مثبت اشعار شاعر مورد بحث به حساب می آید. در هر دو کتاب با اشعاری مواجه هستیم که می توان به راحتی و با طیب خاطر آن ها را در دسته سروده های مدح و نعت جای داد، مدحی که با توجه به ارزش های متعالی ائمه بیان و طرح ریزی شده است، اشعار به گونه ای مدح آراسته شده اند که حتی در سوگ سروده ها نیز خودنمایی می کنند، به عبارت کلی تر می توان گفت که اصولاً زبان شاعر زبانی مدیحه پرداز است و به نوعی می توان حتی زبان را زبانی حماسی نیز دانست، زبانی که در عین سادگی حماسی نیز هست و

پس این که چه زبانی این مکالمه را مطرح، و ادامه می دهد مسأله ای است بسیار مهم، زبان با چه بیانی قادر است که مخاطب را به خود جذب و با خویش همراه نماید؟! این مسئله ی مهم را آقای شفق با درایت و نکات، شناسایی کرد، و در پی یافتن راه حلی بر آن بر آمده است که به حق هم موفق بوده است، زبان اشعار سروده شده از سادگی، روانی و صمیمی دل نشین و شاعرانه برخوردار است، زبانی که به هیچ رو برای مخاطب ملال آور نیست و در همان خوانش اولیه برای مخاطب (و در گاهی موارد شنونده) آشناست و احساس الفت بین آن و خویش احساس می شود. زبان در اشعار مورد بحث ساده است به این معنی که خواننده با همان خوانش اولیه موضوع را درک می کند و از منظور شاعر آگاه می شود و به اصطلاح ساده ترش در اولین برخورد موضوع را می گیرد.

شاعر کوشیده است تا بهترین زبان موجود را برای بیان موضوعات مورد نظر خود انتخاب کند (انتخاب را از این رو به کار می برم که در بعضی از سروده های شاعر زبان به سمت ارگانیک زبانی کشیده می شود بدین معنا که گاهی از واژه هایی استفاده شده است که در زبان امروزه متداول نیستند، و در بعضی سروده ها دوگانگی زبان ایجاد می گردد) و با کمک از جملات و اصطلاحات و حتی واژه هایی که برای مخاطبان (بخصوص مخاطبان عام) آشناست موضوع را برای آن ها روشن می کند، استفاده از جملاتی و عباراتی همانند «گل بود به سبزه نیز آراسته شد» «از جان مایه گذاشتن» «به آب و آتش زدن» «به جوش آمدن خون در رگ» «خنجر از پشت زدن» و... که به کرات در سروده ها خود نمایی می کنند، اما این تمایل به سمت زبان رایج و ساده به هیچ وجه از جنبه های هنری کار و سروده ها کم نکرده است، تشبیهات زیاد، استفاده های بدیع، تضمین ها و تلمیحات و تصاویری که در این سروده ها وجود دارند بر زیبایی سروده ها چندین برابر افزوده است، شاعر با آگاهی از ذوق و قریحه و سلیقه ی مخاطب اش تمام سعی اش را به کار گرفته است تا مطلب را برای مخاطب اش به دل نشین ترین شکل ممکن نشان بدهد و بیان کند، تضمین ها و تلمیحات فراوان در اشعار نشانگر و بیان کننده دو نکته ی مهم هستند: نخست این که شاعر به

شاعر برای بیان موضوعات مورد نظر از قالب رباعی بیش تر و حتی می توان گفت بطور کامل سود جسته است. رباعی یکی از دشوارترین قالب- های شعر کلاسیک است.

در آثار آقای شفق عاطفه رکن اصلی است و احساسات حرف اول را می زند احساسات و عواطف مجالی شده اند برای در بر گرفتن مفاهیم ارزشی، مفاهیم ارزشی، هدف اصلی هستند. **زبان اشعار سروده شده از سادگی، روانی و صمیمی دل نشین و شاعرانه برخوردار است زبانی که به هیچ رو برای مخاطب ملال آور نیست.**

تمایل به سمت زبان رایج و ساده به هیچ وجه از جنبه های هنری کار و سروده ها کم نکرده است. **شاعر شیعه ناخود آگاه، عاشق مکتب خود و وامدار آن است، او محبت اولیاء شیعه را با پوست و گوشت خود عجین دارد.** این جستار به بهانه معرفی دو کتاب ارزشمند «از کعبه تا محراب» و «الا یا ایها الساقی...» جناب آقای محمد جواد غفورزاده (شفق) شکل گرفته است، نگارنده لازم می داند که بر این نکته تأکید کند که به هیچ رو قصد (وتوان) نقد در مجموعه ی مذکور و سروده های این شاعر بزرگوار را ندارد، پس این مبحث را نقد و بررسی نمی نامد و تنها بسنده می کند به این جمله که «خواستار است تا در اشعار این شاعر بزرگوار کمی کنجکاوی کند...»

برای سهولت در اداره ی بحث در خصوص دو کتاب، ابتدا سعی می شود تا یک سری مطالب کلی در مورد هر دو کتاب بصورت مشترک مطرح شود سپس به صورت جداگانه در رابطه با هر کتاب مبحثی کوتاه ارائه خواهد شد.

### زبان:

در یک دید کلی نسبت به هر دو کتاب اولین نکته ای که توجه مخاطب را به خود جلب می کند «زبان» اشعار سروده شده است، از آن جایی که «زبان» تنها وسیله ی ارتباطی بین دو طرف یک مکالمه می باشد (یعنی بین گوینده و شنونده و در متون نوشتاری بین مولف (و حتی متن) و خواننده (مخاطب)

بنابراین بسیار شایسته و ضروری است که برای حفظ حرمت و منزلت اهل بیت (ع)، با جدیت از این گونه اعمال پرهیز شود. مداحان باید علاوه بر ایجاد فضایی اندوهبار به مناسبت شهادت امام حسین (ع) و یاران باوفایش، می‌بایست به ترویج و گسترش مباحث، مبنای و تاریخ دینی اسلامی نیز اندیشیده، با توجه به این موارد برنامه ریزی و فعالیت کنند.

### • علی خادمی (معاون سازمان تبلیغات اسلامی استان مرکزی)

در گذشته مداحی به شکل امروز نبود، در واقع مداحی به سبک حاضر در کشور ما از سابقه طولانی برخوردار نیست. در گذشته کسانی بودند که به اصطلاح خودشان با پامبری، جلسه را گرم می‌کردند اما رفته رفته، عملکرد این گروه مستقل شده و شکل امروزی را به خود گرفت.

به تازگی دیده می‌شود که مداحان از اشعار و حتی آهنگ‌هایی ناموزون استفاده می‌کنند و برخی مواقع از این نیز فراتر رفته، از سبک‌های پاپ برای اشعار و موسیقی‌های عزاداری استفاده می‌شود.

وی بر ضرورت پرهیز از ادامه این روند و بازگشت به سبک اصیل و سنتی عزاداری‌های امام حسین (ع)، تصریح کرد: چنانچه در اسرع وقت و به شیوه‌ای مطلوب با این شیوه‌ها مقابله نشود، مشکلات بسیاری به واسطه این گونه مجالس ایجاد می‌شود که جبران آنها به سادگی ممکن نخواهد بود.

### • حجت الاسلام موسوی اطهر:

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی کهگیلویه و بویر احمد با اشاره به این که یک مداح قابل قبول و مثبت می‌بایست شرایط و ویژگی‌های خاصی داشته باشد، ضرورت نظارت بر عملکرد این گروه را یادآور شد و گفت: تأثیرات مخرب فعالیت نامطلوب مداحان آثار سوء جبران ناپذیری را در پی دارد. اخلاص یک مداح، به لحاظ روانی نقش بالایی در برقراری

ارتباط با مخاطب دارد، این خصلت را از شاخصه‌های مداحان اعلام کرد که می‌بایست از آن بهره‌مند باشند.

وی یادآور شد که یک مداح باید با صداقت کامل و همچنین خیرخواهی و دلسوزی، مطالب خود را بهره‌گیری از متون و منابع تأیید شده و مستند، تهیه کرده و واقعیت‌های تاریخی - مذهبی را به شایستگی، به منظور تأثیرگذاری و سازندگی مثبت در مخاطبان، برای آنها ارائه کند.

استفاده از ابزار آلات نامأنوس، حرکات و آداب نامناسب را آسیبی برای مجالس عزاداری ابعادالله‌الحسین (ع) عنوان کرد و افزود: لازم است دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با موضوع، به خوبی بر نحوه فعالیت و عملکرد هیئت‌های مذهبی نظارت داشته و از رفتارها و اعمال سوء برخی هیئت‌ها جلوگیری کنند.

آثار مخرب چنین رفتارهای سوئی بسیار خسارت‌بار و جبران‌ناپذیر است، وی یادآور شد: با ارائه کتاب‌ها و جزوه‌های مستند، دقیق و صحیح می‌توان در ارتقای سطح آگاهی‌ها و معلومات مداحان موثر واقع شد و شرایطی را ایجاد کرد که فعالیت مداحان در سازندگی افکار عمومی مثبت و موثر باشد.

### مرئیس سازمان تبلیغات اسلامی آذربایجان غربی گفت:

لازم است مداحان در میان مطالبی که عنوان می‌کنند بیش از هر چیز به شجاعت امام حسین (ع) و فلسفه قیام عاشورا پرداخته و اشعار آنها با واقعه عاشورا و آن دوره زمانی به خوبی هماهنگ باشد.

وی همچنین اظهار داشت: اخلاص، مهم‌ترین ویژگی مداح است که بدون توجه به آن، هرگز نمی‌توان فعالیت موثر، مثبت و ارزنده‌ای داشت.

تسلط به ابعاد مختلف زندگی، حالات، اعمال، رفتار و فعالیت‌های اهل بیت (ع) را از دیگر شرایط لازم برای مداح عنوان کرد

و گفت: برای رسیدن به این تسلط و آگاهی، مطالعه کتاب‌های مربوط به زندگی امامان معصوم و به ویژه تاریخ عاشورا، می‌تواند کارگشا بوده و مداح را در ارتقاء اطلاعات مربوطه به وقایع آن دوران کمک خواهد کرد.

رعایت و پایبندی دقیق و کامل به شئون اسلامی، ویژگی دیگری برای مداحان است، یک مداح باید الگوی مناسبی برای مخاطبان خود باشد و به همین دلیل نیز می‌بایست تمامی موارد اخلاقی، رفتاری و گفتاری اسلامی را به دقت رعایت کرده، نمودی عینی از یک فرد اسلامی باشد.

مظلومیت صفت پسندیده‌ای است، در واقع مظلوم کسی است که حقش را ظالمان پامال کرده باشند و امام حسین (ع) نیز فردی است که حقش توسط یزید ضایع شد.

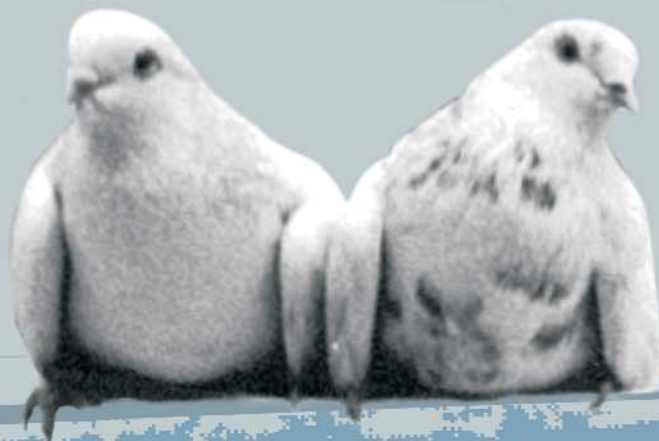
در این جا مظلوم بودن به معنای ضعیف بودن نیست، مظلومیت امام حسین (ع) به هیچ عنوان به معنای ضعیف بودن وی نیست، به تعبیر بهتر مظلومیت صفتی است که در مقابل ظالم قرار می‌گیرد و ویژگی ارزشمندی است.

### • حجت الاسلام علی نعمت الهی رئیس سازمان تبلیغات استان بوشهر:

سبک‌های مختلف برخی مداحی‌های امروز، آفتی برای عزاداری‌های امام حسین (ع) است.

در گذشته هر کسی نمی‌توانست در مدح اهل بیت نوحه سرایی کند، در واقع کسانی که به روضه خوانی و مدیحه سرایی در این زمینه می‌پرداختند به لحاظ علمی و اجتماعی در مقام بالایی قرار داشتند که متأسفانه این امر امروز مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

مطالبی که مداحان بیان می‌کنند نباید ساخته و پرداخته ذهن آنها و در واقع «من درآوردی» باشد، بلکه مداح باید با حساسیت و توجه بالا، از شعر شعری معتبری که با استناد به منابع تأیید شده، شعر خود را سروده‌اند، استفاده کند.





# روی نور ملاح

## بایدها و نبایدها

### • هشدار آیت الله فاضل لنکرانی نسبت به تحریفات آیین های عزاداری

با فرا رسیدن عاشورای حسینی، حزن و ماتم در قلوب همه از خاتم اولیاء امام زمان (عج) گرفته تا سایر مسلمانان و انسان های آزاده تجدید می گردد. حادثه عاشورا تنها حادثه جاودان تاریخ است که هیچگاه به فراموشی سپرده نمی شود و هر چه زمان می گذرد علاقمندان به آن حضرت افزون می گردد. از این جهت بر پیروان اباعبدالله الحسین (ع) لازم است در حفظ و تعلیم هر چه بیشتر آن بکوشند و مراسم عزاداری را رونق بیشتری دهند.

نکته ای را که لازم است توجه شود آن است که امروزه از طرفی گروه ها و فرقه های ضاله مانند وهابیت و حکومت های جائر همچو اسرائیل و آمریکا درصد انهدام دین اسلام و ضربه زدن به مذهب اهل بیت عصمت و طهارت اند. وهابیت با تهمت ها و افتراءات فراوان و نشر افکار غیر صحیح و مخالف با قرآن و سنت پیامبر (ص) و سخره گرفتن مظاهر دینی از جمله عزاداری و گریستن بر مصائب حسین بن علی (ع) که همه انبیاء از آدم تا خاتم بر او گریستند، به مبارزه برخاسته و در گوشه و کنار ایران و سائر بلاد اسلامی با امکانات دنیای کفر و استبداد و استعمار تحرکاتی نموده و با تحریف و تفسیر به رای، نسبت به برخی از آیات شریفه قرآن، دین عزیز را تحریف، و شیعه را رمی به شرک نموده و به دنبال جدا نمودن مردم از گوهر ناب ولایت ائمه معصومین (ع) اند.

استکبار جهانی و سازمان سیا بر طبق اخبار واصله بودجه فراوانی را برای تخریب شیعه اختصاص داده و یکی از راهکارهای خود را تحریف در عزاداری اباعبدالله و سوق دادن به مسیری غیر صحیح قرار داده اند.

از طرف دیگر، پیروان اباعبدالله (ع) و کسانی که در ارادت آنان به آن حضرت تردیدی نیست، برخی از آنان بر این طبل کوبیده

و با بی توجهی همان امری را که دشمنان دین می خواهند دنبال می کند و این بسیار جای تأسف است. امروزه وهابیت، شیعه را متهم به شرک می کند. مذهبی که بالاترین معارف توحیدی را دارد و بزرگ مرد میدان توحید، امیرالمومنین (ع) رهبر و مقتدای او است چرا باید گوینده ای با اشعار غیر صحیح که از آن بوی کفر و شرک استشمام می شود به این هدف کمک کند. ما مکرراً گفته ایم چنانچه این اشخاص از روی فهم و اختیار بگویند از مصادیق شرک است و شیعه از چنین افرادی بیزار می جوید.

خطباء محترم و مداحان مکرم که افتخار خدمتگزاری به این آستان را دارند و چه توفیقی از این بالاتر، باید نسبت به این امور توجه بیشتری داشته باشند و نگذارند ایادی مسموم، آن را دستخوش اهداف شوم خود قرار دهند.

مردم عزیز باید نسبت به گفتار گویندگان و اشعار مرثیه سرایان دقت عمیق داشته باشند و مطالب را به صورت مستند مورد پذیرش قرار دهند مبادا از کسانی باشیم که مشمول آیه شریفه (الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسَبُونَ صُنْعًا)، قرار گیریم خداوند همه ما را با حسین بن علی (ع) محشور فرماید.

### • حجت الاسلام اسماعیل قبادی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان لرستان:

مداح می بایست از اطلاعات و آگاهی های بالا و کاملی در خصوص ائمه، عاشورا، امام حسین (ع) و فلسفه نهضت قیام عاشورا برخوردار باشد، گفت: مدایح و نوحه های مداح می بایست مستحکم بوده، شعر مناسب داشته و با اهداف اهل بیت (ع) به طور دقیق همخوانی داشته باشد.

مداح باید عزت، صلابت و حماسه اهل بیت را به شکلی زیبا بیان کرده و در تئویر افکار عمومی موثر واقع شود.

مداحان باید به بهترین شکل بیان کننده حماسه اهل بیت باشند و نباید با استفاده از خرافات و بهره گیری از آنها (خرافات) حقایق را به شکلی دیگر بیان کنند.

### • آیت الله امینی:

مداحان سعی کنند مردم را در راستای احیای امر به معروف و نهی از منکر بگریانند و به طور جدی از اشعار دروغ بهره یزدند چرا که اشعار دروغ و سخنان نادرست قلب امام حسین (ع) را جریحه دار می کند.

طوری نشود که در مراسم های عزاداری اهداف امام حسین (ع) مغفول بماند و فقط ذکر مصیبت باشد. گریه ما بر امام حسین (ع) گریه سیاسی است.

امام حسین (ع) در وصیت نامه خود هدف اصلی را اصلاح جامعه جد بزرگوارش، احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیز احیای سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع) را در خصوص قیام خونین خود بیان فرمودند.

### • سید حسین گل میرزاده (رئیس اداره تشکل های دینی سازمان تبلیغات استان گیلان)

یک مداح خوب و شایسته باید شرایط و ویژگی های خاصی داشته باشد مداحان نباید به بهانه ایجاد حزن در مراسم، به هر شیوه و روشی متوسل شوند.

مداح خوب و مناسب می بایست آشنایی حداقل و مختصری با زندگانی معصومین (ع)، فعالیت ها و اقدامات آنها داشته باشد تا بتواند به نحوی شایسته، ویژگی های اهل بیت (ع) را مطرح کرده، در ارتقای شناخت عمومی موثر واقع شود.

مداح تنها در شرایطی می تواند در مخاطبان خود تأثیر مثبت داشته و ذهن و فکر آنها را نسبت به مسائل مختلف روشن کند که با خلوص نیت، دلسوزی و بدون شائبه فعالیت داشته باشد.

می بایست از بکار گیری و استفاده از آهنگ ها و ملودی های نامأنوس با عرف جامعه در مراسم های عزاداری پرهیز شود، استفاده از چنین آهنگ هایی علاوه بر این که برای عرف جامعه غیر قابل پذیرش است، در شأن و منزل اهل بیت (ع) نیز نیست،

گفتم از یادگار پیامبر بيمناک می شوند و می گریزند؛

بچه ها را گوشه اتاق نگهداشتم؛ و با اشاره مولا،

در پی بانو رفتم...

بانو که رفت پشت در

دلخوش شدم که این اضطراب و آشوب

پایان می پذیرد...

منتظر بودم تا دوباره بانو را همراهی کنم،

و دوباره به اتاقش بازگردانم.

نمی دانم چه شد،

نمی دانم آن تیره بخت جنایتکار چه کرد،

نفهمیدم در چگونه باز شد

و بانو پشت در چه کشید

که نالید

و صدایم زد...

فقط نالید و گفت: فضا ...!

دویدم؛

سرآسیمه بانو را در آغوش گرفتم،

نالید: «فضه ...

محسن را کشتند»

آه،

میخ در خونین بود

و آتش زیانه می کشید.

### ■ روایت سوم:

به لات و عزی سوگند؛

سالها صبر کرده بودیم

و در لباس اسلام

مرارت نماز و روزه را کشیده بودیم،

تا فرصت ما فرا رسد...

به لات و عزی سوگند؛

سالها «محمد» را تحمل کردیم؛

و به روی خودمان نیاوردیم؛

تا دوران او بگذرد...

ناچار بودیم بیعت علی را بگیریم و نمی آمد،

مجبور بودیم کار را تمام کنیم و تسلیم نمی شد.

به در خانه اش رفتیم؛

اما دوباره دختر محمد با ما طرف شد...

چه باید می کردیم؛

دیدم اینگونه نمی شود،

خواستم در را باز کنم،

دستهایش را پیش آورد تا در را ببندد،

تازیانه آن غلام سیاه را گرفتم؛

خواستم در را باز کنم،

نمی گذاشت؛

تازیانه را بلند کردم و آنقدر زدم تا دستانش

را کشید؛

ناله ای کرد و سوزناک گریست؛

دست، دست محمد بود که در را گرفته بود؛

صدا، صدای محمد بود که می نالید؛

به یاد همه سالهایی افتادم که نمی شد در

برابر هیبت و جلالش سخن گفت؛

به یاد همه روزهایی افتادم که خدایان ما را

تحقیر کرده بود؛

به یاد همه لحظه هایی افتادم که کینه بر جانم

چنگ می زد و مجبور بودم آرام باشم...

این دختر، فرزند محمد بود؛

و محمد مرده بود...

اینک محمد در پشت در می نالید؛

اینک محمد در پشت در می گریست؛

اینک محمد در چنگ من بود.

«محمد ... محمد ...»

فریاد زدم؛

به لات و عزی سوگند؛

چنان بر در کوبیدم که صدای استخوانهای

زنانه اش به گوشم رسید.

محمد بود که فریاد زد:

«پدر جان، ببین با جگرگوشه ات چه می کنند!»

### ■ روایت چهارم:

چه کشیدم من که دستم بسته بود؛

چه کشیدم من که زبانت در کام بود؛

چه کشیدم من که شمشیرم در نیام بود؛

چه کشیدم من که پیامبر با من عهد بسته

بود؛

و من تعهد کرده بودم که هرچه دیدم؛

خاموش باشم.

آه ... اما نمی دانستم این بار آوار بلا بر من

فرو نمی ریزد.

نمی دانستم این بار شعله های مصیبت وجود

مرانمی سوزاند.

پیامبر نگفته بود؛

که پیش چشمم، حبیبه خدا را می زنند و باید

خاموش باشم.

نگفته بود؛

که پیش رویم همسرم را لگد می کنند و باید

نگاه کنم.

نگفته بود که؛

حسن و حسین پناه زینب می شوند و من

نمی توانم پناه دختر پیامبر باشم.

فضه به سوی فاطمه دوید؛

و آشوبگران به داخل خانه ریختند.

فضه توانست فاطمه را کنار بکشد تا زیر دست

و پا نماند؛

و من تنها توانستم خود را جلو بیاندارم تا بچه

ها گرفتار آن حرامیان نشوند...

یکی دستم را گرفته بود و یکی پایم را می کشید،

یکی در سینه ام آویخته بود و یکی چنگ در

صورتم می زد،

فاطمه بیهوش بود انگار.

اما نمی دانم چگونه دیده باز کرد؛

و مرا میان کوچه دید که ریسمان به گردنم

افکنده اند و می کشند.

روی برگرداندم و در آستانه در،

فاطمه را دیدم که با مقنعه خون آلود و لباس

خاکی؛

دست بر دیوار گرفته است.

فاطمه را دیدم که بچه های مضطرب از پشت

سرش نگاه می کنند.

فاطمه نمی توانست راه برود،

نمی دانم چطور این چند قدم را برداشته بود.

فاطمه نمی توانست سخن بگوید،

نمی دانم چگونه می نالید و فریاد می زد.

بازوان تازیانه خورده اش حرکت نداشت،

نمی دانم فاطمه چه سان دست بر ریسمان

انداخته بود،

و در زیر مشت و لگد نامحرمان می کوشید

تا مرا برهاند.

خدایا، این من بودم که اینک اینگونه دستخوش

تاراج مشتی مردنما می شدم؛

من که یک تنه در برابر لشکرها می ایستادم.

خدایا، این من بودم که نمی توانستم از دختر

هجده ساله پیامبر دفاع کنم؛

من که در چهارده سالگی سنگ و چماق این

جماعت را می خوردم و تنم سپر جان پیامبر

بود.

خدایا، این من بودم که دست به شمشیر نمی

بردم؛

من که از شمشیرم، رزم آوران نامدار عرب

هراسان بودند.

خدایا، این علی بود آیا، که پیش چشم همسر

و فرزندانش،

برخاک افتاده بود و کتک می خورد؟

دیگر نفهمیدم فاطمه در آن هیاهو چه شد؛

مرا کشتان کشتان می بردند؛

و گرد و خاک میان کوچه راه را بر چشمانم

بسته بود...

تنها صدای پیامبر بود که از میان گرد و خاک

به گوش می رسید،

و پیامبر تازیانه می خورد!



# مضامین

# در چند پرده

## مصیبت نامه

محمد رضا نوری

### ■ روایت یکم:

خانه علی عزاخانه بود

حسن و حسین از دوری پیامبر بیتابی می کردند  
و من آرام و قرار نداشتم  
اگر علی نبود و دیدن سیمای نورانی اش، امیدم  
نمی- بخشید؛

اگر حسن و حسین اینقدر رنگ و بوی پیامبر را  
نداشتند؛

اگر زینب با آن نگاه مادرانه و آسمانی، روبرویم  
نمی- نشست؛

نفس های سردی که در سینه ام فرو می رفت،  
باز نمی- گشت

و آه های سوزان که از جانم برمی آمد،  
هستی عالم را می سوزاند.

بیرون خانه غوغا بود.

وهرگه می رسید خبر از فتنه و آشوب می آورد.  
درون خانه را اما هنوز بهت و ناباوری مصیبت؛  
ساکن نگهداشته بود.

سیل طغیان گویی از حسیض سقیفه،  
اندک اندک

به آستان اوج «بیت الله» زیانه می کشید،  
بوی خیانت و جنایت آرام آرام  
فضای کوچه ها را پر می کرد.

سر و صدایی از پشت در روی علی را برگرداند،  
فریاد شیطان بود، از حلقوم غلامی بدکار و بدنام؛  
سیاهی فتنه بود انگار، در چهره فرستاده ای شوم.  
جسارتی بی سابقه بود،

پس از رحلت پیامبر  
بر حرم دخترش و در پیشگاه محراب و مسجدش...  
علی آرام و خشمگین  
به در خیره ماند  
شیر خدا به خروش آمد...

فریاد شیطان خاموشی نداشت

کینه ها و عقده های فرو خورده سالیان سرباز  
کرده بود؛

بغض های بدر و اُحد و خیبر  
گشوده می شد.

علی به من نگاه کرد؛

و من به کودکان مضطرب؛

علی با نگاهش بچه ها را آرامش بخشید و  
پاسخشان گفت: بروید، من را بیعت سزاوار نیست

فریاد شیطان خاموشی نداشت؛

یا علی؛

«بیا و بیعت کن؛

وگرته خانه را با هرکه در او هست به آتش می  
کشیم.»

گمان می کردم بی پروایی کنند، اما نه اینقدر؛

گمان می کردم حریم ها را بشکنند، اما نه اینگونه؛  
منتظر بودم تا درون خویش را آشکار سازند، اما

نه اینقدر زود...

همچنان فریاد می زدند؛

این بار من نالیدم؛

«از خدا بترسید

و از پیامبرش حیا کنید

از در این خانه دور شوید»

گویی رفتند؛

اما لختی نگذشت که

هیاهویشان دوباره فضا را آلود.

این بار گویی بوی فتنه آزارنده تر بود

و سیاهی طغیان افزون تر

فریاد شیطان دوباره بر خانه وحی الهی سایه افکند.

شیطان به خدا سوگند می خورد!

در صدای خراشنده ایلیس،

سخن از هیژم بود و آتش؛

که وحشیانه به در لگ می زد

و گویی هنوز در پی بهانه می گشت...

گفتم شاید به بهانه رویارویی با علی،  
از خطاب با من پرهیز می کنند؛

چاره ای نبود،

از دختر پیامبرکه باید شرم می کردند؛

چاره ای نبود،

از ناموس خدا که باید پروا می داشتند؛

چاره ای نبود،

خود برخاستم؛

و درحالی که آرام قدم برمی داشتم؛

پشت در رفتم...

ابلیس را گفتم؛

«من دختر پیامبرم، نمی دانی؟

هنوز کفن پیامبر خشک نشده است؛

و هنوز این در و دیوار بوی حضور آسمانیش را  
دارد،

از او شرم نمی کنید؟»

دیگر باید برمی گشت؛

دیگر باید می ترسید و خاموش می شد؛

دیگر باید آرام می گرفت.

اما بی حیا فریاد زد:

«ما با زنها کاری نداریم»

و نعره کشید.

نمی دانم چه شد؛

نفهمیدم چه کرد؛

ندانستم چه پیش آمد؛

که از درون پیکرم،

«محسن» شکست؛

و من فرو ریختم ...

### ■ روایت دوم:

بانو که رفت پشت در،

گفتم از او حیا می کنند و می روند؛

# بن علی راز خداست

سروده های صوفیانه نکر می گردند انسجام یافته و نیرومند است. رویکرد ترک، به خصوص فرقه بکتاشیه متأخر، عمیقاً مرهون شیعه اسلامی است؛ ولی به نظر می رسد در میان برخی از اشعار صوفیانه جدید که به زبان ترکی سروده شده- اند، به ویژه آنهایی که توسط یونس امره در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۴ به نگارش در آمدند از اهمیت بیشتری برخوردارند. در این اشعار، حسن و حسین علیهما السلام به عنوان سرچشمه های شهادت و ایثار، سرشکهای پاک و جگرکوشه های بی بی فاطمه (س) یاد شده اند.

از هردوی آنها به عنوان پادشاهان هشت بهشت نام برده اند که در کنار حوض کوثر ایستاده و در تقسیم آب به تشنگان کمک می کنند و این پاداشی است، به جا، در ازای عطش صحرائی سوزان کربلا.

بنابر روایتی، جبرئیل روزی بر پیغمبر نازل شد و دو جامه سبز و سرخ برای فرزندان پیامبر آورد. او رسول اکرم را مطلع ساخت که این دو جامه مربوط به نحوه شهادت این دو بزرگوار است که به ترتیب با زهر و شمشیر به شهادت می رسند. این موضوع در اشعار قدیمی ترک لحاظ شده است، طوری که بخش اعظم سیندی منقبت که هنوز در دره هند خوانده می شود، از همین روایت شکل گرفته است. همچنین این داستان در دو فرهنگ یکسان ذکر شده است که چگونه دو برادر بر شانه های پیامبر سوار می شدند و چگونه پیامبر آنها را نوازش می کرد.

بدین سان حسنین علیهما السلام در مناظری مشابه و فراوان در اشعار قدیم ترک ظاهر می شوند، ولی با توجه به نقش بسیار مهم ایشان، یونس امره این دو معصوم را زینت های سریر الهی نامیده است.

با افزایش پیروان شیعی فرقه بکتاشی در قرون بعدی، خیال پردازی های شاعرانه نیز متنوع تر شده و قالبی آیینی و شاعرانه تر می یابند: حسین بن علی «راز خداست» ... (سحر ابدال، قرن ۱۶) و همچنین معاصراو «حیرتی» در مرثیه ای زیبا او را جانباز جهاد اکبر می خوانند.

منبع: برگرفته از مقاله حسین بن علی راز خداست، نوشته آنه ماری شیمیل، الصراط، شماره ۱۲، ۱۹۸۶.

نکته ای که باید بدان توجه نمود این است که در مورد مطالب فراوانی که در **حدیقه الحقیقه** در باب ستایش از اعمال حسین علیه السلام و توصیف وقایع کربلا ذکر شده، باید دقت مضاعف نمود چرا که ظاهراً در نسخ قدیمی، این مطالب مقفود شده اند و ممکن است که در موارد بعدی گنجانده شده باشند، به هر حال این موضوع در اینجا به ما مربوط نمی شود.

نام قهرمان، حسین علیه السلام در یکی از اشعار اصلی دیوان سنایی یافت می شود که در آن شاعر، مظاهر شکوهمند ترقی و پیشرفت و دوران طولانی رنج و مشقتی را به تصویر می کشد، که هر موجودی در حین رسیدن به کمال، باید آن را سپری کند.

درست در همین جاست که او در طریق تدین (Street of religion) شهادتی را می بیند که مرده بودند اما زنده اند و کسانی که مثل سید الشهدا از دم تیغ گذشتند و یا کسانی که مثل امام حسن علیه السلام با زهر به شهادت رسیدند. تمایل نگرش به امام حسین علیه السلام به عنوان نماد شهادت و شجاعت به خصوص در اشعاری که پس از سنایی توسط صوفی مسلکان ایرانی و ترک سروده ادامه پیدا کرد ... به ویژه سطرپی در دیوان عطار آمده، که رهروی نوپای طریقت را، در راه تکامل به ره پویی به سوی هدف می خواند و به او خطاب می کند: «یا حسین باش و یا منصور». منظور او حسین بن منصور حلاج، صوفی شهید بزرگ اسلامی است که در سال ۹۲۲ به طرز بی رحمانه ای در بغداد به دار آویخته شد. او همچون هم نامش «حسین بن علی» تبدیل به نمادی برای صوفی گری شد. او محب ریاضت کشیدن بود و نام او در تعدادی از اشعار صوفی در کنار حسین علیه السلام آورده شده است. هردو محبوب خدا بودند، هردو خود را در راه عشق الهی قربانی کردند، آنها کمال مطلوب خداخواهی بودند برای همین همه پارسایان آنها را سرمشق قرار دادند.

قلب استادانه در قصیده توحید خود به این اتحاد (وحدت) اشاره می کند: خداوند، سرچشمه های عاشقی مثل حسین علیه السلام و منصور را در کنار چوبه دار نگه می دارد و محاربینی که با ایمان در ستیزند را پراکنده می سازد. حسین و علی را در معرض شمشیرها و نیزه ها قرار می دهد و آنها پس از شهادت به زندگی لایزال در شادمانی و خرسندی دست می- یابند و مبدل به شاهدان قدرت اسرار آمیز الهی می- شوند.

این سنت در ادبیات ترک نیز، مشخصاً در جایی که اسامی هر دو حسین در





جستاری



با توجه به اهمیت فداکاری و رنج کشیدن در راه پرورش انسان، دور از انتظار نیست که تاریخ اسلام نقشی محوری برای کشته شدن حسین علیه السلام فرزند محبوب پیامبر، در عرصه منازعه حق و باطل قائل شده است و همچنین اغلب این موضوع را با شهادت برادر بزرگترش امام حسن علیه السلام که توسط زهر به شهادت رسید، ادغام نموده است. در ادبیات عوام ما، به کرات شاهدیم که حسین علیهما- السلام به نحوی ظاهر می شوند که گویی هر دو در نبرد کربلا شرکت جسته اند، که البته این مطلب از دیدگاه تاریخی صحیح نیست، اما از دیدگاه روحی روانی کاملاً واضح است.

این مقاله جایی برای موشکافی مبحث مرثیه و تعزیه، در ادبیات فارسی زبان و «هند و ایرانی» و یا سنن رایج ترک نیست، اما بهتر است که نگاهی اجمالی به اشعار مربوط به آداب و رسوم اسلامی در سنن اسلامی مشرق زمین بیندازیم که غالباً توسط شاعران سنی بیان می شوند. در این میان بیشتر به سمت اشعاری می رویم که به سرنوشت امام حسین علیه السلام می پردازند. همچنین گرایش های صوفیانه را نیز در مورد امام حسین علیه السلام مورد بررسی قرار می دهیم. لازم به ذکر است صوفیان، امام حسین علیه السلام را، نمادی از ریاضت کشیدن می دانند که این امر در مسلک صوفی گری نقش مهمی در پرورش روح دارد.

نام حسین علیه السلام بارها در کارهای اولیه شاعران بزرگ صوفی ایران، سنایی غزنوی (وفات ه. ق. ۱۱۲۱) ظاهر شده است. در اشعار سنایی نام شهید قهرمان را می توان در هر زمان آمیخته با شجاعت و از خودگذشتگی دید، و سنایی، حسین علیه السلام را به عنوان اولین نمونه بارز شهدا تلقی نموده و مقام او را مهم تر و بالاتر از همه شهدای جهان دانسته است.

این بدان معناست که انسان به چنان مرحله پستی هبوط کرده که فقط به هدف های خودپرستانه و آرزوهای دنیوی خویش می اندیشد و هر کار را برای دستیابی به جلوه های ظاهری زندگی خویش انجام می دهد و این زمانی است که بخش معنوی زندگی او و دین او نه تنها بارور نشده است بلکه رو به زوال می رود. مثال بارز آن، حسین علیه السلام و شهدای کربلا هستند که با زبان تشنه به شهادت رسیدند و هیچ کس توجه نداشت که در آن صحرائی سوزان به آنها آب بدهد. این عقیده قدرتمندانه، در دیگر اشعار سنایی در دیوان اشعار و نیز در **حدیقة الحقیقه** نمود می یابد.

بخشی از مقاله «حسین بن علی راز خداست» نوشته شرقشناس بزرگ آلمانی آنه ماری شیمل که وی طی آن به بررسی نقش و تأثیر امام حسین (ع) در ادبیات فارسی و ادبیات ترکیه می پردازد:

شیمل در مقاله خود متذکر شده است: من هنوز تأثیر عمیقی را که خواندن اولین شعر فارسی مربوط به وقایع جانگدار کربلا بر من نهاد، به یاد می آورم. آن شعر یکی از مرثیه های قآنی بود که با این کلمات شروع می شد: «... بارد چه؟ خون ز دیده، چه سان؟ روز و شب، چرا؟ از غم، کدام غم؟ غم سلطان اولیاء»

این شعر همراه با سبک حیرت آور پرسش و پاسخ خود، بیشتر به بیان وقایع غمبار و احساسات زاهدانه شاعر می پردازد. این زمانی است که شاعر به شهادت فرزند محبوب رسول خدا (ص) به دست سپاهیان بنی- امیه می اندیشد. موضوع ریاضت و شهادت از قدیم الایام نقش مهمی در تاریخ مذهبی از زمان های اولیه ایفا نموده است. پیش از این در افسانه های خاور نزدیک ما از قهرمانی می شنیدیم که کشته می شود ولی با مرگش احیای زندگی را تضمین می نماید: اسامی آتیس (Attis) و اوزیریس (Osiris) به ترتیب از سنن تمدن بابل و مصری، بهترین مثال برای بینش مردمان عصر باستان است که بیان می کند بدون مرگ هیچ راهی برای ادامه زندگی وجود ندارد و یا این که خونریزی برای یک هدف مقدس از هر چیز دیگری با ارزش تر است.

از خود گذشتگی و جانبازی وسایلی برای دستیابی به مقام های رفیع تر در زندگی هستند. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود: مثلاً زمانی که شخصی تمام دارایی خویش را می بخشد و یا زمانی که اعضای خانواده شخص، قربانی می شوند تا به درجات معنوی بالاتری دست یابند، همچنین داستانی در قرآن و کتاب مقدس پیرامون ابراهیم علیه السلام آمده است و بیان می دارد که ایشان بدون سوال و با اعتماد کامل به فرمان پروردگار قصد قربانی کردن تنها پسر خویش را داشته و این خود نشان دهنده اهمیت چنین فداکاری بزرگی است.

اقبال، کاملاً حق داشته زمانی که دو مقوله قربانی شدن اسماعیل علیه السلام و شهادت امام حسین علیه السلام را با یکدیگر در شعری معروف در بال جبا ئیل (۱۹۳۶) ادغام نموده است. چرا که هر دوی آنها به نوعی آزارگر و همچنین تمام کننده کعبه بوده اند.

ها اختصاص به اعراب دارند مانند حجاز، نهاوند و برخی هم اختصاص به موسیقی ایران دارد مانند شور، نوا، دشتی، ماهور به هر جهت در بحث ابداع سبک های مداحی چه در عزاداری و چه در مولودی ها از این دستگاه ها استفاده می شود در عزاداری ها از دستگاه های محزون و در مولودی ها از دستگاه های شور و با نشاط به هر جهت به مصداق این حدیث شریف که شیعتنا خلقنا من طینتنا یفرحون لفرحنا و یحزنون بحزننا می بایست این غم و شادی در محتوای اشعار و آهنگ آنها رعایت گردد ما همین امر را در قرائت قرآن توسط قراء بزرگ جهان اسلام می بینیم به عنوان مثال استاد شحات محمدانور در آیاتی که خداوند متعال اشاره به بهشت، شادی، و تنعم مومنین دارد از دستگاه های بانشاط استفاده می کند و آنجا که صحبت از عذاب و جهنم است از دستگاه های حزن انگیز، و یا می بینیم که بعضی از قراء بزرگ مانند مرحوم استاد محمد عبدالصمد عبدالیاسط که استاد مسلم در صوت، لحن و قرائت است در قرائت خود از همان دستگاه ها استفاده می کند که خواننده عرب بنام ام الکلیوم استفاده کرده که این در سوره مبارکه حشر کاملا مشهود است. بهرحال هم در قرائت قرآن و هم در بحث مرتبه سرائی، عزاداری و سینه زنی مخاطب ما مردم هستند و هدف از قرائت قرآن یا نوحه سربایی بحث تاثیر روی مخاطبین است که آهنگ و وزن اشعار تاثیر بسزایی دارد همانطور که صوت خوش هم تاثیر دارد و دوستی می گفت: مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری فرمودند که همین استاد عبدالیاسط زمانی که قرآن تلاوت می کند من احساس می کنم که قرآن هم اکنون دارد نازل می شود.

سبک هایی را که بنده حقیر می خوانم مستثنی از این قواعد کلی نیست اما دو ویژگی در سبک های بنده وجود دارد یکی اشعاری که من در شور سینه زنی می خوانم برای عامه مردم قابل فهم و درک است دوم اینکه سبک شور در عزاداری های ما (بحث تاثیر گذاری) غالب بر غزل خوانی است.

در واقع ما مراسم عزاداری را از غزل خوانی و منبر خوانی شروع نموده و با روضه خوانی ادامه و آن را به عرصه شور رسانده و در مرحله فرود با پندیات و اشعاری در فراق امام زمان(عج) پایان می بریم و آن چیزی که در این امر بیش از همه مشهود است همان شور عزاداریست که تجربه نشان داده امروزه اکثر جوانان محب اهل بیت(ع) که من افتخار خدمتگزاری آن را دارم به این شیوه اقبال بیشتری دارند که این امر با طبیعت آنان نیز سازگاری دارد اما اعتقادی که من در این زمینه دارم این است که شور نباید از اندازه خارج شود و باید اندازه را نگهداشت و به این سبک عزاداری ها جهت داد و آن را کنترل کرد البته در بعضی از ایام مانند روز تاسوعا و عاشورا و یا مراسمات فاطمیه می طلبد که قدری این شور مضاعف شود در واقع در این ایام این عزاداری و مخاطبین ما هستند که اجازه خاتمه نمی دهند که در آن صورت به قول معروف مستمع است که صاحب سخن را بر سر شوق می آورد و ما هم به درخواست و علاقه آنان پاسخ داده و بیشتر به وظیفه خود عمل می نمایم.

### حکایت: از دفاع مقدس و شهداء بگوئید.

من تاسف می خورم که در زمان ارزشمند دفاع مقدس از سن کمی برخوردار بودم اما همیشه با خاطره زیبای دوران دفاع جاتانه دلیر مردانمان در مقابل دشمن قدار نظام اسلامی زندگی می کنم و بالگو گرفتار از جوانمردان بسیجی که نوب در ولایت بودند تنها یک آرزو دارم آن هم شهادت.

### حکایت: با توجه به اینکه شما به عنوان یکی از افراد مطرح در بین جوانان هستید آیا مراقبتی هم در رفتار و گفتار خود دارید؟

البته من هیچ وقت برای خود حقی به عنوان الگو برای جوانان با شور و شعور و محبان اهل بیت قائل نیستم و خود را الگو نمی دانم و این همه لطف و محبتی که عزیزان به ما دارند همه اش به خاطر این خانواده با کرامت است اما باید

در پاسخ به این سوال شما عرض کنم که سعی من در همه احوال زندگی انجام واجبات و ترک محرمات و اگر خدا توفیق بدهد انشاءالله انجام مستحبات ولی به مصداق حسنات الابرار سیئات المقربین قطعا برای خود ویژگی هایی در رفتار و کردار قائلم که ملزم به رعایت آنها هستم.

### حکایت: در کارهای فرهنگی که مخاطبینش جوانان هستند چه نکاتی را باید رعایت کرد؟

ببینید امروز جوانان ما از فهم و ادراک بالایی برخوردارند و هر چیزی را نمی توان به آنها غالب کرد در واقع جوانان ما بیشترین الگوییان اعمال و افعال انسان است نه افکار آنها، در واقع دو صد گفته چون نیم کردار نیست یعنی افکار انسان ها شکل دهنده اعمال آنهاست و اعمال آنها عاقبت آنها را رقم می زند به نظر من اعمال صحیح ما که نشأت گرفته از افکار پسندیده ما است بیشترین تاثیر را بر مخاطبان جوان ما دارد.

### حکایت: اگر خاطره شیرین و تلخ از دوران کاری تان دارید، بفرمائید.

مادرم می گفت موقع بد دنیا آمدنت مرده بودی که نذر امام رضات کردم، خدا از دوباره تو رو به ما برگردوند و رو همین حساب اسمت را رضا گذاشتیم و عبدالرضا صدایت می کردیم، دوران کودکی ام ۸ یا ۹ سالم بود حدود ۱ ماه قبل از محرم کیسه ای بر می داشتم از صبح ساعت ۷/۵ ۸ صبح راه می افتادم در خانه ها، زنگ خانه ها رو می زدم و درخواست پول برای کمک به هیئتمان را می کردم، چای در خانه ها جمع می کردم، قند می گرفتم در خانه ها و به قول خودمون بانی گیر می آوردیم برای هیئت که با چادر مادرم علم کرده بودم، درخواست می کردم از مردم که تو رو به خدا هیئت ما هم بیاین وقتی در همان دوران شخصی می ایستاد و به ما نگاه می کرد، به بچه ها می گفتم محکم تر طبل بزنید، بلند تر حسین بکین که بدوین ما هم بلیدم عزاداری کنیم هر طوری بود زور می زدم تا گریه کنیم ولی گاهی واقعا گریه ام می گرفت، زمانی که به درب خانه ای می رفتم و از بالای پنجره برابم پول ناچیزی می انداختند و یا مثلا زنگ خانه ای را می زدم و طرف معلوم نبود با زنتش دعوا کرده، دنبالون می کرد و هر چی ناسزا بود بزم می کردند گریه می کردم، گرسنه ام شده بود می خواستم از پولی که از مردم جمع کرده بودم دم ظهر نانی بخرم به یاد حرف مادرم می افتادم که می گفت مبادا از پول امام حسین چیزی چیزی خودت برداری، گرسنه تا وقت شب در تمام مناطق تهران می گشتم به خانه که می اوادم به مادرم می گفتم مادر من برای امام حسین پول جمع می کنم ولی مردم باورشون نمی شود فکر می کنند من برای خودم می خوام، مادرم می گفت عیبی نداره مادر، امام حسین که می دونه، خدا که می دونه...

از همون ایام عاشق کربلای حسین بودم، تو رویاهام، تو دوران سخت زندگیم خیلی او را یاد می کردم آخه ما جنگ زده جنگ تحمیلی عراق بودیم، وقتی تصویری از کربلا می دیدم، می رفتم گوشه یا کناری یا تو خرابه دم خانه مان برای امام حسین و تشنگی اش گریه می کردم وقتی تو کوچه با بچه های محل فوتبال بازی می کردم تشنه می شدم خوب یادم هست با خودم می گفتم امام حسین آب نخورد تو هم ظهر تا شب آب نخور. ببینم می تونی یا نه.

اما کسی از احوال دلم که چه می اندیشم و چقدر حسین را دوست دارم چه می دانست؟ ایام محرم را که نگو. صفائی داشت تو محله، بوی اسفند، صدای طبل و دهل علم کش های محله، صلوات ها، نوحه ها، خیلی زیبا و جذاب بود، به خودم می گفتم ای کاش تمام عمر محرم بود، تا اینکه با دوستانی آشنا شدم و هیئت های خانگی رفتم، خیلی زیبا و جذاب بود همه برهنه می شدند و مظلوم حسین می گفتند و سینه می زدند. در عین حال خیلی هم شیطونی می کردم. مثلا ما رو به اردوگاه شهید باهنر برده بودند اونجا به زور فرمانده منو از بالای درخت گردو پایین می آورد. شبها دستهایم را ناغالی می کردم، می رفتم سراغ بچه های داخل چادر صورت هاشون رو سیاه می کردم، یادم هست به

شب تمام پوتین ها و کفش های بچه ها رو به هم گره زدم به کفش های فرمانده خلاصه از قضا نیمه شب یکی از بچه ها می ره برای قضای حاجت، بنده خدا هر کاری کرد گره رو واکنه، نشد خلاصه صبح که شد گفتند کار کی بود، من دستم رو بلند کردم و اوادم ادای کسی رو در بیارم که می خوان از خودگذشتگی کنن، خلاصه خنده ام گرفت همه فهمیدن، نشاندم تا همه گره های کور بند پوتین ها رو باز کنم، چشمتون روز بد نبینه تا شب داشتم گره باز می کردم، سال حدودا ۷۲ بود که حاج منصور شعر مدینه شهر پیغمبر رو خوانده بودن منم عاشق خوندم شدم، اونم سبک خود حاج منصور، آن قدر نوار را جلو و عقب کردم که ضبط خونمون خراب شد، اولین باری هم که اوادم بخونم اون موقع تو کوچه هیئت باز می کردم موقعی که سینه زنی داشتیم، میکروفون رو دادن به من سنم خیلی پائین بود شاید ۱۲ سال داشتم یکی از بچه ها عینکی بود بغل دستی ناخودآگاه دستش خورد تو عینکش اون هم خم شده بود که عینک رو تو اون تاریکی پیدا کنه، اوضاعی بود. او چنان تقهقه ای پشت میکروفون زدم که هیئت بهم ریخت منم از ترس در رفتم، البته اون موقع من صوت زیبایی در قرآن داشتم شهید عباس صابری دست نوشته ای همراه با یک تقویم سال جاری به عنوان هدیه به من داد کلی عشق کرده بودم می گفتم چقدر این حزب الهی ها با حالند. آخه یه بار هم موقع نماز جمعه ساندویچ بهمون داده بود، سرودمی خواندیم بسیجی شیر میدان دار، بسیجی دیده بیدار - بسیجی در خط رهبر - بسیجی یاور رهبر - بسیجی قهرمانی تو... خلاصه با هزار بدبختی و پادرمیونی بزرگای هیئت محرم دو سال بعد شب رقیه (شب سوم محرم) میکروفون دادند آنچنان خوندمی کردم که دل همه مستمعین به حالم سوخت، دیگه همه به حال من گریه می کردند، بطوری که همون شب ما رو روانه بیمارستان کردند. هیئتمان با شهادت عباس صابری درعاشورای ۷۴حدودا به صورت تزلزل درآمد و هیئت پاشید که سال ۱۷۵ دوباره خودم آن را تاسیس کردم که الان به «هیئت الرضا محفل بسیجیان و رهروان شهداء مشهور است» سال ۷۸ برای اولین بار به زیارت حضرت اباعبدالله رفته که آن زیارت را بزرگترین و بهترین اتفاق عمرم می دانم که توفیقاتی هم نصیبمان شد.

در خاتمه نکاتی را به دوستان عزیزم عرض می کنم اول اینکه ما بواسطه حب مان به امام حسین ملزم به ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر هستیم. دوم اینکه بدانیم چه کسی با چه شخصیتی و افکاری برای ما درباره امام حسین سخن می گوید، ما همه از بدو بلوغ طبیعتا به دنبال یک الگویی می گردیم که زندگی و راه و روش خود را با او مطابق کنیم و از او الهام بگیریم. متأسفانه عده ی هم دغل باز از این مصومیت ما جوانان سوء استفاده کرده و ما را به الگوهای دروغین ترغیب می کنند این را همیشه بدانیم که بهترین الگو برای ما هیئتی ها حضرت اباعبدالله و اولاد و اکباد اوست و کسی که به احکام شرعی دینمان عمل نمی کند (مثلا محاسن را از ته می تراشند) هیچ وقت نمی تواند الگو و اسطوره من بچه هیئتی باشد و به طور حتم تاثیر کلام هم نخواهد داشت. مسئله آخر اینکه ما بچه هیئتی ها و ولایتی ها باید به قول شهید استاد مطهری برویم دنبال شمر امروز، او را بشناسیم و با او مبارزه کنیم یزید ۱۴۰۰ سال پیش مرد. یزید امروز کیست؟ یک مداح امام حسین باید به فکر ارتقاء سطح بینش و فرهنگ سیاسی مردم باشد. (نه به این منظور که بازبچه سیاسی شویم) حرکت امام حسین(ع) یک حرکت سیاسی بود. باید خائنین به دین و مکتب را رسوا و سرچایشان نشاند و وظیفه مبلغ و مداح است که آن تاثیر را گذاشته و مردم را آگاه سازند و نگذارند خدای ناکرده دوباره یزیدی از راه برسد و ...

به امید فرج آخرین فرزند زهرا و منتقم خون حسین(ع) و آرزوی سلامتی نایب بر حشش حضرت آیت الله خامنه ای.



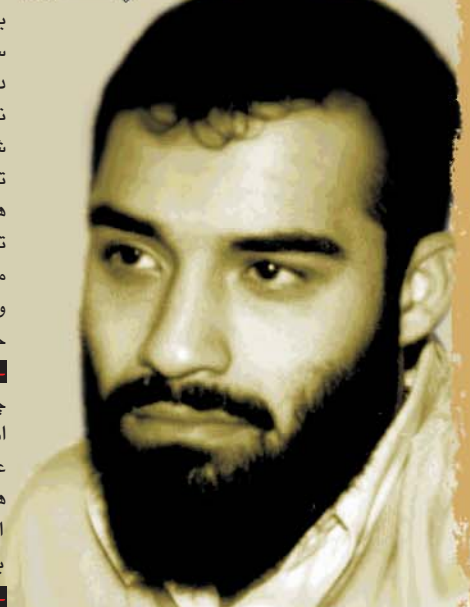


صفحه کوچه :

صفحه ای که مجال گفت وگو و مصاحبه را با دیگران فراهم می کند آنانی که حرفی برای گفتن دارند یا راه کاری برای ارائه ... کوچه می گوشت زمینه های لازم برای طرح بحث های مفید و سازنده جهت رشد فضای آئینی در هیات ها را فراهم کند صفحه ی کوچه را شبیه همان کوچه ای بدانید که در هنگام عزاداری مجالس حسینی باز می کنید تا بهتر و منظم تر به عزاداری بپردازید.

# شَنُور عزاداری

ف = پاسداری



## همراه با مداح اهل بیت حاج عبدالرضا هلالی

### خودتان را معرفی کنید.

نام رضا و شهرتم هلالی جهازی است که در بین دوستان به عبدالرضا هلالی مشهور هستم. اصالتاً خرمشهری ام (یعنی پدر و مادرم اهل خرمشهرند) در بندرعباس به دنیا آمدم. بزرگ شده تهران محله مجیدیه ام. متولد ۶۰/۶/۱۲ صادره از تهران و در حال حاضر دانشجوی رشته حقوق و افتخار خدمت در سپاه پاسداران را دارم. سال ۱۳۷۹ ازدواج نموده و در حال حاضر صاحب یک دختر هشت ماهه بنام فاطمه ام که در ایام شهادت بی بی دو عالم حضرت زهرا (س) به دنیا آمد.

### از اساتید تان بگوئید.

از نوجوانی یعنی ۱۴-۱۵ سالگی در مجلس حاج منصور ارضی شرکت می کردم و تقریباً آداب مداحی را در این جلسات آموختم. اگر الان هم چیزی دارم از نفس های گرم ایشان بوده و هست و اخیراً افتخار شرکت در مجالس باصفای حاج سعید حدادیان را دارم.

### نظراتان درباره نوآوری در مداحی برای ارتباط و جذب جوانان چیست؟

در ابتدا عرض کنم که ما نه تنها مخالف سنتی خوانی نیستیم بلکه سنتی خوانی بسیار هم عالیست. بنده مخالف این مبحث که می فرمایند از اشعار پرمحتوا استفاده کنید، چرا قصیده خوانی کم رنگ شده و دیگر غزل خوانی به شکل قدیم دیده نمی شود که مادحین جوان تر بخوانند نیستم ولی علت این تقصیر را این گونه می دانم که شاید مادحین سنتی خوان ما در بحث شور و سینه زنی کم گذاشته اند بجز عده قلیلی، لذا جوانی که سراپا شور و انرژی و پتانسیل است وقتی به مقطع پرهیجان می رسد مطمئناً طور دیگر به جریان می نگیرد و آن را بیشتر می پسندد الان مستمعین ما اکثراً جوان و طالب شورند و این موضوع به این معنا هم نیست که مداح نمی تواند غزل و شعر و مصیبت بخواند. من در اینجا از مرحوم ناظم (ره) که از ناکرین مخلص اهل بیت بود یاد می کنم که بعضی از سبک های آن مرحوم هنوز زنده است و نو، در حالی که ایشان در زمان خودش نوآوری کرده بود و سبک و سیاق مداحی را در آن برهه متحول نمود. بنابراین از دل سبک و سیاق سنتی خوانی است که شیوه های نوپدید می آید. دوستی می گفتم انگشتر عقیقی دارم که متعلق به حداقل ۵۰۰ سال پیش است یکی از دوستان می فرمود عقیقی که امروز از دل سنگ های یمن استخراج می شود پدید آمده دیروز یا سال گذشته نیست بلکه هزاران سال است که کوه یمن پابرجاست و از دل آن سنگ عقیق استخراج می شود. بنابراین عقیق های امروزه نیز دارای همان قدمت و از همان کوه قدیم پدید آمده، امروز اگر نوآوری در سبک و سیاق مداحی یا قرائت قرآن ایجاد می شود برگرفته از همان شیوه های سنتی است. حالا بگذریم از تنگ نظری بعضی از دوستان، بنده قبل از اینکه سبکی را در هیئت اجرا کنم اول برای خود رزمه می کنم. اگر در خودم تاثیر گذاشت و اشکی پدید آمد با اساتید و دوستان در میان می گذارم و تاثیر آن را جویا می شوم اگر تاثیرات مشترک بود و اتفاق نظر بود سپس با توکل بر خداوند متعال و استمداد از خود اهل بیت(ع) آن را اجرا می کنم.

### اشعارتان را از چه کسانی تهیه می کنید؟

چندین شاعر جوان حدوداً هم سن و سال خودمان زحمت تهیه اشعار را بر عهده دارند. از جمله سید امیر حسین میرحسینی عزیز که شعر معروف حضرت ابالفصل را ایشان سرودند که هنوز هم در همه جا آن را رزمه می کنند. البته در عین حال از دیگر اشعار بزرگان این راه هیچ وقت غافل نبوده و نخواهم بود و استفاده می کنم.

### در مورد سبک های تان بگوئید.

در پاسخ به این سوال باید بگویم به این صورت که گروهی وظیفه ابداع سبک را به عهده داشته باشند، خیر. بنده اکثر سبک های مداحی را خودم با رزمه برای خود ابداع می کنم و یا فی البداهه تو هیئت می خوانم ولی گاهی اوقات دوستان هم سبک هایی را به ما می دهند که بعضاً مورد استفاده قرار می گیرد از سبک هایی که خود مبدع آن بودم و یا فی البداهه خواندم

می توان به بی بی حرم، الوداع فاطمیه، مادر مادر مادر و اوایلا مادر که فاطمیه امسال خواندم و آن را در مدینه ساختم، تو حسینی گل زهرای بتول، سالار زینب، بین همه عشق های دنیا، عشق است ابالفصل، خوشگلی و مه جبینی، یه خیابون بهشتی، مرو مادر، ثاره الله ثاره الله حسین خون خدا، بی تو می میرم ارباب و ... البته این دو سبک میلاد حضرت رضای امسال و سبک شهادت، شهادت همه آرزومه رو با کمک یکی از دوستان شاعر درست کردیم.

### آیا هر سبکی را به هر قیمتی می توان خواند؟

خیر، اما در پاسخ به سؤال شما قبل از اینکه ماهیتاً در خصوص سبک ها پاسخ بدهم عرض کنم که میزان شرعی یا غیر شرعی بودن هر آهنگ یا موسیقی چه در مداحی و چه در سرودها انسان می باشد. امکان دارد یک آهنگ و یا موسیقی در نظر کسی طوری جلوه کند که او را به حال استحاله در آورد یعنی از حالت طبیعی خارج نموده و در او طرب ایجاد کند اما در دیگری این چنین نباشد پس بنابراین میزان شرع (غنا یا غیر غنا بودن) انسان است که این اساساً در نحوه سرایی ها و مداحی ها صدق نمی کند چرا که در ضرباهنگ و ریتم هائی که با اشعار دلسوز در رسای اهل بیت و مصیبت اباعبدالله الحسین (ع) خوانده می شود حزن و اندوه نهفته است نه شادی و طرب.

در ضرباهنگ های بعضی از اشعار نیز جنبه مثبت به وجد آمدن انسان مطرح است یعنی اشعار و آهنگ آنها چنان حماسی است که مخاطب را در ارتباط با حماسه جاودان کرپلا به وجد آورده و خود را در آن معرکه احساس می کند یعنی فکر و احساس شنونده را متوجه کرپلا و عاشورا می نماید و در پاسخ بعضی از دوستان که می فرمایند در این شعر شما شعور هم هست یا نه باید عرض کنم این شعورمان است تنها دلیل شورمان، چرا که تا شعور و فهمی در رابطه با حضرت و قیام بی بدیش نباشد هیچ وقت شعوری پیدا نخواهد شد، بحث دیگر در این رابطه بحث تاثیرگذاری به روی کشرهای جامعه به خصوص قشر جوان است، باید دید که جوانان مخاطب ما آیا سوق داده شده اند به سمت دین و مکتب عاشورا یا نه، که این مهم نیاز به یک تحقیق ساده در جامعه دارد.

بنده به نوبه خود نمونه های بسیار زیادی را در سطح کشور سراغ دارم که تحویلی عظیم در رفتار و کردار گذشته آنان ایجاد شده است، برخی دیگر از آقایان، مسئله کمبود آموزش را مطرح می کنند اگر هم به فرض مثال این طور باشد باید به عرض برسانم خود آنها مقصر اصلی این ضعف می باشند چرا که آنها متأسفانه خود را وقف و محدود به مجالس خاص رسمی کردند و از این جوانان پرشور غافل شدند (بحث بهادان به جوانان) ای کاش آنها واقعا راهنمای خوبی برای ما جوانان باشند که در نهایت باعث تقویت و روحیه اطاعت پذیری جوانان گردند، جوانی که وقتی برای او از شهادت و فرهنگ ایثار می گوئیم و او هم با همه شور و شعورش بر سر و سینه می کوبد به یقین ادامه دهنده راه همان جوانانی است که تشکیل دهنده گردان های کمیل، میثم، زهیر، مقدا، عمار، حبیب، مسلم و شهادت بودند که دین و ندای امروز ما از جان گذشتگی های آن دلیر مردان است و این حقیقت را می توان از شور و وصف ناپذیر این جوانان حسینی به راحتی دریافت من از این آقایان سؤال می کنم برآستی چقدر تاکنون وقتتان را صرف جوانان کرده اید. البته این جوانان خود صاحب فکر و منطق اند و این را به درستی می دانند که اگر گریه و عزاداری ها همراه با معرفت و خودسازی نباشد دیداری ارزش نخواهد داشت.

این موضوع را خداوند متعال هم در قرآن فرموده است که اگر برای سایر موضوعات خداوند یک بار قسم یاد کرده برای مقوله خودسازی در سوره شمس چندین بار قسم یاد نموده است، حال اجمالاً قبل از اینکه وارد سبک مداحی و نحوه خوانی شوم توضیح کوتاهی در خصوص موسیقی ایران بدهم به هر جهت عزاداری ها، نحوه خوانی ها و مرتبه سرایی های ما به زبان فارسی است و باید با ریتم و ضرباهنگ های ایرانی عجین باشد. ببینید بعضی از دستگاه های موسیقی ایران با موسیقی عرب مشترک است مانند دستگاه بیات اما برخی از دستگاه

حاج منصور ارضی را خیلی ها می شناسند، سالهای سال است که مناجات مسجد ارگ، زیارت عاشورای لباس فروشها در چهار راه مخبر الدوله، و هیأت حسینی، شاهد نغمه های آسمانی و اشک و سوز این عاشق دلسوخته است.

مدتها بود که می خواستیم از او و خاطراتش نقل کنیم، از حرف ها و درد دلهايش و از نصیحت های پدرا نه اش برای جوانترها بنویسیم. و بالاخره این توفیق به دست آمد، گرچه نمی توانیم حق مطلب را ادا کنیم، اما به قول مدیر مسئول که می گفت: من هرچه دارم از هیأت حسینی و زیارت عاشورای سه شنبه صبح های حاج منصور دارم، و می گفت که هیچ وقت آن اطاق کوچک حرم عبدالعظیم حسنی و دعای کمیل شبهای جمعه یاد نمی رود. و می گفت که او و دیگران که اکثرشان شهید شدند در سالهای ۶۳ تا ۶۶ بذر عشق به امام و انقلاب را از نغمه یا حسین، شعر معروف حسنی حاج منصور در دل کاشتنند. و خیلی چیزهای دیگر باید به اندازه خودمان نام و یاد این گونه نوکران با اخلاص اهل بیت را زینت بخش نشریه مان کنیم و خدا را شکر که اینگونه شد تا چند شماره مهمان این عزیز و حرفهایستیم. با ما باشید.

### حیاء: کمی از خودتان بگویید.

اسم اصلی من محمد است، ولی طبق نظر مادر بزرگم که از سادات بود اسم را منصور گذاشتند.

### حیاء: از کی و چطور شروع کردید، اساتیدتان چه کسانی بودند؟

حدوداً از سن پنج یا شش سالگی شروع کردم. بیشتر هم زیر نظر عمومی حاج حسن ارضی. بعد هم که بزرگتر شدم بیشتر در خدمت روحانیت بودم. بهترین علمایی که روضه خواندن را نزد آنها فرا گرفتم سه نفر بودند:

یکی شیخ محمود نجفی، استاد اعظم ما که در وادی السلام قم مدفون هستند. دیگری حاج آقای سراج، که در صحن شاه عبدالعظیم دفن شده اند و دیگری شیخ محمود تحریری که از شاگردان برجسته مرحوم شاه-آبادی و هم سلک امام بودند.

ایشان در عشق و معرفت و اخلاق و فلسفه اعجوبه ای بود. خیلی قوی بود. غیر از اینها عنایات خاصی هم از جانب ائمه علیهم السلام هست که سبب می شود جلوه گیری های خاصی به وجود آید. یکی از آن عنایات خاص، جنگ بود که باعث شد هر کسی به اندازه خودش پیشرفت کند. آنهایی که اهل دنیا بودند، در آن بحرانها پیشرفت دنیایی کردند و آنهایی که اهل برنامه های معنوی و عشق به اهل بیت علیهم السلام بودند، این مجالس باعث شد که شهرتی پیدا کنند و کارشان مثل ما رونقی بگیرد. حالا چه کاذب و چه درست.

### حیاء: خیلی ها شما را به چشم مداح اهل بیت (ع) نگاه می کنند، از این طرز نگاه چه احساسی دارید؟

این خیلی سخت است. احساسی که هرگاه اوج می گیرد گاهی به صورت غلو، گاهی ریا و گاهی اخلاص نمایان می شود. با این احساس درگیریم دیگر؛ اگر به صورت عادی باشد درگیر تقسیم و اگر مقرب باشیم، آنهایی که مقرب ترند فی خطر عظیم هستند. جنگیده ایم دیگر! ما همیشه دو جنگ در شبانه روز داشته ایم؛ یکی جنگی است با نفسمان؛ که گاهی پیروز شدیم، خیلی جاها هم شکست خورده ایم. «درخت» هرچه بارورتر می شود، تواضعش هم بیشتر می شود. ما هم گاهی وقتها تواضعمان بیشتر بوده، گاهی وقتها هم سرکشی داشته ایم. خیلی حساسیت ها در این راه هست. کسی که داناست، می فهمد؛ که این هم راهی است مثل راه علما و البته در کنار آنها؛ همان طور است، همان گرفتاری ها را دارد. شیطان دائم طنازش را ضحیم تر می کند که بتواند آدم را بیشتر گول بزند، مشکلات شدیدتر می شود، خیلی خطر در این راه هست.

یک جنگ هم بیرونی بوده، این جنگ هنوز تمام نشده و فقط شکل آن عوض شده است. در جنگ با صدامیان و امثال آنها آدم راه کارها را بیشتر می شناسد، یاد می گیرد اما جنگی که داخلی باشد، خیلی مشکل است. جنگ دین با دین، به لباس دین، به لباس همین روضه و ... البته ما سعی کرده ایم که هم در کارهای بیرونی و هم در درون، طوری برنامه ریزی کنیم، طوری روضه بخوانیم، طوری حرف بزنیم و مسائل سیاسی را بگوییم که کمتر مورد رضای شیطان باشد. اما حالا قبولی اش دیگر آن طرف است. برخی فکر می کنند، مداحی کار ساده ای است که چهار خط شعر بخوانند و بعد هم مثل زمان طاغوت با چشم تحقیرآمیز آن را نگاه کنند. شاید در بین مذهبی ها هم گاهی این فکر باشد، اما واقعاً مداح همان طور که در قدیم و در بین عرفا بوده است به موازات علما پیش می رود. پس احساس ما بر این است که مردم وقتی ما را می بینند، دین خدا را می بینند، مثل یک عالم. حالا ما کوچکتر

از این حرفهاییم. اما باید اینگونه باشیم یعنی آنقدر ساخته شده باشیم که مردم ما را که می بینند یاد خدا بیفتند، یاد امام حسین (ع) بیفتند.

### حیاء: از شعرها و منابعی که از آن استفاده می کنید بگویید.

شعرای قدیم ما، بسیار شعر گفته اند و قوی هم گفته اند. اما چون در زمان آنها، انقلاب و حرکتی این چنین پیش نیامده بود، لذا ما غالباً از اشعار روز استفاده می کنیم و گاهی از شعرهای قدیم، البته آن هم شعرهایی که معنای زمان ما را داشته باشد و مطالب آنها با زمان ما مناسبت و همخوانی داشته باشد. شعرها بعد از جنگ تقریباً تغییر نکرده است. نوآوری در فرمهای شعر عیب نیست. عیب این است که ما از حقانیت خداوند دور شویم. اصولاً این کم و زیاد شدن و بم و زیر بودن شعر ملاک نیست. این تغییرات، خود به نوعی هنر است به شرط اینکه اصول اساسی حفظ شود، البته چون وسایل ارتباطی گسترده شده، نمی توانیم شعر تکراری بخوانیم. الان هفت نفر شاعر با من کار می کنند و محبت دارند. دو نفرشان روحانی اند، سه نفر جانباز و دو نفر جوان که خوب هم شعر می گویند.

حدود پانزده خواننده هم با ما کار می کنند که مریب هستند و دیگر مواردی که بماند ... این موضوع هم قابل ذکر است که وقتی در یک رسانه گروهی به هر شکلی کمک به دین شد خوب، دین، قوی تر می شود. الان اینترنت آمده، چه مضراتی دارد؟ من و شما می دانیم اما بهترین نوارهای مذهبی، چه سخنرانی ها، چه خواندنی ها، چه طرح

درس ایجاد کردن ها به شکل های مختلف در اینترنت موجود است. از آن طرف اینترنت برای یک عده، عامل فساد هم می شود. همه جا ارائه «سبیل» هست و همه جا هم «اما شاکرا» و اما

کفورا» هست. قرآن در سوره دهر می گوید: «انا هدیناه السبیل» این اصل هدایت همیشه زنده است. در همه جا، در بزرگترین کارهای تخصصی، طرف از تخصصش

در راه ضد خدا استفاده می کند، این «اما کفورا» است. اما اگر در راه خدا استفاده کند، این «اما شاکرا» است.

### حیاء: در مورد نحوه ی استفاده از اشعار ...

من در سمیناری که سال گذشته در قم برگزار شد و علما و نمایندگان مراجع عظام هم تشریف داشتند عرض کردم که خیلی چیزها هست که ما ناآکاران اجرا می کنیم و بعد ایجاد شبهه می شود. مسائلی به وجود می آید، که اگر ما نزدیک

علما باشیم، می شود به آن جواب داد و این مسائل را حل کرد. مثلاً درباره کف زدن در مولودی خوانی یک اختلاف نظر بین علما هست. بعضی از این موضوعات، جو مسائل فقهی است. ما یک ضروریات دین داریم، که در آنها اختلاف نیست. اما در غیر ضروریات، بعضاً

علماء اختلاف نظرهایی دارند که این اختلاف ها زمینه رشد است. شما می بینید، همین اختلاف نظر را می آیند

علم می کنند، وقتها را می گیرند؛ بعد دشمن از این اختلاف نظرها به نفع خود استفاده می کند. اینجاست که باید خواننده، مستمع و عالم حواسشان جمع باشد و با هم هماهنگ باشند.

### حیاء: از کرامات و برکاتی که از اهل بیت (ع) دیده اید برایمان می گوید.

انسان در این شغل، خود به خود، توی دامن خداست، در رحمت واسعة خدا غرق است. ما هم برکات زیادی دیده ایم. اما این برکات، اگر گفته بشود، یا دکان قرار می گیرد، یا اینکه لوٹ می شود. برکات بعد از ما معلوم می شود، اگر

به قول سلمان از پل صراط گذشتیم....



# گذر از پل صراط

گفتگویی با پیر غلام امام حسین ستایشگر اهل بیت حاج منصور ارضی



# مسجد ارگ؛ عطردلهای سوخته

## علت اصلی آتش سوزی در مسجد ارگ تهران

حبیبه آقائی پور

آری، از نظر ما آدمهایی که آن شب آنجا نبودیم، شاید مسائلی از قبیل درست وصل نشدن لوله بخاری، جریان زیاد نفت، کوتاه بودن لوله، و... باشد. اما بی شک از نظر همه آنهاهی که در رکوع نماز به ناگاه زیر باران آتش رفتند و عروچی سوزان در محرم داشتند این دست دلایل مسخره است.

ماهی ای است بنام ماهی عشق نور، شب ها روی آب می آید و اگر چراغی به سمت آب بگیرد ماهی به عشق یافتن منبع نور از آب بیرون می پرد و وقتی از آب بیرون می افتد و می میرد.

نمی شود عشق نور بود و در آب راحت زندگی کرد اگر عشق نور است اگر می خواهد منبع نور را ببیند، آنوقت آب نه مایه زندگی که سدی است میان او و نور.

دروغ نیست اگر بگویم همه آنهاهی که در مسجد ارگ سوختند همه از جنس ماهیهایی عشق نور بودند همه آمده بودند به عشق حسین و بی شک در رکعت دوم نمازشان منبع نور را یافتند و چه بزرگ بودند که رسم ادب را به جا آوردند و به آستان سوخته دل کریلا سوخته رفتند. کم نیست که در محرم، در عزاداری سید و سالار شهداء در نماز، سوخت و مرد.

لیاقتی می خواهد که نصیب هر کسی نمی شود باید آنقدر بزرگ شده باشی که بتوانی پرتو کم رنگی از درد و رنج مصیبت دلهای سوخته ی کریلا را درک کنی و چه سعادت داشتند آنها که به این مقام رفیع رسیدند پس چه جای تسلیت که باید تبریک گفت به روحشان که بی شک آن شب منبع نور حسینی را یافتند، پس بیایید تا باور کنیم که علت اصلی آتش سوزی در مسجد ارگ یافتن منبع نور بود در ماه عزا نه چیز دیگری.

را در هنگام اقامه نماز مغرب و عشاء و با تن پوش عزای حسینی از دست داده اند در خیل یاران سالار شهیدان، لقاء الهی را با عزت و سربلندی ادراک کنند. همچنین احمدی نژاد در حاشیه افتتاح ایستگاه خدمات شهری حکیمیه در شمال شرق تهران گفت: در صورت عدم تأمین هزینه ها از سوی وزارت بهداشت، شهرداری هزینه درمان مجروحان نیازمند و فاقد هر گونه حمایت بیمه ای را تقبل می کند.

● ارائه تسهیلات ویژه به عزاداران حسینی: به گزارش روابط عمومی شهرداری تهران به دنبال درخواست شهردار تهران از معاونت خدمات شهری جهت ارائه عملکرد شهرداری در حادثه مسجد ارگ، گزارش جامعی از نحوه عملکرد ارائه شد. بنا به این گزارش در ادامه این جلسات تصمیمات ذیل جهت رفاه حال عزاداران حسینی و خانواده های متوفیان حادثه مسجد ارگ اتخاذ شد.

● بدنبال حادثه آتش سوزی در مسجد ارگ، نمایندگان مقام معظم رهبری از مصدومان این حادثه دلخراش عیادت کردند. حجت الاسلام غیوری و ابراهیمی به نمایندگی از رهبر معظم انقلاب اسلامی با حضور در تعدادی از بیمارستان هایی که مصدومان این حادثه بستری هستند از آنان عیادت کردند.

● پیام تسلیت آیت الله العظمی نوری همدانی: «... فاجعه مصیبت بار و غم انگیز مسجد ارگ تهران که موجب از دست رفتن ده ها نفر و مجروح و مصدوم شدن صدها نفر از برادران و خواهران گردید، باعث تأسف و تأثر شدید شد.

## گزارش مسجد ارگ

رکعت اول نماز مغرب بود. ناگهان صدایی بلند شد، یک نفر گفت: چادر یکی از خانم ها آتش گرفته، یکی از آقایان یا الله بگوید و بروید کمک.

چند ثانیه بعد صدای شیون زنان بود و دویدن آنان. نماز شکسته شد. به بالا که نگاه می کردی آتش بود که بر سر نمازگزاران ریخته می شد؛ همه به طرف در خروجی دویدند، دود و آتش همه جا را گرفته بود. عده ای روی زمین افتادند و زیر جمعیت گرفتار شدند بعد از چند لحظه بر اثر هجوم ناهماهنگ جمعیت در بسته شد. چون در رو به داخل باز می شد. باز شدن در مستلزم آن بود که جمعیت به عقب بروند ولی در آن لحظه همه به در فشار می آوردند و... بعضی ها از پنجره به پایین پریدند. پلیس محله منطقه بازار، از اولین نیروهایی بود که به مسجد رسید. اما آنان با در بسته ای مواجه شدند که پشت آن به ارتفاع یک متر جمعیت روی هم افتاده بود.

## ارگ و مسئولین

● رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن اظهار تأسف شدید از حادثه آتش سوزی در مسجد ارگ تهران و کشته و زخمی شدن صدها نفر از نمازگزاران بر ضرورت توجه به نکات ایمنی و تجهیز بیمارستان ها به فوریت های پزشکی تأکید کرد. او به نمایندگی مجمع نمایندگان تهران به خانواده بازماندگان تسلیت گفت و با اشاره به ضعف رعایت نکات ایمنی در کشور گفت: با توجه به برگزاری اجتماعات گسترده در ماه محرم و احتمال وقوع حوادث غیر مترقبه مشابه، در این نوع اجتماعات، رعایت این نکات بسیار ضروری است.

● احمد مسجد جامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی از وقوع حادثه آتش سوزی در مسجد ارگ تهران ابراز تأسف کرد. در پیام وزیر فرهنگ آمده است: خبر وقوع حادثه آتش سوزی در یکی از کانون های مذهبی و فرهنگی قدیمی کشور و کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنان نماز گزار بر اثر این حادثه بسیار متأثر کننده است... از یک سو کشته شدن تعدادی از هموطنان در این حادثه موجب اندوه اینجانب شد و از سویی دیگر از خسارت دیدن یک کانون مذهبی فرهنگی بسیار مهم و تاریخی کشور متأثر شدم.

● پیام تسلیت شهردار تهران به همین مناسبت «... ضایعه غم انگیز درگذشت جمعی از شهروندان مومن و عزادار سیدالشهداء در حادثه آتش سوزی مسجد ارگ تهران قلب عموم مردم شریف را جریحه دار کرد. اینجانب امید دارم، عزادارانی که جان خویش

این مصیبت بزرگ را به محضر مبارک ولی عصر ارواحنا فداه تسلیت عرض می کنم و برای بازماندگان و مصیبت زدگان این جریان مصیبت بار نیز از درگاه خداوند متعال صبر جمیل مسألت می نمایم... امیدواریم اگر این فاجعه غم انگیز و سنگین در نتیجه ضعف مدیریت و با تقصیر بوده ترتیبی اتخاذ شود که در پایگاه های دینی و مذهبی دیگر تکرار نشود...»

● تسلیت جامعه مدرسین: «... حادثه دردناک کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از نمازگزاران خداجوی مسجد ارگ تهران موجب تأثر و تأسف عمیق گردید... جامعه مدرسین حوزه علمیه قم این مصیبت دردناک را به محضر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مقام معظم رهبری و خانواده این عزیزان تسلیت عرض نموده و در ایام سوگواری سالار شهیدان از خداوند منان جهت مرحومین، علو درجات و جهت مجروحین شفای عاجل مسألت می نماید.

● سخنگوی قوه قضاییه در جمع خبرنگاران: شکایتی در خصوص حادثه مسجد ارگ مطرح نشده است: اما در قوه قضایی حساسیت لازم برای رسیدگی نهایی به این پرونده وجود دارد و در صورتیکه افرادی مدعی باشند و یا شکایت داشته باشند مورد رسیدگی قرار می گیرد... در کالنتری ۱۱۳ پرونده ای تشکیل شده و دادرسی تهران دستورات قضایی لازم را صادر کرده است، هنوز نتیجه بررسی ها به دادرسی ارائه نشده است.

## اخبار ارگ:

مراسم بزرگداشت «فیروز کیومرزی» حافظ کل قرآن کریم از جانب‌اخترگان حادثه مسجد ارگ تهران ۱۰ اسفند ماه در جامعه القرآن رسالت تهران برگزار شد. «فیروز کیومرزی» به هنگام فوت ۱۷ ساله بود. کیومرزی پس از گذراندن دوره راهنمایی وارد جامع القرآن رسالت شد و توانست در مدت هفت ماه کل قرآن کریم را حفظ کند. این حافظ قرآن به تازگی موفق به دریافت گواهینامه ی بین المللی حفظ کل قرآن کریم نیز شده بود. وی برای شرکت در مراسم عزاداری امام حسین(ع) به مسجد ارگ رفته بود که بر اثر سانحه آتش سوزی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

۱- کلیه عزاداران، هیأت ها، تکایا و مساجد در ماه های سوگواری محرم و صفر بیمه می شوند.  
۲- هر یک از عزاداران چنانچه در هنگام عزاداری دچار سانحه شوند از تسهیلات بیمه می توانند استفاده نمایند.

۳- مقرر شد سازمان بهشت زهرا کلیه امور مربوط به کفن و دفن متوفیان حادثه مسجد ارگ را بطور رایگان به خانواده های آنان ارائه نماید.

۴- سازمان آتش نشانی موظف شد، ضمن بازدید از تکایا، هیأت و مساجد آموزش ها و توصیه های ایمنی لازم را به مسئولان این اماکن ارائه نماید.

۵- مقرر شد سازمان اتوبوسرانی، اتوبوسهای رایگان جهت برگزاری مراسم مختلف عزاداران متوفیان حادثه مسجد ارگ در اختیار خانواده های عزاداران قرار دهد.



## سید با سر و پای برهنه در میان عزاداران

در سابق رسم بود که علمای شیعه مقیم نجف اشرف در روز عاشورا پیاده به کربلا می رفتند. در بین راه محلی وجود داشت به نام طویرج که چهار فرسخ با کربلا فاصله داشت و در این روز دسته های سینه زن از آنجا به طرف کربلا حرکت می کردند و علما و مراجع به آنها ملحق شده و با آنان سینه می زدند.

سید مهدی بحرالعلوم با عده ای از طلاب به استقبال دسته ی سینه زنی طویرج رفتند عشق و شور عجیبی در این دسته به چشم می خورد همه بر سر و سینه می زدند و هر آن شور و شوقشان بیشتر می شد و طنین آن در فضا شکسته می شد و حال تماشاچیان را منقلب می کرد. آری! خدا در جان و تنشان، روح و عشق حسینی دمیده بود. در این حال بود که ناگهان علامه بحرالعلوم، مجتهد طراز اول جهان تشیع، عمامه و عبا را زمین گذاشت و با سر و پای برهنه میان جمعیت عزادار رفت و مثل سایر سینه زنها بر سر و سینه ی خود زد. برای لحظاتی همه غافلگیر شدند. طلاب و شاگردانشان هر چه کردند تا مانع بروز احساسات ایشان شوند، کاری از پیش نبردند.

علامه خود را به دریا سپرده بود، ضجه می زد، سر و رویش با خاک و خس آشفته شده بود. ناچار چندین تن از شاگردان قوی هیکل و خوش اندام ایشان، اطراف وی را گرفتند که مبادا زیر دست و پا بیفتند و آسیب ببینند.

شام غریبان زین العابدین سلماسی، شاگرد مخصوص ایشان از علامه پرسید، «شما را به صاحب این شب مقدس سوگند می دهم به من بگویید چه شد که شما بی اختیار وارد دسته ی سینه زنی شدید و آنگونه به عزاداری پرداختید؟» (علامه در حالی که اشک می ریخت، گفت: «وقتی به دسته ی سینه زنی رسیدم، دیدم حضرت بقیه الله «عج» با سر و پای برهنه میان سینه زنها به سر و سینه می زدند و گریه می کنند من هم نتوانستم طاقت بیاورم، پس در خدمت آن حضرت مشغول سینه زدن شدم» ۴

## عنایت آقا

محقق قمی صاحب کتاب قوانین می فرماید: من با علامه بحرالعلوم در درس آیت الله وحید بهبهانی شرکت می کردیم و هم بحث بودیم. اغلب من برای ایشان بحث را تقریر می کردم، تا اینکه من به ایران آمدم و کم کم، شهرت علمی سید بحرالعلوم به همه جا رسید و من تعجب می کردم تا زمانی که خدا توفیق عنایت فرمود و به زیارت عتبات مشرف شدم، وقتی به نجف اشرف وارد شدم، سید را ملاقات کردم. در خلال ملاقاتمان مسأله ای مطرح شد، دیدم سید، همچون دریای مواج و عمیق به پاسخ مسأله پرداخت، من با تعجب پرسیدم؟ اقا ما که با هم بودیم شما این مرتبه را نداشتید و از من استفاده می کردید، حال شما را مانند دریا می بینم، سید فرمود: میرزا این از اسرار است که به تو می گویم تا من زنده ام به کسی نگو، و کتمان بدار. من قبول کردم. پس فرمود: چگونه این طور نباشم و حال آنکه آقایم مرا شبی در مسجد کوفه به سینه ی مبارک خود چسباند. ۵

## این همه ثواب جای تعجب ندارد!!

نقل شده است که علامه بحرالعلوم به قصد تشریف به کربلا به راه افتاد. در بین راه راجع به مسأله گریه بر امام حسین (ع) و ثواب و ارزش بی حصر و اندازه ی آن فکر می کرد، همان وقت متوجه شد که شخص عربی، سوار اسب به او رسید و سلام کرد و بعد پرسید: جناب سید دربارہ ی چه چیز فکر می کنی؟ سید بحرالعلوم گفت: دربارہ این فکر می کنم که چطور می شود خدای تعالی این همه ثواب به زائران و گریه کنندگان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) عطا می کند، مثلا برای هر قدمی که در راه زیارت آن حضرت برداشته می شود، ثواب یک حج و عمره و برای هر قطره اشک، تمام گناهان صغیره و کبیره اش آمرزیده می شود؟

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن من برای شما مثالی می زنم تا مسأله برای شما روشن شود، پادشاهی به همراه وزراء و درباریان خود به شکار رفت در شکارگاه از همراهانش دور افتاد و دچار رنج و گرسنگی و تشنگی شد در آن تنهایی که راه و چاره ای نداشت ناگهان خیمه ای را دید و به طرف آن رفت، در داخل آن خیمه پیرزنی با پسرش زندگی می کردند. آنها فقط یک بز شیرده داشتند که از طریق آن امرار معاش می کردند، هنگامی که سلطان بر آنها وارد شد، او را نشناختند ولی به خاطر پذیرایی از مهمان و نجات او از گرسنگی و تشنگی، بزشان را سربریده و کباب کردند. زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابید. و روز بعد از ایشان جدا شد و هر طوری بود خود را به قصر رساند. روزگار گذشت و بعد از مدتی پیرزن و پسرش بسیار فقیر و محتاج شدند پس به دربار آن سلطان رفتند و به حضورش رسیدند و از او تقاضای کمک کردند. سلطان تمام جریان را که بین او و این پیرزن و پسرش گذشته بود برای وزرای خود تعریف کرد و از آنها پرسید: اگر بخوام پادشاه مهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی را باید انجام دهم.

یکی از حضار گفت: به او صد گوسفند بدهید. دیگری، که از وزیران بود، گفتند: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید. پس سلطان گفت: هر چه بدهم کم است زیرا آنها هر چه داشتند در طبق اخلاص گذاشتند و به من دادند حال اگر من همه ی تاج و تخت و سلطنتم را به آنها بدهم تازه سربه سر می شویم. پس سوار عرب به سید فرمود: حضرت سیدالشهداء (ع) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و حتی بدن بی جانش را همه و همه در راه خدا فدا نمود پس اگر خداوند این همه ثواب و پاداش برای زائران و گریه کنندگان امام حسین (ع) معین کند باز هم نباید تعجب کرد، زیرا خدا که نمی تواند خدائیش را به سیدالشهداء (ع) بدهد پس هر پاداشی که در مقابل فداکاری امام حسین (ع) به زائران و گریه کنندگان آن حضرت عطا کند باز هم اندک و ناچیز است. در این هنگام سوار عرب از نظر سید بحرالعلوم غایب شد. ۶

## غروب آفتاب

بیست و چهارم ذیحجه سال ۱۲۱۲ هـ. ق بود که روح بلند سید به ملکوت اعلی پیوست ۷ و با غروب غمگین خویش قلب عاشقان و شیفتگان مکتب اهل بیت (ع) را داغدار و مجروح کرد. پس از آنکه خبر درگذشت بحرالعلوم در شهر نجف منتشر شد. سیل عظیم مردم سینه زنان و گریه کنان دور جنازه ی سید را گرفتند و در سوگ آن اسوه ی تقوا و فضیلت به عزاداری پرداختند، صدای ناله از شهر نجف اشرف بالا می گرفت ملائکه هم با مردم آن سامان هم ناله شده بودند. پس از اینکه جنازه مطهر سید بحرالعلوم بر دستان خیل عظیمی از مردم، علاقه مندان و شاگردان آن یگانه عصر تشیع گشت در صحن مطهر امیرمومنان (ع) و در کنار مرقد شیخ طوسی (ره) به خاک سپرده شد.

## پی نوشت ها:

- ۱- منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۶۶.
- ۲- فوائد الرجالیه، ص ۳۵.
- ۳- فوائد الرضویه، ص ۶۸۲.
- ۴- نگاه سبز، ص ۲۲۱.
- ۵- گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۳۷۱.
- ۶- گلبرگهای حسینی، ص ۱۶۸ به نقل از العبقری الحسان.
- ۷- تحفه العالم، ص ۱۳۶.



### صفحه میانداز:

با معرفی علمای بزرگ و جست وجو در سیره ی عزاداری و ابراز ارادت آنان به ساخت مقدس اهل بیت در صدد نیل به هدف های یاد شده است



### ■ طلوع فرخنده

سید مهدی که بعدها به بحرالعلوم ملقب شد، در شب جمعه سال ۱۱۵۵ ه.ق در شهر کربلا دیده به جهان گشود و با طلوع فرخنده ی خود فضای منزل پدرش، سید مرتضی طباطبائی را عطرآگین و نورانی ساخت، شبی که سید به دنیا آمد، پدر روحانی و پرهیزکارش در عالم خواب دید که امام رضا(ع) دستور دادند به یکی از اصحاب خویش بنام «محمدبن اسماعیل بن بزیع» که شمعی برفراز بام سید مرتضی برافروزد، وقتی محمدبن اسماعیل آن شمع را روشن کرد، سید مرتضی می گوید: مشاهده کردم، نوری از آن شمع به آسمان بالا رفت که نهایت نداشت، پس تعجب کردم و با خود گفتم این چه بود که من دیدم؟ که ناگهان از خواب بیدار شدم و در همان ساعت خبر تولد سید مهدی را برایم آوردند، شیخ عباس قمی می نویسد: شکی نیست که آن شمع علامه بحرالعلوم بود، که دنیا را با نور خود روشن کرد و از روشنایی نور او، عالم منور شد و مقام والای وی زیانزد عام و خاص گردید، او یگانه روزگار و احیاگر و زنده کننده ی آداب و رسوم اسلامی درجهان بود. ۱.

### ■ اقامت در نجف اشرف

سید بزرگوار پس از فراگیری مقدمات علوم در کربلا به سال ۱۱۶۹ ه.ق رهسپار نجف اشرف شد تا در حوزه ی علمیه بزرگ این شهر به تکمیل تحصیلات خود بپردازد. بحرالعلوم در اندک زمانی با بهره گیری از محضر دو استاد بزرگ یعنی وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی توانست مدارج علمی را به سرعت طی کند و بالاخره با سعی و کوشش فراوان، عالمی فقیه و دانشوری اصولی و فرزانه ای بزرگ گردد. وحید بهبهانی در اواخر عمر مردم را در مسائل و فتوهای احتیاطی به سوی سید راهنمایی می کرد و او را مجتهدی جامع شرایط می دانست. آری! بالاخره با درگذشت بهبهانی در سال ۱۱۸۶ ه.ق علامه بحرالعلوم در حالی که سی سال بیشتر نداشت عهده دار مقام مرجعیت شد.

### ■ مرد فضیلت و تقوا

سید، مرد فضیلت و تقوا و نمونه ای کامل از اخلاق نیکوی انبیاء بود. بحرالعلوم، معلم اخلاق و انسانیت و از مصادیق بارز اخلاق نیکو به شمار می رفت. اگر کسی بخواهد انسان های وارسته بعد از پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام را بشمارد باید این مرد عالی مقام را در رده ی اول قرار دهد. او نمایشگر اخلاق پیامبر (ص) و راهگشای راه تزکیه و سیر و سلوک و از پیروان واقعی خط عرفان الهی بود. از نظر تواضع و فروتنی در مرتبه عالی قرار داشت. برای مردم، پدری رؤوف و مهربان به حساب می آمد. وقتی کسی به خدمت او می رسید از دیدارش سیر نمی شد، آرزو می کرد گفتگو با او طولانی تر شود. هنگام حضور در مجلس درس و بحث به دلیل اخلاق خود شاگردان پروانه وار، دور او را می گرفتند، آنها شیفته او بودند، شاگرد بلند آوازه ی او مرحوم کاشف الغطاء، درباره ی شخصیت استادش چنین می گوید: «همه فضایل و اخلاق شایسته در او جمع شده بود و در دنیا هیچ فضیلتی نیست مگر اینکه از حضور او صادر شده و او دارای آن فضیلت است» ۲.

### ■ چه خوش است صوت قرآن...

میرزا حسین لاهیجی رشتی، از زین العابدین سلماسی همراه همیشگی سید بحرالعلوم، چنین نقل می کند که روزی با سید وارد حرم مطهر امیرمومنان علی(ع) شدیم، ناگهان بحرالعلوم شروع به خواندن این شعر کردند:

چه خوش است صوت قرآن

ز تو دلریا شنیدن

به رخت نظاره کردن

سخن خدا شنیدن

پس از آن از ایشان پرسیدم: علت خواندن این بیت چه بود؟

ایشان فرمودند: چون وارد حرم حضرت علی(ع) شدم دیدم حضرت حجت بن الحسن «ارواحنا لتراب مقدمه فداه» در بالای سر با آواز بلند مشغول تلاوت قرآن است. چون

صدای آن بزرگوار را شنیدم این شعر را خواندم. ۳.

حضرت بقیة الله به سر و سپینه می زند

نگاشتی کوتاه به زندگی و شخصیت

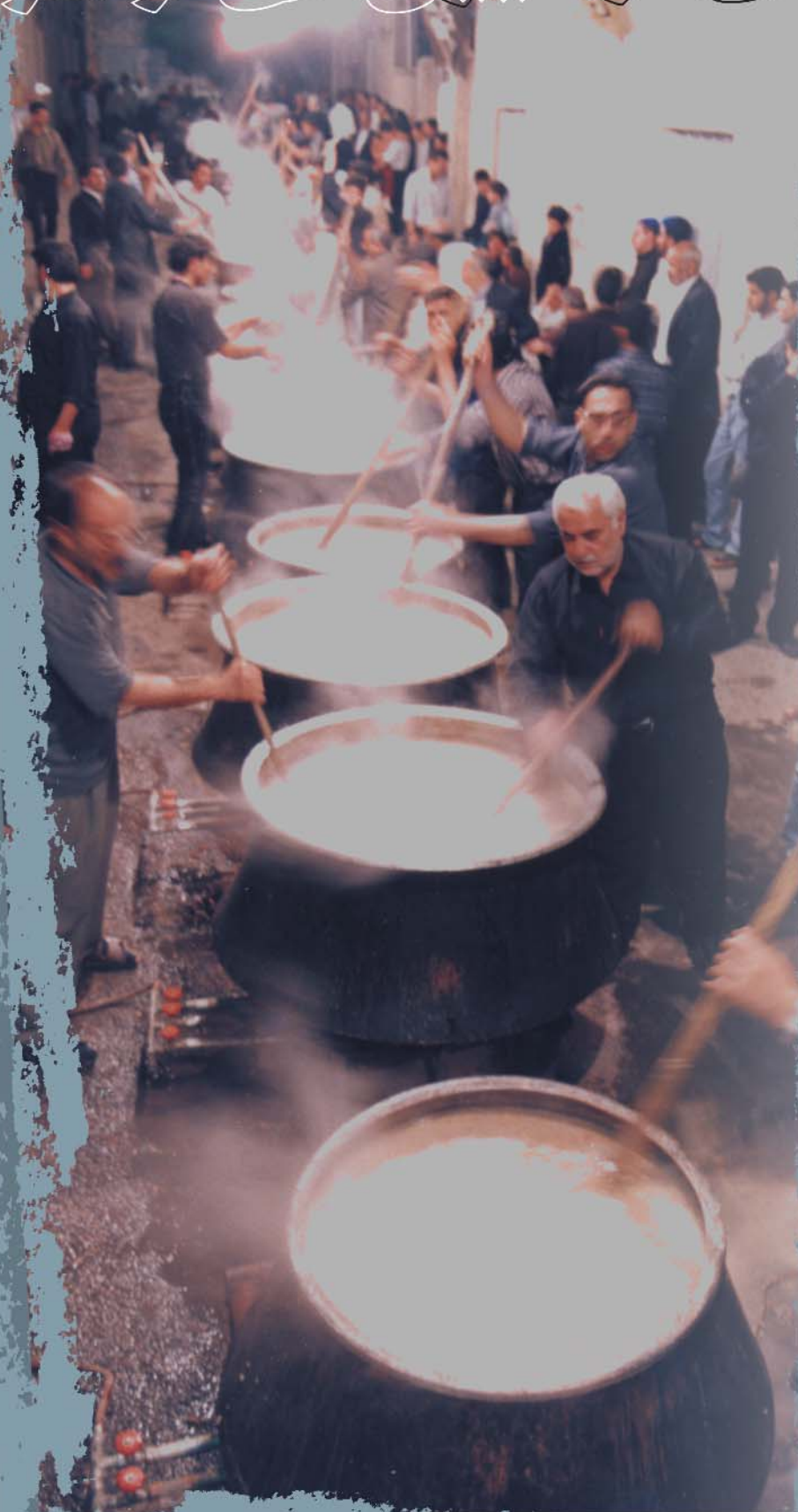
دربای علم و معرفت

سید علامه بحرالعلوم

• حمزه کریم خانی



# فرهنگ و آداب و عادات مردم تبرک



در پایان، مردم مشتاق خاندان اهل بیت (ع) تبرکاً از خاکستر خیمه ها برمی دارند و به امید شفا و برآورده شدن حاجات به سر و صورت می کشند. از مراسم های بومی دیگر این منطقه می توان از آیین های زیر نام برد:

۱- کربزنی، گویا یکی از شیوه های عزاداری عده ای از اعراب بوده که با زدن دو تکه سنگ به هم، به سوگ عزیزان از دست رفته شان می پرداختند. مرور زمان تکه سنگها را به تکه چوبهای تراشیده مبدل ساخته است.

۲- گروه نقابداران، شب قبل از عاشورا عده ای نقابدار که چوبهایی در دست دارند، به پاسداشت خیمه های ابا عبدالله به تکایا و مساجد قدیمی شهر می روند.

۳- صبح طلوع، ساعتی قبل از روشن شدن هوا و یا طلوع آفتاب روز عاشورا، عزاداران با در دست داشتن شمع و فانوس، مسافتی حدود یک کیلومتر را می پیمایند و این ذکر را می خوانند تا آفتاب سربر آورد:

ای صبح تیره رو، ز چه رو می شوی سفید / فردا حسین تشنه لبان می شود شهید،

۴- قلندر خوانی، شب تاسوعا یکی از مداحان با لباس درویشان در حالی که کتشکول و تبرزین به دست دارد به تکایا و مساجد قدیمی شهر می رود و به ذکر مصیبت می پردازد.

۵- خاکسپاری، در شام غریبان سالار شهیدان، عده ای از عزاداران با در دست داشتن بیل، در حالی که نوحه کنان با کاه به حالت محزون به سر می زنند به کنایه از قوم بنی اسد برای خاک سپاری شهدای کربلا خیابانهای شهر را می پیمایند.



# آیین‌های عزاداری

## دورخیمه‌گاه یکی از آیین‌های عزاداری شهر بابل

## نگاهی به آیین‌های ماه محرم مردمان اهل تسنن در بلوچستان

مراسم دور خیمه‌گاه از سالهای بسیار دور در شام غریبان شهدای کربلا انجام می‌شود و مردم از اطراف و اکناف برای دیدن این مراسم به محله قاضی کتی شهر بابل می‌روند و از خاکستر خیمه‌های سوخته، برای شفای بیماران خود تبرک می‌برند.

این مراسم که از سالهای بسیار دور به صورت سینه به سینه به عزاداران رسیده است، بدین نحو است که دو خیمه‌ای که از روز اول محرم به نشانه خیمه‌های امام حسین (ع) و یارانش تهیه شده، در وسط میدانگاهی گذاشته می‌شود. اعضای شرکت‌کننده در مراسم، توسط پیر غلام و پیشکار عزاداری انتخاب می‌شوند. عمده این افراد، جوان و ترجیحاً از خانواده سادات، و به تعداد شهدای دشت کربلا، ۷۲ نفر هستند.

قبل از ورود عزادارانی که با سربندها، شالها و لباسهای متحدالشکل، خود را آماده مراسم می‌کنند، مداحان با خواندن زیارت عاشورا، مستمعین و دل‌های مشتاقان را آماده می‌کنند. سپس عزاداران با ذکر «یا حسین» وارد میدان می‌شوند. مداحان با نوای نوحه مراسم را آغاز می‌کنند. هنگامی که سکر و مستی عشق به مولا در دلها بالا گرفت دو نفر با لباس یزیدیان (قرمز رنگ) وارد میدان شده با حرکاتی خشن، در حالی که شلاقها و مشعل‌هایشان را در آسمان به حرکت درمی‌آورند، کودکانی را که با لباسهای عربی از ابتدای مراسم، در خیمه‌ها نشسته‌اند را می‌ترسانند. کودکان با ذکر «یا حسین، یا ابالفصل» به هر سوی میدان می‌گریزند.

عزاداران کماکان بر سر و سینه می‌زنند سپس یزیدیان خیمه‌ها را به آتش می‌کشند. با به آتش کشیده شدن خیمه‌ها، شور و نوای عزاداران اوج می‌گیرد و در حالی که خمیده و هوله‌کنان به دور خیمه‌های در حال سوختن می‌گردند، زکراهایی چون:

دور دور خیمه زینب صدا می‌زد حسین

ناله‌ها می‌زد حسین، زینب صدا می‌زد حسین

از تل زینبیه زینب صدا می‌زد حسین

بر سر و سینه می‌زنند. دور زدن عزاداران به دور خیمه‌ها و زکراهشان تا زمانی ادامه دارد که خیمه‌ها در حال سوختن است.

وقتی خیمه‌ها کاملاً سوخت و چیزی از آن باقی نماند، عزاداران که بعد از آن همه تب و تاب گویی، به حال نیمه‌جان درآمده‌اند بر زمین می‌نشینند و مداحی با نوای محلی، به ذکر مصیبت از زبان حضرت زینب (س) با ترجیع بند «برار، ته خواخه بمیره» بردار خواهرت بمیرد، می‌پردازند. سپس با ذکر خیر از پیرغلامان اهل بیت که سر به تیره تراب برده‌اند و سلام به پیامبر و ائمه اطهار مجلس به پایان می‌رسد.

در بلوچستان مردم اهل تسنن با آغاز ماه محرم خود را در سوگ سرور و سالار شهیدان سهیم دانسته و با اجرای برنامه‌های وعظ و سخنرانی در محافل مذهبی به استقبال از این ماه می‌روند.

با آغاز اولین روز از ماه محرم امامان جمعه، پیش‌نمازان مساجد و ملایان اهل تسنن، با سخنرانی در مساجد و محافل مذهبی، مردم را از اهمیت این ماه آگاه می‌سازند و با روایت احادیث مختلف سعی دارند مظلومیت امام حسین (ع) و نقش وی در اسلام و همچنین عظمت این ماه پر برکت را به نمازگزاران منتقل کنند. در مساجد اهل تسنن و خانه‌ها، مردم تا پاسی از شب خود را از فیض و برکت این ماه با تلاوت قرآن و ذکر تسبیح سهیم می‌کنند و زنان نیز در خانه‌ها به طور گروهی دور هم جمع می‌شوند و با تلاوت قرآن، ذکر و تسبیح از برکات این ماه بهره‌مند می‌شوند.

در ماه محرم زنان دست از انجام کارهایی مثل حصیریافی و سوزن دوزی برمی‌دارند و بیشتر سعی دارند خود را با ذکر و تسبیح و نماز و روزه مأنوس کنند. در بلوچستان ایران، در ایام ماه محرم، اکثر کسانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار هستند با دادن خیرات و صدقه به فقرا و یتیمان و با ذبح بز و گوسفند و پخش آن در میان خانواده‌های کم‌درآمد و بی‌بضاعت از ثواب این ماه بهره‌مند می‌جویند.

اکثر مردمان بلوچستان و برادران و خواهران اهل تسنن روزهای تاسوعا و عاشورا روزه می‌گیرند، آنها بر این باورند که گرفتن روزه در این ایام اجر و ثواب بسیاری دارد و مولوی‌ها و ملایان مساجد نیز هر شب بعد از نماز مردم را دعوت به گرفتن روزه در روزهای تاسوعا و عاشورا می‌کنند.

پخت انواع غذاهای محلی از قبیل حلوا، خورشت و برنج و همچنین پخش شیر و خرما میان خانواده‌های کم‌درآمد از دیگر آیین‌های روزهای تاسوعا و عاشورا در بلوچستان است و همچنین اکثر زنان با پختن غذاهای خوشمزه و بردن انواع غذاها به مساجد سعی بر این دارند تا خود را از ثواب این روزها بی‌بهره نسازند. دعوت به تأمل و وحدت، یکی از حرکات جالب در میان مردم بلوچستان و اهل تسنن است که در این ایام تأمل خود را با برادران شیعه مذهب، بیشتر می‌کنند و مولویها و ملایان مساجد مردم را دعوت به تأمل و وحدت می‌کنند و با دیدن یکدیگر، این ایام را به هم تسلیت می‌گویند.



# محرّم

## زایش موسیقی دینی در ایران

داده و به شاخه های گوناگونی تقسیم شده است. در مقایسه با سایر هنرها، موسیقی دینی از اهمیت و رواج فوق العاده زیادی برخوردار است.

موسیقی ایرانی را می توان بر اساس محتوا و نوع اجرا به شاخه های مختلفی تقسیم کرد و از هر کدام از این شاخه ها هم می توان به زیرمجموعه های بیشتری دست یافت. در میان انواع موسیقی دینی موسیقی عاشورایی و تعزیه منحصراً توسط شیعیان اجرامی شود و موسیقی عاشورایی خود به شاخه ها و دسته های مختلفی تقسیم می شوند. که هر بخش از آن دارای ویژگی ها و خصوصیات خاص خود می باشد و بسته به نوع مراسم و حتی روزهای مختلف عاشورا با هم تفاوت شایان ذکری دارند و تعزیه نیز به قسمتها و بخش های مختلفی تقسیم می شود.

حماسه عاشورا و شیوه عزاداری برای امام حسین (ع) در طول تاریخ شیعه در سراسر جهان اسلام از تنوع و شکوه بسیار زیادی برخوردار است. حماسه کربلا مهمترین حماسه تاریخ شیعه تلقی می شود به همین دلیل آیین های عاشورایی در ایران اهمیت فوق العاده داشته است.

مراسم عاشورا خود به مراسم متنوع دیگر تقسیم می شود. در این میان موسیقی عاشورایی اهمیت ویژه ای دارد. در روزهای محرم، نوحه ها و مرثی گوناگون خوانده می شود که غیر از آنهايي که در تجلیل از امام حسین (ع) سروده و اجرا می شوند. نوحه های مربوط به حضرت عباس (ع)، علی اصغر (ع)، حضرت زینب (ع) و حضرت رقیه (ع) از اهمیت خاصی برخوردارند. مراسم آیینی شام غریبان نیز که به یاد اسرا و یتیمان بازمانده از فاجعه کربلا اجرا می شود بسیار رایج و متداول است و با شکوه خاص خود اجرا می شود. که این مراسم به خاطر آشفتگی اسیران کربلا بر عکس مراسم زنجیرزنی و سینه زنی در روزهای دیگر بدون همراه داشتن بیرق و پرچم و وسایل روشنائی برگزار می شود. در نواحی مختلف ایران هم آیین های بیشماری در مورد فاجعه کربلا اجرا می شود که در همه آنها موسیقی نقش بسیار مهمی دارد از جمله این مراسم می توان قالی شویان اردهال کاشان، مراسم نخل گردانی، قنبرخوانی، مقتل خوانی و مراسم چمر اشاره کرد.

موسیقی در ایران در مقایسه با سایر ادیان، از نظر کیفیت و تنوع از سایر ادیان بالاتر است.

موسیقی دینی ایران را می توان در محرم و عاشورا جستجو کرد. این گونه موسیقی از جهات گوناگون مورد توجه و اقبال مردم بوده است. اگرچه این موسیقی از غم انگیزترین و تأثیر برانگیزترین نوع موسیقی است اما قسمت زیاد و قابل توجهی را در ایام محرم و تاسوعا و عاشورای حسینی و دیگر ایام عزاداری را در طول سال شامل می شود.

همچنین در هنگام جنگ نیز یکی از عوامل ایجاد روحیه و تحول روحی را می توان در این نوع موسیقی یافت.

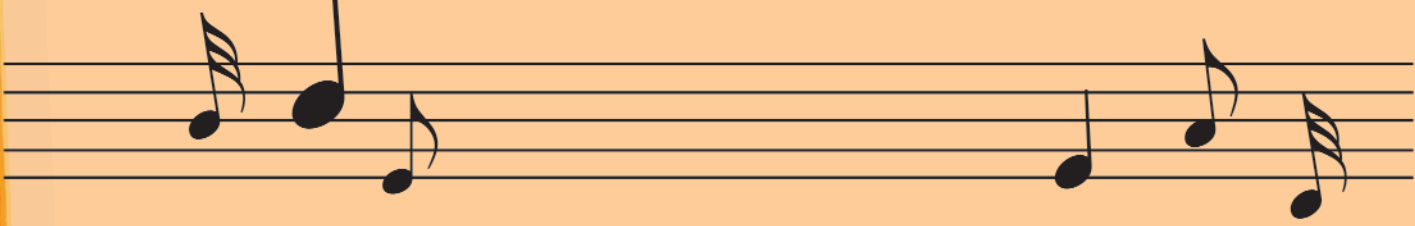
موسیقی دینی ایرانی را می توان به انواع زیر تقسیم کرد:

- ◆ آیین های عاشورایی
- ◆ موسیقی نمایشی تعزیه
- ◆ موسیقی عبادی
- ◆ موسیقی عرفانی

آیین های عاشورایی بیشترین تنوع و بیشترین قسمت موسیقی دینی ایران را در بر می گیرد. آیین های عاشورایی بانوعی موسیقی ریتمیک همراه با حرکاتی سمبلیک همچون زنجیر زنی، سینه زنی، کف بر هم کوبیدن اجرا می شود. در این مراسم از سازهای بادی و طبل های گوناگون استفاده می شود که در مقایسه با همین مراسم در کشورهای دیگر و کشورهای عربی نوع سازها فرق کرده و خود مراسم نیز دارای تفاوت های زیادی است.

در گذشته در میان همه اقوام و به خصوص آسیایی ها نقش موسیقی و ادبیات در هنگام اجرای آیین های دینی به قدری مهم بود که بدون موسیقی و شعر هیچ مراسمی اجرا نمی شده است. به همین دلیل است که در این نواحی موسیقی و هنر دینی مهم ترین بخش موسیقی و هنر را تشکیل می دهد.

موسیقی دینی و آیینی در ایران با توجه به نوع دین آیین های ویژه خاص خود را دارد. فرقه های مختلف اسلامی از جمله شیعه و سنی از موسیقی و نغمه های خاصی استفاده می کنند که با اعتقادات و نیازهای آیین آنها همخوانی دارند. در مقایسه با سایر ادیان موسیقی در ایران از نظر کیفیت و تنوع از سایر ادیان بالاتر است. موسیقی اسلامی بخش قابل توجهی از موسیقی ایرانی را تحت سیطره خود قرار







# امام حسین (ع) در عرصه مدیریت جلوه‌های فتاوی

بخش پایانی

دکتر غلامرضا رحمدل

نویسنده، حماسه عاشورا را از دریچه مدیریت مکتبی بررسی نموده و یادآور شد که یکی از مولفه‌های قابل توجه امام حسین (ع) در تعمیق و استحکام نهضت که خود در مدیریت اثر بخش، حائز اهمیت است، میزان تأثیرگذاری و ثمردهی عملکردهاست.

در شماره‌های پیش به موضوعات زیر پرداخته شد:

۱- تعریف مسئولیت‌های مختلف از متن حرکت نهضت.

۲- واگذاری مسئولیت‌ها به افراد کاروان به فراخور استعداد و مهارت.

۳- مدیریت روابط انسانی

## ۲- مدیریت اطلاع‌رسانی:

امام در روند حرکت و در مراحل مختلف نهضت، هر جا که فرصتی به دست می‌آمد، با معرفی خود و نهضت و افشاکاری ماهیت ضددینی و ضد مردمی دشمن، می‌کوشیدند که به تنویر افکار عمومی نیروهای دشمن بپردازند. نیروهایی که تعداد زیادی از آن‌ها، به تعبیر فرزدق: قلبشان با امام اما شمشیرشان در خدمت بنی امیه بود.

نمونه‌ها:

(الف) خطبه روشنگرانه امام در محل نوحسُم، بعد از اقامه نماز.

(ب) خطبه انقلابی و افشاکرانه امام در محل بیضه، خطاب به نیروهای تحت امر حربن یزید ریاحی. امام در این خطبه، از قول پیامبر (ص)، پیروی از حاکم ستمگر را حرام، مبارزه‌ی نظری و عملی با چنین حاکمی را واجب، و سکوت در مقابل چنین حاکمی را مستوجب عذاب الهی دانست. امام در فرازی از این خطبه فرمود: این‌ها حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام می‌کنند. به مردم ظلم می‌کنند. و بیت‌المال را غارت می‌کنند.

(ج) خطبه بیدارگرانه و تاریخی امام در روز عاشورا، خطاب به نیروهای عمل‌کننده دشمن و تشویق آنها به نافرمانی از آمرین و طراحان جنگ.

نتیجه: علی‌رغم جو پلیسی و نظامی حاکم بر نیروهای دشمن، تعداد زیادی از نیروهای دشمن به تپه‌های اطراف گریختند و از جنگ سرباز زدند.

برخی نیز مانند مسروق بن وائل در آغاز جنگ، منفعل شده و فرار کردند و بعد از عاشورا از رویان عاشورا شدند

• (تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده جلد پنجم، ص ۲۰۲۲)  
برخی نیز، صفوف دشمن را در هم شکسته و خود را به امام رسانیدند و آن قدر جنگیدند تا شهید شدند، که از میان آن‌ها می‌توان به دو برادر، به نام‌های ابوالحتوف و نصر انصاری اشارت کرد که هر دو از خوارج بودند و با همان شعار خوارج یعنی: لا حکم الا لله و لا طاعة لمن عساه، این بار، حکم خدا را در موضع اصلی و غیر انحرافی خود بکار بردند و به سوی اردوگاه حسین برگشتند.

• (ابصار العین فی انصار الحسین - ص ۹۴)  
عده‌ای نیز که در زمان جنگ، به دلیل تبلیغات گسترده دشمن که با حجم وسیعی از جنگ روانی همراه بود، فرصت فکر کردن نداشتند، بعد از عاشورا، عظمت فاجعه را درک کردند و برای اقناع وجدان ملامت‌گر به قیام توأبیین پیوستند و در جنگ با سپاه بنی مروان در محل عین‌الورده به قتل رسیدند. توأبیین گرچه دیر جنبیدند اما درس عبرتی شدند برای موج‌سواران غافل و ریاکاران مرعوب و منفعل.

## ۵- مدیریت آب:

هر یک از افراد کاروان امام موظف بودند که هر صبحگاه قبل از حرکت، خود را به آبگاہ آبادی رسانیده و مشک‌های خود را پر آب کنند. آب، در سفرهای طولانی عراق و حجاز، نقش کلیدی و حیاتی داشته است، مدیریت مدبرانه امام باعث شده بود که کاروان امام در مسیر آن سفر طولانی هرگز با مشکل کمبود آب مواجه نشوند.

## ۶- سازماندهی سپاه:

امام در روز عاشورا به آرایش نظامی نیروهای موجود پرداخت: (الف) فرماندهی جناح راست سپاه به زهیر بن قین: زهیر بعد از اقامه نماز عاشورا به امامت سیدالشهداء به شهادت رسید.

(ب) فرماندهی جناح چپ: حبیب بن مظاهر، از پیران و طلایه داران نبردهای مکتبی، او در حماسه نماز ظهر عاشورا مدافع نیروهای نمازگزار بود، در مقابل مهاجمان مسلح از جان امام و نمازگزاران دفاع کرد و پس از نبردی جوانمردانه به شهادت رسید. دشمن سر او را برید و برگردن اسب خود آویخت. حبیب، شهید حماسه نماز بود.

(ج) فرماندهی یگان تیرانداز به مجاهد مکتبی، نافع بن هلال بجلی. او روی تیرهای خود می‌نوشت: انا بجلی، انا علی دین علی: من بجلی ام پیرو دین علی ام.

(د) پرچم دار سپاه: قمر بنی هاشم، عباس بن علی (ع).

## ۷- مدیریت امنیت خیمه‌ها:

(الف) متصل ساختن خیمه‌ها با طناب به همدیگر

(ب) گماشتن محافظ مسلح به فاصله هر دو خیمه، یک محافظ

(ج) دیواره آتش: امام دستور داده بود تا پشت خیمه‌ها خندق‌هایی حفر کرده و هیژم‌ها را در آن خندق‌ها به آتش بکشند تا با این تمهید، اولاً دشمن، از پشت به خیمه حمله نکند و ثانیاً، عرصه جنگ، تنگ‌گردد و دشمن قادر نباشد، همه نیروهای خود را وارد عمل نماید و فقط از روبرو بجنگد. دیواره آتش از پشت و دیواره نیروی انسانی از روبرو، باعث شده بود که دشمن نتواند به خیمه‌ها آسیب وارد آورد، و یک بار هم که از روبرو به خیمه‌ها حمله کرده بودند با مقاومت شجاعانه مدافعان مسلح خیمه‌ها مواجه شدند، و با دادن یک کشته عقب نشستند.

## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابصار العین فی انصار الحسین، شیخ طاهر ساوی، منشورات مکتب بصیرتی، قم
- ۳- اصحاب الحسین، علی محمد علی دخیل، انتشارات موسسه اهل‌البيت بیروت
- ۴- تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، انتشارات موسسه اهل‌البيت، بیروت ۱۴۰۱ هـ ق
- ۵- تئوری‌های مدیریت، دکتر کمال پرهیزگار، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۵.
- ۶- تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۲
- ۷- زندگانی سفیر حسین (ع) محمدعلی عابدین، ترجمه سید حسن اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، چپ دوم، بهار ۱۳۷۴
- ۸- مؤثیرالاحزان، ابن‌نمای حلی، انتشارات مدرسه امام مهدی (ع)، قم ۱۴۰۶ ق.

# آلبوم آهنگهای هنری

## مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما هفت اثر موسیقایی مذهبی تولید کرد.

اداره کل تولید این مرکز هفت اثر موسیقایی مذهبی براساس اشعار بیژن ارژن، ایرج قنبری، حجت الله ابادری، سعید میرزایی، مرحوم نصرالله مردانی و محمد بیگی حبیب آبادی در قالب های پاپ و سمفونیک تولید کرد.

این آثار شامل «میدان عطش» با آهنگسازی «مانی بلوری»، «محرّم» ساخته «محمد بیگلی پور»، «آفتاب عاشورا» کاری از «امیر محمدرضایی»، «کوچ عاشقان» ساخته «فرهاد برنجان» و «محمد قلیچ خانی»، «شور عاشورا» اثر «علی تفرشی» و «جمال الدین منبری»، «محرّم» اثر «منوچهر بیگلی پور» و «دشت کربلا» ساخته «صادق آهنگران» و «محمد میرزانی» هستند.

## «مجید کیانی» موسیقی دان:

### تمام گوشه ها و دستگاه ها در تعزیه حضور دارند

«ما، در موسیقی مذهبی، ساز نداریم به جز دهل، سنج و ... که خاص موسیقی حماسی و بیشتر بر مبنای موسیقی آوازی است.»

«مجید کیانی» محقق و مدرس موسیقی در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، ضمن بیان این مطلب، گفت: در دوره قاجار، سازهایی مثل شیپور و قره نی اضافه می شود که امروز به جای شیپور در این گونه مراسم از ترومپت استفاده می کنند.

«کیانی» با توضیح این مطلب که موسیقی تعزیه مشترک با موسیقی آکادمیک و رسمی است، گفت: هفت دستگاه، پنج آواز و همه گوشه هایی که در آنهاست در تعزیه ها می بینیم، مثلا یک نفر در سه گاه می خواند و نقش مقابل او مخالف سه گاه جواب می دهد و این تفاوت ها برای ایجاد تفاوت در فضای کار است.

وی افزود: نقش های منفی عموماً گفتارشان آهنگین نیست و بیشتر با کلام اجرا می کنند.

این مدرس با تأکید بر این که تمام گوشه ها و دستگاه ها در تعزیه حضور دارند، گفت: وقتی گوشه ای در طول زمان کم رنگ شود و یا در معرض فراموشی قرار گیرد، موسیقی دان ها از تعزیه کمک می گیرند و به سراغ آن می روند تا آن حلقه گمشده را پیدا کنند و بالعکس نسل جدید تعزیه خوان ها در کلاس های درس موزیسین ها حضور می یابند تا به شکلی درست و اصولی تعزیه را اجرا کنند، این همکاری متقابل بسیار ارزشمند است.

## نایب علی صحرا روشن:

### موسیقی پاپ مناسب سوگواری نیست.

«این درست نیست که مداح روی قطعات موسیقی پاپ و ترانه ها نوحه بخواند و مرثیه بگوید. متأسفانه مراسم واقعی سوگواری ما که با موسیقی نواحی ایران همراه بوده است، در حال از بین رفتن است.

«نایب علی صحرا روشن» سرپرست گروه موسیقی «طرقة» که روی موسیقی شمال خراسان و مناطق کرد نشین این استان فعالیت می کند، ضمن بیان این مطلب افزود: ما در موسیقی کردهای خراسان بهترین و مفصل ترین عزاداری

ها را برای امام حسین (ع) داریم. با سرنا و دهل روضه خوانی هایی را از قدیم برگزار می کردیم. در این مراسم که با بیدار شدن مردم در سحر همراه بوده است، سازهای دهل و سنج نقش اصلی را بازی می کرده اند. سازهایی که الان به طبل تغییر شکل داده اند. در کنار اینها که به نوعی ساز جنگ شمرده می شدند، آهنگ هایی غمگین نواخته می شد و محتوای آنها در مورد مصیبت های امام حسین (ع) در روز عاشورا و اهل بیت ایشان بود. این مراسم گاه به صورت فردی و گاه به شکل جمعی توسط نوازندگان هر منطقه اجرا می شد. این افراد جلوی دسته های سینه زنی و عزاداری قرار می گرفتند و ساز می زدند. مردم عزادار هم روی این موسیقی با اشعار محلی شعر می خواندند.

وی افزود: موسیقی مقامی ما موسیقی عرفانی است. ما قطعه ای معروف به نام «شاعیان» داریم که این قطعه تنها در مراسم عزا اجرا می شود. در ابتدا «شاعیان» که در حال حاضر از شکل قطعه خارج شده و به یک مراسم تبدیل شده است، در عزای امام حسین (ع) اجرا می شده. در این مراسم، رقص های عرفانی، عبادت، عزاداری و جنگ به تصویر کشیده می شود. این مراسم هر زمانی که اتفاقی بیافتند یا تشییع جنازه شهیدی باشد، انجام می شود. در گذشته تنها زنان همچون زنان به جا مانده از واقعه عاشورا، جنازه را حمل می کردند و شیون و زاری داشتند. مردان آن را به خاک می سپردند و در راه بازگشت از نو مراسم مرثیه خوانی ادامه داشته است. در این بین رقص های حماسی هم انجام می شد.

وی در پایان گفت: درست است که هر کس که حتی در دلش هم به امام حسین و عاشورا فکر کند، در عزای اوست و سوگواری کرده، اما سوگواری هم آدابی دارد که ما ایرانی ها از سالها پیش آداب آن را می دانیم و با تفکر و شناخت آن را انجام داده ایم. متأسفانه امروز بسیاری از مداحی ها بر اساس اصول ریشه دار انجام نمی شود. برخی اولین آهنگی که به گوششان برسد، را با تغییراندکی در شعر به عنوان نوحه و مرثیه می خوانند. حالا دیگر کسی فکر نمی کند که موسیقی پاپ برای عزاداری نیست. از سویی دیگر ما هم که می خواهیم موسیقی آئینی خودمان را حفظ کنیم و آن را اشاعه دهیم، امکانی در اختیارمان گذاشته نمی شود. من بارها خواسته ام که مراسم «شاعیان» را اجرا کنم، اما بیشترین وقتی که برای اجرای برنامه در اختیار داشته ام بین ۱۰ تا ۱۸ دقیقه بوده که عملاً در این زمان نمی توان کاری کرد.

## تاج وردی پیکر:

### مختوم قلی، یاد امام حسین (ع) را در موسیقی ترکمن جاودانه کرده است.

مختوم قلی، ترانه سرای ترکمن و سرپرست گروه موسیقی «ترکمن» ضمن بیان این مطلب افزود: ما قطعه ای در موسیقی ترکمن داریم با عنوان « مارا ببخش» که از اشعار مختوم قلی، ترانه سرای برجسته ترکمن هاست که ما روی این شعر، قطعاتی را با دوتار و همچنین آواز ترکمن گذاشته ایم که در مراسم مختلف مذهبی اجرا می شود. در این قطعه از امام حسین (ع) بسیار یاد شده است.

وی که از مسلمانان اهل تسنن بندر ترکمن است ادامه داد: موسیقی مذهبی اغلب بدون ساز اجرا می شود. گروهی دور هم به صورت دایره می نشینند، حلقه می زنند و اشعار حماسی و عرفانی می

خوانند. از جمله این آواهای حماسی می توان به «ذکر خنجر» اشاره کرد. این مراسم از آیین های خاصی است که از قدیم در موسیقی ایران مانده است و متأسفانه الان کمتر اجرا می شود و به جز برای جشنواره های هنری جایی شاهد برگزاری آن نیستیم. از سویی دیگر این مراسم شکل اولیه و سنتی اش را از دست داده است. تاج وردی پیکر در مورد «ذکر خنجر» ادامه داد: این مراسم در ابتدا تنها استفاده ای حماسی داشته است. گروه های موسیقی در میانه میدان و پیش از آغاز جنگ برای تهییج نیروها و آماده سازی جنگجویان اشعاری را می خواندند و با حرکات و همراهی غزل ها آنان را به هر چه بهتر جنگیدن دعوت می کردند. در حال حاضر این مراسم شکلی عرفانی پیدا کرده است و صورت عرفانی آثار هنری هم در ایران بیشتر به شکل مذهبی نمود پیدا می کند.

## موسیقی کودک و نوجوان با ارکستر سازهای سنتی تولید شد.

برای نخستین بار در ایران، نوار و سی دی موسیقی کودک و نوجوان با ارکستر سازهای سنتی (ملی) به همت مرکز موسیقی حوزه هنری تولید شد.

این نوار با آهنگسازی محمدرضا فیاض و گروه همخوان در دو بخش محتوایی تولید شده که بخش اول گزیده اشعار کتاب فارسی مقطع ابتدایی تحصیلی برای دانش آموزان و بخش دوم اشعاری درباره روز مادر است.

## مشارکت ترکیه

### در ساخت سریال حضرت یوسف (ع)

شرکت اسلامی «ای دی ام» ترکیه به دلیل استقبال زیاد مردم این کشور از سریال های تاریخی، مذهبی ایرانی اصرار به پیش خرید سریال حضرت یوسف (ع) دارد.

«رضا استادی»، مدیر روابط عمومی مجموعه حضرت یوسف (ع) ضمن اعلام این خبر اظهار کرد: فروش سریال ها عموماً پس از پایان ساخت و یا حتی پخش آن به دیگر کشورها فروخته می شود، اما در حال حاضر با توجه به استقبال خوبی که از سریال های ایرانی مثل «مردان آنجلس» و «مریم مقدس» در ترکیه شده، یکی دو شرکت در ترکیه علاقمند به پیش خرید سریال به طور همزمان هستند.

«رضا استادی» در ادامه گفت: در بازدید که نمایندگان شرکت ای دی ام از پشت صحنه سریال حضرت یوسف (ع) داشتند، مصراغه خواستار آن شدند تا همین قسمت هایی که آماده شده و مربوط به دوران کودکی حضرت یوسف (ع) است را خریداری کنند.

وی افزود: این شرکت قصد دارد مبلغی را برای پیش خرید بپردازد و در واقع در تولید سریال مشارکت کند و ضمناً خواسته اند نسخه صدا و موسیقی را هم جدای از تصویر دریافت کنند.

مدیر روابط عمومی این سریال به موافقت و نظر مثبت تهیه کننده و کارگردان اشاره کرد و توضیح داد: تهیه کننده و کارگردان و همچنین «سیما فیلم» که در حقیقت صاحب معنوی و حقوقی این سریال هستند با این پیشنهاد موافقت کرده و باید مراحل اداری و عقد قرارداد آن صورت گیرد.



# گریه بر غربت ماه!

## نگاهی بردو اثر موسیقایی

• سیدمصطفی بیادت

ج: ادای مصوت‌های کوتاه و بلند بعضاً در تحریرها و در مواردی، تبدیل همزه به «ع» در ادای مصوت‌ها یا به نوعی گویشی مناسب برای رسالت خلق اثر هنری آن هم با موضوع عاشورا وجود ندارد.

د: اجرای گروه کر بهتر از اجرای خواننده است.

ه: شعر ضعیف است.

و: اجراهای دارای String و Drum به صورت Sample می‌باشد که در ایجاد فضا بی تأثیر نبوده است، ولی دارای حرکت نیست، نه حرکتی که در موضوع خدشه ایجاد کند.

### نگاه عامیانه:

صدای خواننده مأنوس و مألوف با فضاهای اجتماعی و مردمی است و مردم به دلیل سادگی و بی‌پیرایگی در اجرای جناب آقای نجفیان با مضامین عامیانه و مردمی و اجتماعی الفت بیشتری دارند.

### نگاه مهربانانه:

آنچه مسلم است وجود چنین کارهایی در مورد ائمه اطهار و عاشورایی و آیینی و حماسی یا ماتمی نیاز است.

و با اندکی اغماض کارشناسانه پذیرفته می‌باشد و چه خوب که در مورد ذوات و صفات والا و واقعه ای فاخر و بی‌بدیل، بی‌دلیل در جهت خلق آثار جلیل، با کلام و بی‌کلام فاخر و والا و دارای ارزش خود را سامان دهیم.

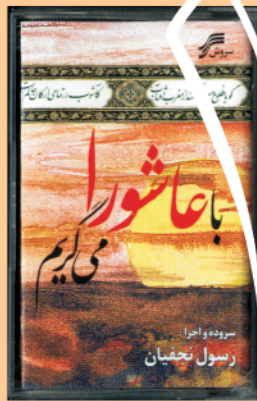
### نگاه صمیمانه:

بی‌شک هر شخصی در جهت سیراب نمودن روح عطشان خود دست به کاری زند که غصه سر آید، یا آب فشانی در صحرای سوزان دل، کند.

آن واقعه‌ای که سینه سوزان می‌خواهد و اشک روان واقعه «عاشورا» است. و هر اثری با مضمون عاشورا دل همراه می‌خواهد و می‌توان چنین خوش بین بود که بودش از نبودش بهتر است. به امید آنکه تمامی هنرمندان رشته‌های مختلف هنری در خلق آثار عاشورایی به جد و با تفکر کام بردارند.

در نوع دیگر گاهی شاعر چنان شعری می‌سراید که در بطن خود دارای موسیقی است و یک آهنگساز استخراج می‌کند آنچه را که در درون شعر می‌یابد و چون پیکره تراش می‌نماید.

و آنچه دور از ذهن نیست، آن است که به ندرت و سختی



پیش می‌آید، که یک نفر هم آهنگساز و هم شاعر و هم ... باشد و دارای اثر ارزشمند باشد و دخالت در حوزه‌های مختلف چیزی جز تجربه کردن نیست.

حال آیا برای خلق اثر باید تجربه کنیم یا اینکه با تعمق و تأمل در حوزه‌های مختلف، یک اثر پویا و مانا خلق کنیم. اثر حاضر جناب آقای نجفیان یک تجربه در این وادی است و این نظر می‌تواند منتقدانه باشد نه یک هجمه به یک اثر باشد. می‌توان چنین نگاه کرد:

- نگاه منتقدانه

- نگاه عامیانه

- نگاه مهربانانه

- نگاه صمیمانه

نگاه منتقدانه:

الف: تلفیق شعر و موسیقی در بسیاری از موارد درست نیست

ب: ادای کلمات بعضاً دارای مشکل است.

به یاد داشته باشیم که هرگونه سنت شکنی و بدعت، نوآوری نیست یا عموماً عوض کردن شاکله یا قالب به معنای طرح جدیدی از یک شکل و الگو نیست.

حال آنکه در اکثر قطعات تولید شده در سالهای اخیر چه به زعم مخاطب و چه به زعم رسانه و چه به زعم دست اندرکاران تولید، عموماً شاکله هست، ولی رنگ عوض می‌شود یا صدای خواننده یا شعر یا تنالیت یا سورونیت به عوض می‌شود و این نمی‌تواند به معنای یک اثر نو باشد. حال آنکه در کارهای این چنینی ابتدا باید قالب حماسی و یا ارزشی یا ماتمی یا عرفانی یا ... شناخته شود و بقیه عناصر طبق روایت چیدمان شود.

نیاز برای تولید چنین آثاری وجود دارد ولی نه به معنای آنکه آثار ضعیف باشد.

واقعه عظیم و فاخر، روایت فاخر، شعر فاخر، موسیقی فاخر، مخاطب فاخر و ... می‌طلبد.

تصنیف سرایی و ترانه سرایی در موسیقی به چند شکل روایت می‌شود:

۱- شعر سروده شده، سپس موسیقی ساخته می‌شود.

۲- موسیقی ساخته شده است، سپس شعر بر آن استوار می‌گردد.

۳- شعر و موسیقی توأمان سروده می‌شود.

نوع اول و سوم مرسوم تر است و بار علمی و هنری و ماندگاری آن بیشتر از نوع دوم است. برای اینکه چنین حالتی به وجود آید تعامل بین حوزه شعر و حوزه موسیقی از یک شاعر و آهنگساز بهترین نوع آن است. نوع تخصصی و تفکر از هر حوزه از جانب یک شاعر قدرتمند و یک آهنگساز متفکر بهترین شکل یک اثر مطلوب را ارائه می‌دهد.

در نوع دیگر شاعر و آهنگساز یکی است، در حالی که تسلط یک آهنگساز همانند یک شاعر در بحور و عروض و صنایع و استفاده از واژگان ممکن است آنچنان والا نباشد اگرچه به ندرت پیش می‌آید که هم شعر و هم موسیقی از یک منبع تراوش کند و نمود فاخری داشته باشد یا شعری گویا دارای مفاهیم عمیق و دارای صنایع ادبی و پیرایه‌های ظریف و به دور از آلاویه‌های سخیف باشد.

و اما در مورد اثر دوم:

باید در نظر داشت که هر کاری که این چنین دارای ریتمهای جان، راک، پاپ و استفاده از سینتی سایزر برای اشعار و مراثی و مدح مبارزه با رواج بی‌رویه فرهنگ غرب و تهاجم و ... نیست و این کار بدون تفکر و اندیشه است.

و این چنین، نه تنها کمکی به ترویج فرهنگ عاشورا نمی‌کند بلکه از یک منظر آهنگساز و شاعر و مداح را زیر سوال می‌برد و این، کاری بدیع نیست.

این در مورد مداحانی که از موسیقیهای روز جهت مدح استفاده می‌کنند نیز صدق می‌کند. باشد که با تفکر و اندیشه کام برداریم.





# منع گریه...

حرف بر حضرت صدیقه رسید  
 پای از دامن آن شهر کشید  
 گفت گر اشک نریزم چه کنم؟  
 با عدو گر نستیزم چه کنم؟  
 کوهها یار سزاوار منند  
 شهدا محرم اسرار منند  
 چون سخن از شرر آهم رفت  
 به سر قبر عمو خواهم رفت  
 تا بگویم ستم ظالم را  
 می زتم ناله بنی هاشم را  
 صبح زهرا چو ز یثرب می رفت  
 رجعتش تا دم مغرب می رفت  
 ساکن کلبه احزان شده بود  
 همدم کوه و بیابان شده بود  
 آب شد در ره آن خاک، تنش  
 سوخت رخسار حسین و حسنش  
 سایبانی که علی ساخته بود  
 دشمن از کینه اش انداخته بود  
 گریه بانگی است که عالم گیر است  
 گریه گر گریه بود شمشیر است

حسین (ع) را جلو انداخته، گریه کتان به بقیع و محل «بیت الاحزان» می رفتند و تا شب میان قبرها به گریه و زاری می پرداختند. شب هنگام، امام علیه السلام تشریف آورده، آنان را به منزل بازمی گرداندند. گفته اند این خبر ارباب عقول که چنین آمد در حال رسول (ص) چون که شمع دل از این خانه برفت بر هوا دود ز پروانه برفت عالمی از غم او محزون شد حضرت فاطمه بس دل خون شد بس که از فاطمه دل سوخته بود یثرب از ناله اش آفرورخته بود ناله فاطمه بگداخت بسی کارها را به هم انداخت بسی زین مصیبت همه اشباه رجال به علی شکوه کتان پر ز ملال همه گفتند که گشتیم ملول بس که نالیده در این شهر بتول نیست گر پیرو قانون زهرا مردم آزاری این شهر چرا؟ همه گفتند بگو با زهرا روزها گریه کند یا شبها تا دل فاطمه آشفته شده خانه هامان همه آشفته شده

حضرت فاطمه نه اشکش می خشکید و نه ناله اش فرو می نشست. لذا گروهی از بزرگان مدینه خدمت حضرت علی (ع) آمده، عرضه داشتند: ای ابوالحسن، فاطمه (س) شب و روز گریه می کند و ما نه شب ها خواب و آرام و خوشی داریم و نه روزها به هنگام کار و فعالیت آسایش خاطر. خدمت شما رسیده ایم تا بگوییم که از فاطمه (س) بخواهید یا شب گریه کند یا روز. حضرت علی بن ابی طالب (ع) در پاسخشان فرمود: «پیغامتان را به او می رسانم». سپس به خانه نزد حضرت فاطمه (س) که همچنان به عزاداری مشغول بودند تشریف آوردند. چون حضرت فاطمه (س) متوجه حضور مولا (ع) شدند، برای آسایش و راحتی ایشان اندکی سکوت اختیار کردند. امام (ع) به ایشان فرمودند: ای دخت پیامبر خدا! بزرگان مدینه از من خواسته اند که از تو تقاضا کنم یا شب گریه کنی یا روز. حضرت فاطمه (س) عرضه داشتند: «ای ابوالحسن! زندگی و ماندن من در میان اینان بسی کوتاه خواهد بود و به زودی از میانتان غروب خواهم کرد. به خدا سوگند، نه شب ساکت می مانم نه روز تا این که به پدرم رسول خدا (ص) پیوندم.» امیرالمومنین (ع) فرمودند: «ای دخت رسول خدا! هر آنچه خواهی بکن.» سپس حضرت علی (ع) دور از شهر مدینه، در بقیع اتاقی برای حضرت فاطمه (س) برپا داشتند که «بیت الاحزان» نام گرفت. حضرت زهرا هر روز صبح امام حسن و امام





# احیاء و احیاء فرهنگی

## • فیلم «شور حسینی» کلید خورد

تصویربرداری فیلم کوتاه «شور حسینی»، ساخته «احسان بیبا» در خرمشهر آغاز شد. این فیلم که ساخت آن همزمان با ایام سوگواری امام حسین (ع) آغاز شده به بیان آداب و رسوم مردم خرمشهر در روزهای عزاداری سالار شهیدان می پردازد. نویسنده این فیلم کوتاه «عبدالله حلیات» و کارگردان و تهیه کننده آن «احسان بیبا» است.

## • تصویربرداری «جاده ای به سوی کعبه» از نیمه گذشت

تصویربرداری تئاتر تلویزیونی «جاده ای به سوی کعبه» به تهیه کنندگی و کارگردانی تاجبخش فناثیان از نیمه گذشت.

این تئاتر تلویزیونی بر اساس متنی از آثول فوگارد با عنوان «راهی به سوی مکه» که به وسیله افسانه محمدی با نام «جاده ای به سوی کعبه» ترجمه و انتشار یافته است تولید می شود.

داستان تئاتر تلویزیونی «جاده ای به سوی کعبه» درباره پیرزن هنرمندی به نام هلن است که در منطقه ای روستایی در آفریقا زندگی می کند. وی میهمان دختر جوانی در شهر می شود. در جریان این دیدار این دختر جوان اطلاع می یابد که هلن مجسمه ای از کعبه ساخته که ۱۲ مرد روحانی سوار بر شتر در اطراف آن حضور دارند. این مجسمه در محیط زندگی روستایی هلن که مسیحی نشین است، باعث ایجاد خشم در دل اهالی می شود و وقایعی را ایجاد می کند.

آثول فوگارد که از نمایشنامه نویسان مشهور جهان به شمار می رود، در این اثر نگاهی عارفانه و لطیف به فعالیت زنی هنرمند دارد و از زبان او به طرفداری از مکه و کعبه می پردازد.

در تئاتر تلویزیونی «جاده ای به سوی کعبه» که در قالب یک قسمت ۱۲۰ دقیقه ای ارائه خواهد شد؛ ژیا قاسمی، هرمز هدایت و الهام پناه به عنوان بازیگر ایفای نقش می کنند.

## • رضا رویگری: مشغول بازی در «مختار نامه» هستم.

علاقه ایرانی ها به خاندان علی (ع) یک علاقه و گرایش با ریشه و با هویت در طول تاریخ شیعه است. رضا رویگری بازیگر سینما تئاتر و تلویزیون گفت: فعلا مشغول بازی در مجموعه تلویزیونی مختارنامه به کارگردانی داود میرباقری هستم. نقش من در این

سریال فردی ایرانی به نام کیان است که از جوانی با مختار دوست بوده است. بعد از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) به همراهی مختار شروع به انقلاب و خون خواهی امام حسین (ع) از مسیبان و عاملان آن می کند و بعد از پشت سرگذاشتن وقایع و جنگ ها و درگیری های متعدد در آخر شهید می شود.

وی در ادامه گفت: این کار حدودا نه ماه از زمان فیلمبرداریش گذشته است و به نظر می رسد. ساخت این سریال تاریخی یکی دوسال آینده هم ادامه پیدا کند. چون کار عظیم و بزرگی است و با توجه به توانایی های میرباقری در عرصه ساختن سریال های تاریخی مذهبی مطمئن هستم که این سریال از کارهای موفق و به یادماندنی در تلویزیون خواهد شد.

رضا رویگری در مورد نحوه همکاری با میرباقری گفت: اصلا، کارکردن دو باره با داود میرباقری یکی از دلایل مهم و اساسی من برای بازی در این سریال بود. در وهله بعد بازی در نقش یک فرد ایرانی که به عشق امام حسین (ع) به خون خواهی خون پاک او اهتمام می ورزد، برایم خیلی مهم بود که نشان داده شود.

وی در مورد لوکیشن های فیلمبرداری گفت: کار در حال حاضر در لوکیشن هایی که به همین منظور در احمد آباد مستوفی کرج ساخته شده است، در حال تصویربرداری است.

رویگری در مورد بازی در فیلم های سینمایی گفت: چند روز قبل قرار شد در یک فیلم سینمایی شروع به بازی کنم ولی به علت نوع گریم خاص و تاریخی سریال مختارنامه، نتوانستم در این فیلم سینمایی به بازی پردازم.

در مختارنامه فریبرز عرب نیا، نسرين مقاتلو، فریبا کوثری، جمشید شاه محمدی، امین زندگانی، مریم بویانی، پرویز پورحسینی، حبیب دهقان نسب، مهدی فخیم زاده، ژاله علو و تعدادی دیگر از بازیگران سینما و تلویزیون به بازی می پردازند.

گفتنی است سریال مختار نامه از آخرین روزهای زندگی امام حسین (ع) که مصادف با دوران جوانی مختار است، آغاز می شود و با مرور وقایع تاریخی نظیر صلح و شهادت امام حسن (ع)، مرگ معاویه، دوران خلافت یزید، به ماجراها و اتفاقات مهمی که به شکل گیری قیام عاشورا، شهادت امام حسین (ع)، تشکیل یک دولت شیعه و خونخواهی توسط مختار می پردازد و در ادامه با سرکوبی و شهادت مختار به پایان می رسد.

### زیر این چرخ، علی دوست تر از فاطمه نیست

من بیمار، مداوا نکند خوشنودم  
غم طبیبم شده و مرگ شده بهبودم  
هیچ کس نیست که باری ز دلم بردارد  
عاقبت داغ و غم و درد کند نابودم!  
اشک بس ریخته ام، هرکه ببیند گوید  
سرو بشکسته ی خم گشته کنار جویم!  
که ز حق، مرگ طلب می کنم و گه گویم  
کاش می بودم و غمخوار علی می بودم  
زیر این چرخ علی دوست تر از فاطمه نیست  
سند مستندم: بازوی خون آلودم!  
من نفس می زدم و او کف افسوس به هم  
من چه سان گویم و او چون شنود پدرودم؟!  
ای اجل! پا به سر من ز محبت بگذار!  
جز تو کس نیست که از لطف کند خوشنودم  
• حاج علی انسانی

### ارثیه فاطمه

افتاد حریم عشق در آتش و دود  
آن روز که دست فتنه را کینه گشود  
ارثیه ی فاطمه پس از پیغمبر  
پهلوی شکسته بود و بازوی کبود  
• جعفر رسول زاده

### ای چشم و چراغ من محزون ...

تا سرشک غمت از چشم من آید بیرون  
لاله با خون جگر از چمن آید بیرون  
روزها با غم تو شام غریبان دارم  
ماه، شب ها به تسلاهی من آید بیرون  
بس که داغ دلت زده آتش به دلم، نزدیک است  
بی تو جان از تن و روح از بدن آید بیرون  
شد خزان گلشن عمر تو؛ چنان ابر بهار  
اشک از چشم حسین و حسن آید بیرون  
بی تو ای چشم و چراغ من محزون، هیهات  
زینب از خلوت بیت الحزن آید بیرون  
که شنیده ست که هنگام وداع دو پسر  
دست مادر ز حجاب کفن آید بیرون؟!  
تا نسوزد دل من فاطمه، راضی نشدی  
وقت غسل از بدنت پیرهن آید بیرون  
مرگ، خوش تر بود از زندگی بی زهرا...  
کاش با ناله ی من، جان من آید بیرون  
• محمد جواد غفور زاده (شفق)

### ز حق طلب مرگ می کنم ...

رنگ خزان گرفت بهار جوانی ام  
در دشت غم نشست گل شادمانی ام  
بعد از تو ای پیغمبر رحمت، به روزگار  
امت نگر، چه خوب کند قدرانی ام!  
شب ها به یاد ماه رُخت، اختران چرخ  
نظاره گر شوند به اختر فشانی ام  
بابا! ز جای خیز و ببین زیر بار غم  
بشکست در فراق تو پشت کمانی ام  
وقت دعا، ز حق طلب مرگ می کنم  
از بس که بی علاقه به این زندگانی ام  
از جور چرخ پیر و، ز بیداد دشمنان  
با قامت خمیده به فصل جوانی ام  
شد «حافظی» به پای علی، هستی ام خدا!  
تاریخ شاهد است بر این جان فشانی ام  
• محسن حافظی

### بر تربیت تو گریه امانم نمی دهد

هر شب به بار غم، سر کوی تو رو کنم  
آیم که با تو فاطمه جان، گفت و گو کنم  
باید که در فراق تو محبوبه ی خدا،  
با غربت و غم و دل بشکسته خو کنم  
هم چون کسی که در پی گم گشته ای بود  
در دشت شب، همیشه تو را جست و جو کنم  
بهر زیارت تو و قبر غریب تو  
با اشک کودکان یتیمت وضو کنم  
بر تربیت تو گریه امانم نمی دهد  
تا شمه ای ز درد دلم بازگو کنم  
با یاد عطر تو که بهشت رسول بود  
گه زینب و گه حسنین تو بو کنم  
ترسم که جان دهد ز غم هجر مادرش  
با تربیت تو زینب تو رویرو کنم  
بر قبر مخفی ات که بود قبله ی دلم  
من مرگ خویش را ز خدا آرزو کنم  
• بهروز نامدار پور (عاکف)



### مهر مظلومی تشیع

شعله ها تا ز در زیانه زدند  
 ناله از گردش زمانه زدند  
 یک کبوتر، اسیر کرکس ها  
 بال او را در آشیانه زدند  
 پیش چشم ستاره و خورشید  
 بر تن ماه، تازیانه زدند  
 فاطمه بر غم غریبی تو  
 نخل ها ناله ی شبانه زدند  
 شیعه این درد را کجا ببرد؟  
 - که تو را در میان خانه زدند  
 زدنت را بهانه می جُستند  
 کشت باغ فدک بهانه، زدند  
 مهر مظلومی تشیع بود  
 این که بر بازویت نشانه زدند  
 • محمود شریفی (کمیل)



### بقیع؛ تمام وسعت عشق

مدینه، شهر پیغمبر، کجاست زهرایت؟!  
 چه شد غریب ترین آشنای غم هایت؟!  
 کجا گرفته در آغوش، بیت الاحزان را  
 که بوی فاطمه دارد تمام صحرایت  
 الا حریم رسول خدا و مهبط وحی  
 نشسته گرد غریبی چرا به سیمایت؟  
 مسافران تو ای شهر عشق، آمده اند  
 به خاک بوسی آن کوچه های زیباییات  
 سکوت بشکن و برگو مدینه شهر نبی  
 که در شکسته و سوزانده باغ گل هایت؟!  
 به رگم این که تو را ماتم پیمبر بود  
 به داغ فاطمه دادند چون تسلایت؟!  
 مدینه حق عزاداری پدر، دختر  
 - مگر نداشت که این قصه شد معمایت  
 قضای خاطر از ازدحام گریه پر است  
 به لحظه لحظه ی آن روزهای تنهایت  
 ز بس که بوسه زند جای پای مهدی را  
 شمیم عشق دهد خاک روح افزایت  
 به عشق دیدن مادر بیا تو یا مهدی  
 مگر که شیعه کند در مدینه پیدایت  
 تمام وسعت عشق است در بقیع امروز  
 کنار پنجره های امید فردایت

• محمد موحدیان (امید)

### در لحظه های فاجعه ....

تا داس مرگ، رشته ی عمر تو را گسست  
 طوفان ربود صبر جمیل مرا ز دست  
 باور کن ای نجیب ترین عصمت بهار  
 سنگینی سکوت تو پشت دلم شکست  
 مادر نژاده آن که به پند آورد مرا!  
 گرگ سقیفه بازوی شیر افکنم ببست  
 تنها به حفظ قامت تنهایی قیام  
 بر چشم خار و بر گلویم استخوان  
 نشست

### زبان درد علی

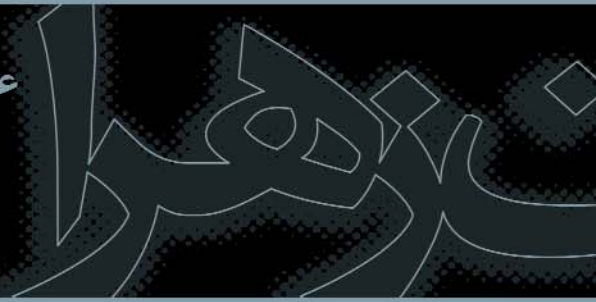
فاطمه ای زبان درد علی  
 داغ تفسیر آه سرد علی  
 ای که پروانه وار می سوزی  
 در شبستان داغ و درد علی  
 پشت در، خون سرخ تو زان ریخت  
 تا نبینند روی زرد علی  
 ای که هستی تو از بیاض وجود  
 بهترین انتخاب فرد علی  
 در زمین همراکب او بودی  
 نرسید آسمان به گرد علی!  
 کس چو زهرا نبود چون زهرا  
 که علی بود هم نبرد علی  
 جان مولا نظاره ای فرما  
 عاشقان توایم یا زهرا!  
 • سید فضل الله طباطبایی ندوشن

### ترس

ای سینه ام از داغ غمت طوفانی  
 از داغ تو شد روز علی ظلمانی  
 یا فاطمه بعد از تو، ز بسیاری غم  
 ترسم که شود عمر علی، طولانی  
 • سید رضا موید

### ای گل، دعا کن

پس از تو هم چنان مرغ اسیرم  
 که هم از لانه هم از دانه سیرم  
 به جان باغبان ای گل، دعا کن!  
 که امشب در قفس، تنها بمیرم  
 • حاج غلامرضا سازگار



**گفتگوی کوتاه با نویسنده کتاب  
شرح خطبه حضرت زهرا  
(کتاب برگزیده سال و لایت)  
در مورد ویرایش دوم این کتاب**

**چرا در آثار قبلی شما شرح کامل خطبه نیامده بود؟**  
به این علت که بنده به صورت کاملاً مبسوط یادداشت برداری کرده بودم، مثلاً در رابطه با فدک، بدون اغراق، یادداشتهای موجود، خود تشکیل یک کتاب کوچک می داد؛ منتهی، صلاح به چاپ آن به آن صورت ندیدیم، چرا که خیلی گسسته و پراکنده بود و باید مطالب دسته بندی می شد، به این دلیل جلد اول را موقتاً آماده چاپ کردیم تا درگیر اتلاف زمان نشود، چون این یادداشتهای باید گزینش و منظم می شد. در عوض چاپ اخیر کتاب (چاپ هشتم) یکی از امتیازات برجسته اش این است که خطابه حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها به زنان انصار اضافه شده است و این مکمل خطبه است و با همت «بوستان» که کتاب چاپ شد یک دوره معارف فاطمی به اضافه تشریح اوضاع صدر اسلام از زبان آن بانوی بزرگوار به کتاب اضافه شد؛ با این هدف که اگر شخصی خواست از اوضاع و احوال صدر اسلام آگاه شود؛ بخش مربوط به خطبه صدیقه طاهره (س) با زنان انصار را مطالعه نماید.  
در پایان لازم می دانم کرامتی را در رابطه با چاپ این خطبه برایتان بازگو کنم، که این را کمتر جایی گفته ام: قبل از انقلاب، شروع کردیم به چاپ این خطبه در چاپخانه توس مشهد، البته بخش کوچکی از خطبه بود، (هم اکنون هم چند نسخه از آن خطبه را داریم) که حادثه عجیبی رخ داد که از این قرار بود: از طریق فرزندانم که به چاپخانه سر زده بود تا صفحات را بگیرد مطلع شدم که چاپخانه دچار حریق شده و تمامی کاغذهای موجود در آن سوخته است؛ الا این بخش از خطبه که صحیح و سالم باقی مانده است.

یوسف از مردم، متعارف بوده و احتمال مبالغه و خطا برود چنین احتمالی در خاتم انبیا (ص) نیست.

همه این معرفی ها در میان مسلمانان مسلم بوده و کسی را گمان اندک شبهه ای در آن نمی رود؛ مگر این که کسی در اصل نبوت پدرش شک کند و در میان فرزندان پیامبر جز یک نفر، فاطمه نام نداشت. بنابراین در اثبات سخنان خود فقط لازم بود خود را این گونه معرفی فرماید: من فاطمه هستم. چنانکه گفتیم با نبوت موضوع «فاطمه» از نظر حقوقی ترتب همه احکام بر وی ضروری خواهد بود.

نمونه چنین کاری را در رفتار هود پیامبر هم می بینیم. در آیه شریفه «والرسول یدعوكم فی أحراکم» که راجع به عزیمت در جنگ احد است، قرآن می فرماید: پیامبر در طرف دیگر جبهه، شما را به سوی خود فرا می خواند. در تفسیر این آیه آمده است که رسول الله (ص) صدا می زند: ایها الناس! انا رسول الله! مردم! کجا فرار می کنید؟ من رسول الله هستم. و دیگر بیانی نفرمود؛ زیرا فقط اثبات «رسول الله» کافی بود که فرد مسلمان متعهد، به خود آید. آری، کجا می توان رو گرداند؟ زیرا روی گرداندن از رسول، روگرداندن از خدا و آن کفر است. فاطمه (ع) نیز به روش پدر بزرگوارش کافی است که بفرماید: ایها الناس! انا فاطمه و ابی محمد (ص). بیا بلافاصله معلوم خواهد شد که فاطمه، صدیقه، و فاطمه سیده نساء العالمین است.

پس از معرفی خود، با تأکید می فرماید: أقول عواً وبدوء؛ اولین و آخرین سختم است. چنین تأکیدی برای اتمام حجت است. بنابراین چنین گفته ای غلط و تجاوز از حق و عدالت نخواهد بود. چه این که تجاوز از حق به دو جهت است:

۱- انسان به راه خطا برود، ولی قصد صواب داشته باشد. از آن به «قصور» تعبیر می شود. مثل افرادی که در جست و جوی حق هستند؛ اما دچار اشتباه می شوند.

۲- انسان عمداً از حق تجاوز نماید و از روی هوای نفس، حق را نادیده بگیرد که آن را «شطط» و به تعبیر دیگر «تقصیر» می گویند.

بر این اساس، صدیقه طاهره (ع) تأکید می کند که گفتارم نه از روی قصور است؛ لا اقول ما اقول غلطاً و نه از روی شطط و تقصیر است؛ بلکه حق و محض واقع است. سپس در معرفی بنیان گذار اسلام با الهام از قرآن کریم می فرماید:

«لقد جاءتك رسول الله من أنفكتم.

پیامبر شما از میان خودتان برخاسته و از شما جدا نیست. پس هرگونه رنج و ناملایماتی که بر شما وارد شود بر او گران است و از صمیم قلب سعادت شما را آرزومند و به مومنان، روف و مهربان است. اگر کمی دقت کنید، خواهید دید که او پدر من است نه پدر زن های شما؛ برادر پسرعموی من است نه برادر مردان شما. و چه نیکو نسبیتی! و چه انقلاب حیات بخشی در اجتماع مرگ بار شما آفرید!

**پی نوشت:**

۱- شرح خطبه حضرت زهرا (س)، آیت الله سید عزالدین حسینی رنجانی، ص ۴۰۸-۴۱۷.





# خطبه حضرت زهرا

«...آن گاه خطاب به حاضران در مسجد فرمود: ای مردم! بدانید بی تردید من فاطمه هستم؛ و پدرم محمد (ص) است. این نخستین و آخرین گفتار من با شماست. در آنچه که می گویم نه از راه صواب به خطا رفته ام و نه به عمد از آن کج روی دارم. بی تردید از میان خودتان پیامبری برای شما آمد. و آنچه که رنج شما در آن بود بر وی سخت گران بود. حریص بر سعادت شما و سخت مهربان و دارای عفو و بخشش بود. چنانچه این پیامبر را بشناسید، می بینید که پدر من است؛ نه پدر زنان شما. برادر پسر عمم است، نه برادر مردهای شما. وه! چه نیکو نسبتی! درود خدا بر وی و فرزندانش باد! او رسالت خود را ابلاغ کرد در حالی که صف های مشرکان را می شکافت؛ و از راه آنها سخت برکنار بود؛ هم چنان بر گروه مشرکان می کوفت؛ و راه نفس کشیدن را بر آنان می گرفت؛ و با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارش می خواند؛ بت ها را درهم می شکست؛ سرهای مشرکان را به زمین می انداخت. سرانجام، سپاه گرد آمده دشمن شکست خورد و عقب نشینی کرد؛ و بامداد اسلام از افق تاریخ شرک به در آمد؛ و چهره تابناک حق جلوه گر شد؛ و زعیم دین، لب به سخن گشود؛ و آوای شیاطین، خاموش؛ و گروهک نفاق، هلاک؛ و همبستگی کفر و نفاق، از هم متلاشی شد؛ و شما مردم کلمه اخلاص (لا اله الا الله) را به همراه گروهی از مجاهدان سفیدرو به زبان رانیدید. شما قبل از رسالت پیامبر (ص) در نزدیکی آتش سهمناک نابودی بودید؛ و در حقارت به مانند ابکی در دهان و لقمه ای روی زبان که هضم و بلعیدن آن بسیار آسان است و پاره آتشی که شتابزده ای آن را بریاید؛ و زورمندان در زیر پایشان لگدمال کنند، بودید. از گندابی می نوشیدید؛ از گوشت مردار خشکیده تغذیه می کردید؛ در نالت بودید؛ مطرود از اجتماع بشری به سر می بردید؛ همواره در بیم ابرقدرتهای اطرافتان بودید که هستی شما را نریابند. در این هنگام بود که خدای متعال شما را از چنان وضع فلاکت بار و شرایط سخت، به وسیله محمد (ص) نجات بخشید؛ اما نجاتی از پس حوادث بزرگ و کوچک؛ و از پس دست و پنجه نرم کردن با مردان دلیر؛ و گرگان عرب؛ و شورشیان اهل کتاب. هر وقت آتش جنگی به پا می شد، یا شاخی از شیطان نمودار می شد، و یا دهانی از مشرکان برای فرو بردن شما گشوده می شد، پدرم، برادرش را (مولا صلوات الله علیه) به کلواکه آن حوادث هولناک گسیل می داشت. او هم با پایمردی تا سر آن فتنه انگیزان را به خاک نمی مالید؛ و با شمشیر شرر بارش آتش فتنه را خاموش نمی کرد، بر نمی گشت. او در راه خدا رنج پذیر؛ کوشا در اجرای فرمان او؛ با پیوند نزدیک، پیوسته نزدیک به رسول خدا (ص)، سروری از اولیای خدا؛ همیشه آماده برای جهاد؛ خالص و زحمت کش و کوشا در راه اسلام بود. اما شما در کمال آسایش خاطر؛ راحت و در ایمنی؛ در انتظار هلاکت ما؛ و جویای خبر سقوط مجاهدان اسلام به سر می بردید. و به هنگام نبرد رویاروی، عقب نشینی کرده و از کارزار فرار می کردید.

## شرح خطبه:

در این فراز، فاطمه (ع) با استفاده از شیوه های جاری در اصول محاکمات، ابتدا به معرفی خود می پردازد. چه این که حکم، تابع موضوع آن است؛ وقتی موضوع حکم ثابت شد، قهراً حکم آن ثابت می گردد. از این رو می بینیم فاطمه (ع) نخست می فرماید: من فاطمه هستم! پدرم محمد (ص) است! تأکید می کند من فاطمه هستم. وقتی فاطمه بودن ثابت شد، صدیقه بودن، و سیده نساء العالمین من الاولین والآخرین بودن ثابت می شود؛ پس هرچه می گوید حق محض است.

فاطمه (ع) به آن مردم فریب خورده که سخنان او را می شنیدند، بر این نام تأکید می کند که احدی با آن نام ناآشنا نیست و مکرر این نام را همراه با احترام فراوان و عظمت از زبان پیامبر (ص) شنیده بودند. وقتی مردم فهمیدند فاطمه، فاطمه است، دیگر ثبوت حکم ضروری است و آنچه می گوید راست و عین حقیقت است.

پیامبر گرامی (ص) مکرر و به اندک مناسبتی فاطمه را ستایش می فرمود و رفتاری با وی می کرد که از مقام هیچ پدری نسبت به فرزندش معهود نیست. هنگامی که فاطمه (ع) وارد می شد، پیامبر جلو پایش بلند می شد و سینه و پیشانی اش را می بوسید؛ آن گاه می فرمود:

هی بضعه منی و هی قلبی و روحی التی بین جنبی فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی، فقد آذی الله.

فاطمه پاره تن من است. او دل و جان درون من است. پس هرکس او را بیازارد، مرا آزرده و هرکس مرا آزار دهد، خدا را آزار داده است.

از جمله القابی که مکرر دخترش فاطمه (ع) را به آن ملقب فرموده «صدیقه» است. این واژه از صیغه های مبالغه است و مذکرش «صدیق» می باشد خدای متعال در قرآن از قول چند نفر که مأمور شدند تعبیر خواب عزیز مصر را از یوسف (ع) بپرسند، نقل می کند که آنان در خطاب به یوسف چنین گفتند: یوسف ایها الصدیق! یوسف ای بسیار راستگو! چون یکی از آنان در طول معاشرت، عصمت و تقوای یوسف را دیده بود، همه را در این لقب خلاصه کرد:

اما در مورد فاطمه (ع)، پیامبری که از روی هوای نفس سخن نمی گوید، به فاطمه (ع) لقب «صدیقه» می دهد. اگر خطاب رفیقان



# حسبیت‌ها

معصومین علیهم السلام به آن باشد زیرا در منابع اسلامی عمل کردن به سیره و روش معصوم که از جانب خداوند منصوب شده است حجیت دارد.

به طوری که در مورد پیامبر گرامی اسلام در قرآن آمده که ایشان اسوه حسنه، برای بشریت هستند و لذا تمسک به سیره ایشان و جانشینانش روش احسن می باشد. در کتاب ریاحین الشریعه در مورد سیره حضرت امام باقر علیه السلام آمده که هرگاه تب بر حضرت غلبه می کرد، آب سرد بر خود می ریخت، و با صدای بلند به طوری که هرکس در خانه بود، صدای آن حضرت را می شنید، می فرمود: یا فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله).

علامه مجلسی در این رابطه فرموده است: شاید حضرت باقر علیه السلام در موقع تب، مادرش فاطمه سلام الله علیها را صدا می زده برای استشفاء که خداوند متعال به جهت این توسل او را شفا دهد. پس همانطور که مشهود است، اصل توسل به حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهراء سلام الله علیها از سوی امام معصوم امری پسندیده و شرعی بوده است.

و بهتر است به جای اینکه روی تعداد ایام فاطمیه بحث کنیم با تاسی به امام معصوم خود در دارالشفای فاطمه به درمان دردهای عقیدتی، عملی خود در زندگی فردی، اجتماعی بپردازیم و سعی در غنا بخشیدن به مجالس در جهت اهداف الهی آن حضرت باشیم.

از انس بن مالک نیز روایت شده روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ما نماز صبح به جا آورد و پس از فراغت از نماز روی مبارکش را به سوی ما گردانید و فرمود: ای جماعت مسلمانان هرکس که آفتاب را از دست بدهد پس باید به ماه تمسک جوید و در فقدان ماه دست به دامان

زهرة شود و اگر زهره را نیابد به دو ستاره فرقدان پناه آورد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوال شد که یا رسول الله مقصود از آفتاب و ماه و زهره و فرقدان (دو ستاره نورافشان) چیست؟ فرمود: من آفتابم، علی ماه، فاطمه زهره، و دو ستاره، حسنین هستند؛ آنان با کتاب خدا دو دستاویز بشیرند و هماره به هم پیوسته اند و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.

## ● غفلت‌ها:

در زمانه ای واقع شده ایم که به عصر فضا، عصر اتم، عصر فن آوری اطلاعات، عصر جهانی شدن و عصر اندیشه‌ها مرسوم است. اما با همه این پیشرفت‌ها، نه تنها شاهد رشد انسان و کمالات انسانی نبوده ایم، بلکه شاهد بروز جهالت دومی هستیم، که به مراتب از دوران جهالت اول، انسان را بیشتر از اهداف بزرگ الهی دور ساخته است. زمانی چنگیزها و آتیلاها برای ارضای مقاصد شیطانی و نفسانی خود به کمک اسب و شمشیر بر سر ملت‌های مظلوم حمله می کردند، امروز هم شارون‌ها و بوش‌ها با هواپیماهای جنگنده و هزاران بمب اتمی قصد دارند خود را به جهان تحمیل کنند. با این تفاوت که چنگیز وقتی به کشور متمدن و اسلامی ایران حمله کرد شعار نجات مردم ایران را از دست حاکمان وقت را بهانه حمله خود نکرد، اما امروز جانشینان چنگیز با بهانه آزادی، دفاع از حقوق بشر، خانه فلسطینی را بر سرش خراب می کنند، به بهانه نجات مردم عراق از دست صدام، منابع ملی و عرض و ناموس مسلمین را مورد تعرض قرار می دهند.

در این زمانه که حرف‌ها زیبا و عمل‌ها زشت است به که پناه ببریم؟ به قوم مرحوم سهراب سپهری: «چشمها را باید شست،

جور دیگر باید دید.»

پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در مقاطع مختلف از جمله حدیثی که در پایان بخش قبل گذشت، ما را و تمام بشریت را برای همیشه تاریخ به تمسک بستن به قرآن و اهل بیت علیهم السلام رهنمون فرموده اند، مجالس اهل بیت علیهم السلام و همچنین مراسمی که در پاسداشت فداکاری بانوی دو عالم و تجلیل از ایشان در راه گشودن راه حق برای پیمودن حقیقت جویان، هرساله برگزار می شود نیز باید در جهت حرکت در مسیر قرآن، اهل بیت علیهم السلام باشد که ثمره این مجالس هدایت مسلمین و پیدا کردن جایگاه آنها در تمامی مراحل زندگی اعم از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی خواهد بود.

## منابع و مآخذ:

- ۱- در تهیه بخش اول این نوشتار از مطلب فاطمیه اول یا دوم؟ مندرج در ماهنامه مذهبی هیئت (پیش شماره ششم، جمادی الاول ۱۴۲۲، ص ۲) استفاده شده است.
- ۲- ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۱۱۹.
- ۳- فاطمه الزهراء، علامه امینی، با مقدمه، پاورقی و تعلیقات، محمد امینی نجفی، ص ۱۶۸. (به نقل از ابواسحاق ثعلبی در عرائش).





# فاطمه غفلتها

## • علت بروز اختلاف در روز شهادت:

در مورد تعداد روزهایی که حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها پس از رحلت پدر بزرگوارشان در قید حیات بوده اند در میان کتابهای تاریخی اختلاف وجود دارد. بعضی از مورخین مثل یعقوبی این زمان را چهل روز و کسانی مثل عایشه دختر ابی بکر این مدت را شش ماه و گروهی دیگر هشت ماه ذکر کرده اند.

اما در میان این اقوال، آن قولی که برای ما قابل اعتنا است روایات رسیده از ناحیه ائمه هدی علیهم السلام می باشد، به نقل مرحوم علامه مجلسی، مرحوم ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبین اینگونه اظهار نظر کرده: مدت زمان حیات فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مورد اختلاف قرار گرفته است، به طوری که کمترین زمان ذکر شده در این رابطه ۴۰ روز و بیشترین زمان هشت ماه می باشد، اما آنچه نزد ما مسلم و مورد قبول است روایات رسیده از امام باقر علیه السلام است که حضرت می فرماید: بدرستی که زمان رحلت صدیقه کبری سلام الله علیها سه ماه بعد از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بود.

همچنین مرحوم طبری شیعی در کتاب دلایل الامامه به سلسله اسناد خود روایاتی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت می فرماید: حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در ماه جمادی الاخر روز سه شنبه، سه روز از ماه گذشته در سال یازده هجری از دنیا رفتند. این دو روایت مبنای مورد اتخاذ غالب علمای شیعه من جمله سید طاووس (ره) در کتاب شریف اقبال می باشد. اما دسته دوم دیگری از روایات صحیحیه هم این مدت را ۷۵ روز ذکر کرده اند از جمله این روایات، روایت مرحوم کلینی

از امام صادق علیه السلام است که حضرت می فرماید: «بدرستی که توقف فاطمه علیه السلام در این دنیا پس از پدر گرامیش ۷۵ روز بود.» این دسته از روایات هم مبنای نظر برخی از علمای شیعه از جمله مرحوم کلینی گردیده. البته ممکن است دلیل اختلاف در این دو دسته از روایات صحیحیه رایج نبودن نقطه گذاری بر کلمات در زمان صدور روایات باشد. توجه به شباهت «خمسسه و سبعون» با «خمسسه تسعون» موید این معنا است.

## • حساسیت ها:

به تازگی از سوی عده ای پرسش های نزدیک به این مضمون مطرح می شود که: بالاخره ایام فاطمیه چند روز است؟ مگر حضرت صدیقه سلام الله علیها یک روز شهادت بیشتر دارند. این فاطمیه اول و دوم چیست؟ گاهی اوقات اگر به احتمالات و پاسخ هایی که ممکن است پرسش های ما داشته باشند فکر کنیم و ثمره آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم قبل از مطرح کردن آنها، از طرح این نوع پرسش ها منصرف می شویم. پرسش هایی هم که درباره تعداد روزهای ایام فاطمیه و سوالاتی از این قبیل مطرح می شود، نیز جزء مواردی هستند که ثمره ای در پاسخ دادن به آنها حاصل نمی شود.

حال فرض بفرمایید که با دلائل متقن اثبات شود که مثلاً فلان روز، سالروز شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها می باشد، باز هم خللی در حرکت های فرهنگی مراکز دینی ایجاد نمی شود، زیرا زمینه به وجود آمدن روزهایی به عنوان ایام فاطمیه، به خاطر زنده نگهداشتن فرهنگ فاطمی بوده و مجالس گوناگون مذهبی هم به فراخور امکانات و شرایط مخصوص به خود بین این دو تاریخ معتبر که از روایات

صحیحیه استفاده می شود؛ عده ای روزهای ابتدایی نزدیک به شهادت اول را مثلاً پنج روز یا ده روز را به برگزاری مجالس و عظ و عزاداری می پردازند و عده ای هم با توجه به شرایط خاص خود ترجیح می دهند روزهای فاطمیه دوم را انتخاب کنند و برخی هم به زنده نگهداشتن هر دو روز می پردازند.

پس کسانی که به زنده نگهداشتن ایام فاطمیه اول و دوم می پردازند چنین دغدغه ای ندارند که مثلاً ۲۰ روز برای حضرت عزاداری کنند یا کمتر یا بیشتر، بلکه هدف از تشکیل چنین مجالسی فهم و نشر فرهنگ فاطمی می باشد که این موضوع اختصاص به ایام فاطمیه اول یا دوم ندارد و ما باید به امید روزهایی تلاش کنیم که همه ایام ما «علوی»، «فاطمی»، «حسینی» شوند.

به دوستانی که چنین سوالاتی را مطرح می کنند (به انگیزه های گوناگون که ممکن است برخی مغرضانه باشد، کار نداریم.) عرض می کنیم، ما درصدد اثبات این نیستیم که ثابت کنیم این ایام شرعی هستند یا نیستند؟ و شایسته بود اگر قرار بود سوالی هم مطرح شود، این سوال را مطرح می کردیم که: آیا اقتدا و توسل به حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها از نظر شرع جایز است یا نه؟ که در ادامه سعی می کنیم پاسخ کوتاهی به این پرسش ارائه کنیم.

از آنجایی که مبنای عمل مسلمانان بر اساس معارف و دستورات قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان او از خاندانش می باشد، بنابراین قول، عمل و تقریر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، دلیل شرعی در اثبات جواز یک عمل می باشد. به عبارت دیگر یکی از راههای اثبات جواز عمل به یک کار می تواند عمل کردن یکی از



### صفحه بحر طویل :

یکی دیگر از صفحات تخصصی نشریه ی خیمه صفحه بحر طویل است . در این صفحه ، داستان های مذهبی و حکایات و روایات تاریخی ویژه ی سیره ائمه ی اطهار علیهم السلام را در قالب هنری و فیلم داستان می خوانید.

# مناجات شب

**فاطمه (ع)** مثل هر شب رختخواب کوچکش را گشود. تشک پوستی اش را انداخت. بالش چرمی اش را زیر سر گذاشت و آرام در بستر دراز کشید. فرشته خواب هنوز بالهای سبکش را بر بستر پلک های فاطمه (ع) نگشوده بود که فاطمه (ع) صدایی شنید.

نرم تر از نم باران و بویی احساس کرد، چهره پدرش مثل ماه بود. آستین های سفیدش را آرام آرام پایین می زد و به چهره او نگاه می کرد. قطره های بلور آب در صورتش می درخشید. وضو گرفته بود.

-نور دیده ام! هرشب پیش از این که بخوابی چند کار انجام بده.  
حرف های پدر را همراه با آواز زنجره ها می شنید. دلش را آرامش می داد.  
- چه کارهایی؟

- خواندن همه قرآن، خوشحال کردن همه مومنان، سفر به خانه خدای مهربان، و شفاعت گرفتن از پیامبران.

با خود گفت: این همه کار در یک شب؟ خواندن قرآن؟ خوشحال کردن مومنان؟ سفر به خانه خدای مهربان و شفاعت گرفتن از پیامبران؟

با تعجب گفت: خواندن قرآن چند روز طول می کشد. رفتن به خانه خدا هم چند روز طول می کشد. یک لحظه پیش از خواب چه کار می شود کرد؟  
یک دفعه نوری از مقابل پنجره گذشت. فاطمه (ع) به نور خیره شد. یک تکه از آسمان روشن شد. فاطمه (ع) پلک هایش را به هم زد. اما نور رفته بود.

فاطمه (ع) گفت: این همه کار، لحظه ای پیش از خواب ...  
سر برگرداند تا از پدر پرسد: چطور؟ اما پدر در نماز بود. سرگرم راز و نیاز بود.  
فاطمه (ع) صبر کرد و صبر کرد. تا پدر سلام دهد. نماز پدر تمام شد. سلام داد.  
رو به فاطمه (ع) کرد. لبخندی زد و با مهربانی گفت:

-دخترم اگر «قل هو الله احد» را سه بار بخوانی، انکار که همه قرآن را خوانده ای.  
-اگر بخوابی مومنان از تو راضی بشوند، برای همه دعا بکن. از خدا بخواه گناهانشان را ببخشد.

-دختر من، اگر پیش از خواب تسبیحات اربعه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بگویی آن قدر ثواب دارد که انکار خانه خدای مهربان را زیارت کرده ای.

-و اگر می خواهی ما پیامبران از تو شفاعت کنیم، بر من و آنها صلوات بفرست.  
از آن به بعد فاطمه زهرا (ع) هر شب خدا، پیش از خوابیدن، چهار کار بزرگ انجام می داد:

همه قرآن را می خواند، همه مومنان را راضی می کرد، به زیارت خانه خدا می رفت و از پیامبران شفاعت می گرفت. ۱۰

بود، به دیدار پیامبر(ص) شتافت.  
هنگامی که چشم پیامبر(ص) به حسنین (ع) که همانند مرغکان از شدت گرسنگی به خود می لرزیدند افتاد به شدت متأثر شد و فوراً برخاست و به همراه آنان به خانه زهرا(س) رفت. تأثر پیامبر(ص) بیشتر شد وقتی کودی چشمان فاطمه(س) را در محراب عبادت دید. همان گاه، جبرئیل فرود آمد و سوره «هل اتی» را به ارمغان آورد و گفت:

محمد(ص)! بر تو این خاندان مبارک باد.  
این رویداد را بسیاری از پیشوایان برجسته اهل سنت تصدیق و تأیید کرده اند که از آن جمله می توان از ابوجعفر اسکافی (متوفای ۲۴۰ هـ. ق.)، حکیم ترمذی (متوفای ۲۸۵ هـ. ق.) محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ هـ. ق.)، حاکم ابو عبدالله نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هـ. ق.)، ابواسحاق ثعلبی (مفسر کبیر، متوفای ۴۲۷ هـ. ق.)، ابوالقاسم زمخشری (متوفای ۵۳۸ هـ. ق.)، ابن جوزی (متوفای ۶۵۴ هـ. ق.)، بیضاوی (متوفای ۶۸۵ هـ. ق.) و طبری (متوفای ۶۹۴ هـ. ق.) نام برد.

### پی نوشت:

- ۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.
- ۲- الرحمن/۶۰.
- ۳- آل عمران/۹۲.
- ۴- بقره/۱۷۷.
- ۵- قلم/۴.
- ۶- احزاب/۲۱.
- ۷- کهف/۶.
- ۸- فرازی از زیارت جامعه.
- ۹- فرازی از زیارت جامعه.
- ۱۰- فرازی از زیارت جامعه کبیره.
- ۱۱- دهر/۵ و ۸.

### پی نوشت:

- ۱- برگرفته از منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۶۳؛ عوالم، ج ۱۱، ص ۵۸۰.



# زهرة ملكوت

## فاطمه (س)، به روایت قرآن

در تفسیر و تعریف حقیقت فاطمه (س) و شأن و منزلت او، سزاوارترین مرجع، خالق حکیم هستی - خداوند متعال - است. به شهادت مفسران شیعه و سنی، خداوند متعال، فاطمه (س) را در قرآن کریم به چند حسن، ستوده است:

۱- مکارم اخلاق. حضرت رسول (ص) در فرازی مشهور، رسالت خود را، تکمیل «مکارم اخلاق» معرفی کرده اند:

انی بعثت لاتم کرام الاخلاق ۱۰

علمای اخلاق، در تبیین این فراز و این که چرا حضرتش، لاتمم الاخلاق نرفمود، میان «اخلاق» و «مکارم اخلاق»

تفاوت گذاشته اند. «اخلاق» به رعایت عدالت و خرد در رفتار با دیگران باز می گردد. فعل اخلاقی، رفتاری است که مینا و انگیزه آن عقل و عدالت است. نیکی به دیگران در برابر

نیکی آنان، «هل جزء الاحسان الا الاحسان» ۲ یک فعل اخلاقی است. «مکارم اخلاق» اما رفتار و منشی است که با

شکستن مرزهای عقل و عدالت به نفع دیگران، بر پایه نادیده انگاری خود و عشق به ممنوع شکل می گیرد.

نیکی در برابر نامهربانی و تندخویی دیگران به همان اندازه مکرمت اخلاقی است که از نان شب و استراحت شبانه گذشتن برای اینکه مبادا فقیر و

یتیمی، با شکم گرسنه سر بر بالین برد. لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون ۳

و آتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین ۴ و چه نیک حضرت پیامبر (ص) در سراسر عمر شریف، این رسالت بزرگ را جامه عمل پوشاند

بلکه به نص صریح قرآن کریم، به «نماد مجسم مکارم اخلاق» تبدیل شد:

و انک لعلی خلق عظیم ۵

لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه ۶

عشق عمیق به دشمن کینه توز و تأسّف و تأثر عمیق از گمراهی و ضلالت آنها، تا حدی که آدمی را به بستر بیماری و مرگ بیندازد، بزرگواری و مکرمتی است که تنها در

حضرت رسول (ص) می توان آن را سراغ گرفت:

فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یؤمنوا بهذا الحدیث اسفا ۷

او کافران و مشرکان مکه را که پس از عمری جنگ و گریز، شکست خورده و اسیر شده بودند، در عین ناباوری یاران و

بهد دشمن، بخشید و امانشان داد و به عیادت یهودی تندخویی رفت که روزهای پیشین بر سر او

خار و خاشاک می ریخت. همزمان با پیامبر (ص) و پس از او، این سیره در اهل بیت و فرزندانش ادامه یافت. علی (ع) در

جنگ صفین، در چکاچک اعتراض یاران، آب بر بر دشمن تشنه کامی گشود که لختی قبل، آب بر او و

سپاهیاننش بسته بودند. حسین (ع) نیز در اولین برخورد با سپاه کوفه، خیره آب حرم را

به میزبانی لب های تکیده سربازان بنی امیه و اسبان تشنه آنان برد:

امن من لجا الیکم ۸

در این میان، یک نکته اساسی و ظریف وجود دارد. شاید در میان مردمان نیز، این اتفاق (نیکی در برابر بدی) هر از

گاهی رخ نماید اما آن قله ای که اهل بیت (علیهم السلام) بر فراز آن دست نیاافتنی «فبلغ الله بکم اشرف محل المکرمین و

اعلی منازل المقربین و ارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقه لاحق ولا یفوقه فائق ولا یسبغه سابق ولا

یطعم فی ادراکه طامع حتی لا یبقی ملک مقرب و لا نبی مرسل» ۹ می نمایند و صف عرشی آنان را از دیگران جدا می سازد،

تکرار، عمق و گستره مکارم اخلاقی است. بخشیدن همه آن چیزهایی که آدمی خود، در سرحد اعلا به آن ها نیاز دارد،

آن هم به کسی که او را نمی شناسد یا با او پیشینه دشمنی دارد، به سنجیه و عادت پیامبر (ص) و

اهل بیت (علیهم السلام) در زندگی روزمره تبدیل شده است: «عادتکم الاحسان و سجتکم الکریم» ۱۰

در این میان، اما فاطمه (س) چیز دیگری است. مکرمت فاطمه حتی علی (ع) را نیز به غبطه و

شگفتی واداشته است؛ آن گاه که در هنگامه غسل، دستش به پهلوی شکسته رسید، به یاد آورد که فاطمه،

عمری حدیث غربت و تنهایی او را شنید ولی حتی یک بار، از

غم و اندوه خود چیزی نگفت. آنانی که برای تجلیل از

فاطمه (س) و تبیین سر عظمت و جاودانگی او، به فرزندی پیامبر (ص)، همسری علی (ع) و

مادری حسنین (علیهم السلام) استناد جسته اند، به بیراهه رفته اند. فاطمه، نماد تمام نمای مکرمت و

نهایت آن است و این یکی از اسرار وجودی و جاودانه ای است که خداوند متعال در تفسیر

حقیقت فاطمه (س) و اهل بیت (ع) بدان اشاره کرده و به ذکر تنها یک از هزاران بسنده می کند:

ان الابرار یشریون من کأس کان مزاجها کافورا... و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً ۱۱

ابن عباس روایت می کند: حسنین (ع) بیمار شدند. پیامبر (ص) با گروهی از مردم به عیادت آنان آمدند.

برخی پیشنهاد کردند یا «با الحسن» چه خوب است برای شفای فرزندان، نذری کنی. پس علی (ع)،

فاطمه (س) و فضه (کنیز آنان) نذر کردند اگر حسنین (ع) شفا یافتند، سه روز به شکرانه، روزه بگیرند.

هنگامی که حسنین (ع) سلامتی خود را بازیافتند، چیزی برای افطار در خانه علی (ع) نبود. لذا امیرمؤمنان از

شمعون یهودی، سه صاع جو قرض گرفت و فاطمه (س) از یک صاع آن، برای افطار شب اول، پنج قرص نان پخت و در

سفره نهاد. هنگامی که آماده افطار شدند، نیازمندی در خانه را به صدا

در آورد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد (ص)، مسکینی از مساکین هستم. غذایم دهید، خدا به شما از

غذاهای بهشتی دهد. اهل بیت (ع) او را بر خود مقدم داشتند و همه غذای آن شب را به او بخشیدند و خود، شب را تنها با

آب به صبح رساندند. فردای آن شب را دوباره روزه گرفتند و چون شب فرا رسید و نان افطار را در سفره گذاشتند، یتیمی از

راه رسید و غذا و کمک طلبید. آن شب نیز اهل بیت (ع) همه غذای خود را به یتیم دادند. شب سوم، هنگام افطار،

اسیری مدد جست و عیناً همان داستان تکرار شد. صبح روز چهارم، علی (ع) در حالی که دست حسنین (ع) در دستان او

## آثار الکترونیکی

در عصر رایانه و اینترنت، لزوماً باید فقط به فرهنگ نوشتاری بسنده نکرد و فاطمیات را با وسایل جدید ارتباطی و اطلاع‌رسانی هم در اختیار مردم گذاشت. مولف کتاب «فاطمه (ع) در آئینه کتاب» در مقدمه متذکر شده که درصدد تهیه نرم‌افزاری از فاطمیات است.<sup>۳</sup> کار مفیدی است اما کافی نیست و موسساتی که توانایی و امکانات دارند باید در عرصه ارائه فرهنگ الکترونیکی فاطمیات تلاش جدی‌تری نمایند.

### کتاب‌شناسی فاطمیات

افرادی به شناسایی آثار درباره حضرت پرداخته و کتاب‌شناسی‌هایی منتشر کرده‌اند.

مهمترین این فهرست‌واره‌ها عبارتند از: چهل کتاب درباره حضرت زهرا(ع) از عبدالحریم موگهی، رانده فخر النساء از حیدر علی سعید، الزهرا(ع) فی المکتبه العربیه از محمد حسن، فهرست کتاب‌های مربوط به مناقب و مصائب حضرت فاطمه(ع) از محمدباقر کجوری، کتاب‌شناسی حضرت زهرا(ع) تألیف احمد صادقی اردستانی، کتاب‌شناسی حضرت فاطمه زهرا(ع) تألیف امیرعلی آقایی و مینو فضل‌ی‌نژاد، کتابنامه حضرت فاطمه زهرا(ع) تألیف ناصرالدین انصاری‌تقی، کتابنامه حضرت فاطمه(ع) تدوین بنیاد فرهنگی فاطمه الزهرا(ع)، کتابنامه فاطمه زهرا(ع) تألیف مجتبی یزدی، کتابنامه کوثر تدوین پژوهشکده باقرالعلوم(ع) قم، کتب المولفه فی الزهرا(ع) تألیف علی محمد علی دخیل، کتب المولفه فی الزهرا(ع) تألیف احمد رحمانی همدانی، کتاب‌شناسی توصیفی حضرت فاطمه(ع) تألیف محمد روحانی علی‌آبادی، معجم ما الف عن فاطمه الزهرا(ع) دارالعلوم در بیروت، معجم ما کتب عن فاطمه الزهرا(ع)، تألیف عبدالجبار رفاعی، معجم المولفات حول السیده فاطمه(ع) تألیف عبدالله منتفکی، کتب المولفه عن فاطمه الزهرا(ع)، بالعریبه تألیف علی‌اکبر مهدی‌پور، فاطمه(ع) فی مرآه الکتاب، مجله المرشد دمشق، کتاب‌شناسی فاطمی در تالیفات اهل سنت که توسط معاونت فرهنگی ستاد منطقه؟ کشوری سازمان تبلیغات تهیه شده است؟

### نگاهی به کتاب فاطمه(ع) در آئینه کتاب

آخرین کتاب‌شناسی درباره حضرت، فهرست‌واره‌ای است که آقای انصاری تألیف کرده است. ویژگی‌های این اثر این‌گونه است: کار تدوین مجموعه حاضر که حاوی ۲۴۰۰ عنوان کتاب درباره حضرت زهرا(ع) است، از ۱۴ سال پیش، به‌عنوان راهگشای تحقیقی گسترده در جنبه‌های مختلف مربوط به آن حضرت آغاز شد. نظر نویسنده این است که جزوات را هم باید معرفی کرد. در این باره این‌گونه نوشته شده است: از آنجا که هدف از تدوین کتابنامه و کتاب‌شناخت، از یک سو نشان دادن گستره بحث و از سوی دیگر عرضه انواع

زحماتی است که در راه آن موضوع به ثمر رسیده لذا در معرفی کتاب‌ها نباید به کتاب‌های برجسته آن موضوع اکتفا کرد، بلکه ارائه جزوه‌های کمتر از پنجاه صفحه هم الزامی است و حذف نام آنها به نوعی فاصله گرفتن از چارچوب علمی کار تلقی خواهد شد.

با توجه به هدف مذکور، در این کتابنامه عناوین کتاب‌های مستقل درباره حضرت زهرا(ع) طی مراحل زیر جمع‌آوری شده است: برای دستیابی به کلیه مدارکی که می‌توان از آنها در این زمینه استفاده برد، مطالعه‌ای مفصل در زمینه کتاب‌های تاریخی و حدیثی و ادبی اسلامی در دو قسمت چاپی و خطی انجام شد و بیش از ۱۶۰۰ جلد فهرست کتابخانه‌های ایران و سایر کشورهای جهان مورد مطالعه قرار گرفت و فهرستی جامع از کتبی که مستقلاً درباره حضرت زهرا(ع) تألیف شده و یا قسمتی از آنها درباره حضرت است آماده شد و کتاب‌های مستقل از کتاب‌های ضمنی تفکیک شد.

در مرحله بعد اقدام به تهیه و جمع‌آوری کتاب‌های چاپی و خطی موجود گردید و قبل از چاپ اول کتاب، مجموعه‌ای شامل بیش از ۵۰۰ کتاب مستقل درباره حضرت زهرا(ع) گرد آمد که از تعداد کتب آخرین کتابنامه چاپ شده بیشتر بود. این کتاب‌ها به‌عنوان اولین مجموعه نسبتاً کامل از کتب تألیف شده درباره حضرت زهرا(ع) است.

در کتاب حاضر گذشته از خصوصیات ظاهری کتاب‌ها سه کار دیگر نیز در مورد کتاب‌ها انجام گرفته است.

۱- برای هر کتاب، کتاب‌شناسی مختصری درباره آن ذکر شده و طی آن به چند موضوع اشاره شده است: کامل بودن کتاب در مورد حیات حضرت زهرا(ع) یا اختصاص آن به قسمتی از زندگانی حضرت، جنبه تاریخی و حدیثی و رجالی و ادبی کتاب، تحلیلی بودن کتاب و نوع تحلیل، تقسیم‌بندی اصلی کتاب، کیفیت ادبی قلم نویسنده، نکات خاصی که بعضی کتاب‌ها دارند.

۲- تصویری از جلد کتاب‌هایی که در دسترس بود تهیه شده، تا شاهدهای زنده برای آنان که امکان رویت کتاب‌ها را در حال یا آینده ندارند باشد.

۳- ترتیب کتاب‌ها به صورت الفبایی است که تا مراجعه و یافتن آنها به راحتی انجام شود.

۴- در معرفی هر کتاب به ترتیب آمده است:

عنوان کتاب، زبان، چاپی یا خطی بودن، نام مولف و مانند اینها. لازم به توضیح است که این اثر به چاپ پنجم رسیده و در هر چاپ اصلاحات و اضافاتی داشته است. اولین بار در سالروز میلاد حضرت زهرا(ع) ۱۴۱۶ (۱۳۷۴ ش) چاپ و منتشر شد و یک سال پس از چاپ اول، اقدامات موثری برای تکمیل کار انجام گرفت و با اضافه شدن ۴۲۰ عنوان جدید و مطالبی درباره کتاب‌های قبلی، چاپ دوم آن با معرفی ۱۱۵۵

عنوان در سال ۱۴۱۷ (۱۳۷۵ ش) منتشر شد.

در طول سه سال پس از چاپ دوم تتبع گسترده‌ای در زمینه کتب جدید و نیز اطلاعات مربوط به کتب قبلی انجام شد و با اضافه شدن ۴۷۴ عنوان جدید و مطالبی درباره کتاب‌های قبلی، چاپ سوم آن با معرفی ۱۶۲۹ عنوان در سال ۱۴۲۰ (۱۳۷۸ ش) منتشر شد.

در طول دو سال پس از چاپ سوم تتبع در زمینه کتب جدید و نیز اطلاعات مربوط به کتب قبلی ادامه یافت و با اضافه شدن ۳۹۳ عنوان جدید و مطالبی درباره کتاب‌های قبلی چاپ چهارم آن با معرفی ۲۰۲۲ عنوان در سال (۱۳۸۰ ش) منتشر شد. در فاصله دو سال پس از چاپ سوم با ادامه روند تتبع در زمینه کتب جدید و نیز اطلاعات مربوط به کتب قبلی، با اضافه شدن ۳۷۸ عنوان جدید و مطالبی درباره کتاب‌های قبلی چاپ پنجم آن با معرفی ۲۴۰۰ عنوان در سال ۱۴۲۴ (۱۳۸۲ ش) منتشر شده است.

لازم به یادآوری است که عناوین جدید در چاپ پنجم به صورت مستدرک در آخر کتاب آورده شده و ترتیب الفبایی در چینش آن مراعات شده است. اطلاعات جدیدی که درباره کتاب‌های سابق به دست آمده به صورت جداگانه ذکر شده و در پایان کتاب‌های جدیدی قبلاً معرفی شده ولی تصویر جلد آنها منعکس نشده بود، آمده است.

در پایان، فرهنگ ملی و دینی ما، انتظار دارند که فرهنگ فاطمیه مبنای ختم‌شده اجتماعی قرار گیرد، آثار فاطمی به وفور منتشر و ذهن جامعه را پایه‌ریزی نماید.

### پی‌نوشتها

- ۱- اطلاعات این مقاله برگرفته از مقدمه کتاب فاطمه (ع) در آئینه کتاب، نوشته اسماعیل انصاری رنجانی خوئینی است که با این مشخصات منتشر شده است: قم، دلیل ما، ۱۳۸۲: چاپ پنجم.
- ۲- فاطمه در آئینه کتاب ص ۸۸.
- ۳- اطلاعات تفصیلی این آثار در مقدمه فاطمه(ع) در آئینه کتاب، آمده است.





# فاطمیات

محمدنوری

**صفحه زمینه:** همه ما اهل توسل و ابراز ارادت به اهل بیت هستیم و در سوگ آنان اشکمی ریزیم و مویه می کنیم این رفتار معنوی ما هنگامی عمق و اصالت لازم را می یابد که از فلسفه ابراز ارادت ها و عزاداری ها آگاهی داشته باشیم در صفحه زمینه نوشته های تحقیقی و مقالاتی را می خوانید که اندیشمندان مذهبی و محققان حوزه ودانشگاه برای شما نوشته اند مطالعه ی مطالب صفحه ی زمینه مسلماً زمینه ی آگاهی و عمق معرفت را در تمامی هیاتی ها و در تمام سطوح فکری فراهم می کند.

خطابه های پرمحتوای آنان به صورت کتاب عرضه شده است. دامنه این محبت تا آنجا کشیده شده که حتی نوجوانانی را می بینیم که با سن کم خود مشتاقانه و آگاهانه قلم به دست گرفته اند و شعاعی از نور فاطمه (ع) را به نمایش گذاشته اند که این گرایش در پایان نامه های تحصیلی به خوبی مشهود است. همچنین بانوانی که درباره حضرت زهرا (ع) تالیف یا ترجمه داشته اند بیش از ۷۰ نفرند. اکثر مولفین کتب مربوط به حضرت زهرا (ع) از شیعه اثنی عشری هستند و باید هم چنین باشد. در این میان چند مولفه از زیدیه و چند نفر از عامه و چند نفر از غیرمسلمانان نیز دیده می شوند. البته تعدادی از کتب مجهول المؤلف مجموع مولفین بیش از ۱۹۳۰ نفر هستند. **موضوعات مورد تالیف درباره حضرت زهرا (ع)** موضوعاتی که تاکنون در تالیفات مربوط به حضرت زهرا (ع) به رشته تحریر درآمده از قرار زیر است:

خلقت نوری حضرت، ولادت حضرت، نام های حضرت، رشد حضرت، هجرت حضرت، ازدواج حضرت، معاشرت حضرت، زندگی خصوصی، خصایص حضرت، سخنان حضرت، نماز و دعاها و احراز منسوب به حضرت، دوستان حضرت، دشمنان حضرت، اوصاف حضرت، مصائب بعد از پیامبر (ع)، شهادت حضرت، معجزات حضرت، روز قیامت و آمدن حضرت.

### رویکرد پژوهشی

گرایش های نویسندگانی که درباره حضرت زهرا (ع) قلم زده اند، قابل پی گیری و بررسی است. زیرا در بین آنها از مذاهب مختلف اسلامی و ادیان غیراسلامی به چشم می خورد. غیر از گرایش دینی و مذهبی، هر کدام از نویسندگان ایده و هدفی را دنبال کرده اند. عده ای درصد تبع و جمع آوری مطالب مربوط به حضرت بوده اند، بعضی به حیات حضرت زهرا (ع) با تحقیقات علمی پرداخته اند، بعضی به احیای نسخ خطی با تصحیح آنها روی آورده اند، کسانی بوده اند که به بررسی متن روایات فاطمی از نگاه علوم حدیث پرداخته اند و بالاخره دیگری به تالیف فاطمیاتی در عرصه کودکان و نوجوانان اقدام کرده اند. تلاش همه آنها مشکور باد، مهم آن است که همه این تلاش ها منش های برای ساختن فرهنگ فاطمی بوده است.

### افشار اجتماعی

خوشبختانه آثار فاطمی موجود همه قشرها را پوشش می دهد. عموم مردم از این آثار می توانند استفاده کنند، زیرا بسیاری از این آثار متناسب با ادبیات و فهم عموم است. برخی آثار برای کودکان و نوجوانان تالیف شده است، همچنین چند کتاب برای نابینایان به خط سوزنی یا بریل تدوین شده است. البته آمارهای دقیق فاطمیات براساس شاخص قشرهای جامعه باید تهیه شود.

فارسی، عربی و اردو هستند و این دقیقاً به علت گسترش مذهب تشیع در اهل این زبان ها است. کتاب هایی چند نیز به زبان ترکی دیده می شود که به صورت تالیف است. اکثر کتاب هایی که به غیر این سه زبان هستند ترجمه از فارسی یا عربی و یا اردو است. طبق شمارشی که در فهرست های آخر کتاب مشهود است تعداد کتاب ها در هر زبانی چنین است: ۱۰۴۷ کتاب فارسی، ۶۱۴ کتاب عربی، ۲۱۴ کتاب اردو، ۲۷ کتاب ترکی آذری، ۶۱۴ کتاب ترکی استانبولی، ۱ کتاب تاجیکی، ۱ کتاب کردی، ۱ کتاب گجراتی، ۲ کتاب مالایو، ۲ کتاب بنگالی، ۱ کتاب سندی، ۱ کتاب چینی، ۳ کتاب تامیلی، ۲ کتاب بنگالی، ۱ کتاب تایلندی، ۳ کتاب سواحلی، ۱ کتاب هوسایی، کتاب سومالیایی، ۳۶ کتاب انگلیسی، ۱۰ کتاب فرانسوی، ۲ کتاب آلمانی، ۴ کتاب روسی، ۴ کتاب اسپانیایی، ۱ کتاب ایتالیایی، ۱۲ کتاب پرتغالی، ۲ کتاب بوسنیایی، ۱ کتاب آلبانیایی.

### ماهیت چاپی یا خطی اثر

کتاب های چاپی مربوط به حضرت زهرا (ع) که در کشورهای مختلف طبع شده ۱۳۳۱ کتاب است و تفصیل آن به ترکیب کثرت تعداد کتاب ها چنین است: ایران: ۸۵۶ کتاب، هند: ۱۰۱ کتاب، لبنان: ۱۴۱ کتاب، پاکستان: ۹۳ کتاب، عراق: ۴۵ کتاب، مصر: ۱۶ کتاب، ترکیه: ۱۴ کتاب، پرتغال: ۱۳ کتاب، سوریه: ۱۲ کتاب، کویت: ۸ کتاب، انگلستان: ۵ کتاب، بوسنی: ۲ کتاب، بنگلادش: ۲ کتاب، اندونزی: ۲ کتاب، برزیل: ۲ کتاب، آلمان: ۲ کتاب، آذربایجان: ۱ کتاب، بحرین: ۱ کتاب، دبی: ۱ کتاب، مراکش: ۱ کتاب، چین: ۱ کتاب، استرالیا: ۱ کتاب، سریلانکا: ۱ کتاب، تانزانیا: ۴ کتاب، تایلند: ۱ کتاب، اسپانیا: ۱ کتاب، ایتالیا: ۱ کتاب، آمریکا: ۱ کتاب. همچنین در ۶۸ کتاب چاپی، کشور محل نشر و یا چاپ آنها مشخص نیست.

در این مجموعه کتاب هایی که چاپ نشده باشند خطی تلقی شده اند، اگر چه مربوط به قرن های گذشته نباشد و به عنوان دست نویس نزد مولف باشد. کتاب های خطی در این مجموعه ۶۲۳ کتاب است که از کتابخانه های کشورهای زیر شناسایی شده است: ایران، عراق، هند، پاکستان، یمن، ترکیه، سوریه، کویت، عربستان سعودی، افغانستان، ازبکستان، مصر، قطر، تونس، انگلستان، آلمان، فرانسه، واتیکان، ایرلند، سوئد، آمریکا، روسیه.

### پدیدآورندگان فاطمیات

تالیفات مربوط به حضرت زهرا (ع) اکثراً به صورت فردی انجام شده و گاهی به صورت گروهی و یا با نام «هیات تحریری» به چشم می خورد. در میان خادمان فرهنگی حضرت، اصحاب ائمه (ع) تا علمای بزرگ و محدثین طراز اول به چشم می خورد. همچنین خطبای مشهوری دیده می شوند که مستقلاً درباره آن حضرت تالیف داشته اند و یا متن

فکر و قلم از دیرزمان در پیشگاه با عظمت فاطمه زهرا (ع) انجام وظیفه می کنند. مولفان از زمان شهادت آن حضرت تاکنون، در تلاش بوده اند تا اشعه ای از آن نور الهی را در نوشته های خود منعکس نمایند؟ کثرت و حجم زیاد نوشته ها درباره آن حضرت قابل توجه است، همچنین تاثیرگذاری این نوشته ها در فرهنگ مسلمانان نوعی پیوند گسست ناپذیر بین مردم و خاندان عترت (ع) ایجاد کرده است. فرهنگ مکتوب مسلمانان اگر چند پاره داشته باشد، بی شک یک بخش آن را فاطمیات (آثار درباره حضرت فاطمه (ع)) تشکیل می دهد. تاریخ فاطمیات دارای تحولات و تطورات بوده است. این تاریخ گویای این است که اولین کسی که تاریخچه ای از زندگانی حضرت صدیقه کبری (ع) را به قلم آورده و به صورت کتاب تدوین کرده، ابوصادق سلیم بن قیس هلالی کوفی است.

او مطالب مربوط به حضرت زهرا (ع) را به فاصله ای کمتر از سه سال از شهادت آن حضرت به نقل از امیرالمومنین (ع) و سلمان و ابوذر و مقداد که شاهدان عینی ماجراها بوده اند نقل کرده است. کتاب هایی که در طول قرن ها درباره فاطمه زهرا (ع) تدوین شده اکثراً از کتاب سلیم استفاده کرده و مطالب آن را نقل کرده اند. این یادگار هزار و چهارصد ساله بارها چاپ شده و متن تحقیق شده آن به عربی و فارسی و اردو و انگلیسی در دسترس عموم است. تعدادی از کتاب های درباره حضرت زهرا (ع) مفقود شده است، همچنان که شیخ صدوق چهار کتاب در چهار موضوع مربوط به آن حضرت تالیف کرده ولی هیچ کدام در دست نیست. از سوی دیگر بسیاری از علمای گذشته تالیفاتی در تاریخ اهل بیت (ع) داشته اند و در آن کتاب ها به شرح زندگانی حضرت فاطمه زهرا (ع) پرداخته اند. شمار زیادی از این کتاب ها امروزه موجود است و گاهی از کتاب های مستقل درباره حضرت پرمحتواتر و بزرگ ترند.

### نگاهی به آمار فاطمیات

آثار درباره حضرت فاطمه (ع) از زاویه های مختلف آماری قابل توجه است. خود این آمارها نشانگر بسیاری از نکات نهفته در تاریخ زندگانی و مظلومیت آن حضرت است. به عبارت دیگر آمارها گویای صحت و مشروعیت عملکرد آن حضرت است، زیرا تاثیر سیره و گفتار آن حضرت در تمامی ملت های جهان را نشان می دهد. فاطمیات از هفت نظر قابل آمارگیری است: زبان اثر، ماهیت چاپی یا خطی اثر، محل چاپ، محل نگهداری، پدیدآورندگان، موضوعات و بالاخره سال چاپ. در این مقاله تلاش می کنیم براساس آخرین کتابشناسی درباره آن حضرت یعنی کتاب فاطمه (ع) در آئینه کتاب، آمارهایی بر پایه شاخص های فوق بدهیم.

### زبان های فاطمیات

تالیفات مستقل درباره حضرت زهرا (ع) تاکنون به ۲۷ زبان دنیا به دست آمده است. اکثریت کتاب های این مجموعه به زبان های

# نامه‌های رسیده



خدمت مدیریت محترم نشریه خیمه «جناب آقای وافی عزیز»

سلام علیکم

قبل از هر چیز، خیلی خودمانی و بی تعارف «بقول ما شیرازی ها: کاکو دم همتون گرم، روسفیدمون کردین، واقعاً نشون دادین بچه هیئتی و خادمی کردن یعنی چی چی کاکو؟ حالو اینجانب که ما اهالی شیرازی خیمه، به مخالف ها و اشکالات و همه ی کسانیه که به قول استاد بنایی «خود درگیری منفی دارن» می گم! حالو سورو الله ...

واقعاً خسته نباشید، نفسهای گرم و دلهای بهاریتان همیشه سبز باد، درد دلهای شما کیوتر خسته ی حرم آقا را شنیدیم و بسیار متأثر شدیم و ما اهالی شیرازی خیمه تصمیم به مدد و یاری و حمایت نشریه خودمون گرفتیم تا مبادا حسین تنها بماند؟! صدای شما کیوتر عاشق، ما را به یاد واژه عظیم «هل من ناصر ینصرنی» خون خدا انداخت و بر آن شدیم که آنقدر مطلب و عکس و طرح و خبر و ... و اگر خدا کمک کند،

هدایای نقدی خود را روانه ی خیمه امام حسین کنیم»

آمده، بگویند «توبه! توبه! دیگه گلایه نمی کنیم» خلاصه در یک کلمه «کریلا، کریلا ما داریم می آییم خیمه را می آریم رو خاک حرم می زاریم» ان شاء الله.

حاج آقا توجه!

«دوست میگه گفتم، ولی دشمن میگه می خواستم بگم»

در ساختن و آماده کردن خیمه ی امام حسین (ع) هیچ اشکالی و ایرادی پذیرفته نیست. متأسفانه در طرح / آداب / امر به معروف و نهی از منکر / شماره ۱۶ نشریه در حدود پنج اشتباه تایپی هست که فکر می کنم برای چنین متن زیبایی خیلی زیاد است و چشم دشمنان خیمه را خیره می کند، ان شاء الله در آینده دقت بیشتری انجام می شود.



صفحه حاج آقا دعا بفرمایید:

هنکام ختم مجالس مذهبی ، بزرگ مجلس رو به حاج آقای کند و با احترام می گوید : حاج آقا دعا بفرمایید! یعنی ختم مجلس است ، مجلس را تمام کنید! ما هم با متنی که سردبیر نشریه به عنوان ته مقاله می نویسد ، مطالب نشریه را به پایانی رسانیم .

... و در پایان اولاً به دست اندرکاران هیئت رزمندگان اسلام و ورودشان در عرصه مطبوعات با چاپ نشریه ای به نام هیئت تبریک می گوئیم. و البته شیرینی یک خاطره هنوز در کام ذهنمان هست که در جلسه ای با حضور حجت الاسلام پناهیان، مدیر مسئول خیمه، سردار نجات، حاج صادق آهنگران و برادر مداحی، در مهدیه تهران، وقتی مصوب شد تا از ماهنامه خیمه حمایت مالی و معنوی شود گفته شد که: هزینه خاصی برای این کار وجود ندارد و کار هیئت رزمندگان اسلام، نشریه چاپ کردن نیست و می توان کار را به اهلهش سپرد و البته شرط و شروطی هم گذاشتند که باید نام هیئت رزمندگان بیاید و اسم بعضی افراد، و نام برخی هم حذف شود و همه این حرف ها ماند تا مدت ها بعد که چشممان به جمال نشریه هیئت روشن شد.

در حالی که از چاپ چنین نشریه ای خوشحالیم و خوشحال تر از آن که استقلالمان را از دست ندادیم، نظرهمکاران هیئت را به این نکته جلب می کنیم که در صورت بودجه و تهیه مطالب و نیازسنجی مخاطب با نگاه نو و عمیق بدون ملاحظه کاری، دقت بیشتری کنند و تدبیری بیندیشند تا از ظرفیت های رسانه ای در جهت رشد و گسترش مبانی فرهنگی، دینی در هیئات بیش تر استفاده شود. حال که هم پولش را دارند، هم امکاناتش را و هم حالش را، خدا کند که مقداری از اخلاصشان نصیب ما هم بشود. روز به روز برغنا و فخر این حرکت ها با تعامل، همکاری، انتقال تجربیات و حمایت های متقابل افزوده شود.

و حرف آخر آنکه یک التماس دعای حسابی از شما دوستان خیمه نشین داریم، آن هم برای آنکه نشریه سر وقت دربیاید و مشکلات مالی حل شود و در مطلب و محتوا کم نیاوریم و ...

ما که از خودمان ناامید شدیم مگر همت شما و دعایتان کاری بکند.

• سردبیر





### صفحه بیرق :

این صفحه اختصاص به معرفی کتابها و محصولات فرهنگی دارد و در حقیقت بازاری است برای عرضه و فروش محصولات فرهنگی متناسب به فعالیت هیات‌ها. کتاب‌های چاپ شده، سی‌دی‌های عرضه شده، و دیگر محصولات فرهنگی را در این صفحه شناسایی کنید. برای معرفی محصولات فرهنگی خود نیز این صفحه را قابل بدانید.

### نام کتاب: فدک

نویسنده: شهید آیت الله سید محمد باقر صدر

ترجمه: علی اکبر حسن

ناشر: مشهد، موسسه انتشاراتی فدک، ۱۳۵۹

اختلاف حضرت زهرا (س) و خلیفه اول بر سر فدک و حوادث پس از آن، دستمایه کتاب‌های مختلفی بوده است. ماجرای فدک، ماجرای غم انگیزی است که در بین شیعیان همواره به عنوان یکی از نمادهای ستم بر اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و به ویژه حضرت زهرا (س) مورد توجه بوده است. این که موضوع اختلاف حضرت زهرا (س) و ابوبکر و انگیزه هر کدام از آنها در ورود به این مبارزه چه بوده، سوالی است که شهید صدر در کتاب «فدک» به آن پاسخ متفاوت و تحسین برانگیزی می‌دهد. کتاب فدک، یکی از نوشته‌های ارزشمند شهید صدر است که در بیست و چهار سالگی آن را تألیف کرده و در موضوع خود یکی از ابتکاری ترین کتاب‌ها

به شما رمی آید. شهید صدر با این تألیف، علاوه بر اینکه در آغاز جوانی، نبوغ و توان فکری خود را نشان داده، بلکه دغدغه‌های اصلی خود را در پاسداشت حریم اهل بیت (ع) نیز به نمایش گذاشته است.

از دید شهید صدر، موضوع فدک، موضوعی کاملاً سیاسی است، و اختلاف بر سر فدک، نه اختلافی درباره مالکیت آن، که مبارزه‌ای سیاسی بین حضرت زهرا (س) و ابوبکر است که در زمان پس از آن نیز بین خلفای بعدی و اهل بیت پیامبر اکرم (ص) ادامه داشته است. در واقع شهید صدر، انگیزه‌های هر دو طرف را در وارد شدن به این رقابت، انگیزه‌ای سیاسی می‌داند و تأکید می‌کند که خلیفه اول، به خوبی فهمیده بود که مبارزه حضرت زهرا (س) برای میراث و یا هبه و یا بخشش نبوده، بلکه یک جنگ سیاسی و در واقع دادخواستی بود برای احیای حق همسر بزرگوار و بی‌همتایش که خلیفه و یاران او، آن حضرت را از مقام طبیعی و حق مسلمش در دنیای اسلام کنار گذاشته بودند. از نگاه شهید صدر، آنچه که حضرت زهرا (س) را وادار به انقلاب کرد، حکومت غصب شده و سیادت از دست رفته و کسب بزرگواری و مجد و عظمت غارت شده بود، و اعاده مالکیت فدک موضوعی فرعی به شمار می‌آمد. به همین دلیل هم حدود واقعی فدک، حدود خلافت و حکومت اسلامی است.

از همین روست که حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: «آری! فدک در دست ما بود، فدک به مفهوم گسترده آن، یعنی آنچه را که

آسمان بدان سایه افکنده بود، پس عده‌ای بدان رشک بردند و گروهی از آن گذشتند. (ص ۴۲)

کتاب فدک در پنج فصل تدوین شده است. شهید صدر در فصل اول کتاب، صحنه انقلاب را تشریح نموده و حرکت حضرت زهرا (س) را در ماجرای فدک، چنان انقلابی توصیف می‌کند که حضرت زهرا (س) انقلابی بزرگ آن است. انگیزه حضرت زهرا (س) در این حرکت انقلابی، اعتراض به تضييع حق همسر بی‌مثال خویش است که شایسته‌ترین فرد برای خلافت مسلمین است و حق مسلم او توسط دیگران غصب شده است و از این رو، حضرت زهرا (س) همواره گذشته‌ها و مقام علی (ع) نزد پیامبر را برای مردم یادآوری می‌کند. انقلابی که با تمام عمق و ژرفای غم انگیز خود در تاریخ ثبت شده است.

در فصل دوم کتاب، شهید صدر، به بررسی تاریخچه سیاسی فدک می‌پردازد و دست به دست شدن آن را بین خلفا و خاندان اهل بیت (ع) می‌کاود که در این کشاکش تاریخی و در جریان خلافت اموی و عباسی، فدک بارها به فرزندان فاطمه (س) بازگشته و بار دیگر توسط خلیفه بعدی از دست آنها باز گرفته شده است. فصل سوم، فصل تاریخ انقلاب است که مولف در این فصل، رقابت سیاسی خلفای اول و دوم با حضرت علی (ع) و نقش آنان را در زمینه‌سازی برای خلافت امویان توضیح می‌دهد و یادآور می‌شود که از مجموع فشارهایی که بر حضرت علی (ع) و بنی هاشم در دوران آنان وارد شد و از نفوذ سیاسی گسترده امویان در دوران آنها، می‌توان بدین نتیجه رسید که ابوبکر و عمر هر دو، شرایط و زمینه را برای سلطنت امویان فراهم ساختند. در این فصل، شهید صدر به ذکر اوصاف و کمالات علی (ع) در مقایسه با خلفای راشدین می‌پردازد و فدکاری بزرگ ایشان را در گذشت از خلافت می‌ستاید و مقام معنوی او را با بس بالاتر و فراتر از مقام سیاسی او قرار می‌دهد. مولف، گذشت حضرت علی (ع) را از خلافت، به خاطر مصالح مسلمین و دوری جستن از جنگ داخلی می‌داند. از دید شهید صدر، فریاد فاطمه (س) همانا فریاد علی (ع) است که از حلقوم حضرت زهرا (س) بیرون می‌آید، تا حقانیت علی را به اثبات برساند.

شهید صدر در فصل چهاردهم، فراهایی از خطبه حضرت زهرا (س) را تجزیه و تحلیل کرده و کلمات جاودانه آن را یادآور خطبه‌های پیامبر (ص) می‌داند. در این خطبه، حضرت زهرا (س) پس از حمد و ثنای الهی و درود بر رسول اکرم (ص) و ذکر کمالات حضرت علی (ع)، خلیفه و اطرافیان او را از عدالت خداوند بیم می‌دهد. و به آنان می‌گوید: «اکنون این شتر شیرده خلافت را بگیرید و ببرید و بناحق غصب کنید؛ اما بدانید که پای شتر خلافت و فدک مجروح است و پشت وی زخم و غبار و تنگ آن تا همیشه باقی است.» و به این ترتیب دادخواهی از آنان را به خداوند واگذار می‌کند.

شهید صدر در فصل پنجم کتاب، به تحلیل ماجرا و ارزیابی نهایی آن می‌پردازد. ابتدا میزان اعتقاد خلیفه به صحت حدیث مورد استناد را بررسی نموده و توضیح می‌دهد که اصولاً خود خلیفه به صحت حدیث اعتماد نداشته است و تحت فشار خلیفه دوم اقدام به این کار کرده است.

پس از آن، شهید صدر به تفسیر معنایی احادیث پرداخته و توضیح می‌دهد که از این احادیث نمی‌توان استنباط کرد که پیامبر اکرم (ص) ارثی برجای نگذاشته است و معنایی که ابوبکر از آن اراده کرده است، ساطق و فاقد اعتبار است. به اعتبار مرحوم شهید صدر، حداکثر معنایی که حدیث مذکور افاده می‌کند این است که «پیامبران، مال و ثروتی ندارند تا ارث برده شود.» (ص ۲۰۹).

شهید صدر برای اثبات این معنا از حدیث، به تجزیه و تحلیل گسترده آن می‌پردازد و ابعاد مختلف آن را بررسی می‌نماید. در پایان شهید صدر استناد حضرت زهرا (س) به آیات قرآنی را برای رد ادعای خلیفه توضیح داده و بار دیگر خاطر نشان می‌سازد که استنباط خلیفه اول از حدیث، به لحاظ مفاد خود حدیث و نیز تضاد آن با آیات قرآن کریم، باطل و فاقد اعتبار است.

# فدک

## شهید

## آیت الله

## سید محمد باقر صدر

عضویت خبرنگار افتخاری      عضویت افتخاری تحریریه      نمایندگی پخش

نام و نام خانوادگی:

شغل:

تحصیلات:

تلفن تماس:

نشانی محل کار:

کدپستی:

نشانی محل سکونت:

تاریخ و امضاء:

برای پیوستن به جمع خادمان اولین هیأت مکتوب حسینی، کافی است این برگه را تکمیل کنید و به همراه یک قطعه عکس، یک برگ فتوکپی شناسنامه و یک نمونه از آثار قلمی خود، به نشانی دفتر نشریه ارسال نمایید.

۱. بیشتر چه نشریه‌هایی را مطالعه می‌کنید؟      ادبی فرهنگی      ورزشی      اجتماعی      علمی      مذهبی
۲. تا چه حدی با نشریه‌ی خیمه‌آشنایی دارید؟      زیاد      تا حدودی      کم      اطلاعی ندارم
۳. اگر با این نشریه‌آشنایی دارید، کیفیت مطالب نشریه را چگونه می‌دانید؟      عالی      خوب      متوسط      ضعیف
۴. به نظر شما، خیمه در بین نشریات چه جایگاهی دارد؟      خوب      متوسط      ضعیف      نمی‌دانم
۵. هنگامی که نشریه‌ی خیمه را دریافت می‌کنید، چه بخش‌هایی از آن را مطالعه می‌کنید، به ترتیب اولویت، سه بخش را بنویسید.
۶. به نظر شما قوی‌ترین بخش نشریه کدام است؟
۷. به نظر شما ضعیف‌ترین بخش نشریه کدام است؟
۸. فکر می‌کنید جای چه مطالبی در این نشریه خالی است؟
۹. نشریه را از چه طریقی تهیه می‌کنید؟
۱۰. خیمه را تعریف کنید.

| موضوع                 | عالی | خوب | متوسط | ضعیف |
|-----------------------|------|-----|-------|------|
| محتوا و روزآمدی مطالب |      |     |       |      |
| سبک نوشتاری و ویرایش  |      |     |       |      |
| محتوای علمی مقالات    |      |     |       |      |
| تنوع مطالب            |      |     |       |      |
| جذابیت تیترها         |      |     |       |      |
| نوع کاغذ              |      |     |       |      |
| صفحه‌آرایی            |      |     |       |      |
| طرح روی جلد           |      |     |       |      |

در مورد موضوعات روبرو، اظهار نظر تان را به گشاست





### تبار انحراف

پژوهشی در دشمن‌شناسی تاریخی  
ناشر: مؤسسه لوح و قلم  
قیمت ۲۵۰۰ تومان  
چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳  
صفحه ۳۴۲

### کرامات شهداء

تدوین: ابراهیم رستمی  
ناشر: حدیث نینوا  
چاپ اول: ۱۳۸۳  
قیمت: ۷۰۰ تومان  
صفحه ۱۵۴



### در عظمت

### زیارت عاشورا

نویسنده: مرتضی زاهدی  
ناشر: مؤلف  
چاپ اول: ۱۳۸۲  
صفحه ۱۱۸

## کتاب‌های مذهبی و عاشورایی، خلاء تبلیغاتی دارند

مدیر نشر اسلام گفت: کتاب‌های ادبی عاشورایی در مناسبت‌های خاص همانند ایام عاشورا، فروش بیشتری دارند و در دیگر ایام سال، فروش چندانی ندارند.

کتاب‌های ادبی عاشورایی کیفیت بالایی دارند، اما باید تبلیغات خوبی روی این کتاب‌ها صورت بگیرد تا مردم بیشتر به این آثار روی بیاورند. در ایام خاص، همانند عاشورا و محرم، مردم به سراغ این کتاب‌ها می‌آیند و این به دلیل همزمانی با مناسبت‌های دینی و مذهبی ماست که نباید به حساب «تبلیغات» برای این کتاب‌ها گذاشته شود، چرا که به اعتقاد من، هیچ تبلیغ مناسبی برای کتاب‌ها صورت نمی‌گیرد.

کتاب‌هایی که توسط نویسندگان مشهور به بازار راه می‌یابد، فروش خودشان را دارند، البته کتاب‌های قدیمی و مرجع را هم که توسط ناشران به سبک امروزی و به شکل وزین منتشر می‌شوند، مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرد، البته دلیل دومی برای این استقبال وجود دارد که آن، استفاده از زبان روز است. شمارگان کتاب‌های مذهبی، ۵۰۰۰ نسخه است که به نسبت آنچه در بازار کتاب، شاهد هستیم، رقم مناسبی است، الان کتاب‌هایی چاپ می‌شود که شمارگان آنها، هزار و پانصد نسخه است، پس می‌توان گفت که مردم از کتاب‌های مذهبی استقبال می‌کنند، اما تبلیغات بیشتری باید برای کتاب‌های مفید صورت بگیرد.

## معرفی محصولات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)



کتاب سیمای پرهیزگاران  
قیمت ۱۵۰۰ تومان



کتاب تومیه‌های پدران  
قیمت ۲۰۰ تومان



کتاب مسئولان این‌گونه باشید  
قیمت ۳۰۰ تومان



کتاب شنیدنی‌های سفر حج  
قیمت ۷۰۰ تومان



نرم‌افزای نهج البلاغه  
قیمت ۱۳۰۰ تومان



نیازی به الصاق تمبر نمی‌باشد.

## پست جواب قبول

هزینه‌ی پستی براساس قرارداد شماره ۳۷ - ۳۷۱۸۴

پرداخت شده است.

طرف قرارداد: نشریه‌ی بین‌المللی خیمه

شماره صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۴۴۹

## فرستنده:

نام و نام خانوادگی: .....

شهرستان: .....

خیابان اصلی: .....

کوچه: .....

تلفن: .....

صندوق پستی: .....

استان: .....

روستا: .....

خیابان فرعی: .....

پلاک: .....

کدپستی: .....

## فرم اشتراک

نشریه خیمه از خود شماست و ادامه انتشار آن به همراهی و همدلی شما وابسته است.

وقتی نشریه خودتان را مشترک شوید:

از وصول مرتب و سریع آن مطمئن هستید.

ویژه‌نامه‌های مجله با قیمت شماره‌های عادی به دست شما می‌رسد.

هدایای ویژه‌ای برای مشترکین در نظر گرفته می‌شود.

نوارهای کاست سبک نوحه‌ها با تخفیف در اختیار شما قرار می‌گیرد.

و...

و از همه مهم‌تر به نشریه خودتان کمک کرده‌اید.

### توجه کنید:

۱. مبلغ اشتراک را به شماره حساب سبیا (بانک ملی) ۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱ به نام ماهنامه خیمه قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید.
۲. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.
۳. مبلغ اشتراک برای ۶ شماره ۱۸۰۰۰ ریال و برای ۱۲ شماره ۳۶۰۰۰ ریال می‌باشد.
۴. اشتراک از طریق اینترنت: مبلغ اشتراک را واریز و سپس برای تکمیل فرم اشتراک و ارسال شماره فیش بانکی در اینترنت به این آدرس مراجعه نمایید:

<http://kheimh.com/user>

آدرس پستی:

قم / خیابان انقلاب / ۴۵ متریش مار یاسر / جنب کوچه ۲ / طبقه سوم

صندوق پستی ۳۷۱۸۵ / ۴۴۹

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۵۱۴۲۴ - ۷۷۵۱۴۲۳

فاکس: ۰۲۵۱ - ۷۷۰۵۶۶۰

نام: .....

نام خانوادگی: .....

نام پدر: .....

شماره شناسنامه: .....

سال تولد: .....

مدت اشتراک  شش ماه  یک سال

شماره فیش بانکی: .....

نشانی دقیق / استان: .....

شهرستان: .....

خیابان: .....

کوچه: .....

پلاک: .....

کدپستی: .....

تلفن تماس: .....

تلفن رابط برای مواقع ضروری: